به عون خالق انیس و جلیس بخش مراط بدان انسان نسخه

مخزن جواهری بها معدن فوائد مفردات ادویه مأخذ اصح کتب متقدمین و متأخرین موسوم به

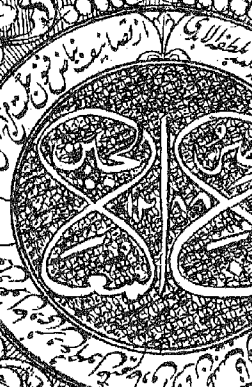

به تحشی و نظر ثانی مصنف ممدوح بار دوم بکمال صحت و خوبی در شهر لکهنؤ سنه ۱۲۱۸

به مطبع محمد علی بخش خان ابن محمد خان جلیه طبع پوشید

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE9884

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذي خلق الانسان من صلصال من طين واصطفى من بنيه نوعه سيد الاولين والآخرين ينقي بطونهم من الاخلاط السوداوية الفاسدة ويثقفهم من الامراض الظاهرة والباطنة فيارب صل وسلم عليه وعلى اهل بيته سفينة الهدى وآله النجباء الذين هم نجوم في الدجى اما بعد حمده وصلوة سيكويد بنده مبتلا بامراض معنوي وصوري محمد ناصر علي بابن خواص بحر رحمت ايزد رحمن شيخ حيدر علي غياث پوري سنبهري عظيم آبادي صان الله عليها سجال الرحمة والغفران اسكنها بحبوحة الجنة وفراديس الجنان كه فوز برسعادات اخروي وبلوغ بكمالات دنيوي منوط ومربوط بصحت بدن وتندرستي اعضا وآن موقوفست براعتنا بعلمي شريف وفني منيف مسمي بطب نظر باهليه عمر عزيز خود را كه دو اسپه ميرود وبدلي ندارد بتحصيل اين علم شريف مصائبها كه كشيدم كشيدم واز تعلمش ملالت استاذان اين فن گلها كه چيدم چيدم اكثر احباب باتحاد واصحاب صادق الوداد بتاليف كتابي در علم طب كه مخزن ادويه مفرده بقيد اسامي آن بلغات ثلثه وبيان ماهيت وطبيعت وضرر ومصلح وبدل وقدر شربت وافعال وخواص آن مع ما يحتاج اليه في الطب من الالفاظ ان اصطلاحاتهم وغيرها باشد تكليف نمايند اگر بنظر قلت وقت ازاقدام باين امر عظيم بر اعلما ميگرختم وبامروز فردا ميگذرانيدم چون نگذاشتند مجبور شده كتابي موجز مشتمل بر مقدمه وسبعة ابواب وخاتمه مسمي بحال وتفرق بال السبيل استجلال بترتيب حروف تهجي از الف تا يا از كتب معتبره ومبسوطه مثل اختيارات بديعي وقانون شيخ الرئيس واختيارات قاهري وتذكره اولي الالباب وتحفة المؤمنين ومجربات فضلي وتاليف شريفي وذخاير الاحاديث وجامع بغدادي وادويه قلبيه والفاظ الادويه وبه وارشاد شيخ اسمعيل وتحفه الادويه جامع المالبقي وعين الحياة

وحیوانات الحیوان وغیرها از کتب ادویه عربیه وفارسیه وهندیه استنباط وانتقا کرده مسمی به ناصری الملقب بخفی
منحصر بهیک مقدمه وبست وهشت مقاله ویک خاتمه نمودم والله تعالی اسئال ان یجعله مقبول الطبع والهم
وکل الانام وان یحفظنی من الخطاء وزلات الاقدام وهو حسبی ونعم المولی ونعم الوکیل ونعم النصیر اکنون چشم از بصیرت
زمین وحذاقان این فن آنکه اگر بهای چشم بگذشت این چمن شتابند وجای خارخطای یابند جای آنکه بعین عنایت
پوشند وبانقلم اصلاح بقلم آن کوشند وغار خرده گیری بدامن مؤلف نخلانند بیت که در بحر لولو صدف
نیز هست ✤ درختی بلند ست در باغ پست ✤ وما انا الشرع فی المرام معتصما بحبل الله الخالق السلام مقدمه
در بیان امور یکه اطلاع بران قبل از شروع در مطلوب ضروریست ودران هفت فصل ست فصل اول در
تعریف علم طب وموضوع وغایة آن بدانکه طب در لغت بمعنی تحر واصلاح وعادت وحذق ست ودر اصطلاح اطبا
عبارت از علمی ست بقوانین که شناخته شود ازان احوال بدن انسان من حیث الصحة والمرض برای حفظ آنچه
حاصل ست وتحصیل آنچه غیر حاصل ست بقدر امکان فی مناسبت میان معنی لغوی واصطلاحی ظاهر ست اما اول پس بسبب
آنکه حفظ صحت مورد آن برای جسمی که مرکب ست از عناصر متضاده وکیفیات متخالفه بمشابه سحر وعادت ثانیا پس
برای آنکه لابد ست برای طبیب از نظر مصلح واصلاح بدن فی ثالثا پس برای آنکه لازم ست مر طبیب را که ماهر باشد
بحذری نماید که عادتا وشود وآثار رابعا پس برای آنکه او محتاج ست سوی حذق تام ومهارت تمام وموضوع علم آن بدن
انسان ست از آنجهت که صحیح ست یا مریض وغایة آن صدور افعال صحیحه وحفظ صحتی ست که حاصل ست واسترداد
صحتی که زائل ست فصل دوم در معرفت مزاج وشناخت درجات ادویه در کیفیات اربعه وذکر اجمالی از طرق
ودرجه آن بدانکه مزاج عبارت ست از کیفیتی عنصری متوسط بتوسط ما متشابه الاجزا که حاصل شود از کیفیات
متضاده وهرگاه آنرا بدون اطلاق کنند مطبوع نامند وآن خالی نیست از آنکه کیفیت که بهمازان کیفیات اربعه بسیطه اند
که حرارت وبرودت ویبوست ورطوبت ست چهار دیگر که مرکب ازین کیفیات اربعه اند ویکی اعتدال ومنتخب
اطبا پس بدانکه کیفیت واثر دوا منحصر ست بچهار پایه که آنرا درجه خوانند زیرا که انچه وارد بدن انسان بمعتدل المزاج
یا قریب باعتدال چون ذکی الحس گردد پس بعد انفعال از حرارت غریزیه یا کیفیتی زائد که اورا بود احداث نماید یا نه
اگر نماید آنرا معتدل خوانند واگر نماید آنرا غیر معتدل گویند پس خالی نیست که آن کیفیت محسوس شود یا نه اگر نشود آنرا
زائد ودران کیفیت درجه اول گویند وشناخته میشود تاثیر این دوا از انکه ازاستعمال واکثار مقدار آن
واگر محسوس میشود پس بسرحد مضرت میرسد یا نه اگر نه رسد درجه دوم گویند واگر برسد پس بسرحد ضرر رسد پس مجرب
بهلاکت میشود یا نه اگر نشود آنرا درجه سوم گویند واگر منجر بهلاک شود آنرا درجه چهارم گویند وعلماء هر یک از
درجات اربعه را سه مرتبه مقرر فرموده اند در عرض اول ووسط واخر پس کیفیتی که غالب در اول درجه اول شود

خواهد بود بنسبت وسط آن کم محسوس خواهد شد و در وسط آن زیاده ازان و در آخر آن از همه زیاده و در درجهٔ رابعه
در هر مرتبه از کیفیات راد طول سه گفته اند و آن شی را سمی الا آنکه بحسب صورت نوعیه تریاقی بود و دوا انیکه
سمیت آن در اثنای اول آن درجه بود علاج پذیر بست و انچه در آخر آن بود اصلاح پذیر نه و مؤلف بها عث
ضیق جداول رعایت این مراتب ننموده اما بعضی جاها بهاشیه اشاره بآن نموده و **فائدہ** مخفی نماند که دوا
حار رطب انجا واز نیکه حرارت آن از درجهٔ اول زیرا که اگر حرارت آن زائد شود بران بعد ارفانی میسازد
رطوبت آنرا پس بهمین جهت نیابی دوائی را حار در درجهٔ دوم و سوم مگر آنکه یابس بود و دوا انیکه حار در
درجه سوم و چهارم بود پس او یابس بود و ان در درجه دوم و سوم خالی نیست ازان که حار بود یا یابس یا بارد یا رطب
یا مرکب ازین یا معتدل و هم خالی ازین نیست که بدرجهٔ اول بود یا دوم یا سوم یا چهارم پس مؤلف درجهٔ اول از حرارت
ح واز یبوست ی واز برودت ب واز رطوبت ر واز معتدل مع بحبر تحریر آورده و علامات
درجات بالحساب هندسه از اول ۱ واز دوم ۲ واز سوم ۳ واز چهارم ۴ ثبت ننموده اکنون نبندے
از دور الیقین طبع در درجهٔ آن بحبر تحریر می آریم **ادویهٔ حاره در درجهٔ اول** خمص لاون رماد
حلزون بری شاهتره صبر افسنتین بابونه تخم کتان **ادویهٔ حاره در درجهٔ دوم** کرفس کندر
حنطه کهل العرب اصل باذرون سپند وسیاه باذروج زراوند طویل و مدحرج مصل قصب الزریره زعفران
فصل ثعبت بزرالاسفناخ فرسیون کبر تیانیه وشحم الکوار یا سقاقس لبسان بزرالانجره صلیبه عصاره
قثاء الحمار شورشجره حبة الخضرا **ادویهٔ حاره بدرجهٔ سوم** کمافاذریون مزتجوش قنطاع شب محرق
ذرنیک کندر معروف محرق غار حرمل ترب لفاحا انیسون شقیون عاقرقرحا شیح ارمنی کرفس کوهی
ناخواه روج شبب برگ تخم فتنکشت اسارون بودینه مجبلی اسداب سکبینج فتیلم شیر مرطلقا شعیر محرق فودنج
نوری کردیا کاشم مرباجوز قشور قصیب محرق **ادویهٔ حاره در درجهٔ چهارم** تومیا زبد البحر سداب بر
آرات کرم جمیع تدوج قرصون قسط قطران جمیع چیزهای محرق **ادویهٔ بارده بدرجهٔ اول** رطب
یسفاج حاوربس خشخاش برگ بنفشه اقاقیا ناشسته بابونه برگ قصب نیل جبن زجاج سرمق کمثری
نشاسته هندباء بیضا شبنگ برادهٔ کماس دهن زنجفر **ادویهٔ بارده بدرجهٔ دوم** بطیخ بزرقطونا
زیتون خام عنصر الخضر کدو لسان الحمل ماش خیار بقلهٔ یمانیه برگ جلیون خوخ خاص سماق
شحم اترج مغز کلم **ادویهٔ بارده بدرجهٔ سوم** بقلة الحمقا خاص اترج حی العالم کبیره صغیره خشخاش سیاه
عصاره اراعی قطر لفاح جلنار **ادویهٔ بارده بدرجهٔ چهارم** افیون شوکران جوز المائل ماذریون سیاه
وجمیع اشیا خدر **ادویهٔ یابس بدرجهٔ اول** اصل السوس بادام شیرین پرسیاوشان بسفایج

پوست تخم غرنه زعفران سعد کندر کمثری بستان افروز لبان خارخسک اهلیلج بابونه تخم انجره
حب الغار حی العالم کبیر وصغیر روغن جوز زاباده صمغ پسته جوشانده صمغ جوز ورق سوسن ادویه یابس بدرجه
دوم ترنجبین جندبیدستر جبة الخضر سنبل الطیب شاهترج مصطکی عسل مرکی بادنجان بشتی چای حنائی
بیخ نیلوفر بلسان راسن الاثل زراوند زفت سنبل رومی شیلم شهدانج قصب الزیره کرسنه فشوش انزروت کرب
نسخ العنکبوت لبن جاوشیر ادویه یابس بدرجه سوم لوم انیسون افتیمون اسارون جلنار حلتیت
حمص زوفا سلیخه سرکه کرفس مرزنجوش ورق غار جاموس جوز بوا صعتر بلوط اقاقیا انسنتین اهل
اهل الماذریون بلسان بوره حاشا حاض انزج داشیشان فشوش قصب زنا دنطرون بری روغن تربد
سرطان سوخته سرمه وسداب بستانی شب محرق شونیز موی سوخته میر سماق صوف محرق فادانیا قیصوم
کرویا دچ مشکطراشیع نانخواه ادویه یابس بدرجه چهارم خردل سداب بری کراث کرم افرنبیون
قطران افیون جوزمائل ادویه رطب بدرجه اول روغن گل کاهو بلسان الثور حضیة الثعلب
اسفاناخ خرخ برگ بنفشه انجیر دم چرنبی تودری عصاره سوسن ادویه رطب بدرجه دوم بقاریانه
بقلة الحمقا بطیخ کدو مشمش برزقطونا بلوط فصل سوم در معرفت صفات ادویه بسفرده واسامی آنها
بترتیب حروف تهجی اکثال خورنده عضو وآن دوائی کریباعث فربه قوت بدن بتکثیر اجزاء جوهر اعضا نمایند
زنگار انزروت نمک اشنان سیندر نوره صمغ موخته توتیا مرداسنگ توتیا اسپس جاذب ای کشنده
وآن دوائیکه بکشد اخلاط وطوبات را بسوی خود وبظاهر جلد بباعث حرارت قلع خود جذبه بستر نباشیا
وغیره جالی ای پاک کننده ودوائیکه پاک کند طوبت از جرح را از سام عضو انزروت عسل ابهل شوره
نمک نبات زرنیخ آبکاسه اریساحب بلسان زفت حاجا مدای استکننده ودوائیکه اخلاط رقیقه بستر گرداند
موم نشاسته کهربا کتیرا حالق وصلاق بفتح استرنده سودا آن دوائیکه سودی را برکند پوست گردانده
بآسانی کنده شود نوره زرنیخ سقمونیا اب خاکستر حیکال ای بخارش آورنده ودوائیکه بسبب صدت
وگرمی خود جذب کند وبی سام اخلاط غلیظ گرنده فاش کننده رانه بحد یکه زخم نماید دعضو مانند کبیکج خاتم
ای تمام کننده زخمها ودوائیکه بسبب قوت بحفظه خود ظاهر جلد جراحت را خشک نماید وبر طوبتی نگذارد وشک
ریشه بند انزروت اشنه آبکشت توتیا صبر صدف سوخته وغیره دوائیق دوائیکه بسبب لزوجت
خود بدست چیزها را بند دبق راوغ یعنی بازگرداننده مادة آن دوائیکه اخلاط سائله را باعث برودت
دقوت قبض خود از سخن بسوی عضو باوف بازدارد عقب الثعلب برزقطونا گلنار فوفل کشنیز خشک عاصر
ای فشارنده وآن دوائیکه بباعث شدت قوت قبض وجمع خود عضو را بفشارد تاکه رطوبت رقیقه در خلل

وسوراخ عضو را جدا گردانند مانند تخم ترنجبین وغیره **مغسال** یعنی شوینده وآن دوائیکه بقوت مالیخه خود اخلاط را از سطح عضو زائل نماید واز اصاف گرداند مانند آب فاترو ماء الشعیر وغیره **قاتل** ای کشنده وآن دوائیکه بسبب شدت خود روح حیوانی وقوای را فانی گرداند سنجر بهلاکت گرداند افیون افریمون بیش و لفظ قاتل مراد سم ست گویند که زهر جمیع حیوانات مخصوص باسم ست دیگر زهر ها مخصوص باسم قاتل **قاتلات** دو دوای دوائیکه کرم شکم وغیره را هلاک سازد با برنگ کابلی زوفای خشک جعده افسنتین پودینه قنبیل شیخ شونیز برگ شفتالو ترمس کرویا حرف **قابضات** ادویه که طبع را بند گرداند پوست ترنج پوست سنگ انار مغز جفت بلوط پوست بیرون پسته زرشک حب الآس با قلا طباشیر دم الاخوین گلنار بسد جوز سماق عدس بارتنگ اذخر جوز السرو مغز تخم جامون مغز تخم انبه **مقطعات** که تخم را بریده گرداند تخم بریج نانخواه نازبو کندر طین ارمنی روم مرزنجوش نابریان ورق رز آمرود کهربا تخم ریحان نشاسته زعرور گاورس نارذین **قابشر** یعنی خشک کننده پوست دوائیکه بسبب شدت قوت جلای خود بخراشد پوست فاسد عضو را مانند زراوند متوسط وغیره **کاوی** ای داغ کننده وآن دوائیکه بسبب شدت احراق وتخفیف خود جلد را بسوزاند داغ نمایند مثل زاج وقلقدار **کاسر الریاح** شکننده ریاح وآن دوائیکه قوام ریاح غلیظه متحقنه را بقوت حرارت وتخفیف خود رقیق ساخته دفع نماید مثل تخم سداب وغیره **دافع** ای گزنده دوائیکه بقوت حرارت وشدت لفوذ خود در عضو رفته تفرق اتصال پیدا نماید وبگرداند مانند خردل وفلفل وغیره **لزج** ای چسپنده دوائیکه اجزاء آن از هم منقطع نگردند با خود ها چسپیده بوند مانند خبازی وغیره **مانعات احلام** رویه دوائیکه از بدن اجهای پریشان باس دارد سنگ بلور چوب زیت درگلو آویخته شب یمانی زیر سر داشته مضغ درنج **نقلة الحمقا** عاقرقرحا ذهب مرتشیشا مجر از رجاج **مانعات انصباب الموادالی العین** ای دوائیکه مواد را سوی چشم چکیدن نرهد قشر البطیخ دخان الکندر قرن الابل دقیق باقلا آبنوس بزرالکنج زعفران مخلوط بشیر زن دخان بلغشه لبلاب فوفل تریاق فاروق انزروت عنب الثعلب سفرجل عدس با درنج صندل ابیض حنظل نسبتی زرورد اقاقیا شعیر سماق کشری بسد توتیا حضض کف قطران **مانعات نزف الدم ونفث الدم واسهال الدم** ای دوائیکه حبس خون بینی ودهان وخون استهالی نماید دم الاخوین مقطعه قنطوریون جوز السرو کشنیز خشک زرشک بسد مضغض زیره کافور بیخ انجبار پودینه گیرو بادرنج اشه جفت بلوط بارتنگ کهربا نشاسته بزرالکنج شادنه گلنار کندر مازو گل ارمنی رشته برگ کتمه ریوند بیخ عذبه **فغر مانعات خمار** ای دوائیکه خمار را منع نماید گل سرخ انار ترش عرق لیمون شربت قند عرق گلاب **مبرد** دوائیکه احداث برودت وسردی

نماید کافور کاهو صندل وغیره **مبهی** ای بحرکت آورنده قوت باه وآن دوائیکه تولید بادهٔ منی ورياح منعظ
بسبب حرارت معتدله ورطوبت فضلیه خود در مجاری اعصاب و اعضای تناسل نموده قوت جماع بخشد مانند
زنجبیل خرما مرغ دراج بیضهٔ مرغ عصفور و بیضهٔ آن خصوصاً دماغ آن انگور تخم گذر کنجد تخم شترگاو پستان
شتر گوشت بزغاله کتیرا دارچینی مغز بادام مغز جوز مغز چلغوزه باقلا پنیر پایه شترچیر جب انزلوطیت تخم انجان
حنیة الثعلب زرنباد سورنجان شقاقل فستق قرفه قسط نخود فندق مغزه تخم بلیون تخم کورلو بیضا
مغز خیار تخم ترب تخم پیاز شیر گاو روغن گاو شیر بز بشکر بوزیدان گوگرد وبهمن سرخ وسفید تودری
زرد وسفید توتیای سیاه وسفید عاقرقرحا قصطکی تخم گندنا دارفلفل تخم خشخاش سفید آشنه اسارون مشک
مروارید خبث الحدید مدبر انجیر قیصوم ماهی موصل سنبهل ریگ ماهی **مجفف** ای خشک کننده دوائی را نامند
که بقوت مجففه خود رطوبات عضو را خشک نماید وتحلیل برد صندل سوخته خرمای سوخته انزروت آشنه مردهسنگ
صدف آهک شسته توتیا سندروس **محرق** ای سوزنده دوائیکه بسبب قوت حرارت ونفوذ خود رطوبات عضو
را تحلیل نماید واحداث احراق وتاکل نماید فرفیون زرنیخ زنگار توتیا لوزه **محکک** ای خارش آورنده دوائیکه
بقوت حرارت ونفوذ خود جذب نماید اطلاق لذا مدحکاکه را سوی مسامات جلد وبسر حد تقرح نرساند انجره
کبیچ **محلمات** رویه ادویه که ازان خواب پریشان بنظر آید بیازخام خوردن شراب حدیث آلو بادنجان
باقلا گندنا لوبیا قنبیط **محلل** وآن دوائیکه بقوت حرارت خود خارج کند اخلاط چسپیده بعضو را از راه
بخار جزءاً فجزءاً تا آنکه چیزی باقی نماند زراوند مزرنجوش جندبیدستر اکلیل الملک سوسن نرمس بابونه خطمی
خرزهره جعده پرسیاوشان برنجاسف وج اسارون تمام قثاء الحمار اشق بیاز عنصل غافث خروع
جاوشیر افجوان زفت صمغ بطم لاودن قنه حاشا کمادریوس اذخر باقلا خردل دارابلد خیری دارچینی
سرطان ثبت **صبر محمر** یعنی سرخ کننده دوائیکه بقوت گرمی وجذب خود سرخ گرداند عضو ظاهر را واز
مطلق آن محمر خسار مراد گیرند مانند خردل فوه وزنج انجیر لاله نعناعی وغیره **محمر** یعنی سرخ کننده دوائیکه بسبب
برودت وپوست وقبض خود سر سامات عضو نموده از نفوذ روح نفسانی دران مانع آید وآنرا از حرکت باز دارد
وبا روح نفسانی را کثیف کند واز حرکت وحس باز دارد افیون اسپند قاتل الکلب اصل السوسن تخم شاهتره
برگ تنباکو تخم آن کندر شوکران لوزنگ جوز ماثل بزرالبنج کاکنج بیروج الصنم **مخرجات جنین**
یعنی دوائیکه بچه را از شکم بیرون آرد ابهل زراوند تخم کتان سلیخه فلفل بوزیدان پرسیاوشان غرلیق
سیاه زیره سیاه حمول کردن مازو سیاهیده نوشیدن وشونیز بیوست حنای سبز بابرگ بالنس جوش کرده
نوشیدن پنبه لاسول باغر بوب سیاه بار یک نموده بهروزه آغشته بر ناف طلا کردن **مجنین** کندش باریک

کرده با سل برناف یا خانه طلا نمودن **مخرجات مثیمه** پرسیاوشان سم ثعلب بخور کردن تخم کرنب بخیال کبوتر
سلیخه شونیز بر نجاسف جند بیدستر آیرسا آبهل سائیده در رحم قطور کردن و نوشیدن بابونه وحب الملی
مخشش ای فرازه نشیب و درشت کننده دوائیکه بشدت قبض و تخفیف خود سطح عضو را خشک الاجزا
ولست و بلند گرداند اکلیل الملک خرول وغیره **مدرای** ادرار آورنده دوائیکه بقوت حرارت و تلطیف خود
مایئت اغذیه فضول سائله را از راه بول یا خون حیض یا عرق یا شیر اخراج نماید اهل انجوان انیسون بابونه سیاوشان
جند بیدستر سداب را زیانه دار چینی سلیخه فادانیا کبابه کرفس وغیره **مدرات بارده بول** خارخسک
تخم خیارین گل نیلوفر و آب کاسنی تخم خرفه آب کدو آب خیار آب قرع تخم چرچره تخم کاسنی آش جو آب کیموس شورو
کاکنج **مدرات حاره بول** تخم گندر پرسیاوشان سنبل الطیب انملتاس بادیان کباب چینی قسط
شیرین زعفران سلیخه انیسون زوفای یابس سداب اسارون عود بلسان اهل بر نجاسف کرفس مغز
تخم کرنب شونیز لوبیه نانخواه خبازی **مدرات حیض** پرسیاوشان کباب چینی سلیخه حرمل برنگ کاسنی
شونیز اهل قسط شیرین فاد ابنافر اسیون بر نجاسف جندبیانا قردمانا عود جاوشیر زعفران بابونه زوفای
خشک حبة الخضرا آب نخود آسارون سداب پوست املتاس سعد تمام کرفس جعده مرزنجوش نانخواه
نرمس مدرات منی کرفس افسنتین بادیان نرمس درمنه ترکی **مدمل** ای اندمال آورنده و اصلاح
دهاق کننده بحروح دوائیکه رطوبات قروح و جروح را خشک و کثیف کرده از گوشت صحیح پرنماید گل مختوم
سنگ جراحت اثمد دم الاخوین صمغ آلوکتیرا صبر گلنار استفیخ انزروت کندر سفید موم سفید زراوند
روغن گاو شسته زیره سیاه راتل ورق بلوط ایرسا زفت آب لسان الحمل مرخی یعنی **مرخیات**
کننده و آن دوائیکه بقوت حرارت و رطوبت خود قوام اعضای کثیفة المساهم را نرم و سست نماید و مسامات
را فراخ تا فضول مجتمعه بآسانی دفع گردند مانند شبت و بزرکتان **مرطب** دوائیکه بسبب رطوبتی که
در بدن بهم میرساند و بتری افزاید کدو بزرقطونا بلیخ **مرقق** دوائیکه اخلاط غلیظه را رقیق نماید مانند عسل
خل وغیره **مرقق** ای انزاینده فضول و اخلاط دوائیکه بقوت ملینه خود تلئین سطح عضو نموده اخلاط را
دفع نماید آلوی بخارا مرزنجوش وغیره **مسدد** دوائیکه بکثافت و یبوست خود مجاری را بسته نموده سد انشاء
خشخاش سفید وغیره **مسرعات سکر** آنکه زود نشا آرد بادام تخم زعفران تخم کاکنج جاودر سه چهار مله
بهنگ **مسکن** دوائیکه در دنا را التیام دهد و اخلاط و ارواح را از حرکات غیر طبعی باز دارد افیون
پیه بط بیخ برزالصنم سفیده تخم مرغ نشاسته کتیرا صمغ عربی **مسهلات** ای دوائیکه بخواباند
و اعضا را بیحس نماید انجوان اصطرک حماما زعفران مشبت شقاق کاهو لفاح شاهسفرم **مسمن**

ای فربه کننده بدن طبیعی زیادت آنچه زعفران جلیبی سکنجبین وغیره مسهل دوائیکه غلبه خواب وغفلت را دفع نماید
چاپای شکر خرد دل مرج سیاه بوسیدن مشک نمک ایارج فیقرا بوسیدن کافور قرنفل بوسیدن مسهل دوائیکه
اخلاط فاسده و فضول رديه را از اقاصی عروق اعضا از راه براز دفع نماید مسهلات صفرا آلو بخارا
هلیله زرد گل بنفشه گل خرخ تمرهندی برگ سنا ترنجبین شیرخشت مغز فلوس افسنتین سقمونیا شاهتره
شیر لبلاب شبرم ماذریون مسهل مرکب که مخصوص باخراج صفراست هلیله زرد شش درم
آلو سیاه پانزده عدد سپستان بست دانه سنای مکی شاهتره هر یک سه درم تخم کاسنی دو درم عناب
نه دانه تخم کشوث یک و نیم درم شیرخشت یازنجبین بقدر ضرورت مسهلات بلغم غاریقون
شحم حنظل تربد سفید ماهیزهج حب النیل حرمل بسفایج سکاکی کاولنجی سورنجان شیرین ریوند
دارچینی مغز تخم بید انجیر مقل روغن بید انجیر مغز فلوس حب ایارج حب السلاطین قرفیون قنطوریون
ماهودانه قشار الحمار مسهل مرکب مخرج بلغم ایارج فیقرا تربد سفید مجوف حب النیل هر یک یک درم غاریقون
انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل تمک هندی هر یک یک و نیم دانگ شب بعرق بادیان نیمه سائیده صبیان تا
صاف نموده بنوشند دیگر عناب سپستان هر یک بست دانه زوفای خشک پرسیاوشان آزاد بیخ کبوده
هر یک سه درم مویز منزوع النوی پانزده درم انجیر خشک هفت عدد اهلیلج السوس مقشر نیکوفه چهار درم
جوش داده صاف نموده مغز فلوس ترنجبین گلقند هر یک ده درم مالیده مکرر صاف نموده روغن بادام
اضافه نموده بنوشند مسهلات سودا افتیمون اسطوخودوس بالنگو آمله چرا جوره چرا رسنی هلیله کابلی
هلیله سیاه سنای مکی کشوث بسفایج غاریقون حب النیل ایارج فیقرا ریوند دارچینی مسهل مرکب
مخرج سودا افتیمون ده درم لاجورد نخسول هفت درم چرا رسنی نه درم ایارج فیقرا هیجده درم سقمونیا خربق بیا
شحم حنظل هر یک دو درم انیسون سنبل الطیب هر یک یکدرم کوفته بیخته آب کرفس جسانده بقدر دو یم
استعمال نمایند دیگر زنجبیل نیم درم بادرنجبویه گاوزبان هر یک سه درم گلسرخ چهار درم انیسون بادیان
هر یک دو درم تربد سفید مقشر مجوف یکدرم مرچ سیاه دو دانگ بسفایج نیکوفته پنجدرم سنای مکی اسطوخودوس
هر یک هفت درم هلیله سیاه ده درم افتیمون نه درم جوش داده صاف نموده چرا رسنی غاریقون چرا لاجورد
از هر یک دو دانگ کوفته بیخته در مطبوخ انداخته بنوشند مسهلات ولادت دوائیکه از تعاب آن
وضع حمل و بچه زادن بآسانی گردد مقل سلیخه گلنار شحم حنظل مغز سیلو فرحلبه عصاره بارتنگ عصاره کاسنی
تخم خشخاش سیاه حمل کردن سنگ مقناطیس قطعه کهربا بدست چپ زن دادن تبسد برزالوی راست
بستن دارچینی خوراندن روغن کنجد بالعاب تخم کتان آمیخته قبل ازان چربیدن مسهلی

دوائیکه اشتها آرد و گرسنگی از استعمال آن معلوم شود عرق لیمون پوست ترنج سکنجبین بنفرجل حب مسکه زنشک
پوست لیمون فاقل مرکب هندی مصطکی خوشنجان آب سرو قاقله شیر شتر **مصلح** دوائیکه اصلاح حال
ماکول و مشروب نماید و ضرر ادویهٔ دیگر باز دارد مانند زعفران برای افیون **مصلب** دوائیکه جوهر عضو
یا مواد را سخت گرداند **مصدع** ای دوائیکه از استعمال آن صداع یعنی درد سر عارض شود بخور اطفار
الطیب خوردن بزر البنج کنند کرات شبت سیر پیاز عدس حلبه برگستان خاکسی آرچ توت انسنین
اسفناخ خشخاش آذخر گل خیرو ترب بادنجان کوشت تندرو بلوط جعده گلنار جوزبوا کمان **مصفر**
دوائی که بعضوی از اعضا یا قوتی از قوی ضرر رساند **مضرات باه** فرنجمشک کاسنی کاهو کشنیز نیلوی
سیر طام بیخ نیلوفر عناب یاسمن قسط هندی تخم خشخاش سیاه بقله یانه حماض کافور تره هندی آلوی بخارا
لیمو موم نمک آب سرد بسیار نوشیدن خصوصاً وقت مسبح بالاخوردن چیزی و بعد جماع و جمیع اشیای ترش
و مکسرات **مضرات بصر** عدس خرفه حماض کرنب کاهو چغندر کندنا جماع بکثرت نمودن و دیر
تا آفتاب یا فریب آتش نشستن و بسوی آفتاب یا چیز ملمع و تابان نظر کردن **مضرات جگر** خربا
انجیر نارنگی سرکه شنبلید اسود بسیاسه حب البان آب سرد دار شیشعان **مضرات دندان** کشنه
شیر خصوصاً شیر شتر ترب اشتان آب شوره آب برف اشیای ترش و چیزهای گرم خورده یا نوشیده
فوراً آب سرد نوشیدن **مضرات دماغ** پیچ مریم حلتیت خشخاش احماس اشنغار انبلیج کابلی
تنباکو سرشف **مضرات ریه** آسارون حب القلت حاشا شاهتره بادآورد بیخ بنفشه حجر الغافاطس
مضرات معده کنجد عدس ماءالشعیر تخم نالم آلو شیرین عناب تخم کتان گل معصفر آدرک بورق
انجیر تافسیا حبه حصرم هما پنیر کهنه آب گرم روغن گاو و چیزهای شیرین و مرغیات معده حب البان حجر ارمنی
مطفی دوائیکه حدت و صورت اخلاط ساده را فرو نشاند کافور کاهو **معدل** دوائیکه اخلاط متغیره
را بحالت اصلی آرد و تعدیل مزاج نماید **معدلات خون** تخم کاهو تخم کاسنی آلوی بخارا برمد تازه
چوب آبنوس برگ نیم چوب شیشم گل نیلوفر گل بنفشه شربت صندل شربت گذر عرق بادیان گلسرخ
آب لیمون سکنجبین شربت عناب ماءالعسل **معدلات صفرا** کاسنی خرفه اسپغول تخم خیارین کشنیز
صندل سفید تخم کاهو کافور بهدانه **معدلات مرکبه صفرا** قرص طباشیر لین قرص کافور قرص
طباشیر قابض شربت صندل شربت بنفشه شربت آلو شربت نیلوفر **معدلات بلغم** بادیان انیسون
لیمون دارچینی اصل السوس مقشر قاقله مویز برنجاسف سنبل الطیب فتناری حلمی **معدلات مرکبه**
بلغم معجون سیر معجون فلاسفه معجون دنجبیل جوارش جالینوس **معدلات سوداسپستان**

گاوزبان تخم خربزه اسپرک اسپیوس شنبلیله افتیمون انجبار مویز تخم مرو **معدلات مرکبه سودا** سکبین
افتیمون معجون سقمونیا یا قوی بوعلی آنوشدار و مفرح دلگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان **مسرق**
دوائیکه رطوبات منجمده را از راه مسام دفع نماید **معطس** ای دوائیکه تحریک مواد دماغی کرده آنرا بعطسه
دفع نماید تنباکو بنجکنی وغیره **معطش** ای دوائیکه تشنگی آرد و طبیعت را مشتاق ترویح نماید آب یا چیزها
مانند خربزه وغیره از چیزهای گرم و خشک **معفن** ای پوسیده کننده دوائیکه فاسد نماید مزاج عضو را و بدگوارد
ارواح و رطوبات آینده بسوی آنرا زرنیخ ثامسیا **مغری** دوائی یا بسی که بباعث رطوبت لزجه خود
بمسافه دقوقهات عروق چسپیده و سده پیدا کند صمغ عربی نشاسته کتیرا آهک شیشه **مغشی** دوائیکه نفخ و ریح
بشکند و تحلیل نماید انیسون افتیمون بسباسه تخم گندنا چغندر چاوشیر حماما دار فلفل زیره فلفل قرنفل تخم کتیرا
زرنباد زراوند سداب سعد مصطکی کندر کرفس **مغلظ** ای دوائیکه اخلاط را قوی و ارواح و حواس را
غلیظ نماید مانند بقولات وغیره **مفتت** دوائیکه سنگ مثانه و گرده را بریزاند و اخلاط متحجره را ریزه ریزه
کند اسارون برنجاسف حجر الیهود سنگ سرمایی رماد مقرب صمغ آلو تخم خربزه پرسیاوشان بادام تخم خارخسک
را زیانه نخود سیاه حب قلقطار سعد مکیبج **مفتح** ای دوائیکه سده بگشاید اذخر شاهتره خارلیقون انیسون افتیمون
اسطوخودوس ایرسا کابد عود افتیمون ترمس را زیانه صعتر بسباسه کرفس چغندر گشنیز چاوشیر جغلیانا حاشا
حرمل زیره کرمانی نانخواه بالون دارچینی زعفران فادانیا کشوث مرزنجوش تخم گندر زنجبیل زراوند اذخر فلفل سنا
میعه قنطوریون کرسنه **مفرحات** ای دوائیکه فصل حرارت غریزی وغریبی را باطل کرده اخلاط را خام و ناهضم را ناقص نماید
مانند بزرقطونا وغیره **مفرحات اکبر** اورام بصل عنصل زراج سبز زرنیخ حرف بنجال کبوتر آهک قلقطار سیتر سوعات
قسط صابون قرفیون شنجار **مفرح** ای دوائیکه طبیعت را منبسط و فرحناک و خوش نماید دل یاقوت بنفشه عنبر
ابریشم قرنفل کافور صندل سعد مشک اظفار الطیب سنبل الطیب امرود اترج انارین آملهٔ شکوفه لیمون
پوست لیمون مرجان بیخ مرجان بنفشه بیخ برگ تنبول زهره خرزهره خطائی لاجورد گاوزبان تمرهندی طباشیر عود دارچینی
گل سیلهٔ فرنجمشک نام یاقوت سنگ یشب عنبر ورق طلا ورق نقره مغز پسته حنطین بیدمشک بهی انجبار دارچینی
بالنگو دارچینی زرنباد سنبل سعد شقاقل طین مختوم فرنجمشک فادانیا فاقل کهربا کاوزبان کشنیز خشک سوسن
نانخواه بلیله آمله نارین بادرنجبویه آلو گل چاندنی کندر کتیرا عرق کیوره عطریات اسطوخودوس **مقطع** ای دوائیکه
میان اخلاط لزجه وسطح عضو ملاصق بدن لغو ذکر کرده آنرا بلا تصرف در قوام دفع نماید **مقرح** دل سکبین وغیره
ای دوائیکه رطوبات جلد را فاسد کرده در عضو زخم پیدا نماید زرنیخ زاج اسفیدل سیر پیاز حرف سرگین کبوتر آهک قسط
پودینه صابون سداب راسن فربیون لبن تیوع **مقی** ای دوائیکه اخلاط نشسته یا کی را از معده و حواله

آن در سیجان آورده از راه قی دفع نماید تخم ترب آب ترب آب شبت تخم شبت اهل السوس عنبر مقشر بیخ خرنوب
شهد سنگجبین نمک شکر سرخ خربق خرزال جوز القی آب کدوی تلخ تخم جرجیر کندش مویز خ یارا العسل نمک هندی
روغن بیش آب گرم تخم نادریون لوبیای سرخ اشتر غار وغیره **مقیات صفرا سنگجبین** قندی بقدر دو
مثقال در چهل مثقال آب بکشک جو یا آب اسفاناخ یا آب خیازی حل کرده بیگرم نوشیدن **مقیات بلغم**
تخم ترب دودرم تخم شبت یکدرم بورهٔ نان نیمدرم کوفته با عسل شسته بخورند و آب بیگرم مدد سازند **مقیات**
سودا ترنجبین را منکحافه مغز تی سیاه دروی پر کرده یک شب در سنگجبین تر نموده خوردن و سنگجبین عسلی با آب
لوبیا آمیخته بعده نوشیدن **مقی بلغم و صفرا** تخم کشک دو مثقال سنگجبین عسلی ده مثقال در آب
ترب چهل مثقال آمیخته بیگرم نوشیدن و مدد کردن **مقی صفرا و بلغم و سودا** اصل السوس غیر
مقشر بیکوفته تخم شبت از هر یک بیخ مثقال تخم نان کلاغ کشک جو هر یک سه مثقال جوشانده شربت انجیر
ده مثقال هنا فه نموده بیگرم نوشیدن **مقوی** ای دوائیکه بدن یا قوی را قوت بخشد و تعدیل قوام
عضو و مزاج نماید **مقویات بصر** سر کهٔ مشک آمله زعفران هلیله زرد بادام شیرین پسته دیا
صدف سوخته ابریشم سوخته بصل سوخته شهد مرچ سیاه نو لوح حل کرده از میل زر بچشم استعمال کردن
و نظر سوی مهتاب نمودن **مقویات جگر** کاسنی انسنتین جوز بوا انار اشنه الظفار الطیب حماما
حب بلسان زرنباد سعد در بیخ اسارون قافله دارچینی تخم کشوث مغز پسته مصطکی غافث قرفه
نارد ین قرنفل زرا وند بادرنجبویه عنبر بگلسرخ زرشک نشاسته آب باران **مقویات دندان و لثه**
شب مسی پوست هلیله قرنفل عاقرقرحا زیره سماق گلاب گلنار کندر سعد غص شاخ گوزبیخ تخم مامیران مصطکی
دانهٔ الاخی فلفل سیاه کسنیس طباشیر استخوان هلیلهٔ زرد سوخته جلاد ان سوخته سندروس انزروت سنگجرات
عدس مقشر تخم تمرهندی مرکی بیخ مرجان بیخ نی قسط شیرین مروارید پوست سولسری تخم سرس مشک رامک
زرنب کف دریا برگ مورد کبابه تنبا کو سوخته خوهرهٔ زرد **مقویات دماغ** مروارید گلسرخ سعد
سنبل الطیب زنجبیل آمله بلادر بالنگو کندر روغن عبر بندق مشک عود عنبر غالیه قرنفل بهار سیب
بهار امرود بهار به دماغ حیوانات لحم تدریج زعفران گوشت ماکیان و دراج اسطوخودوس یاسمین مغز تخم
کدوی دراز تخم کاهو هلیله بمری شربت نارنج فرنجمشک جوز بوا صندل سفید بادام شیرین شیرخشت
مادالورد **مقویات قلب** امرود انار شیرین تمرهندی آمله سیب ابریشم پوسته تخم شلغوز دیگو
اشنه صندل انزروت طباشیر استاخودوس بهمنین بسفایج گل بنفشه بهدانه بالنگو با دروج الظفار الطیب
یا در نجبویه آلو کهرکاکنور کاوزبان کشنیز خشک گلسرخ جدوار دارچینی تخم خربق بیخ مرجان بیخ نیلوفر زیر الحاف

برگ بنفشه تارنج هلیله کابلی سنا سفته سوس سنبل سعد سکبینج شعاقل عود عنبر یاقوت فرنجمشک ورق نقره ورق طلا
زرنباد فاوانیا قاقلا اجوره فطاع مشک وغیره **مقویات معده** گلنرخ آمله آنار دانه هلیله سفرجل طباشیر
سماق آلوی خام هلیله مربای خرنوبست تمرهنج بانگو جامون انار دون جوز بوا حماما فلفل سیاه شیرخشت زرد چینی
زرنباد سعد سلیخه قرفه اشنه ساذج هندی قرنفل قاقله کندر کرویا مصطکی بوده سنبل طباشیر مشک فطاع جوزبوا
عود هندی سنگدان مرغ وجمیع اشیای سخن غیر محرق وهاضم وهرچه مقوی معده است **تقویت** ماری وامعا
نیز فهماید **ملاطف** ای دوائیکه اخلاط غلیظ را رقیق گرداند وقطع نماید اسقیل اسفوخودوس اذخر افسنتین
انجره ابرسا انجیر بابونه بودینه خاص سرکه حب بلسان جندبیدستر شورده جعده حرمل خردل دارچینی
زوفای خشک سداب سیر زراوند صعتر عاقرقرحا قطم پنجنگشت نانخواه وج تمام مشک طباشیر قسط
بادرنجبویه سعد حرف سکبینج قردمانا کمادریوس **ملینین** دوائیکه نرم کند بطن یا عضو دیگر را واخچه در
معده وامعاست ازراه برازدفع نماید واخراج کند **ملینات ادرام** ایرسا سنیعه سائله
اکلیل الملک صمغ بطم کرنب عنبر موم تخم خطمی مرلاون مشک کتان حنا سعد روغن هروع سیرمغ مقل
مغز ساق گوسفند وغیره روغن پنبه دانه اسپغول زفت **ملینات شکم** حب السمنه تره خرفه ترب کرنب
سفرجله انه عرق نیشکر شهد غیف گرفته شفتالو سرکه عنصل اسفناخ بادیان شیرخشت گوسفند هلیله سنا
تمرهندی گلاب ترنجبین بیخ بادیان کلقند عرق بادیان **ممسک** ای دوائیکه امساک آرد ومنی را از خروج بازدارد
دنگ ازدکه انسان در وقت جماع جلد انزال نماید افیون جوزبوا بیرهوی گوگل تخم دهتوره اجوائن خراسانی
قرنفل فلفل سبباسه زعفران مصطکی دارچینی زنجبیل کافور مشک عاقرقرحا شکوفه درخت سفیدان برگ کاهتوره
محرک گویاست گوی **ملذذات** جماع دوائیکه مرد یازن یاهردو را وقت جماع لذت ومزه بخشد
قرنفل دارچینی کبابه عاقرقرحا موبیخ نرم کوفته باعسل وزنجبیل پرورده شده وقت حاجت قدری
ازان بلعاب دهن برذکر مالیده کار مشغول شدن موی سرآدمی سائیده بیروغن یاسمین آمیخته بذکر مالیده
جماع کردن بیرهوی سیماب زعفران کافور پیخال کبوتر **معطیات قضیب** ای دوائیکه ذکر را
عظیم ودراز نماید خرانطین عاقرقرحا پوست بیخ کنیر سفید تخم اسپ قرنفل جوزبوا دارچینی زعفران
مداومت مالش روغن تربت نمودن وباب کرفس مکرر شوئیدن روغن گوسفند مکرر چرب کردن خرانطین
باعاق خشک بروغن سوسن سائیده مالیدن **مضیقات قبل** ای دوائیکه فرج زنان را تنگ
وایشان راچون بکر نماید پوست بکاین پوست انار پوست مولسری سائیده بپارچه پیچیده برفرج زنان
ماجوبیل کافور وعسل آس خوده بفرج طلا کردن جمیع اجزای سعد اسفیغ کنجد سیاه کوهر وتخم تمرهندی

کوبیده بیخته قدری در فرج افشاندن بیرهوئی بروغن مستور یا ریک نموده تا سه روز در فرج مالیدن **منجد** ای بستگ کننده ای دوائیکه بسبب قوت برودت وقبض خود بسته نماید اخلاط و رطوبات را نیز البته نشاسته **منضج** ای دوائیکه ادرام وصلابات واخلاط را پخته نماید وخلط ستغیر را تبدیل نماید و قابل اخراج گرداند ای رقیق ا غلیظ و غلیظ را رقیق وبسته را نرم و سیال نماید **منضجات صفرا** عناب گلسرخ گل بنفشه گل نیلوفر شاهتره تخم کاسنی بیخ کاسنی عنب الثعلب سکنجبین ترنجبین شکر سرخ شربت آلو گلقند آفتابی **منضجات بلغم** مویز تخم خطمی بادیان بکوفته اصل السوس مقشر انیسون پرسیاوشان شکاعی انجیر گلسرخ گلقند عسلی یا سکنجبین **منضجات سودا** اسپستان عناب گاوزبان بادرنجبویه پرسیاوشان اصل السوس مقشر حوکوب اسطوخودوس شکاعی شاهتره بادیان بادآورد ترنجبین یا گلقند **منضج** ای نفخ آورنده دوائیکه بسبب بطوبت فضلیه آن حرارت غریزی قادر بر تحلیل آن نشود بل مستحیل بریاح گردد لوبیا وغیره **منبت** واثرا لحم هم گویند ای رویاننده گوشت ای دوائیکه خون وارد بر جراحات را مستحیل بگوشت صالح گرداند دم الاخوین کتیرا **منوم** ای دوائیکه خواب آرد کاهو افیون شبت تخم خشخاش گل خشخاش زعفران گل **مصفر** تفاح حماما گل بنفشه کشنیز تر آش چوشیر و بادام روغن نیلوفر روغن گل روغن بادام بابونه وخاک قبر پرخته پاشیدن خواب گران آرد **مهزل** ای دوائیکه بدن را لاغر نماید مانند سلک وغیره **مهیج** ای دوائیکه اخلاط یا قوتها را در هیجان وجوش آرد **موسخ قرح** ای دوائیکه چرک آورنده بود در زخمها و مانع خشکی وشقاق آن گردد موم روغن **مولدات منی** ای دوائیکه منی را پیدا نماید شورنجان شیرین پیاز خام وپخته خیارالحم بهمن بویزیدان بادام پسته تخم کنان اشنیز شلجم نخود ماالون لسان العصافیر ناجیل نودرین زنجبیل مشک زعفران تخم گندنا شقاقل شیر گاو باشکر گوشت مرغ وبط **ناشف** دوائیکه جذب رطوبات سیاله نماید آبک آب ندیده اسفنج وغیره **ناضم** ای دوائیکه طعام را هضم نماید فوشنج

فصل چهارم در بیان اوزان طبیه وهندیه واهل ایران وغیره وتحویل بعضی اوزان به بعضی

ابریق دومن ست ونزد بعضی دومن ودو رطل وبقولی پنج رطل **ارزه** ای برنج متوسط بقدر دو خروار بری ونزد بعضی یک برنج بوزن چهار خروار است **استار** چهار ونیم مثقال ونزد بعضی یک ونیم تولچه ودو ماشه ونزد بعضی شش درم وسه سبع درم وبقولی شش درم ونیم درم ونزد بعضی شش درم ودو ثلث درم وهمین قدر از استار معتبر نزد اکثر اطباست **اسکر** چهار فیکه دران پنج مثقال آب گنجد **ابولات** نه قیراط **افریق** مابین هفده اوقیه تا بیست اوقیه **اکسونافن** بست ودو درهم ونصف ودانگ ونزد بعضی سیزده درهم وگویند از سطلق او مراد هشت قیراط است چون

در روغن مذکور کنند مراد شانزده درم بود و صاحب بحر الجواهر از این بحث نقل کرده که اوازیت هجده
درخمی است و از شراب دو اوقیه و نصف درخمی و از عسل سه اوقیه و ربع و من اوقیه اوقیه دو قیه
هم گویند هفت و نیم مثقال و بقولی هشت مثقال و صاحب بحر الجواهر آورده که اوقیه نزد اطبا بوزن
ده درهم و پنج سبع درهم است **اواقی** جمع اوقیه الا اطبا بر بست و چهار اوقیه اطلاق کنند **اون**
بکوقیه و گویند هفت مثقال است **باقلای یونانی** شش قیراط و گویند بست و چهار شعیره و گویند
نیم درهم **باقلای شامی** دو قیراط **باقلای مصری** صاحب بحر الجواهر دوازده قیراط گفته
و گویند یک درهم **باقلای اسکندری** نه قیراط کذا فی بحر الجواهر **بطون صغیر** شش درخمی
بطون کبیر اوقیه است **بندق** یکدرم و گویند یک مثقال و نزد بعضی چهار دانگ **بشیر**
و بشیر شصت حصه یکدرام که دو نیم باشه و کسری بالا میشود **پل** چهل باشه و گویند هشت تولچه و بقولی شانزده
تانک پول فلوس و دام را گویند **تانکولی** یکدرام گویند چهارده باشه **تیسیمه** دو زن آن بحسب اختلاف
بلاد و صغر و کبر آن مختلف میشود **تانک** چهار باشه و بقولی بست و چهار سرخ و بقولی سی و سه سرخ
و بقولی سی و دو سرخ و گویند چهار و نیم باشه و مشتمل درین زبان همین ست و در عرف هر یک جزو از شانزده
جزو یک سیر نیز اطلاق می کنند **ترمسه** دو قیراط **تمره** یک و نیم مثقال **تولچه** بوزن متعارف بلاد هندوارد
باشه است **حاما صغیر** دو مثقال **حاما کبیر** یک مثقال **حبه** بکوبیانه **حمزه** لطیفه قدیمه یک کف دست را
مملو سازد دو وزنا سه درهم و گویند چهار مثقال و گویند قریب شش مثقال **حفنه** مقدار بری یکمشت حصه
سه درهم و گویند چهار جو و یک ربع جو **حوزه** از مطلق او مراد نه درخمی ست **جوزه ملکیه** شش درخمی
جوزه بنطیه یک درخمی و بقولی یک مثقال **خرنوب** یک قیراط و گویند سه درهم و گویند چهار **خردله**
متوسط دو صغر و کبر نیم برنج و گویند ربع برنج و نزد بعضی بقدر دانه خشخاش **خرمایک** دانگ و نیم مثقال
دانق معرب انگ چهار سرخ و سدس سرخ و گویند چهار قیراط ست و صاحب مخزن الادویه نوشته که
از درهم دو قیراط و از مثقال سه قیراط و کجه است که از مثقال طبی مطابق او زان هندیه سه رتی و سه ربع رتی
میشود **دام** پخته بست و یک باشه و بعضی بست و دو باشه گفته اند و صاحب شرح سفر السعادت
چهار و نیم مثقال نوشته **دام خام** چهارده باشه و دام خورد و دام عالمگیری عبارت از همین ست
درخمی یکدرهم و گویند یک مثقال **درهم طبی** و درهم تام سه و نیم باشه **درهم شرعی**
بقدر میان کف بست **درهم مصری** شصت و چهار حبه است **درهم ناقص** چهار دانگ
و نیم مثقال **درهم صغیر** نیست **درهم طبری** چهار دانگ **دمڑی** در عرف عبارت از هشتم حصه دام ست

و بقولی دو نیم ماشه و کسری بالا بود **دورق** معرب ازدو رقار سی ست صاحب بحر الجواهر سه رطل و نیم داد شیخ الرئیس چهار رطل نقل کرده **دورق انطاکی** بیست و چهار قسط **دینار** چهار و نیم ماشه راحة مقدار یکه پر نماید کف دست زار **رطل** استعمالش در کیلی و وزنی هر دو میشود و از مطلق آن مراد رطل بغداد بست که عراقی هم گویند و در عرف اطبا وزنی که مادون رطل بود معروف بوزن صفار ست و انچه مافوق اوست مسمی بوزن کبار **رطل طبی** مراد از رطل عراقی ست صاحب ذخیره نود مثقال و بدرهم یکصد و بست و هشت درهم و چهار سبع درهم نوشته و بقولی یکصد و سی درهم **رطل شرعی** دو نوع ست یکی **رطل عراقی** چهار صد و پنج ماشه و گویند چهار صد و بست ماشه دیگر **رطل حجازی** نزد بعضی فقها عبارت از یک تمیم رطل عراقی ست **رطل مکی** که در بلاد ما هند و بستان رواج دارد سی و دو داعم عالمگیر ست **رطل مدنی** یکصد و سی و پنج مثقال ست و گویند یکصد و بست مثقال **رطل یکی** صد مثقال ست **رطل دمشقی** چهار صد و بست مثقال **روپیه** باعتبار اختلاف بلاد وزن آن مختلف ست و روپیه کلدار سی و ده نیم ماشه میشود و **روپیه فرخ ابادی** ده ماشه **روپیه للمصنوی** یازده ماشه **سیر** خ فارسی ست بصری عین الدیک و هندی گهو گچی و رتی گویند و فقها بجهه تعبیر کنند بست و سه نخود که عبارت از هشت برنج ست **سکر** جیم معرب سکوره مراد از مطلق آن شش سیر ست و بعضی شش و ربع استار گویند **سکر جه صغیر** ست او قیه سکر جه کبیر نا و قیه و نزد بعضی هفت او قیه ست **سیر** از اوزان مشهوره بلاد عجم عبارت از شانزده یک من تبریزی ست **سیر اکبری** سی دام بخته **سیر جهانگیری** سی و شش دام بخته **سیر خراسانی** پانزده مثقال **سیر شاهجهان ابادی** هفتاد توله **سیر شاهی وطبی** برابر دام بخته داستار **سیر فرخ شاهی** مروج هندوستان چهل و شش دام بخته **سیر کابل** هشتاد روپیه هر روپیه پنج مثقال **سیر هندی عالمگیری** پخته یعنی سیر تام شصت و چهار تولة موافق تولة بنگاله **سیر ایرانی** پنج تولة شاهرنه عشر یک من و نصف من شمالی نصف تفیر بغدادی **سیره** دو پنج **صاع طبی** چهار من **صاع عراقی** و صاع بغدادی هشت رطل **صاع حجازی** صاع مدنی پنج رطل و ثلث رطل **صاع هاشمی** چهار صاع عراقی **صائم** چهار مد صدقه فاوقیه طالوان نا و قیه طالیقون یکصد و بست رطل بار طالی که هر یک دوازده او قیه بود **طشوج** بفارسی تسو گویند دو جو سیانه **طالون** نه او قیه و صاحب بحر الجواهر از شراب بست او قیه و نا و قیه از زیت و سیرده او قیه از عسل نوشته **طوله** سه مثقال و نیم و ست قیراط **غری** هفت او قیه **غاز بیکی** وزن اهل ایران دو مثقال صیرفی ست که هشت ماشه غرما و غرمانه از ربع مثقال تا ثلث مثقال **فرق**

فرق بالتحریک پیمانه که در و شانزده رطل گنجد و آن دوازده مدست یا سه صاع نزد اهل حجاز و گویند نیم قسط و قسط
نصف صاع و بسکون راء مهمله یکصد و بست رطل **فلوس** جمع فلس ست در عرف عام آنچه درام گویند
فل پنج مثقال **فلنجیا** مقدار یک بلعقه و گویند یکنیم مثقال **فوالوس** یک و نیم اوقیه **قسطاطونی**
یک مثقال **قاشق** یک بلعقه ست و گویند یکدرام **قبضه** قدر یکه سر انگشتان گیرند **قبضه** مقدار یکمشت
و این بفتح اول و سکون ثانی ست و بضم اول یک کف ست **قدح مصری** سی و هشت اوقیه و چهار
اسباع اوقیه **قربه** بمعنی مشک آب و شیر که در آن پنجاه من شرعی آب در آید **قسط** نیم صاع کذا فی الصراح
قسط رومی بست اوقیه **قسط مصری و انطاکی** هژده اوقیه و گویند چهار رطل **قسط** مسل
نزد یونانیان یک رطل ست و گویند یک نیم رطل و گویند دو نیم رطل و قسط شراب بست اوقیه **قسط**
روغن هیژده اوقیه **قسط فطری** و قیر وطی هر یک بست و چهار اوقیه و آن یک سیر شاهجهانی
میشود **قفیز** گویند یک من و هشت سیر شاهجهانی ست و گویند بست و پنج من از من های کلان
قفیز حجازی برابر صاع عراقی ست **قفیز هاشمی** گویند هشت رطل و گویند چهار من هر من دو صد
و شصت درم **قنطار پوست** گاو پر زر یا سیم و آن بمقدار هزار دینار ست و گویند چهار هزار دینار
و گویند هفتاد هزار دینار و گویند هشتاد هزار درهم شرعی ست و گویند هزار اوقیه و نیز قنطار شش من ست
و بعضی یکصد و بست رطل گویند **قوطیل** هفتاد و دو مثقال **قوالوس** گویند قوالوس شش مثقال
و از زیت دوازده درهمی ست و از شراب یک اوقیه و نیم درهمی و ثلث آن و از عسل دو اوقیه و ربع اوقیه
قوطولی صاحب مخزن الادویه هفت اوقیه نوشته و صاحب بحر الجواهر بست اوقیه از شراب و نه اوقیه
از زیت و سیزده اوقیه از عسل و گویند از شراب ده اوقیه **قیراط** ساخت مثقال **قیراط** چهار جو ست
و صاحب بحر الجواهر نیز از قسرائی ربع دانگ آورده که چهار جو می شود و از نهایه آورده که آن حبه نیست از
اجزای مثقال نزد اهل شام یک جزو از بست و چهار دینار ست و در اکثر بلاد نصف عشر آن کرمه شش قیراط و گویند
یک نیم دانق گویند دو دانق **کف** قرصه هم گویند شش مثقال **کوب** سه رطل جهار کوابه کوزه شش قسط و گویند
سه رطل و گویند سه کیله **کول** سه کیله **کیله** پیمانه ایست که یک من و نیم من و دو کیل پیمانه را گویند که بدان غله و
کنند مقدار آن سیصد درم و کیلست گویند سی و شش من و نیز بعضی سه من و بعضی یک من کیله سیصد درم و گویند بست صد
درم و کیسری ما طرطیس هفتاد و دو قسط از قسط شراب **مالیطول** یکصد و پنجاه رطل عراقی ست **ماشه** ماهه ماهیچه
هشت تنکی ست که عبارت از سرخ بود **مثقال طبی** چهار ماشه و نیم ماشه است و معمول الطبا همین ست و صاحب
الفاظ الادویه چهار ماشه و شش نیم سرخ نوشته در مخزن الادویه نوشته که مثقال یکدرم و سبع درهم است

که بحساب هندی دو ماشه و پنج رتی و سه ربع رتی میشود و در بحر الجواهر یکصد و سی و سه درهم و سیع درهم نوشته و جمعه
مثاقیل **مثقال شرعی** یکصد درهم و سی و سیع درهم شرعی ست و بقراطیست قیراط و بعضی فقها بهاشه
چهار و نیم ماشه تحریر فرموده اند **مد طبی** یک رطل و ثلث رطل از رطل عراقی و گویند دو رطل بغداد یست
مد شرعی نزد امام اعظم و امام محمد رحمهما الله دو رطل ست و نزد امام ابو یوسف و امام شافعی حریک رطل و ثلث رطل
مسطون کبیر از زیت سه اوقیه و از شراب سه اوقیه و بهشت درهمی و از عسل چهار اوقیه و نصف اوقیه یست
مسطون صغیر از زیت شش درهمی و از شراب بست درهمی و از عسل نیز درهمی **معلقه** چمچه و قاشق را
نامند از عسل و معاجین چهار مثقال ست و از ادویه خشک دو مثقال بود **مکوک** سر کیلیه است
و گویند هفت من و نیم من و نزد بعضی سه استار **مکیال** بالکسر پیمانه ایست که بدان وزن کنند
مقدارش بست و چهار کیلیه ست و صاحب بحر الجواهر مانند مکوک نوشته **من طبی** یکصد و هشتاد
مثقال و از اوقیه بست و چهار اوقیه و از درهم دو صد و شصت درهم که تخمینا چهل تولچه و هشت ماشه
می شود **من شرعی** من عراقی ست که چهل استار ست و بقولی چهل و دو پنجه **من اسکندرانی**
سی اوقیه **من البری** سی سیر کبری **من انطاکی و مصری** هر یک نه صد و ده اوقیه که یکصد
و بست مثقال می شود **من تبریزی** شصت مثقال یکصد و پنجاه دوغازی بود که بحساب هندی
دو صد تولچه که سه آنار و شش آنار بهندی می شود **من جهانگیری** سی و شش سیر جهانگیری ست
من خانی هشت سیر کابل **من شاهجهانی** چهل سیر شاهجهانی **من شاهی** یکهزار و دو دست
مثقال **من روی** بست اوقیه **من قطری** بست و دو اوقیه و گویند یکصد و هشتاد مثقال
من ملی دو صد و شصت درم و گویند یکصد و شصت مثقال **من عالمگیری** چهل سیر تام
مهر یعنی طلا مسکوک که اشرفی گویند تام آن نه ماشه و شش رتی ست و ناقص آن نه ماشه و چهار رتی
و بعضی نه ماشه و پنج رتی **مهر بنگاله** ضرب قدیم دوازده ماشه و ربع **مهر سورتی** ده ماشه
و هفت رتی **مهر اکبری** و جهانگیری و شاهجهانی و عالمگیری بقدر ده ماشه و پنج و نیم رتی **مهر محمد شاهی** و احمد شاهی ده ماشه و پنج رتی **ناطل و ناطیل** دو استار گویند دو اوقیه
لیتر بفتح اول و تشدید ثانی بمعجمه چهارده مثقال **نواة** سه مثقال گویند نیم درم فضی و سق شصت صاع
و آن سیصد و بست رطل ست عند اهل حجاز و چهار صد و هشتاد رطل عند اهل العراق و گویند دو صد و چهل من
نزد اهل کوفه و آن چهار تست از یکبار شتر و شق نصف صاع و قفیز یکبار خرد اشتر و کیلیه بست و چهار کیلیه
هاون بست و پنج استار ست و گویند چهار اردب **فائده** در تحویل اوزانی باوزانی تحویل درهم

بمثقال طبی آنکه ازدو اهم نصف و خمس را جمع کنی که همان عدد مثاقیل ست مثلا چون خواهی که پنجاه درهم چند مثقال خواهد شد پس از پنجاه نصف بگیر که بست و پنج بود و خمس آن که ده است دو هم دور اجمع کن سی و پنج خواهد شد پس معلوم شد که پنجاه درهم راسی و پنج مثقال می شود **تحویل مثقال طبی بدرهم طبی** آنکه چون بر عدد مثقال سبع آن افزائی انچه حاصل شود همان عدد درهم ست مثلا خواهی که چهل و مثقال چند قدر درهم خواهد شد پس زیاده کنی چهده را که سبع چهل و دو یعنی عدد مثقال ست بر عدد مثاقیل مذکوره پس معلوم شد که چهل و دو مثقال شعیت درهم حاصل شده **تحویل درهم شرعی بمثقال شرعی** آنکه نصف و خمس عدد درهم را جمع کنی انچه مجموع حاصل شود همان عدد مثاقیل ست مثلا اگر خواهی که ده درهم شرعی چند مثقال شرعی خواهد شد پس نصف و خمس ده را جمع کن هفت شد پس معلوم شد که ده درهم را هفت مثقال میشود **تحویل مثقال شرعی بدرهم شرعی** آنکه بر عدد مثقال سبع آن افزائی انچه حاصل شود عدد درهم ست مثلا خواهی که سی و پنج مثقال شرعی را چند درهم شرعی خواهد شد پس سبع سی و پنج عدد مثقال را که پانزده است بر اوزائی پنجاه حاصل گردید معلوم شد که سی و پنج عدد مثقال پنجاه درهم میشود **تحویل مادون مثقال بمادون درهم** آنکه بجا آورده شود آنچه از اندازه مثقال خواهد بود مثلا خواهی که چهار دانگ درهم چقدر مثقال خواهد بود آنرا چهل و سوم سی و دو حبه شمار چون شش دانگ درهم بست و هشت حبه بوزن مثقال باقی میماند آن خمسه طسوج که دو حبه مثقال **تحویل مادون مثقال بمادون درهم** آنکه بدستوری که نموده میان سبع آن افزائی مجموع حبات درهم خواهد بود و همچنین که دانگ ده قیراط و نیم مثقال چند درهم میشود آنرا چهل و سوم سی و یک و نیم حبه شمار چون بست و هشت حبه مثقال است بر ان افزودیم سی و شش حبه درهمی شود و آن چهار دانگ و نیم درهم ست **تحویل درزن دیگر بادرزان هندسیه** بدانکه وزنی را که بتطبیق اوزان هندسیه بخواهی پس اگر بادون درهم مثقال ست شعیر و کنی و شعیر ارقی و رقی را ماشه و مقدار وزن آن و ریابی که چند رتی یا چند ماشه ست مثلا چون خواهی که دانگ درهم چند رتی یا چند ماشه ست همچنین مثقال پس بسنجور یکه ذکر کردیم و ریابی دانگ را معروف درهم و مثقال بود مقدار هر یک اوزان هندسیه دریافته کیا جمع نمائی که چند ماشه ست هر دوازده ماشه را یکتوله و چهار ده ماشه را یکدام خاص دانند یک ماشه را یکدام نخشب محسوب کنی و هر هفتاد تولها را شصت دام خام یا چهل دام نخشب را یک سیر قرار دهی و هر چهل سیر را یکمن دانی و هزار الله تعالی نافع لک و کافی **فصل پنجم** در بیان معنی مصلح و بدل و قدر شربت او و علامات آن پس بدانکه مصلح دوائیکه ضرر دوائی دیگر باز دارد چون عنصران برای افیون، **بدل** دوائیکه قائم مقام دوائی دیگر بود فعلا و تاثیرا هرگاه آن دوا یافت نشود چون عناب یقین که بدل ترنجبست و قاعده کلیه در بدل آنست که گر دوائی یافت نشود بدل او بوزن آن بیخ او بوده بدل ورق آن دو دانگ وزن آن تخم آن قدر شربت او از ان تعیین

مقدار خوردن دواست که اطبا مقرر کرده اند چون چوزمائل که قدر شربت آن یکدانگ ست اگر زیاده از مقدار شربت بهر دوا که مقرر است بخورند خوف ضرر و بیم جان ست پس وجه اول علامت مصنع مصنوع علامت بدل ب وعلامت قدر شربت ق ثبت نمودم **فصل ششم** در بیان بعض اصطلاحات اطبا وجیزها تا بمکه تعدیل مزاج و اخلاط کنند از همه عضو یا بعض آن بلاورود بمعده آبزن نشستن مریض در آب گرم که دران ادویه جوشانده بوند نظر ف کلان انداخته **الکتحال** بچشم کشیدن چیزی **انکباب** آنکه بخار آب گرم که دو ادران جوشیده بوند خود را بجاست پیچیده و سرنگون بمانند به تمام بدن یا عضو خاص **تمثل** گوش رسانیدن بخورا دویه اسوخته بوی آن بدماغ یا دود آن بجمیع عضو یا عضو خاص چون بینی رسانیدن **برود** ادویه بمعده ترتیب داده بچشم استعمال کردن **پاشو** بیه در آب گرم یا آبیکه در و سبوس گندم و گل خطمی و گل بنفشه و یا بونه و برگ بید و برگ حنا جوشانیده بوند و دران کلان عمیق که تا زانو مریض آید ان گنجد پر کرده بوند مریض را بر تخت نشانده پایهایش تا زانو دران گذاشتن و بعد نظر بای را از پا بچه صاف نموده از زانو با پچه پیچیدن تا مچ پا لنگ و بعد یعنی ازین طرف مکشودن و از هوای سرد محفوظ داشتن این عمل اکثر مرد از اعالی سن ی ی ها قل بر تب می کند مفید ست برای اقسام صداع و جذب بقیه حرارت حمی تدهین روغن مالیدن **تعلیق** آویختن چیزی بگردن عضو دیگر ملمس چیزی تر بدن مالیدن روغن بود یا غیر آن جقته چیزی مائع در محقنه کرده در روده رسانیدن **ازدر** یا در شانه و یا در رحم از قبیل **حمول** آنکه لته را با دوا آلوده در قبل یا بردارشتن در روده راست **خوف** نبود بر بدن از جراحت پاشیدن و استعمال او اکثر امراض احقان بست **سعوط** انچه در بینی چکانند **سکوب** آنکه چیزی سائل از فاصله بر بدن ریزند بتوقفای انرا نریزند باز ریزند و باز نریزند و استعمالش بای بود که عضو معلول از ماؤف تا بطول نکشد تر بود یا علیل طفل بود که تحمل بطول نبود و بر جگر و دل و معده جز سکوب بنطول شغول نباید شد زیرا که تنطیل سبب قوت تحلیل آن مناسب باین اعضا نیست **سعوط** او رسانیدن بروندان مالیدن شاخه انچه او به کوفته بهم آمیخته مانند دسته دراز ساخته مفرد یا مثل صابون ساییده و در دهن قبل بردارشتن یا آب سائیده بچشم کشیدن **شد الاطراف** بستن دست از مفصل الکف و پای از مچ دران تا قدم و بالیدن کف پای بجذب بادوا از سر و باید که از بن بستن آغاز کنند و از جانب قدم گشادن و پای او را گرم نهادن تا بجانب ساق بار معصور نگردد و **شد الاطراف** قائم مقام پاشویه است **صوت** وقت خشی وضع نهایت مفید مخصوص دوا تر یا خشک بوئیدن مانند عطر و کباب **ضماد** دوای ترغلیظ القوام بر بدن مالیدن **طلا** دوای تر رقیق القوام بر عضو مالیدن **عطوس** دوا برای آوردن عطسه **استعمال** فرمودن غرغره حرکت دادن مائعات در حلق

فتیلہ دوا را بپارچہ آلودہ بسوراخ عضو نہادن فرزجہ دوا بپارچہ آلودہ بفرج زن نہادن و این مخصوص بفرج زن ست **قطور** آنچہ در گوش یا دیگر سوراخ چکانند و این بگرم باید **کاجل** دوا در بچشم کشیدن **تحل** آنچہ بمیل در چشم کشند و نافعتر بمیلہا میل ذہب و فضہ ست بعد میل جست و **کماد** دوا خشک باتر بپارچہ بستہ بگرم ببدن نہادن تدریجا یا از خشت یا سنگ یا پنبہ کہنہ بدن اگرم **لعق** چیزی رقیق خوشبو دہشہ کردہ بوئیدن **لطوخ** اندودن چیزی بعضو کہ از طلا غلیظ و از ضماد رقیق بود **مضمضہ** مائی کہ در دہن حرکت دہند **نفوخ** دوا سفوف کردہ در بینی یا عضو دیگر بوسائط نی دمیدن **نطول** مائات را بگرم بود یا سرد علی الاتصال بر بدن از فاصلہ یک پاشت ریختن **نشوق** آنچہ بہ بینی کشند و جور آنچہ در حلق چکانند **استعمالش** در امراض مادی ست بیشتر

فصل ہفتم در بیان بعض اصطلاحات طبیہ کہ دانستن آن ضروریست **اصول** اربعہ عبارت بنج راذیانہ و کاسنی و گرفس و کرست **اسوما** ثلثہ مجتمعہ بتخذ از عسل و سرکہ و بعضی آب دریا می شود یا نمک ہم اضافہ کنند **او ذروما** عسل و آب باران بالمناصفہ ممزوج کردہ در آفتاب گذاشتہ شدہ **اوکسا** سرکہ مخلوط بآب و نمک **بادزہر** اسم فارسی تریاق ست گویند ہر چہ دفع سم کند مصنوع مرکب نبود بدین اسم مخصوص ست **لسخ** چیز بدمزہ و آنچہ طعم او بد کند از مرارت و قبض بود تریاق آنچہ حفظ قوت و صحت مزاج روح کند بحدیکہ دفع ضرر سموم از خود نماید و گویند مخصوص بدوای صناعی ست **تفصیح** چیزی در مزہ ای چیزی کہ طعمی از طعوم ندارد **حامض** ترش کہ سطح زبان را گزیدہ بفشرد و آب در دہن آرد **حب** قلولہ بستن بر غلولہ ہم استعمال کنند **حریف** تیز کہ اجزای آن در زبان فرو روند و گزند و تفریق آن کنند **حلو** چیز شیرین کہ سطح زبان را نرم کند **حلیب** شیر تازہ دوشیدہ و شیرہ تخمہا را ہم گویند **دوا بالق** آنکہ سبب از وجت کثیفہ خود بدست بجنبیدن دہد **دسم** شی چرب کہ سطح زبان را نرم و مستوی نماید **دوای سمی** آنکہ کیفیت تاثیر آن بر اخلاق مزاج بد و کشندہ بود خاصیتہ **دوای غذائی** آنکہ تاثیر کیفیت آن زیادہ بر تاثیر کمیت و مادہ آن بود و بدن را متغیر سازد و بماند کہ تغیری دراز ان خلطی کہ قابل غذائیت و جوہر بدن شدن بود بسیار کم حاصل شود چون گندنا و برگ کاسنی و برگ عنب الثعلب و سیر و پیاز و توت و خرما و آلو و انجیر و بزر خیار و خربزہ و کدو **دوا مطلق** آنکہ تاثیر کیفیت فقط کند و مادہ آن قابل جذب بدن شدن نبود مانند طفل سکیل و لعل کافور و اجنبی سرطان **دوای مرکب** آنکہ تاثیر کیفیت صورت ہر دو بود مانند بادزہر حیوانی **وجدار** حب الفار **دوای مادر** آنکہ تاثیر آن بکیفیت و صورت ہر دو بود **دوای سمی** آنکہ تاثیر آن بکیفیت و صورت نوعیہ ہر دو بود و بتدبیر تاثیر حاصل از کیفیت

احداث کیفیتی غالب بر کیفیت اصلی بدن نماید و در آخر مزاج بدن را فاسد کند چون فربون و فرفیون و سقمونیا و غیر
دوای مسهل دوالخاصیه آنکه تاثیرش بکیفیت صورتیه هر دو بود و بسبب شدت قوت مسهله و تاثیر خود محتاج
اصلاح و تدبیر و تشویه گردد و بعد اصلاح در ورود در بدن و تاثیر و تاثر در سطوح و عروق و اعماق بدن نفوذ کرده
بعضی اخلاط و رطوبات بدن را به تبخیر و تقطیع و تذویب و غیره دفع کند و بعضی را بتحلیل برد مثل سقمونیا که
بکیفیت احداث حرارت و بصورت نوعیه دفع بلغم و صفرا می کند دوای مسهل آنکه در فعل و قوت از اشیاء
ضعیف بود و محتاج باصلاح بسیار نبود مانند بلیلات و سنا و تربد دوای ملین که تاثیر و قوتش از این هم ضعیف بود
و منشیش باخلاط و رطوبات موجوده در معده و امعا گشته دفع کند مگر خالی از قوت جلا نبود مانند فلوس خیارشنبر
و شکر سرخ و تمر هندی و اجاص و شیر خشت و تر بخبین و بعضی از ان محتاج اند چون خیارشنبر که محتاج
بچرب بخودن بروغن بادام و روغن گل ست ذوالخاصیه آنکه تاثیر بصورت نوعیه خود کند مر دی الکیموس
انچه از ان اخلاط غیر معتدل القوام و الکیفیه متکون شوند رزین او و سنگین و ستبر و خوش جوهر سوب
تنشین مانعات مرض طبیعی غلیظ که باطراف پلک چشم جمع و چسپیده بود زعوقه طعم بسیار کریه مرب
از مرارت و ملوحت رغب در او دیه انچه بر سطح او چیزی شبیه بموی تازه برآمده باشد مزغب گویند مثل
پوشنتا و سائل انچه اجزای آن بهم جهت حرکت کنند مثل آب سحیق انچه بسیار نرم سائیده
باشند صالح الکیموس آنکه از خونی ستین متولد گردد که اخلاط مخلوط بان بقدر طبیعی بوند
طباشیر انچه بر روی آب ایستد طبیخ انچه جوشانیده آب آن استعمال کنند طبن حکمت
که بفارسی گل حکمت گویند عبارت است ازان که گیرند طین صاف از ریگ وغیره که بفارسی خاک ست
نامند و در آب حل کرده و دور داده و گرده باقی را گذارند تا ته نشین گردد پس موی آدمی ریزه ریزه کرده
و هموزن آن سرکه کهنه بیخته با آب نمک همه را خمیر کرده هفت روز گذارند و هر روز آب نمک
بران ریزان باشند پس خوب بر شته مستعمل شوند عصاره افشرده شده الاستعمال آن
در انچه بی آتش بهوا و یا آفتاب منعقد کرده باشند کنند عصیر آب افشرده غیر منجمد از نباتات
عفص اسی زمخت که اجزای زبان بهم جمع و خشن و کثیف و صلب سازد مانند بلیله غلیظ
دوای بد غذای کثیف غذای مطلق آنکه تاثیر و تاثر آن در بدن ساده فقط بود نه بکیفیت
و صورت مانند آب گوشتهای لطیف و زرده تخم نیمرشت و مغز گندم غذای دوائی
آنکه تاثیرش ساده بکیفیت صورت بود و بطبله ماده که بعد تاثیر و تاثر ازان خلطی که جزو بدن تواند شد
حاصل گردد و اندک قلیلی در بدن نماید بکیفیت خود چون ماش و کاهو و خیار و کدو و بادرنگ

وهندوانه وخربزه وانگور وبقلة الحمقا واسفاناخ وتلخم وشبت وعدس ولوبیا وزرک وکلم غذاے
ذوالخاصیة آنکه تاثیرش بماده وصورت هردو بود وبغلبهٔ ماده چون روغن گاو وگوسفند وشیر بامغز
گردگان کهمع تغذیه احداث تفریح ودفع سم می نمایند غذای سمی آنکه تاثیرش بماده وصورت هردو
بود وبعد فعل وانفعال بحصول تغذیه احداث سمیت نماید مانند بلادر غذای دوای سمی آنکه تاثیرش
بماده وکیفیت وصورت هرسه بود مانند تخم افاقیا وگیاهای سمی فاتر نیگریم فرص در اصطلاح اطبا
عبارت است ازادویه که کوبند وخمیر کنند باآب تنکیه سازند ودر سایه خشک نمایند تا رطوبت نماند ونگهدارند
واستعمال کنند کثیر الغذا انچه اکثر مقدار او جزو بدن شود زردهٔ تخم مرغ نیمپخته گوشت کباب شراب
ریه حیوانات وکبوتر بچه گوشت بز کثیف انچه اجزای او بدشواری قبول الانفصال از کیفیت بدی کنند
ونفوذ در اجزای بدن بسرعت نکنند کیلوس کثیف کثافتی که از هضم معدی بهم رسد وشبیه بمشک محلول
باآب شود کیموس اخلاط متولده از هضم کبدی لعوق بمعنی انگشت پیچ که از مجوفی رقیق تر بود مائع
چیز سائل وروان مالح شور که بر سطح زبان بدون گزیدن نفوذ نکند وحلاوت هم در او نباشد که بزبان نفوذ کرده
سطح آنرا خشن سازد وطبیعت آنرا مکروه داند محصول انچه در بدن حاصل شده باشد ومنتفع بدان نباشد
مراد گیاه خودرو یکه آنرا نشکسته باشند بخم نباتات بی ساق را گویند که بزمین پهن شود وبفارسی بیارگویند
نقوع تقیع انچه ترکرده بلاجوش استعمال نمایند فصل هشتم در بیان حفظ ادویه مفرد زهره وپیه حیوانات
طریقه حفظ سائر ادویه که بعضی را بانبضه یکجا کرده دارند تا باقی ماند وصنایع نگردد پس انگاه کافور را
باقلقل وتخم مرجانمک وسنا ج را بانبجبیل وبرادهٔ آهن بر باآهن بارد وعصارات وروغنها وضع ها را بالظروف
قلعی دار ونقره ومیاه حاره وعرقها را در شیشه ضیق الراس بعد سرد شدن ویاد مزج ویاروی وقوتیا
وعرق بهار را در ظروف مس نگاهدارند واوراق وگلها وتخمها را از جای نمناک وطپش آفتاب دور دارند وسبزیها
را باغیر جنس او جمع نکنند طریقه حفظ زهرهٔ حیوانات که تازه ماند آنکه وضع قطع وجرای آنرا بزیر سمان
در شیشه نازند وعسل آنقدر کآنرا پوشد بزنند واگر حرارت رطوبت بر پیه آن شهر غالب شود عسل انخوب بقوام آورد
ریزند طریقه حفظ مفرد پیه حیوانات که بوسیده نکرده باید که اول چند روز بعسل اندازند وبعد ازان در شیشه
خشک نموده در پارچه کتان پیچیده در سایه آویزند واگر در ظرف قلعی دار ند هم سالم ماند فصل نهم در بیان تصحیح
وآن آنکه اخلاط را قابل استعمال کنند وتصحیح خلط آنکه بقوام معتدل آید تا باسانی برآید زیرا که غلیظ ورقیق ولزج استعداد
خروج باسانی ندارند اما غلیظ پس عسر الخروج آن از مجاری بهنافذ ضیقه ظاهر است اما رقیق پس از بیرای آنکه از شان
اوفوذ وتشبث ست وخلل اعضا واین دال عسر الخروج اوست واما لزج پس برای آنکه تشبث میکرده باعضائی که محصور

درآنهاست وباسانی منقطع میگردد پس نضج صفرا و بلغم مانی که از رقت خود رو بغلظت آرد و نضج بلغم غلیظ و سودا
آنکه از غلظت خود رو برقت آرند و ازان فروتر آیند و نضج لزج آنکه از اعضا منقطع و جدا گردد و علامت منضج هر خلط
از فاروره واضح گردد و تیقن بر انحلاط صفرا هست فی حد ذاته اما غلظتی که بعد خروج آن دران محسوس میگردد پس
بباعث کثافت لاحقه است بسبب سیدان برودی هوای بخاری آنرا و خون محتاج بنضج نیست ازین جهت در خون
ای تا بیکه از غلیان خون بود بروز اول فصد میکنند مگر انگاه که تغیر آن بباعث اختلاط دیگر در وی بود که در نضجت
مواد غلبه آن خلط منضج داده فصد خواهند نمود و هر چه بعد ازین اختلاط است نضج آن نیز هست پس از نضجات
که بالا ذکر کردیم حسب حاجت تقلیل و تکثیر ازان مقتضای حال مریض نموده بنقوع نمایند یعنی ادویه اد رآب قدار نوشیدن
وقت شب تر کرده صباح مالیده صاف کرده نوشانند یا بجوشانند یا بجوشانیده ادویه منضجه صفرا البقدری آب چشانیده
و مبالغه در جوشانیدن نموده و ادویه منضجه بلغم و سودا را بمراتب خود ازان زیاده جوشانیده خوب مالیده صاف نموده
نوشانند و اگر قوت دافعه تمام گرفتن خواهند اول بنقوع کرده جوشانند و اگر جوشانیدن مراد باشد هر چیکه حرارت غالب و بیشتر بود در نقوع شیرها
و تخمهای سرد اکتفا کنند و بقدر نیم درم برای بلغم و اطراف سنگی ست پس نصف آن پس تازه قطعی کرده شده و بدانکه اگر ماده
منظوری بود دوای باید داد که قوام او را جمع نماید از اشیای بارده رطبه که دران جلاء غسل بود مثل کنجد بیدانه ساده و ماء الشعیر
و ماء السلق و آب هندوانه و شیر بارده رطبه مثل شربت عناب و نیلوفر و آلو و غیره و شیر مرزنجوش و نقوع تخم کاسنی
بسیار ترش نبود مستحضر از ماند بنفشه و نیلوفر و عصی الراعی و بقول بارده و تخم کاسنی و بیخ آن و اصل السوس و برنجاسف عناب
و پسته ان و تخم هندوانه و خشک خیار و اگر مخلوط با بلغم بود با بونه و گل خطمی و پرسیاوشان و گاوزبان و رازیانه و مانند آن
باید افزود و اگر منافذ منسد بود یا خلط متشبث باعضا از ادویه منضجه مقطعه بسته باید افزود تا انفتاح طریق کرده
ماده بسهولت استفراغ نماید مثل از یانه و بیخ آن و تخم کشوث و انیسون و غیره و در ماده سودا و بلغمی و انیکه بلغم و بلطف
و مقطع بود باید داد مانند پودینه و مرزنجوش و نعناع و بادرنجبویه زوفای یابس شکوفه اشنیز و حاشا و سداب و بیخ اذخر
و برگ غار و زرآوند طویل و اصل السوس و گل خطمی و ریشه خطمی و بابونه و اکلیل الملک و شبت و تخم کرفس و انیسون
و رازیانه و اذخر و سونیز منقی و کلقند و غیره و در امراض سوداویه و بلغمیه تسخین بحدی نمایند که ماده لطیف
تحلیل شود و مابقی غلیظ و خشک باقی ماند تا عسر گردد خروج آن هنگام استعمال باید که جمیع منضجات گرم نمود
مگر اشیاء مستعمله منضج صفرا در تابستان که نیکوتر باید و جمله ادویه و اشیای مستعمله دران سخن باعتدال باید نزدیکه
هوای بارده و اشیاء مبرده باعث تاخیر نضج هستند و دلک و حمام و سکون و آرام هم معین بر نضج اند و اگر
غرض استفراغ از عضوی خاص مانند سر و غیره بود پس باید که باضمده و امکده و تمریخ با دویه و ادهان
مناسبه مانند روغن گل سرکه و لعاب بزرقطونا و روغن بنفشه کدو و آب برگ بید و تراشه نیلوفر و کدو و غیره

در صفرا و در دخن باد مزنبق و سوسن مزجس و انجوان مجفار و مرزنجوش در بلغم و سودا انضاج آن خلط کنند
تنبیه بدانکه صفرای خالص در سه روز و غیر خالص و سنجبر و زیاده حسب زیاده پنجه میشود و بلغم و سنجبر و زیاده کم
و زیاده ازان حسب زیاده و سودای خالص در نه روز و در کم و زیاده آن نیز حسب اختلاف زیاده فائده بدانکه بولیکه در حال نضج
شبیه بآب بود بعید النضج و بولیکه غلیظ و منجمد گردد بعد اخراج اندک بعید النضج ست و بولیکه باقی ماند بر خلط محمود
بعدش از نضج کمتر ست و بولیکه ثقل دران تنشین گردد نضوج ست و بولیکه چیزی بدران معلق بود نضجش کمتر ست
و بولیکه دران غلظه بود نضج آن ازان کمتر بود و در مادهٔ بلغمی و سودا وی رسوب طافی دران بهتر از راسب ست
و رسوب بر نضج مادهٔ بیشتر دال ست از زنگ بول پس تا وقتیکه رسوب نبود اعتماد بر رنگ بول نکنند **فصل دوازدهم**
در بیان مسهل و آن آنگاه ماده و اخلاط فاسده و فضول ردیه را از اقاصی و عروق و اعضای دور فرو آورده
از راه برازد دفع نماید پیش بدانکه واجب ست کسی را که اراده مسهل دارد اینکه چند بار خورد تا چند روز با وقات مختلفه
طعامی را که تناول میکند یعنی اگر مثلا عادت باو آنار یک وقت خوردن داشت چون اراده مسهل دارد باید که چند روز
قبل ایام مسهل همان وقت باو آنار طعام را چند مرتبه باوقات مختلفه تناول نماید و همچنین آب استنجای او مستفرغ کرده
نوشتا باین سبب معده و طبیعت مستعد و آماده بوند بسوی دفع و اخراج چیزی که دران ست از طعام مختلف مدخول
در غیر وقت معهود خود و نگر صاحب این بلیه را احتیاج باین نیست و نیز باید که تناول کند طعام مولد خلط صالح مقوی معده
و کبد را نه طعام ضعیف اشتهار او از گرسنگی و عطش و مضعفات و مغیرات حال بدن و تعب و جماع و اعراض نفسانیه
قویه احتراز نماید زیرا که همه اینها مجتمع مانع اسهال اند و باید که نمک در طعامش کم باشد که در قبضی و حبسی ست منافی
اسهال و قبل از مسهل در تنقیح و توسیع مجاری کوشند تا اخلاط موذیه با سهولت اخراج یابند و در پی امر مسهل و اند کے
سود مزاج مسهل ندهند و طبیعت را بدان عادی نکنند بل بتدابیر دیگر اصلاح حال مریض سازند از بسیار خواب
و تقلیل غذا و شراب و روزه داشتن بشرطیکه افطار و سحر از طعام بسیار نکنند که اینها هم مخل مرقق مواد اند و باید که
تا بر سبب حلت و حقنش مطلع نشود و متوجه اسهال مریض و تحریک مواد ش نگردد بل بلیغش گذارد و در هوائے
و بائی نیز متوجه مسهل قوی و تحریک مواد نگردد تا قلب قوتی که از هوای وبائی ضعیف شده انداز مسهل ضعف شدید
منجر هلاک نشود و قبل از مسهل بحمام رفتن و مالیدن شکم و اسعاد ان بلینه و تمریخ از معینات اوست و کسیکه قوی
المزاج بود و قوت مزاجش سورت و حدت او به مسهل را بشکند و از فعلش شتفعل و متاثر نگردد خواه بالطبع و الاصالت
طبیعتش چنین بود یا بدوامت و اعتیاد او به مسهل بود باو به مسهل متعرض او نشوند و همچنین مرد تندرست و پیر خشک
اندام و لاغر و زن حامله و کودک و کسیکه خون در بدنش زیاده از اخلاط دیگر بود مسهل نخورند و بدانکه استعمال مسهل
بدون نضج مادهٔ که اراده استفراغ آن بود ممنوع ست مگر آنجا که مادهٔ بهیجان و ثوران بود و یا حاجت قوی بود

سهلت نفیح مذهبا مانند قولنج وجز آن که درین صورت بهتر باستعمال مسهل نماید و شب ابرو باد نیز درین وقت مانع نیست
و بهترین ایام برای مسهل فصل ربیع و خریف است اگر برای حفظ صحت دهند مگر انگاه که برای دفع امراض دهند
انتظار فصل ضرور نیست الا در امراض مزمنه که درین هنگام انتظار فصل باید کرد و در ایام سرد تر و گرم تر و بر و زابر
و باد مخالف موسم استعمال مسهل نباید و کسی را که معتاد بآن نبود ادویه قویه ندهند و باید که ادویه مسهله بعد انهضام
غذا و اخراج ثفل اجی وقت خلو معده و ماساریقا و جگر باید نوشانید و اگر آنکس صبر بر جوع کردن تواند و تا ساعتی نخورد
دوا نتواند نوشید اند کی طعام لطیف چون ماء الشعیر و آب انار یا رب و شراب آن داده مسهل دهند تا باعث
تقویت معده و منع انصباب صفرا و غشیان و تهوع وقتی گردد دستور طبخ مطبوخات آنکه بگیرند
ادویه مسهله چیده هر خلط که اراده استفراغ آن دارند ادویه مسالهٔ هر خلط بآن ذکر کردیم و ترکیب نمایند آنها را باد و یه مصلحه و مبدد قوه
بقدر احتیاج پس از ادویه انچه قابل کوبیدن بهتر مانند بزور کوبیده و انچه از قبیل اصول و اخشاب بهتر مرضوض
ای نیم کوفته نموده چون همکاسنی و اصل السوس مگر تخم کاسنی و کشوث و افتیمون محتاج بکوبیدن نمیند قوت اینها در طبخ
می آید و انچه از قبیل ازهار و اوراق اند نیز محتاج بکوبیدن نیند پس انچه از قبیل اصول و اخشاب اند که قوت آنها
بدیر استخراج می یابد وقت شب در آب در ظرفی علاحده و انچه قوت آنها زود تر استخراج باید نظر فی علاحده
و افتیمون و تخم کشوث را در کیسه علاحده نهیسانند و وقت صبح در ظرف وسیع الراس با آتش ملایم اولا اصول
و اخشاب مذکوره را طبخ نمایند و بعد زمانی اندک بزور ها و اوراق و ازهار و انچه قوتش زود استخراج یابد و بعده
صره تخم کشوث و منفشه را همنگام یکه ثلث آب تخمینا سوخته بود و صرهٔ افتیمون را در آخر که حاجت دو یک جوش مانده
باشد اندازد و دم بدم ادویه زیر و بالا نماید که اجزای آن متساوی طبخ یابند پس چون ثلث و زن آبیکه دران ادویه
خیسانیده بودند باقی ماند و معده متحمل بران تواند گردید پس فرود آرند و بعد اعتدال مایده مصاف نموده در همان
گرمی طبخ در مستان گرم نرود در تابستان سرد تر نوشانند و اگر تربنجبین و شیرخشت یا گلقند داخل مطبوخ کنند
مطبوخ را بر روی آنها مصاف نموده لحظه گذارند تا انچه با تربنجبین و شیرخشت از خاک وغیره مخلوط است به نشیند
پس صاف نمایند و شیرخشت و تربنجبین و گلقند را جوش ندهند و خیارشنبر را هم جوش ندهند بل علحده
ترکرده آمیزند و در مسهلیکه خیارشنبر بود یا آنکس را که معده و امعا بود روغن بادام یا شیرهٔ آن آمیزند و بادیان
و گلاب برای رفع بو و خیارشنبر اثری تمام دارد و شکر سرخ و نبات و انچه زود گداخته گردد بعد تصفیه داخل سازند
و شهد و نیار را تا بران نگذشته استعمال نکنند و در تپکیه بران دو هفته نگذشته بود هیلیه و اون اسهال کبدی کنند
پس اگر ضرور تاً شد افتد بروغن بادام چرب کرده با لعابین و اشیای مرطوب دهند و فاریقون را نکوبند
که در وی چیزیست زهر سخت مانند ناخن و بعد نوشیدن دوائے مسهل پیش از انکه شروع در عمل نکنند

خواب نشاید و بکاری که مسهل را از عملش باز دارد مشغول نباید شد الا در مسهل قوی که خواب بران مضایقه نیست زیرا که قابل انهضام نیست و طبیعت قوی بسبب قوه بسوی باطن معین بر عمل آن خواهند شد اگر در مسهل قوی هم بعد شروع عمل قطعاً نباید خفت و بمکان محفوظ باید نشست و بطبع ریشه خطمی استخا باید کرد و آب گرم بر سر مطبوخ نوشید اما اگر شکم درد کند قدری مجوز و بالای جهاد و سفوفها و مجوزها آب گرم لازم ست و باثنای عمل آب سرد منع ست الا وقت تشنگی آب تازه چرده جرعه نوشند و بیشتر شربت در دو انجیر دری حب الملوک و همچنین بر جوب و سفوف که از تربد و غیر او بود آب سرد لازم ست زیرا که آب گرم مبطل عمل عیشود و درین ترکیب با مسهل در معده بود غذا نخورند تا طبیعت باتمام غذا مشغول نشود و عمل مسهل باطل نگردد بل بعد بهر دو اغذا نخورند و بهر گاه دست موقوف گردید از عمل مسهل باز ماند و شهوت طعام بهمان آمد و ضعف ظاهر شدن گرفت غذا خورند و آب نوشند و اگر از مسهل نفرت آید هر دو باز دو ساعت دیگر نوشند و غرغره کرده پودینه یا برگ تنبول و قاقله مضغ کنند و استعمال برگ تنبول در مسهل باعث اعانت است بر عمل و اگر آنکه در مسهل عادت قی بود باید که قبل مسهل یا دو سه روز از آب مطبوخ ترب یا شربت آن با سکنجبین دیگر نوشیده و خورده قی کنند و اگر غثیان آید مقویات معده مانند سیب و به و ریباس قدری بخورند و اگر صفراوی مزاج بود و از وجع متضرر شود و قا فراغ عمل مسهل صبر نتواند کرد جائز ست که از اشیای مناسب مانند آب انار و سنا بسبب مزاج صفرا و یا مرهای سکنجه عطش و اشربهٔ لائقه تناول نماید و بداند که بعد شرب مسهل باید که از خانه بر نیاید و از هوا خود را محفوظ دارد و متوجه نشود که مسهل را از عمل باز دارد و همچنین بمصاحبت و مجالست با اخوان و بکالمه بسیار با ایشان که طبیعت نوشیدن دوا را بالکل فراموش کند نگردد و نکند و خود را در راحت و خوشی دارد و محبوب خود را پیش خود طلب و انچه بکرده طبع او بود از پیش خود دور نماید و نیز از اغراض نفسانیه مثل فکر و هم و غم و خوف غضب و حرکات بدنیه تحرز نماید و بود و سیلهٔ دوای مسهل نوشید و عمل نکرد و بسبب آنکه دوای کهنه یا نشوش یا آنکه مهاری بدن با خلقه یا بسبب کدای مرض تنگ بود و دوا دران بخوبی نفوذ ننمود یا آنکس مبادرت بعمل کرد از ان منع نموده ام پس باید که بران مسهل دیگر داده تحریک آن ننمایند زیرا که جمع میان دو مسهل در یکروز خطرناکست و خوف هلاک خواهد مسهل اول عمل نموده بود یا نه و بهر گاه بچشانند و غیره معلوم شود که دوا هنوز در معده است و منحدر نگردیده خوف حدوث مرضی خوف مانند قولنج و غیره بود باید که آبی که در و نطرون یا نمک حل نموده بود نوشانند و اگر آب آلو یا تمر هندی باقند یا تر سکبین و هندبه مضائقه نیست و مغز فلوس نیز جائز ست و اگر مصطکی بقدر نیم درهم کوفته پخته همراه نبات یا رب یا شراب سیب و به و انار سرشته بدهند نیز سین بعمل مسهل ست و فضائید سیب و به و نکیدن انار نیز سین عمل اوردو اگر از قی امکان اندفاع دوا بود قی فرمایند و الا بحقنهٔ لینه و شافه و فتائل مسهله متوجه گردند و اگر دامی تدابیر فائده نبخشد و اعراض دیده مانند تمدد و بطن و برآمدگی چشمان و بیهوشی عارض گردد فورا فصد کنند تا آنکه اعراض تخفیف یابند بسوی عضو

تیار کردہ مسہل ۱۲ مسہل

رئیس حرکت نکنند و اگر مسهل در عمل افراط کرده دست بسیار آمده می آید شوش و مضطرب و بولناک گردد و قی
خلط از جنس چیزیکه سزاوار استفراغ نیست اخراج میکند و مریض متوجه تحمل آن نیست و متوجه بحبس و قطع عمل مسهل
نگردد و اغلب تقیه شود پس اگر علامات دالّه بر قطع عمل مسهل ظاهر گردد و مریض متحمل بر زیاده نیست متوجه حبس باید شد
پس علاجش اگر قطع نمیگردد از آب گرم قی کنانند و اطراف بازو ماهیچه بندند و قابضات تناول و ضماد نمایند و رد
پوشد و سر خود را بیرون دارد تا عرق برآید و طبیعت متوجه اعالی صدره و اطراف و خلاف جهت مسهل گردد و مالیدن
اطراف بعد برآمدن عرق و خواب نمودن و متوجه شغلی دائم مرغوبی شدن نیز قاطع عمل آنست و اگر عرق بسیار آید شربت
سیب و شربت انار و شربت به دهند و صندل و کافور و گلاب بویانند و اسپغول و صمغ عربی هر دو را بریان کرده
و گل ارمنی هر دو نمگل چرب کرده بر لب بهی و سیب آمیخته دهند اگر مزاج گرم بود و داشتن اطراف در آب گرم هم نافع است
چون اینها کار گر نیاید باید که تریاق فاروق و فلونیا و جدوار و فانیذ سعدی هر چه حاضر بود خورانند و بسیوس شعیر با
خشخاش و آب سیب و آب سورد و گلنار و طباشیر و خربق سکم ضماد کنند یا برف و یخ بشکم مالند و تدهین بادبان
قابضه مانند دهند و مصطگی و غیره کنند و مسکن بالطبع بارده معتدله مقویه خوشبو کنند و لحاج بارد معمولا زنانند
صندلین و لادن و مرکاکو و کافور و گلاب و آب برگ کاهو و غیره استعمال کنند و نخود آب نیز اسهال را بند کند اگر ازین هم فائده
مترتب نشود و حجامت ناری بزیر ضلع و میان کتفین گذارند و دلک بسیار گرم و بسیار سرد احتراز نمایند و تقدیر سه درهم
حب الرشاد بریان کرده با دوغ دادن باز مجربات است و اگر گرمی مسهل با عضای رئیسه اثر کرد
و غشی لاحق شده و حالات دیگر ظاهر شدن گرفتند زود قی کنانند و بشرط عدم کفایت آن و عدم نافع فصد باسلیق
یا الکل گیرند و آنرا که از شرب مسهل در سر و حرقت معده عارض گردد لعاب بزرقطونا و لعاب بهدانه تر دسجا
با آب سرد نوشانند یا آخر ایروغن گل یا روغن بادام یا روغن کدو آمیخته دهند و کیموب بارده در یاحین بویانند و بر سر
و سینه اش از بنه دوات طلا نمایند و ماء الشعیر دهند و اگر تب عارض گردد بهترین آشیا ماء الشعیر ست و اگر کرب و قلق
و غشیان بهم رسد سیب پاشی دارد و حب الریحان چاشنی دارد بکشند و باطراف روغن و نگ مالند خصوصا باسفل
قدمین و اگر خون استهال شدن گرفت اطراف بندند و فاذزهر و جدوار و تریاق فاروق و طین مختوم و ارمنی و نشاسته
و صمغ عربی و برزقطونا بر یاران با شربه نوشانند و بر شکمش روغن بصطکی مالند و اگر تشنج امعا بهم رسد طین ارمنی و صمغ عربی
و برزقطونا با آب انار و امثال مذکوره دهند و اگر منفض عارض گردد آن موضع را با آب گرم تکمید نمایند بدینطور که در شاذنه گلاو
یا برز با آب گرم پر کرده بر آن موضع گذارند و یا ماء مسل گرم بیاشامند و اگر بعد استفراغ تشنج عارض گردد که دال ست
بر استفراغ رطوبات یکه بدن بآن محتاج ست بقوام خود لعاب بزرقطونا و حب السفرجل بارو روغن گل یا روغن بادام دهند
و اطراف بندند و اگر بعد اسهال فواق عارض گردد عطسه آرند و اسپغول بر روغن گل چرب کرده دهند با آب سرد

و بریحنه و اعضای تشنج بادمان بارده مانند دهن بنفشه و نیلوفر و کدو تند دهن نمایند و آب گوشتهای حریف و ماء الشعیر ساده یا با شکر نوشانند و اگر بعد اسهال و فصد و حجم در کبد هم سیداب گرم نوشند و اگر ادویه دوا در معده نماید که گویا باقی هست نوشیدن و بستن جوهر زیل آنست علامات دالة بر قطع عمل المسهل از انجمله اشتداد تشنج و نوم ست و اشتداد عطش و حدوث ضعف و گرسنگی مفرط چون این علامات ظاهر گردند معلوم شد که عمل مسهل قطع شد و چون دوای مسهل صفرا خورده بود و بعد اسهال صفرا اسهال بلغم شروع شد یا مسهل بلغم نوشیده و بعد اسهال بلغم سودا مندفع شدن گرفت یا مسهل سودا خورده و منقضی باسهال دم گردید پس اینهم دال بر قطع عمل مسهل ست پس بزودی ستوچ جلیس مسهل گردند تا خطر عظیم حاصل نگردد و چون دوا اخراج یافت از تعب حرکات عنیفه و جماع و اعراض نفسانیه قویه محترز باشند تا طبیعت بحال اصلی خود آید و همان روز بدن را خوب شوینده تنقیل با آب گرم از رائحه کریه عرق و قوای آن ببرد و رباحین طلیه معتدله بپوشند و غذا در حالت مرض مناسب مرض و در حالت صحت کبکی موتک بخورند یا طعام قلیل الکمیة سریع الانهضام کثیر الغذا معتدل الکیفیة متقوی قوی و ارواح که معتاد باشد تناول نماید مانند گوشت مرغ جوان فربه و گوسپند یکساله و اسفیدباج و بازیر باج و یا قلیه و یاده بیازه و یا قورمه کم روغن و یا پلاو کم روغن تناول نمایند و شور بسیار و ادویه بسیار ضرر ست آرزو شروع مسهل تا انقطاع آن بلا تقویت معده از مانند آلمه مرئی غذا الثقیل نخورند و اگر سنگ بسیار و استلاو تداخل احتراز نمایند و نیز از تناول اغذیه قویه یا الکیفیة یا الطبع یا بخاصیة و جمودات چیزهای حریفه المحه و اغذیه ثقیله مولده بلغم خصوصا در بلدان و ابدان بارده رطبه و زنان و اطفال و مشایخ احتراز باید و بسته ضروریه رعایت بسیار باید کرد و در ایام نضج صفرا اگر اندک ترشی دهند مضایقه نیست زیرا که معین بر نضج آن ست و نیز از اطعمه نفاخه و ادویه مقوی و قوابض و بقول و فواکه پرخیز کنند و بدانند که مسهل تا قبض ضعف نخورده و بیرون نیامده و بیرون نیامده تا ماده خوب برآید و مسهلات اخلاط ثلثه بالاذکر کردم رعایت مرض و مزاج و سن و سال مریض نموده دهند و بدانند که دوای که جزیک خلط خلط دیگر را بیرون نیارد مگر آنکه بانچه مخصوص ست بیشتر برآرد پس اگر اخراج اخلاط ثلثه منظور بود مسهل مرکب دهند و مسهل آنها باهم کرده استعمال سازند **فصل یازدهم در قاعدهٔ تلیین** بدانکه تلیین آنکه ماده را از انچه در فضای معده و امعاء و نواحی آنست اخراج نماید و در تلیین حاجت بنضج ماده نیست تا در نضج گریه نضج شود بهتر ست کسانیکه محتاج تلیین شوند باید که اولا تقلیل غذا کنند بدینطور که هر قدر غذا که یک وقت میخورند آنرا چند بار مختلف کرده بخورند و این تلیین مبارک که اکثر امراض ظاهره و باطنه را نافع و مفید ست و بیشتر مزاجها حتی پیران و زنان حامله و اطفال و ضعفا و صاحبان درم احتشار امواقق بود هر صفته متغرغلوس هر قدر که ضرورت بود بگلاب یا آب گرم مالیده صاف نموده دهند و اگر حرارت بود

بآب کاسنی یا شیره تخمهای دیگر هندوانه و مرزنجوش احتیاج در عرق عنب الثعلب و هندوانه اگر نفخ بود شیره بادیان و کاهو هم اضافه کنند و اگر قوی خواهند شیر خشت یا تر بخمین اضافه کنند و اگر عناب و سپستان و گل بنفشه و منقی و گاوزبان جوشانده با اطباس و هندبه بهتر است و اطباس بلار و عن بادام نه هندبه الا للغلمان را مضائقه نیست و اطباس جوانان را زیاده از چهار تولچه تا پنج تولچه نه هندبه **فصل دوازدهم در بیان قی و منفعت و شرائط آن** و آن آنکه اخلاط ثلثه یا یکی از ان یا دیگر رطوبات که محصور شده بمعده و حوالی او بیجان آمده از دهن دفع شوند و منافع قی آنکه باعث تنقیه و تصفیه معده و تسکین اعضای مجاور آن و تسکین صداع و قولنج و اوجاع گرده و مثانه است و رافع گرانی سر و باعث اندفاع آن مواد از بحره اصاعده از معده سوی دماغ را و جلای قوت باصر و مقوی آن و محکم و مقوی اعضاست و مفرح نزل و سعسعی و باعث اشتهای طعام و سرعت انهضام آن و رافع تخمه حالا و مآلا و رافع انضباب صفراست بمعده و مفید است صداع متعدد و صرع و عرق النسا و قروح خبیثه و نقرس و عشه و الیخولیا و فالج و ظلمت بصر و ثقل است و درد دندان و آمدن آب بسیار از دهان و ضیق النفس رطوبی و انتصاب نفس و استسقا و درد ات رنگ بشره و جذام و قوباء و دیگر امراض بادی و سفلی را و قی دو نوع است یکی آنکه برای حفظ صحت کنند بجهت آنکه هر چه از تناول اغذیه مقرره هر روزه قدری غلیظ تر یا لزج تر در خلل معده و نواحی آن آلوده میماند خصوصا که در اغذیه ما کولات زود هضم بود و بسعده برودت و رطوبتی و بعد آن ریاضتی واقع نشود تا مواد مجتمعه تحلیل شوند و یا اندک اندک جمع شده آخر الامر سودی بفساد میگردد پس باید که قبل از انکه بسیار مجتمع گردد و مقتضی بفساد گردد آنرا بقی دفع کنند اقل آنکه در هر ماهی یکبار در روز پی در پی قی کنند تا انچه بروز اول سند فع نشده و باقی تحریک یافته بروز دوم سند فع گردد چنانچه معمول اهل اوده و لکهنو است که در هر ماهی دو روز پیهم قی کردنی دوعوی کردنی و گفتنی که هر که چنین معمول خود دارد بشر بلکه در غذا و غیره فی اعتدالی نکند ضامن تندرستی و صحت او و ستم بشرط آنکه در هر ماه دو روز بالتعیین تاریخ قی کند مثلا اگر ماه اول روز اول یا روز دوم آن قی نموده بود در ماه دیگر یکروز دو روز تقدیم تاخیر نموده قی کنند تا طبیعت بان عادی و مستمر گردد و اطباء هند و جوگیان آن افراط می نمایند و میگویند که باعث صحت بدن و طول عمر است دوم آنکه برای ازالهٔ مرض نمایند پس اگر تنقیهٔ معده و حوالی آن منظور بود پیشتر یکروز غذائی که غذا غلیظ را لطیف کند تناول نمایند و غذای نرم خورند و بشرط عدم مانعی مانند حرارت و غیره روغن خوشبو بالند و بروز قی غذای نرم مانند اوگرای مانش و برنج خورند اما مرطوب باحاجت باوگرا نیست بعد یکساعت از مقیات کهالا ذکر نمود و بعد حاجت نوشیده قی کنند یکمرتبه مزاج را نهار روقی کنانند و خربق سیاه بلا ضرورت شدیده نهند که خالی از سمیت نیست بلکه هر گز احادت قی نموده قی نکنانند و آنرا که قی کنانند بر پشت چشمش رفاده نهاده بعصابه بندند و شکم و کمر را نرم بسته استاده سر فرو هشته قی کنند که مواد از معده بخوبی برآید اگر غذائی که قبل قی

تناول نمایند جید دلذیذ و کثیر و مختلف الالوان بود بهتر ست بنجمکه کسانیکه صلاحیت قی ندارند
صاحبان ضیق الصدر و صیاد نفث الدم و رقیق العنق و مبتلایان صدوث ورم حلق و ضعیف المعده و فربه مفرط
و غیر معتاد بقی و ضعیف الدماغ و زن حامله و آنکه در چشم و گوش او مرضی گرم باوی بود یا آنکه در سینه و حجاب او ورم
بود و هستند و اما قی که اکثر زنان در ایام حمل عارض میگردد مطلوب حبس او نگردند مگر وقتیکه خوف استنداد و ضعف
و غیره بود و آنرا که قی بدشواری آید نیز منع کرده اند مگر اگر ضرورت شدید بود پس درینصورت تدهین نمایند و شوربای
چرب و طعامهای مختلف خورانند و در خانه گرم قی کنانند و پر مرغ بروغن حنا چرب کرده بحلق آرند. **اما اوقات**
قی پس بدانکه بهترین اوقات آن باعتبار فصول صیف ست و باعتبار ساعات نهار وقت برآمدن دو پهر ست
و قی بریق جائز نیست مگر مرطوبی مزاج را زیرا که فم معده کسیکه ذکی الحس شدید الادراک باشد ناشتا متعمل لذع
خریق و او و به نتواند گردید و دانند که کسی را که تخریق و مقیات قویه قی فرمایند باید که معده او خالی از غذا بود
تا از کثرت خروج که دفعتاً عارض گردد خناق حادث نشود و چون قی شدن گرفت **در اثنای قی**
اگر مانعی نبود در ایمنت و تعب و حرکت فرمایند تا قی بیشتر و آسان برآید زیرا که اینها محرک و مخلط اند و آرام
و سکون بسیار و خواب نفرمایند مگر آنگاه که اراده قطع عمل شش گردد و بهلوتکیه نموده قی نفرمایند که بسیار ضرر دارد و دوزانو
قی باید که کسی پس مقی ایستاده سر او شانه او را بملائمت بگیرد تا از شدت قی بر رو نیافتد و بعد شرب دوای مقی
و انقضای زمانی معتد به اگر خود بخود قی آید بهتر ست والا پر مرغی بروغن حنا و مانند آن چرب نموده داخل گلو
کنند اگر باز هم نیاید حرکت دهند اگر اینهم کفایت نکند بحمام روند و اگر بعد نوشیدن مقی کرب و اضطراب عارض گردد آب گرم
بازیت آشامند و اگر **قی افراط کرد و بسیار آمد و سودی بضعف گردید** در حبس او کوشند و خواب
کنانند بنوعیکه ممکن بود دو بازو ها و ساقها و پایهای او را بندند و دست و پای او را در آب بسیار سرد گذارند و بر
معده او اضمده مقویه قابضه بالتدور و غنهای مقوی خوشبو قابض آن مانند عطر صندل و عود هندی و دهن الورد
و مصطکی و جوز بوا و اظفار الطیب و دارچینی و اشیای قابضه عطریه مثل قرفه و بادرنجبویه و دارچینی و قاقله و پوست
اترج و صندلین و کشنیز خشک و زیره و مصطکی و سماق و زنجبیل و غیره سائیده بر شکم و جگر او مالند و قدری
خورانند و ریاحین بلیسه بویانند موافق مزاج محرور و مبرد و اگر قی الدم عارض گردد و بهتدبیری حبس نگردد
عصاره بقلة الحمقا با گل ارمنی نوشانند و طبیخ رازیانه فرمایند تا خونیکه در معده بود دفع شود و اگر خوف بسیار
خون در نواح صدر و معده او بود سکنجبین با آب سرد کرده یخ یا برف خورانند و چون از **قی فراغت شد**
دهن و رو را از آب گرم با سرکه آمیخته بشویند و با آب گرم و سکنجبین قدری غرغره کنند تا حلق پاک گردد و از
بادهٔ متصاعده و از نسیان ایمن گردد و بعد غرغره عود یکمثقال یا مصطکی یکدرم با آب سیب یا اطریفل صغیر

یا شکر بدهند تا معده را قوت بخشد و غثیان را تسکین نماید و اگر تشنگی غالب شود شربت سیب ممزوج با سکنجبین
و یا شربت لیمو نوشانند و اگر سوزش معده عارض شود شوربای مرغ دهند و اگر گرسنگی معلوم شود غذای لطیف
سریع الهضم کثیر الغذا خورند مانند جوجهٔ مرغ وغیره و مرطوبی را کنجشک و بچه کبوتر تازه به پرواز آمده و استراحت
و تدهین بشراسیف و استحمام برای رفع اعیا ضرور ست و آنکه قی حامض نماید و معتاد بدان نبود قدری نعناع
گرمی یا بند تا نصف روز غذا اندهند و قبل از غذا گلاب گرم نموده نوشانند و آنرا که قی سودا دهد
شود دوام باید اسفنج بسرکه گرم کرده تر کرده بر معده او گذارند و اگر بعد قی حالات ردیه
عارض شود نمانند تمدد و ورزش شراسیف از آب گرم تمهید نمایند و ادهان ملینه و وضع محاجم ماری بایستی
آرند و اگر التهاب معده عارض شود مرقد سمه سریعة الهضم دهند و تمریخ معده بروغن بنفشه و روغن خیری یا قدری
موم آمیخته نمایند و اگر فواق آید آب گرم جرعه جرعه خورند و عطسه آرند و اگر گزاز و امراد باره و سبات و انقطاع
صوت عارض گردند شد اظفار کنند بزیتی که سداب و قتاء الحمار در و جوشانیده بوند تکمید معده کنند
و غسل آب گرم نوشانند و مضار قی آنکه افراط آن مضعف معده است و مضر بسینه است و دندان و کبد
و ریه و بصر و گوش و صرع و ماغی و عروق و زنان حامله و اوجاع مزمنه فصل سیزدهم در ادرار و آن
آنکه فضول سائله در طوبات تحقیقیه از راه بول یا عرق یا شیر اخراج نمایند پس بدانکه اگر اخراج مواد از جگر و گرده
و مثانه و اعضای تناسل منظور بود مدر بسیار استعمال نمایند و اگر غلظ زیاده بود بلا فصد و اسهال مدر ندهند
و بلا نضج نیز و مدر غیر رقیق را ندهند آرد پس در غیر مرض طوبی ندهند و بدانند که عرق از جمله فضول هضم سوم
عروقی واجب الدفع ست که طبیعت دران تصرف کرده رقیق آنرا بتبخیر از راه مسام دفع میکند و چون
کثافت بسیار بظاهر جلد بباعث رسیدن سردی هوا یا آب مجتمع گردد مانع او را از عرق گردد و از احتباس آن بدن را
سختگی و کلال و ملال عارض میگردد پس باید که در تصفیهٔ بدن بحمام و اغتسال آب گرم کوشند و ادویهٔ مدرهٔ عرق نوشند
تا از آفات محفوظ بوند نظر بقلت آنکه آب گرم کجوشان بود و ادویهٔ مدره عرق جوشیده بوند پیش روی خود گذارند در اثنای
بر تمام سر و بدن بمالند تا بخار آن بدن رسیده جلد را نرم و مسام را مفتوح کرده اخلاط تحت جلد را دافع نمایند و بهای
هر قدح عرق که برآید پاک نمایند تا بیشتر آید و آب گرم با سرکه هم بسیار معرق ست و اگر عرق بسیار آید و ضعف عارض گردد حبس
سازند و جایز نرم نازک پوشند و بدن را خشک سازند و آسایش سازند و سیب و بازهر یک نیم من گل سرخ پنجاه درم در دو
نیم من آب طبخ کنند و صاف نموده روغن کنجد آمیخته با آتش جوشانند تا روغن فقط بماند آن روغن بجمیع بدنش
مالند یا خود بدنش کوفته بیخته مسفوفش را بر جمیع اعضایش بپاشند و طریق ادرار یکه بامراض سوداوی مخصوص ست آنکه کباب بینی
و شورهٔ قلی خر و دل قاقله صغار را صفوف کرده با شیر گاو یا آب بپاشانند و تمام روز غذا اندهند و مدرار شیر باد و جیدان آب بپاشانند

و مدرات حیض وغیره بالا ذکر کردیم **فصل چهاردهم در حقنه** که عمل و عمل طاقر نیز گویند و آن عبارت از دستان مائعات بمعاء مستقیم باحم ست بآله مقرره و وی مواد را از امعا خارج کند و بهترین علاج ست در استفراغ و تسکین اوجاع شانه و قولنج و کسی را که ضعیف المعده بود از مسهل نمی آید و مکروه او و یه مسهله بود و مفید ست بر وی امراض مانند صداع و شقیقه و دوار و سبات و لیثرغس و سکته و سرسام و صرع و فالج و غیره و اوجاع منامعا صل و عرق النسا اگر بکار منضج خورده گیرند بهتر ست بر خلو معده مضرست باید که قبل آن شیر بقری معوی هند و بهتر بر وقت آن از امروز و آخر آن بهتر و بهترین فصل فصل خریف یا زمستان ست و حقنه که برای تنقیح دوا مراض دماغیه مانند سرسام و غیره هند بر خلا اسهل باید و اقسام آنکه یکی دو او یه مسهله جوشیده بود ندو مثانه گاو کرده فی بار یک سوراخ دار قدری در ان داخل کنند تا مرض را بشناسد و آخر زیر سر و سرین آن بالش نهاده بطوریکه پشت بزمین بود و سر آن فی و مقعد آن نهاده مثانه گور را بفشارند تدریجا تا دوا بامعا رسد و اگر درین او و یه روغن گل یا روغن بید انجیر نیز داخل کنند تا بامعا خراش نرسد بهتر ست و حقنه را از حرکت و هوا بسیار سرد و گرم باید داشت و متاخرین بجای مثانه آله فلزی برای حقنه مقرر کرده اند و طریقه بچکاری مانند حقنه ست الا آن از راه بول ست و تفصیل فی المطولات **فصل پانزدهم در شیافه** و آن آنکه اجزای مسهله سفوف کرده با صابون آمیخته فتیله دراز گاودم نمایند و طرف باریک آن داخل مقعد کنند تدریجا مقعد را شش انگشت تا اثر آن بامعا قولون رسد و اخراج مواد شود و الا طبیعت را مائل طرف دفع براز نمیکند و مثل شیافه در آلت ذکر فتیله هم ساخته برای ادرار بول یا دفع قرحه می نهند **فصل شانزدهم در فصد** و آن مستفرغ اخلاط اربعه ست غایته مافی الباب آنکه خون از یاده برآرد و حاجت منضج هم ندارد مگر چون خون بسیار غلیظ گردد و چونکه با خون روح هم خارج میشود بغیر ورت قوی فصد نکنند و فصد نزین استفراغ ست زیرا که انسان مختار ست که هر وقت و از هر عرق و از هر عضو خاص هر مقدار خون که خواهد برآرد و قبل چهارده سالگی و لاغر اندام و حامله و حالقنده و قولنجی را و بروز تحران و شدت گرما و سرما و تا سن پانزدهم هر ماه دو وقت شب و بعد جماع و تا تحلیل غذا نشده بود فصد ممتنع ست الا در مثل سرسام و ضماق و ذات الجنب و ماشرا از موانع خفیف تر سند و در حبس طبیعت و قولنج غیور می نیز فصد نکنند و اگر باده غلیظ و محتاج بفصد باشد اول بحمام روند و کنجبین معمول بمطبوخ زوفا و حاشا نوشانند بعده فصد نمایند و در حمیات حاده نیز فصد نکنند و ایام سرما قبل زوال آفتاب و بهار ایام گرما بعد آن فصد گیرند و بهترین ایام فصد از زمستان روز یست که دران باد و باران سابق بود و مجانین و اهل سوداء را در شب بوقت نوم فصد گیرند و پیش از فصد طعام و شراب بسیار نخورند و حرکات متعبه باشد و فرح مفرط و خواب نکنند و قبل فصد شربت انیسون یا شربت انار ترش با گلاب آمیخته دهند و صفراوی را شراب بهی ترش و غوره و بلغمی را شراب نعناع و مجربی خورانیده فصد گیرند و بعد فصد اگر غشی افتد می کنانند و مجموع و ملدوغ را فصد نکنانند مگر در لدغ عقرب جرار و در طاعون نیز منع کرده اند مگر آنکه ماده بخون کثیر بود و سمیت باعضای

اثر کرده باشد اکنون بگمانیکه بیشتر زنند بیان کنم قیفال در لغت یونانی بمعنی کنارهٔ هر شی است و آنرا بهر دو هم گویند
زیرا که قصد آن مخصوص باخراج خون از سر و گردنست و برای امراض دماغ و گلو مفیدست و دمی برابر ابهام است العلل
عرق دوم شقیق از کلاوس یونانی بمعنی شی مرکب است و آنرا مفرالهدان هفت اندام هم گویند برابر سبابه است تشریح
بدن میکند باسفلیق عرق سوم بیونانی بمعنی پادشاه عظیم برابر وسطی ست بشرط دقات الجنب و امراض کبد
و سپرز و امراض گردن تا بزانو را مفیدست زیرا آن شریانی ست تشریح شود که نشتر بآن رسد جبل المذبح عرق چهارم
نفع آن بشکل قیفال یا باسلیق است و آن رگی ست که از انسی ساعد ظاهر شده و با ملاقی ساعد متد گشته بسر
بطرف وحشی رفته الاطی عرق پنجم برابر خنصر ست و آنرا اسطم هم گویند علتهای احشاء و امراض سفلی را نافع است سلیم
عرق ششم میان خنصر و بنصر از دست راست امرض گویند و از بهر امراض طحال را مفیدست و بوقت فصد این رگ دست را
در آب گرم گذارند صافن بشتالنگ ست برابر ابهام علل اعضای اسافل و ورم حیض و قراحت و خارش
ران و خصیه و قضیب و امراض دماغ خصوصاً الیخولیا را نافع عرق الکیشیارگی ست گره دار که از جانب وحشی
رجل تا کعب آمده و بر پشت پا رسیده اگر بر ساق پای بایند قبهاء الاما را نافع بصر و خنصر پشت پای گشاینده برای رفع
عرق النسا که مرضی ست نافع و دیگر امور قریب صافن چهار رگ چهار رگ اند دو زیر لب زبرین و دو بر لب بالا
در باطن لبهای گشایند فصد آنها قروح فم و قلاع و اوجاع لثه و اورام و شقاق لب را نافع و البحر زبر زانوست درد
احشا و پشت و تقعد و بواسیر و رحم و مدر را نافع بدانکه چون خون سرخ خالص بنفش خارج شود و ضعف می افزاید
معلوم شد که نشتر بشریان رسید فوراً سر رگ گرفته این لازق بران گذارند و فادزه نهاده بندند و دست بر بالش کلان نهاده
دارند و حرکت ندهند حمامیه گفته اند صبر مردم الاخوین قلقطار انزروت شیب اقاقیا هر یک یکدرم صمغ عربی
دو درم کوفته بسفیدهٔ تخم مرغ آمیخته با خانهٔ عنکبوت آلوده در زخم پر کنند و اگر نشتر بعصب رسد و اماس
عفو شود صندل سرخ و سفید و کشنیز و مملاثات دیگر استعمال کنند فصل هفتم در حجامت
در سال حجامت و زلوکردن ابجای فصد بهست و پیش از دو سال و بعد شصت سال حجامت
منع است و اولی آخر بهار و جائز نیست که اخلاط درین ایام متوجه بباطن می شوند در چهاردهم و پانزدهم که کمال
زیادتی نور قمر و مد تقیق از نیز جائز نیست زیرا که اخلاط هم بکمال غلبه میرسند پس اگر شانزدهم و هفدهم فتح
صحاجم کنند بهترست و بهترین ساعات ساعت سوم از روز ست یا چهارم و فصل سرما و ساعت دوم دگرما و بعد طعام
حجامت نکنند و بر شکم و باطن حس و ذهن را مضر و بر آنچه گردن خلیفه اکحل الانسیان آرد و میان آن شانها
خلیفه باسلیق و بر ساق خلیفه صافن و بر اخمصین و آن دو رگ اند که بر عرق واقع اند خلیفه ابهام ست لدغ
را نافع و بر قطن و ماسیلیا و بر کعبین اقتباس طشت

وعرق النسا ونفرس نافع و مجامعت بلا شرط اما از عضو بعضو دیگر کند و میزند بخار نماید و در آن وقت
و مجامعت مع الشرط از همان عضو خود او برآرد و فربه را مفید و بعد مجامعت زنم را صاف کرده بنوشد زرد پی
مالند و طریقه معجونه نادری معروف است **اما علق** ای زلو که بهندی جونک گویند بجذب خون ناقص از
عضو خاص و قریب آن و آنجا که مجامعت مع الشرط ممکن نباشد مخصوص بهترین آن متوسط در بزرگی
و کوچکی سبز رنگ با خطوط دراز برنگ زرد و سرخ شکم سیاه و سیاه رنگ کلان که بر آن خطوط دراز نباشد
بود ناقص ست و از زلوئی که مشاهده شده بود خالی از سمیت نیست و نیز از آنکه پشم دار بود پس اولا
تنقیه از اخلاط فاسده نموده و زلو را نیز زمانی سرنگون داشته تا آنچه در دست تی کند و عضو مقصود را با آب نمک
شوئیده تا سرخ شود پس چسپانند و چندان خون گیرند که مطلوب بود و اگر عضو نگیرد و گل تالاب بر عضو مالند
و اگر از خود عضو نگذارد بر و پیش تف اندازند و یا قدری خاکستر و نمک با اصفع حرق بر و پاشند و یا اندک
پیاز بر و همش رسانند پس خون آن موضع از پارچه کهنه باریک پاک نمایند و اگر خون نه نشود و گل آنچه دیگران
و سفیده و مرد اسنگ یا مازو سوخته یا خاکستر یا صدف سوخته سفوف کرده بر زخم پاشند و تنبیه عنکبوت
که بچه دران نبود نیز نافع و بر یکبار اکتفا نکنند بل روز دیگر هم ارسال زلو کنند تا بقیه خون فاسد بر آید در روز دوم
کم از روز اول چسپانند و بعده از آب سرد و هوای سرد و تر شب پاره پرهیزند که خوف قرحه و خارش ست و اگر آنوضع
سوزم گرد و خارش نماید زرد چوبه در خرقه پیچیده تکمید نمایند یا مرهم سازند و ما فرغنا عن المقدمة و بالغ
الکلام الی هذا المقام فلنشرع فیما هو غایة المسئول و نهایة المامول و لنقصر الکلام من ذکر الادویة المفردة علی
ترتیب الحروف التهجیة من الالف و الهاء مشتملا علی ثمانیة و عشرین مقالة ابتغاء لوجه الملک العلام

مقالهٔ اول در بیان ادویه که اول آنها الف

عرب											

ع	ف	ی	ر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	آس	اذخیر	درختی است	ب ای ۲	صداع حار	بشکنه سرسبز گل	برگ قوت	تا ۳ درم	مقوی قلب دافع خفقان و صداع مزمن و سدد و قطاع و دور رودان و محلل
اسکیوس			نظیر است کنار دریا شور سیدا خود	ح ای ۲	مورث سحج	صمغ عربی	مجرآن بماند	تا نیم درم	لذاع معض محلل خارج یرقان و منقی زخم باعسل رافع ورم سپرز و گرده طلاکرا با سرکه
اطریفلال		گل جنگی	تخم گیاهی است	ح ای ۲	جگر حار و گرده	مسکجبین و کتیرا	با سپستان در لطیه بر صبا	تا ۳ درم	جالی محلل مدر مفتح منقی کرده و مشانه مجفف قروح و مسقط جنین لغو خامقت حصاة
السیر			نباتی است	ح ۳ ای ۱	جگر حار	کتیرا	نصف آن حب الغار	تا ۲ درم	محلل جالی مقطع نافع درد سر و زکام و خارش سر سگ دیوانه و تعلیقش بر در خانه حافظ جمیع اطفال در اقع کلف
	آلو		میوه درختی معروف	ب					الغیل در بعضم مغلظ مسدد و باد انگیز مزید منی و مغلظ آن و محرک باه و مقوی مثانه
آنکیلس			نباتی است	مرکب القوی					قابض مقوی جگر و سپرز مفتح سدد نافع استسقا و یرقان آب تقوع ریشهای باریک آن مسهل و مقوی طحال
انس الثقل			گیاهی است	ح ۲ ای معتدل	گرده	عسل	آب انگور مطبوخ	از عصاره ۱۵ تا ۲۰ درم	مقوی حواس و حافظ مفرح مدر مهی قاطع بیاض چشم نافع الیخولیا مزیل هموم مصفی لون
	آرگل		درختی است	ب					جالی و ملتحم قروح و شور رود مامیل و دافع آماس اعضا
	آرکو		قسمی از شقاقل						ترشی و گران و دیر بضم
	آریا		قسمی از خیار	ب ز	محدث سحج عنف	سرکه			مولد بلغم و ریاح و ثقیل و اکثار آن محدث حمی عنفه
	آلوئن		درختی است	ب ا ر					دافع جمیع [illegible] جالی چشم مقوی ذهن مزید خون و مسکن غلیان آن
					باب الاتیم الباء الموحدة				

ح	ث	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ابراهیمیه			آبی ست مرکب	معتدل					مفرح مقوی موافق معده وجگر حار ست
راهبه بسیم	ابریشم	وباث ابریشم	پیله کرمی ست	سرد در یکم					مفرح مقوی ازدیاع وباسهل مفتح دافع خفقان ومضعف قلب مجفف مصفی رودماغ
ابزار			نباتی معروف ببزار	ح ی ۲	فتیل	نضاع سرکه ودستوبنیر	مرد در یکم	تا ۳ درم	مشعشع دیر هضم عصاره آن مفید اورام رخوه وریحیه اگر با آب وسرکه خیسانند تا لخی او برود بیاشامند محرک باه بود
انقر	شوشه	شوشه یا فلج وچا کمار	معروف بشوره	ح ی ۳	مری وگرده	کثیر الاد عسل	ملح اذار	تا نیم درم	مفتح منقی بلغم مسهل قوی ربع درهم ازان با دو درهم شکر دافع احتباس بول ومفید سبز رود وکمر
ابن عرس	راسو	خیول	حیوانی معروف	ح ی ۳	محرور بن	اذا ترس	برای صرع		مسهل مقوی جگر محلل نافع صرع واستسقا وهوم بارده وقولنج وخنازیر ورود گرده ومفاصل
الوقاقیا یونانی ۱۲			نباتی ست	ح ی ۳	احشا	آب سرد وعسل			مقطع ملطف جالی مفتح مسهل بلغم وزرد آب نافع استسقا وجلوس در آب قاطع اسهال آنست
انیسون			نباتی ست	ح ی ۳	معده	عسل		یک مثقال	عرق وضیق النفس واستسقا او جاع عصاب نافع وتبخیر او عصاره آن یا ماء القطر الیین سهل طوبات مانیه
ابهل	ادویه وتخم وبیخ وشیر گوسفند	ادویه وبیخ وهو بیر	قسمی از سرو کوهی ست	ح ی ۲	معده وحلق	عسل وسمن وشیر وخون انسان	بجذر السرو بعد دران	تا ۳ درم	ملطف محلل مجفف قابض لذاع نافع سرسام حار وقاطع وکری گوش واستسقا ورو بو بسیر واراالثعلب
		ابرا چیا	درختی ست	ب					مقوی ابصر مصفی آواز دافع آسیب دیو ودرد گلو وجذام وفساد دو صفرا وبلغم وآنود بشور
									باب الالف مع التاء الفوقانیة
اتان	مادهٔ خر	گدهی	م						شیرش نافع سل وتب دق
ابرسطون			شرابی ست	ح					ملطف جالی موافق مزاج بیران ومرطوبین

ع	ف	ہ	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال وخواص
اشرح	تربنج	بجوزہ	م	ح ای ۲	جگر و دماغ محرر و مصلح	عسل و بنفشہ	آب لیمو	۵ ماشہ درم	ملطف قابض مصفی روح مسکن قی صفراوی مقطع مرہ صفراوی نافع خفقان حار معدہ و جگر لسع ار و کزدم
	ایتس	بیج گیاہ است		ح ۲ ای ۲					مقوی باہ ہاضم حابس اسہال نافع بلغم و صفرای فاسدہ استسقا زقی و بواسیر
					باب الالف مع الثاء المثلثة				
اثل	درخت گز	جھاؤ	م	ب ای ۲	معدہ	صمغ عربی	جوزالسرو	۵ مثقال	جالی مفتح مقوی جگر و جدام و سعیدی مسودہ دندان را نافع طین درم محلل ورم جگر ضماد امعید لقوہ
اثلق	قنبلکشت	تخم سنبلہ الطیب	تخم درختی است	ح ای ۲	گردہ گوسفند	صمغ عربی	شاہدانہ	یکمثقال	قابض محلل ملطف مفتح نافع صداع و جنون و لہ سیر و احتباس حیض و سیر ار دہ یوم و سنگ گرد انیدہ ہمام
اثمہ	سرمہ	انجن	م	ب ای ۳	اکلیل الملک	روغن دنبہ	آب انار	نیم درم	قابض مجفف مقوی باصر مسہل صفرا نافع صداع و سرد و الم مفاصل طین ماءالقروح و سوختگی آتش و قتل سپش
					باب الالف مع الجیم				
اجاص	آلو	آلوی بخارا	تمری شجرہ است	ب ار ۲	دماغ بیضہ	عسل و کنجد	تربد سہ	۵ ادانہ	ملین مسہل صفرا قلیل الغذا مفرح نافع صداع حار و یرقان صفراوی و مطفی حدت وقی صفراوی و تشنگی
					باب الالف مع الحاء المہملة				
اذریون	گل کاسنی	تخم کاہو	م	ح ۲ ای ۱	معدہ سپرز و مصلح	عسل		یکمثقال	منضج محلل مدر قوی کبد ضماد ش با عسل بر قوباد یا ماست بر مثانہ احتباس بول المجرب قابض
اسحیون یونانی ۱۲				ح ار ۲	مورد شاخ ارک و بخشش سلیخہ	شیر			مدر بول و حیض شیر و عرق بیخش مقاوم سموم حیوانی خصوصاً فی شرب مع الشراب و نیز رافع درد کمر
					باب الالف مع الخاء المعجمة				

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	اب	ق	افعال و خواص
اختلاف البصر	سرگین گاو	گوسپند و گوبر روباه	م	ح ای ۲					محلل جلاب و حابس و محرج عارض بسکان گزیدن سگ و گزیدن هوام و قوه باه را شرب و سعوط و حقنه بجر جالیس مسهل قطور تازه آن
اخطبوس			نباتی است						دافع مراره محتبسه متجلبه قاطع سیلان لعوبت چشم مسکن درد گوش مجفف
اخوص			شجر پست						ثمر و برگش چون شداب مسکن ضربان اعضاء و طلای خاکسترش مثجر و دمامیل را نافع و مدمل جراحات
اذخر و سک			نباتی است						ثمرش بادرنجبویه چشم مستعمل و مجفف محلل قابض
									باب الالف مع الدال المهملة
ادرک	آلوچه بسلفا		م	ب ار ۲					مسکن حدت صفرا طین طبیخ قاطع قی آب رسیدش نافع سرفه و سعوط آب برگش قاتل دود
									باب الالف مع الذال المعجمة
اذان الفار	کف دریا		زبد البحر		۲ دانگ				اکتحالش رافع ناخنه بیاض عین و ذرور طلایش با آب عرق و رم پستان و جرب و کلف را نافع
اذان القی	کجله	کجله	م	ح ی ۳	سکنجبین کشنده	سکنجبین		تا ۲ دانگ	سم حیوانات سبعی مزاج بارد رطب سوی مزاج حار جید نافع اوجاع مفاصل و فالج و لقوه و امراض عصبانی
اذخر	کاه مکه	گندهس	گیاهی است	ح ی ۲	گرده و محرور و مصدع	گلاب صندل و عرق نیلوفر	بسیار و قسط	تا ۴ مثقال	مدر محلل مفتح مقطع منضج اخلاط لزجه نافع فالج و لقوه و نسیان و درد دندان
									باب الالف مع الراء المهملة
ارانج	سیمک		تخم سیاه مروس		مورث قولنج و لقاح	سرکه تمرهندی			ملین محلل دافع آلام اورام و محلل آن

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ارآک	درخت سواک	پیلو	درختی معروف	ح ای ۲	موجب سعیج نرها	کتیرا	صندل	تا نیم مثقال	جالی محلل منضج مقوی سدد وطوبات لزجه مانع نزلات وعسر البول منقی مثانه مقوی اثنه نافع نکله
ارنب وذرین	هزارپا	کفشدوزک	حیوانی است						اگر دو گوش مرده روغن گرم کرده وبگوش اندازند والاسر کوفته نمک یا واگر گز وگل بولسری وسرکه مالند
	ارنگان		زرد رنگ بزرگ	ب					طلای آن با کشنیز وشیر وشیر مادر ام حاره وجراحات باطلاء موکل لحم خبیثه وباقیر وطی ریاضه گوشت صالح
ارجوان	ارغوان		درختی است	ح مع	مقوی قوی	برگ چنار وخام	گل سرخ وصندل		مخرج اخلاط لزجه منقی آلات تنفس مفتت مصفی لون طبیخ پوست ریشهای تخم آن مقدار دو درم مقوی قوی
ارزق			نباتی است						بسیار تند رائحه لذاع ودر غایت حرارت حتی بالاسکان ازان پرهیز ند الادر اطلیه یا مصلحات او
ارز	برنج	چاول	م	بسی کوفتن دهد	سوده تو لنجه روغن	سرد روغن	لیست جو پاچاودرس		سوداخط صالح رافع تشنگی مسمن مولد منی محسن لون نافع زحیر وسحج وقروح امعاء واسهال امعوی ولمراض گرده ومثانه
		آرد وماش دهاکرده وکلاغی	غله ایست کوچک	ح ار ۲	قطع لبلی الصفر				مولد منی منبط باعث نفخ چون سائیده روزی چند مرتبه چند روز بر برص قوبا مالند دفع گردانند
ارکضه		دیمک	کرمی است	ح					مقوی باه اگر سرش بریده باقی را بروغن گاو چرب کرده بیخ نمایند وحلق کرده بروغن بسنام بقدر نافع بواسیر
ارغاسولی	مامیثا سرخ	بن بوسته	نباتی است	ب ی					حار حاد محلل منقی قروح عین مسکن اورام ضماد نافع قلاع اکلا بابست دیکدانه فلفل سیاه سائیده
ارقیطون			نباتی است	ح ی ۲	گرده	روغنها	بگمان آبیخ آن	تا ۶ درم	جالی منجف محلل الاعراض دهان ودندان وسینه وعرق النساء وعسر البول وحرقة النار رانافع
ارخلیون			گیاهی است						ملطف منجف جالی مسکن اوجاع اسنان نافع عسر البول وعرق النساء وحرق النار بتفاق کرازمری بود
ارسنال وارسنالک		لوده نزد بعضی	پوست درختی است	ح ی ۲	مصلح محرور	کشنیز	بکباب ودر بخمت	تا ۱ مثقال	مقوی دل احشا هاضم مقوی دندان ولثه ودواغ مشتمل رافع لوجاع مسکن اوجاع مانع انتشار زخم ها

ح	ف	د	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
اژمنین یونانی			نباتی است	ح ی ۳					محلل جاذب مبهی باشراب مطبوخش محلل ارام بلغمی و قطورش باعسل مزیل قرحه چشم و بیاض آن
ارجعلا بحری یونانی	خرگوش	ماہی بہ مسمار	حیوانی است	ح ۳ ر ۲	محرور بن	کاسنی ہاست			مانند زنان حیض آرد و نافع صرع و فالج و لقوہ و اختلاج و خدر و امراض بارده و بول الفراش و رعشه
ارنب بحری		سہندر کاسنا	حیوانی است	بسیار گرم	سم قاتل	خوردن شیر الاغ			خاکستر پوست جلی بصفر و مدان ضمادش با نخم انجره و سترنده سوے کلای خوشش مزیل بہق و کلف
	ارطوسہ		نباتی است	ح ی ۱					گلش نافع دق و دفع صفرا و تسکین حرارت خون و سورش بول و بخورش نافع رعشه و صرع و قطع طمث و قی
آرید بریت			دوای ہاتھی پیار	بسیار گرم				یک درم	جذاب جالی طلاییش قاطع خون بواسیر و مدر حیض ست مشربا
	ارنی		درختی است	ح					دافع غلبه بلغم صفرا و آماس و ضعف جگر و قبض و منهی و کشاینده و سدده
	ارجن		درختی است	ح					دافع صفرا و بلغم و علتهای زہر و ماندگی مصفی جراحات و مسک و مقوے بدن
									باب الالف مع السین المهملة
اسارمون		تگر	بیخ گیاہے	ح ی ۲	ربه	مویز ج	خوشخاش بقبیل	تا ۴ مثقال	ملطف محلل فتح مقوی سدد جگر و گرده و مدر و مانع از اخلاط رطبه و صرع و لقوه و فالج و تشنج را نافع
اسد	شیر	باگھ	معروف	ح ی					گوشت آن در مصم مورث سعال ضماد بیه آن بر کرم قضیب معدی جاع طلاء پیه و زیر آن بدن مورث هیبت در نظر
اسد العدس			نباتی شبیه بگیاه عدس	ح ۲ ی ۳	مکرب مغشی	بنفشه	افتیمون	تا ۵ درم	محلل طحم و سود امدر بول مفت نافع برقان با کبیبن و مقوی باه و مقوی بصر کرم زمل و رافع خفقان طلاء با سرکه مزیل کلف و سپیدگو
اسرار			شجری است	مرکب القوی				یکدرم	بخورش رافع درد دندان و شربتش با شیر و محرور و با شراب و مبرد و محرک باه مفتح منعش حرارت غریزی محلل

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
اسفرزنج	سپرغ دشنگرف	سیندور	م	ب ای ۲	سم قتال	اسفیدیاجات	اسفیداج ومردارسنگ		محلل جالی منقی رخمها منبت لحم نافع حرق النار قاطع گوشت زاید ومرده ومدبوی آن وسیلان خون
اسفروزع			نوعی از سبزه درنگ شود						ضماوش غصب منقطوع را در ساعت القیام دهد
اسطوخودوس		دهارد	گیاهی معروف	ح ی ۲	صفرا وی را وسطوبت دهنی	سکنجبین	فراسیون	از ۲ درم تا ۵ درم	محلل ملطف جالی فتح تقوی دل ودماغ وحشا وجمیع قوی مصفی روح مفرح مسهل سودا نافع امراض سینه
اسطرانجبس			بیخ تمشک مغز پسته						قابض مجفف قرح حابس بطن ریوی اشربه شیره جوز نرم کوبند وبرزند بر قروح کشنیز یا شند با صلاح آرد وقاطع نزف الدم
اسفاناخ	اسفناخ	پالک	گیاهی معروف	ب ر ۱	بارد المزاج ومصدع	روغن بادام وسکنجبین	خرفه وملطف	از عصاره تا ۲ مثقال	ملین رادع سریع الهضم جید الغذا نافع تبهای گرم ودامراض سینه ودرشش کرم وسل وتشنگی دجالے
اسفنج	ابرمرده	سوابادجل	معروف	ح ای ۲	احشا	آب غوره یا ریباس	کاغذ سوخته	یکدرم	محلل مجفف قروح قاطع نزف الدم مسدل فتح فواغ عروق مجلی البصر مخرج خار دزلو بطی چیپنده جاذب ونافع رمد
اسفیداج	اسفیداب	صفیده	از قلعی سرب درد دوبیمه	ب ای ۲	تبرا مورشخاش دماغ حیض	ثی ودطبوخ کم کرس نوشیدن	خبث الرصاص یا مرداسنگ		مجفف مبرد مقوی قالع گوشت زاید مدمل نافع درسرد چشم وشبور وبیاض ورمد وسوختگی آتش
اسفیداج الحساسین	سفیداب برد		سنگ سرخ	ب ای ۲	کشنده اکلا	ثی ذاکل حب النیل			ملطف مجفف جالی مقوی مصفی دشنه قاطع نزف الدم رافع آثار عرب ملزق شه آئین
اسفیدباج	شوربا		م	ح ر ۲					لطیف صالح الکیموس نافع امراض سر وقابج ولقوه وامراض صدر وجذام وجنون وسرسام ونسیان وسکته
اسقنقور	رتیلا بچه پلی رنگ باهی دنهنگ دشتی زرین دریبر		چوله شبیه بورل	ح ر ۲	امرخ حاره	عسل	سکه صیدا		گوشت آن نافع فالج ولقوه ورعشه دضدر وگزاز دنقرس واوجاع مفاصل ومقوی باه ومنضج ومدر شتے
اسقوموبوتن	مرسیر		نباتی ست	ح ی ۳			تخم الذکر	۲ درم	محلل جالی مدر تریاق زهرها ودرجیع خواص قوے تر از سیر بستانی ومسے
اسقولوقندریون			بنفشه سیاه ساق دخوشه	ح ای ۲	قلب بالخاصیه ومثانه	صمغ عربی وعسل	پوست بیخ کبر	۳ درم	محلل ملطف مفتح مدر مغث نافع صرع وخوانق وبرقان وطحال وامراض سوداوی ومقطر البول

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		اسگنده	بیخ هست تخم	ح ی ۳				۴ درم	سرفه وضیق النفس و درم اعضا و برص و تقویت بدن و فربهی و قوت باه را نافع
اسگل		کسرای	نباتی کبار تا صغیر یافند	مرکب از جوهر ب ن ح	مصلح سعوط	گلنگبین عسل			محلل مسکن سموم نافع مانخولیا و استسقا و قطع اسهال و نزف الدم و اورا را بول و گزیدگی هوام
اسلنج			گیاهی بیرنگ گرد و	ح ۳ ی ۲	ریه	صمغ عربی	تو تیای اصفهان	۱۰ درم	محلل منضج رافع اورام و سموم و منفص ریاح و طلاء و مطبوخش نافع جمود و درد احشا و کرم معده
اسود سالخ		کالانگ	اسم بارسیا	ح ی ۳					مجفف تعلیق سلخ الحیه که پوستی ست که هر سال می اندازد بر درک بنوشند جهت ولادت بخور نیز محفظ جنین
		اسفندگا	م	ب					مقوی باه و اعضا بلغم انگیز درست کننده شکستگی استخوان رافع فساد صفرا و خون
					باب الالف مع الشین المعجمة				
اشتر خار	اشتر خار	اونره کنار	بنای تیغ بسیار دارد	ح ی ۳	دباغ و گرده بولی و طلاء	شربت عنبر	انجدان	۳ تا ۴ درم	مفتح مسخن معده مشتهی هاضم مدر دافع برقان و اسهال مزاری و ضرر سموم بارده و تب بلغمی و محلی
اشخیص		نبکم	درختی ست	ح ی ۲	مصلح	شکر		۵ درم	نافع جنون و صرع و خفقان و حب القرع و عسر البول و گزیدن هوام و استسقا و صلح آن با شیر مقوی احشا
اشراس	سرشک		بیخی ست	ح ی ۱	معده و دوم ح	گلقند و سکنجبین	با مشمات	تا ۵ درم	مدر محلل نافع سر فسوریقان و داء الثعلب و بهق سپید و جبر و کسر و فتق و قروح و سج و خشونت حلق
اشق	اوشه	کاندر	صمغی ست	ح ۳ ی ۱	بول الابل صورت	نشاسته السیون	سکنجبین مزل	نیم درم	محلل مجفف سدد لین جالی جاذب منضج سدد جگر و سپرز و اورام عروق لذاع مصلح مسهلات نافع قاطع و جع
اشنان		چوکه	گیاهی ست	ح ۳ ی ۲	دندان مشابه سعد	عسل و مغز تخم کدو	صابون	نیم درم	مجلی منقی محرق منضج و در محلل فضول غلیظه و پنجدرم آن مسقط جنین زنده و ده درم کشنده

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
اشنه	زالو دانگ ووانے	چھریرہ چرپرہ	چیزیست چون اسپرک بروی خت میروید	معتدل	امعا	انیسون	قرفہ دانا اخر	۳ درم	قابض محلل ملین ہضم روح قلب معدہ باہ نافع صرع خفقان وجع کبد سکتہ دافع غشیان وقی ملایم روح
باب الالف مع الصاد المهملة									
اصابع الصغر	کف عایشہ وکف مریم		ہیچ گیاہی کہ گشنیز چون گندنا	ح ی ۲	آلات بول مسقط جنین	تخم مورد وبلوط	نیم ارجنتال وسعد	۲ مثقال	ملطف محلل منقی اعضای حسبا ترياق سموم ہوام نافع جنون وسواس دام امراض سوداوی وقبیح
اصابع قرنفل			سنگیابہ در گشت	ح ی ۲					قاطع نزف الدم ملحم جراحات محلل اورام بارد واستحالتش بخون جراحت سرشتہ ملتئم جراحات
اصابع الاصوص			نباتی ست						چون دردہان نہند پوستان تیق شدہ مغزی ازان ظاہر گردد چون بیشہ وسحرک باہ
اصطرک			نوعی از سیسم	ح ۳ ی ۱	مسقط جنین زندہ	تخم رازیانہ	سیسہ سایلہ	یکدرم	مسخن منضج ملین نافع زکام ونزلہ دشتر ونخاعۃ الصوت وانقطاع آن کہ از سردی بود ومصلح وسیبت
باب الالف مع الطاء المهملة									
اظفر طیفوس			گیاہی ست	ح ی ۲				۲ درم	محلل مجفف قابض نافع ام الصبیان دخناق ودرم وبرآمدگی حدقہ
اظفر کالہ			گیاہی ست بی تجعید						تخم آن امراض ملین مانند جرب وسلاق وابستہ لسے رد بار در انافع ست
باب الالف مع الظاء المعجمة									
اظفار الطیب	ناخن پرنیل وناخن خرس	نکہ	جسم صلب سبید	ح ی ۲	معدہ وجگر سرد	سکنجبین	قصب الزیرہ	تا ۳ درم	در قیصلات ملطف نافع صرع وسکتہ وخفقان بطوی ورد بارد جگر درحم وہذام وجریان منی وسموم
اظفار الکبر		اکرون پاست	نباتی ست	ح ی ۱	دماغ	عناب		۲ مثقال	نافع یرقان اسود وسر خشک وبالخاصیۃ دافع بیخوابی بمحلل اورام

قول ابو محمد بن [illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الالف مع الفاء
افیمون بضم اول		اکاسس بیل							
افسنتین	مرده	مخبری و شمار و	نباتی است	ح ی ۱	مضدع مجفف	افسنتین و مصطکی	غافث	یکدرم	مفتح ملطف مشهی قابض مسهل صفرا نافع صداع و لقوه و فالج و رعشه و صرع و سکته و کابوس و سبات
افعی		ماریست	ح ی						گوشت پخته آن ضعف بصر و رعشه و جذام و لقوه و رعشه و طول عمر را نافع
افلیمون		پل برنگ	تخم آن مستیجر	ح ی ۱	مسبع و مورث خفقان	روغن زیتون		۲ مثقال	مقوی دل و دماغ و جگر و معده مفتح محلل مشهی سخن معده دافع گزیدگی عقرب
افلیقون بر زبانی ۱۲			شبانی است و گوشتم رو بد	ب					محذر از خارج در اطلیه راوعه مستعمل است شربش جائز نیست
افیقس			نباتی است	ح ی ۲				۳ مثقال	محلل تنخ نافع وجع کبد و طحال بارد و دافع جمیع سموم قتاله شربًا و ضمادًا و رافع سده طحال
افیمون			نباتی است فی کل و عشر	ب ر				۳ مثقال	اضاش بازیتون نافع بزرگی پستان و آشامیدنش نافع قوالد مرد و زن
افیون			نباتی است	ح ی ۲				۳ قیراط	مقوی مسهل نافع روئیدن مو رعاف صبیان و تمرآن نافع یرقان و محلل صلابات
افیون	شیر خشخاش	افیم	م	ب ی ۴	قوی با طبیعت ظاهر و قاتل	زعفران و فلفل سیاه و تخم خربق	بزر البنج و تخم بقاح	از یک عدس تا نیم قیراط	محذر قابض مسدد مسموم محلل مسکن حافظ ادویه و امراض اسفیم و گوشش و سرعت انزال سبوت و بهار دهنده نافع
عه الیون الحشخاش ۱۲									
									باب الالف مع القاف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
اقاقیا		کیکر	عصارۂ قوی از شیلان	ب ی ۲	مسدد	روغن بادام	عدس و عسل	یکدرہم	مجفف نافع قابض قاطع نزف الدم ونفث الدم ومقوی معدہ وکبد و بصر حابس نزلات
اقحوان	بابونہ کاؤ	مرہٹی	م	ح ۳ ی ۲	مصدع	روغن بنفشہ وگل بنفشہ	اکلیل الملک	۲ مثقال	سعوط محلل فتح ملطف مدر مسقط جنین منفت نافع در دستانہ و ورم سپرز و منوم
اقسون			نباتی ست	ح ۲ ی ۱	گرزہ	شراب	شکاعی	از ۳ تا ۵ درم	ملطف نافع کزاز و تشنج استسقائی و اورام گردن بوشدخ عضل شراب وضمادا
اقط	گشنگ پنیر		روغنی ست	ب ی ۲	ضد مسدد	جوارشات و کلقند			قابض سرد مسکن حدت صفرا دافع الغلب و دفع نزف الدم و بواسیر را نافع
اقلیمیا			نباتی ست	مع ح ب ی ۳		روغن بادام	عدس و عسل	۲ ماشہ	مجفف مقوی باصرہ و سیل ناخسرود معدہ و جرب و نقرس و خفقان و بہق را مفید

باب الالف مع الکاف

اکارخ	پاپہ	پاپا	پاپہ خشک	ب	مسخن و ملین				نزع دم و مصلح مواد خون صالح دل و ق و عسر البول و زوال صفرا و سوداء را نافع
اکلکت		کرنجوہ دلک	ثمر درختی ہندی	ب ی ۳					محلل مسکن تحریک و نشش نافع تاثیر دوای با آن معین بر حل غدہ تعلیقش با سیماب مسرع رافع
اکلیل الملک	گیاہ قیصر	برنگ	معروف	ح ی ۱	انشیرین	شعیر	طبیخ با دوشاب	۳ مثقال	[illegible]
اکلیل الجبل		۰	نباتی ست	ح ی ۳	محرور رین	سکنجبین	افسنتین و مر	۱۰ ماشہ	محلل فتح قابض سکن ورد و عکر صفت در نافع عسر قرطوبی در یہ و خفقان بارد

باب الالف مع اللام

الب			درختی خار دار						سم حیوانات اگر در افگنند ہر حیوانی کہ خورد بمیرد و اگر بوید بیش و نخورد کر و کور شود

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
انجح			بیخ نباتی	ح ی ۲					شری و سقاط کشیده تقطیر للبول را نفعید
اوسن والسوسن			گیاهی است	ح ی ۲	مصدع	مرزنجوش		سه ماشه	جالی آثار محلل مخفف وکلف و دم خفیه دگر مدین سگ دیوانه را مجرب خاصه
اویا			طبقی نباتی است	ح ی ۳ ا	سبته	سکنجبین			مسهل وجرب قروح ودرد مفاصل وظلمت بصر را نفعید
الویسج			نباتی است	ح ی ۳	سفوف	کثیر اوعناب		۱۰ بشت	جالی اخلاط غلیظ مسهل سودا وجنون مرفوع العلاج وبرقان اسود را نفعید
الیه	دنبه		م	ح ر	بطی الهضم	فلفل بخیل کرد	سمین		محلل غلیظ اعصاب وعرق النساء کرد ونضج اورام صلب بالشاسته مصلح گرده
					باب الالف مع الیم				
انار بطین			نباتی است	ح ی ۱	غم معده	شراب آب		۹ قیراط	ملطف مقطع مفتح مدر وتفتیش هوام وعرق النساء وشدخ عضل وحبس البول را نافع
انبار باریس	زرشک		تخمی نباتی است	ب ی ۲	سبزه دین	قرنفل	تخم گل سرخ	یکعدد با ماشه	قاطع صفرا مسکن تشنگی مقوی دل وجگر ومعده وبهش افعی وخفقان وغشی وبواسیر را مجرب
انبریان			درختی است	ح ی ۳				هفده دانه	منضج مفتح ملطف محلل مقوی جگر مسکن زحیر دافع بیاض چشم
	انبره		ثمر درختی	ب ی ۲ ا					مسهل صفرا نافع محرر المزاج ولمراض صفراوی قولنج وحبس شاشه ریزه بازه سیده نافع البوکه مرتبی که در مثانه
انجرخ			نباتی است	ب ای ۲					قابض مقوی اعضای باطنی وشنج وتمدد وشدخ عضل وسرفه وعسر النفس را نفعید
انعما	رودده	انثری	م	ب ی ۳	مولد قولنج	مجاری عرق			قلیل المقدار مضعم مولد خلط بارد مطبوخش بگوشت سرکه داده ومیخارند نافع متکه کبصفرا رقیق مائی در مثانه متولد شده
انغوزان	غیلان	کبر	درختی خاردار	ب ی ۲					حابس فضلات رادع مفتح ملتحم جراحات ملتحف قاطع نزف الدم مضیق نزح صفوف رگ دیو وگل وصمغش غلظ دهی

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
انجکہ	آملہ	آنولہ	ثمری معروف	ب ۲ ی ۲	سپرز	عسل سنبل	بلیلہ و بلیلہ سیاہ	از ۳ تا ۵ درم	قابض مخرج سودا مفرح معوی قلب محرک باہ خاصیت قاطع قی و تشنگی و آب رفتن از دہان مجفف مسہو مسکن وجع آشامیدن بمثقال از عصارہ تازہ آن با زیتون گزیدگی سگ و عقرب و مار را مجرب
ام الکلب			شجری ہست						
		اہل سبید	میوہ ایست	ب ر					قاطع صفرا صحیح سودا مولد بلاغم مشہی مسکن غلیان خون مقوی قلب نافع طحال
		اہل کچائی	نباتی خاردار	ب ر					مفید حمیات حارہ شرب آب برگ آن بمقولہ ہاشہ نمک لاہوری آمیختہ سیم گرم کردہ
		آکل جانگیری	ثمری کرش بقدر بلوی	ح					مشہی ہاضم دافع سنگر ہنی قبوا اسیر و جذام حابس اسہال دافع فساد باد و بلغم و خون مہیج صفرا
									باب الالف مع النون
انا غاقس بونانی			گیاہی ہست	ح ی ۲	مورث سحج	صمغ عربی	ارطنیثا	یکمثقال	جالی جاذب مجفف مفتح منقی سراز بلغم مسکن وجع اسنان نافع جرب و سبل و کمنہ
انا غورس بونانی			گیاہی ہست	ح ی ۱					محلل ادرام طین منقی رطوبت مخرج مشیمہ جنین تعلیق آن بزنان مسہل ولادت
انجبہ	انبہ	آنب	م	ح ر ۲	مخرز برین شیرین رسنہ خصوص بہار	سکبینین و جاسون			مقوی اعضای رئیسہ دباہ مصفی رنگ مسکن مدر دافع خفقان و درد سر و عطش طین
انتلہ		نریسی	درختی ہست	ح ی ۲	مورث خفقان	روغن کنجد		۲ مثقال	محلل نفخ مسکن اوجاع و دافع لسع ہوام و بیخ آن قاتل ہمہ پایان را دافع ریاح
انتلیس بونانی			نباتی ہست	ح ی ۱				یکمثقال	محلل جالی دافع عسر البول و وجع گردہ و جرع و مدر قروح رافع ادرام حارہ رحم
انجبار			نباتی ہست	ب ی ۳	مبرودین	زنجبیل	زرشک	یکمثقال	مسکن تے قاطع نزف الدم حابس اسہال مزمن بول الدم و سوج و شکستگی اعضا دافع سموم و فسخ آن

۲۹

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
انجبار	انگدان	ہینگ کا روغن	نبات حلقیت	ح ی ۲	مثانہ	تخم خربزہ	تخم خشخاش غار	تا ۴ مثقال	مفتح جالی محلل ملطف مقادم سموم نافع سدہ و بہ سیر و فواق رافع نسیان و بلادت و تقوہ
	انجرہ	اوشنگن	مبانی است	ح ی ۳	گردہ دوا معا	وکنیر صمغ عربی	قرصانا	تا ۳ درم	ملطف مفرح محلل مدر مبہی مقوی سینہ و دست مفتح و امراض صدر و رعاف و سرطان را نافع
انجیر آدم		کلہ	میوہ است						اگر شاخش با ہیزم افروزند بہ کراگری آن رسد بیہوش گردد و منسوب آن کوہ ہای کابل است
اندرہ صفار و بیونانی ۱۲			نباتی با گندم	ح ی					مفتح ملطف قابض نافع طحال و عسر البول و استطلاق بیان حوالش با عسل بطریق قبال وطی نافع آبستنی
انذ آہمان			دوای کرمانی معروف				گل ارمنی پوست انار		استطلاق بطن را نافع خاصیۃ دو یک مثقال آن با گلاب یا آب گرم
انذرہ طا			نوعی از خرمای	ح ی ۳					محلل مفتح مجفف مدر بول نافع استسقا و نفرس و سنگ مثانہ و احتباس حیض
انذرہ وطواں			برگ بید خشک	ح ی				مثقال	مفتح سدہ احشا و درد مفاصل را نافع
انزروت	کنجدہ	فای	صمغ درختی	ح ۲ ی	بہ بخدم مایند آن کشندہ	صمغ عربی	برابر آن صبر	۲ مثقال	محلل لین مفتح مجفف مسہل بلغم خصوصا یرقان و خیلہ و سکنجبین مسہل صفرا و سودا و مدر حیض و طلع اکمال
انسان ۵	آدمی	مانس و آدمی و منکھ	م						ذرہ در بر سیدہ استخوانش بانگ کلاب آبین را بشناسند گرم گوش تریاق گزیدہ عقرب و رتیلا دافع قوبا بکلف و آکار قروح
انفرا			کوچک از بیار	مع		عسل یا		۲ دانگ	مفرح مسکر رافع توحش و جنون مقوی حواس ذہن ضماد بر گزیدہ بخشش بالغ زیادتی قروح چشم
انف الجمل			تمر لیست	مع					مدر رافع سموم بالخاصیۃ محلل مسکن وجع گزیدگی ہوام اگر ضماد و عن بوسن بر صورت مانند مقبول نافع گزیدہ
انفحہ	بنیر مایہ و شیردان	چلوک و چشمہ	مسدہ حیوانات شیر خوارہ	ح ی ۲					محلل ملطف مفطر اخلاط رقیقہ نافع رعاف مقوی قلب مفرح با عسل نافع صرع مفتح حموضش بعد طبخ معین محل

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		انبکوا دا کرل	درختیست بسندے	ح ر ۲					نافع استسقا وانوع سموم جانوران لدین بطن دافع دق تنخ خشت سرعت انزال وظ عون دفساد باد وبلغم
	انگیز		گیاہی کہ دانہ	ح ی				۲ درم	تخم آن بغایت منطف وتخم دانہ آن بمرتبہ سنت شبق وزنان ومنوم باشراب تا سہ شبانہ روز
	انتاس		تبری کہ	ب ر ۲	مہرد ومرطوب				مسکن حدت صفرا تقوی معدہ دفع حرارتی مضم مفرح تقوی دل جگر رافع خفقان مقوی دماغ مضر بمنجرہ
افتیمون	بادیان رومے	رند سفے	نباتی است	ح ۲ ی تا	اعما	رازیانہ	تخم سبت	از ۲ تا ۵ درم	ملطف محلل ریاح جالی مسکن عطش بول حیض شیر بنکو کشنده رنگ خصاب رافع فالج ولقوه استرخا دوح
	ابارہ		نرہ ایست	ح ر					دافع باد شکم راو مزید منی رافع غلبہ باد وبلغم ورطوبت
									باب الالف مع الواو
اکونیتم			نباتی است	مع حب تخم آن تا ۲	گردہ	کتیرا		تا ۳ درم	حبس اسہال واورار بول ودفع سموم وگزیدن زنبلار نافع ونافع ورئیدن موے
اوزن	قاز دمعرفا	مانس	طایر یست	ح ۲	دیر ہضم	آب کاسنی آب انار			غلیظ الغذا بعد ہضم معین بصر ودر زردہ تخم نیمرشت آن بمزید عقل ومزیل نسیان
	اوسکبید	۰	نیلوفر بند	ح ی	مشانہ	عسل		۱ یک درم	مخلل ریاح دواو بادرده دیچ او نافع صداع ولوا سیر مست
اوخیموندا			نباتی است	ح ی ۲					ملطف مجفف نافع نشش آنچی درجوام وعرق النسا بہ بدان وفاغل
اوتوما			نوعی از نباتات	بغایت گرم					مخلل ورم آن مسہل حرارت ورفع ورم آن بخ
اوتیا			عصارہ	گرم وتند					ظلمت بصر وتنقیہ آن ودمعہ وسلاق را نافع

تمت

ع	ف	ه	هـ	ط	مغ	مص	ب	ق	افعال وخواص
اسکیل اور ہاؤ سکے	عسل داؤد		روغنی ست غلیظ	ح ر					جرب رطب ودر ومفاصل وتار یکی چشم را نافع شہر باد واکثحالا ومورث سبیات ومسہل
						باب الالف مع الهاء الهوز			
اہلیلج	ہلیلہ	ہڑ	ثمری معروف	سہ ای ۲	سفل دماغ	عناب وسپستان وتخم خربزہ	پوست انار وغیرہ	۵ درم	مقوی معدہ ومحرک صفرا بصفرا ونافع صداع ومانخولیا وخفقان مصفی رنگ نافع حمیات
اہلیلج کابلی	ہلیلہ کابلی	ابلیلا ہڑ	م	سع ب ی ۱	دماغ	عسل	ہلیلہ زرد	نا ۳ مثقال	مسہل بلغم وصفرا وسودا بدرہ ول نافع صداع ونسیان ودوار استرخا وی اصلاح حال دماغ ومانخولیا ولقوہ
اہلیلج اصفر	ہلیلہ زرد	ہڑ زنگی	م	ب ای ۲	قفل	عناب وسپستان	پوست انار	تا ۵ درم	مقوی دماغ مسہل صفرا دافع دوار وسدد زجیر وبواسیر وقروح امعا نافع تجفف رطوبات مقوی دل ومعدہ
اہلیلج اسود	ہلیلہ سیاہ	زنگی ہڑ	م	ب ای ۲	جگر	عسل وروغن بادام	ہلیلہ کابلی	از ۳ تا ۵ مثقال	مقوی جگر ومسہل صفرا خون از سعوط نافع مانخولیا ولقوہ وجذام ودرد سپرز دود اشتہا ش وبواسیر سودا سوے
						باب الالف مع الياء المثناة التحتانية			
بادرنجبویہ	بوٹا تخمے ہم		نباتی ست						غرغرہ بطبیخ برگش بآب تراب نافع قروح خبیثہ وغدد ہ خنازیر وجذام ودیرقان نافع
سعد اور ریحوبس	سعد		نباتی ست						استسقا سپرز بطبیخ غرغرہ وشش نفث الدم وعرق النساء وخشونت حلق وسینہ را نافع ونافع شوصہ
رائد انیسون	رائد انیسون		چیز ی شبیہ بہ تخم	سہ ی				تا ۳ مثقال	برای اسہال صفرا وقروح شش بزرف الدم جراحات کہنہ نہایت موثر
رائد یقون	رائد یقون		چیز ی شبیہ بہ تخم	ب					محلل طلای آن ورام حارہ وتنقیہ قروح خبیثہ چشم را نافع
آبنوس	آبنوس		نباتی ست	ب ای ۲				۲ مثقال	قاطع نزف الدم وبسہال صفرا حابس عرق نافع قروح امعا بخش قابض وقاطع نزف الدم

۵۲

۶	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
زایر بهاروں یونانے ۲			نباتی است						ضمادش نافع ورم معدہ وخصیہ وجراحت عصب وسائر اعضا بافتہ اند
ایرسا یونانی ۲	بیخ بنفشہ		بیخ سوسن استانگوسے	ح خ ۲	مشش	عسل	ماذریون	نامثقال	ملطف مسخن مفتح منضج جالی منقی مسہل ملے صفرو مرہ سودا و بلغم غلیظ
زہار الوطاق یونانے ۲			نباتی است	ح ی ۲	مثلث	کثیرا		نامثقال	مجفف مفتح وفہش احوام وبرقان وطحال واستسقا وقروح وشور زبان رانافع
رایل	گوزن و گاؤ کوہے	بارہ سنگھا	حیوانی است	ح ی ۳					گوشت اقسام آن کہ اندسودا و سریع الہضم ومدر بول ومقوی باہ مبرودین
		رایلا	م	ح					ملین دافع امراض سینہ اومقوی اعضا ودافع فساد باد وصفرا
		رایل یا لک	م	ب					دافع جرب جذام وفساد باد وصفرا و بلغم وخون وامراض دل مدر بول قاتل کرم شکم
			مقالہ دوم در ادویہ کہ اول آنہا بای موحدہ است						
			باب الیاء مع الالف						
بابونج	بابونہ	سوسنبل و	گیاہی است	ح ۲ ی ۱	حلق	عسل شیر مرہ اناد	تبخیر بجا	نامثقال	گلش محلل مسکن مفتح مقوی دماغ واعصاب مدر بول وحیض
	باد آورد		نباتی است علاوہ	ح ی ۱	ریہ	افسنتین	شاہترہ	از مخم آن ۲ مثقال	مسہل بلغم غلیظ وسودا منضج مدر بول ونیش منفت مفتوح سموم دافع درد دندان
بادرنجبویہ	بادرنگبویہ	بادرنجبویہ	نباتی است	ح ی ۲	ورک	صمغ عربی وکندر	ابریشم	تازہ درم	مقوی قلب دماغ وذکا ومعدہ مفرح منضج ملطف محلل ودافع کابوس سمادا کلا
بادروج	ریحان کوہی	ریحان کوہی	نوعی از ریحان	ح ی ۱	بصد وسدر	سرکہ خیارو خردل	شونیز	از آب آن ۲ مثقال	مفرح مقوی سبعی مدر منضج محلل وخفقان ونسیان وعسر تنفس وگزیدن عقرب رانافع

نخواندہ ام کہ ذکر کنم ونیز نخوانده ام کہ ذکر نکنم

ع	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	پادزهر		حجری معدنی	ح ۲ ی ۲	محرور	اشیای بارده	حجر الابل	از یک تا ۲ قیراط	موافق جمیع امزجه دافع سموم مطلقا مقوی جمیع قوی مرباه مفتح
بادزهر فقط			چیز نیست مصلحی مادنی	ح ی ۳					برای امراض بارده رطبه دفع سموم و تخمه و هیضه و اوجاع گرده و مثانه نافع
بادزهر معدنی	زهر مهره		حجر است معدنی	ح ی ۲			زبرجد اعلی	از یک تا ۲ دانگ	موافق جمیع امزجه دافع سموم مقوی قوی ازدواج و مبهی و محلل جراوع
بادنجان	بادنگان	بنگن و بهانتا	سبزه	ح ی ۲	مورث قولنج	بختنش طلسم			مقوی معده مفتح طین صفراوات مدر بول مسکن اوجاع حار مخفف دافع بدبوی زیر بغل
بادیان خطائی			ثمر یست جزیره نی رنگ	ح ی ۲	مصلح و معطش	بریان بنوشند			محلل مفتح مقوی معده دافع نفخه و دافع ریاح و قتل طعام و دردا حشا و مدر بول
	بارزد	گن ۵ بروت	صمغ نباتی است	ح ۲ ی ۲	محرور و دیابیطس	سکنجبین		آب کرم	طین محلل جاذب بسخن و عسر تنفس مسرفه کهنه مدر بول اختناق رحم و صرع را نافع
بارود	باروت	باروت	معدنی	ح ی ۳	گرده و ریه	کفه آب عسل			جالی مقطع مفتح و طحال و اوجاع ظهر و نزول الدم جدری تازه را نافع
باریلوعین			گیاهی است سماق	ح ی					محلل مقطع مجفف و تخم و برگ آن مدر قوی و چون ۲ و ۳ روز بیاشامند قطع نسل کند
بازی	باز		ملایر یست نگاری	ح ۲ ی ۲	مولد قولنج	ابازیر			بطی الهضم ردی الغذا محلل اورام و جاذب سموم بخود و پر سوخته او مدمل
باشه و صقر	باشه	بجره	طایر یست	ح ی ۲				یکمثقال	لطیف تر از بازی چون گوشتش نمکسود کرده بسایه خشک سوزانیده سرد و بوشند اسهال بارد را نافع
باقلا		باکلا	نبتی معروف	ب را	سریع التعفن و مورث قولنج	مغز شیرین او خوشبو کند			محلل منفخ سریع الاخدار مسدد و جهت تقیه سینه و خشونت سینه را نافع
باقلای قبض			نبتی مانند باقلا	ب ق					قابض و موافق معده و قسمه امعا و اسهال مزمن را نافع

ح	ف	ه	ه	ط	ض	ص	ش	ق	افعال وخواص
		پاکرٹ	بارتنگ معروف	ب ا					دافع ہیضہ و ہوا و ورم اعضا و فساد بلغم و صفرا و لبن آن رافع و محلل
قلسه	بالسه	پھالسہ	درخت	ب ح ی ا	سپرورین	انبھون			مقوی دل مفرح و کبد حار جہت غلبہ بلغم و بول الدم و خناق حار و ذات الجنب را نافع
		پالک	نباتی است	ح ر					بہ و کلف و قوبا را نافع
	بالنگو		فرنجی ناشپاتی	ب ر ا		ریحان	کاشتال		مقوی قلب و خفقان و رفع توحش و اسہال معوی و سوی را یا گلاب مجرب
بامیه			تمر ہندی	ب ا ر					قلیل الغذا و خون مسلد آن - دہی موافق امزجہ حارہ
					باب الباء مع الباء				
بنفشا	طوطی	طوطه	طایر بسیار معروف	ح ی ا					بلغم منعظم نفس و دل تنقیہ قروح مزمنہ و خوردن دل وی بافش موجب فصاحت
	ببر	شیراست							در جمیع خواص قوی تر از اسد
	پپیته		تخم تمر ہندی	ح ی ۲	محرورین		ماہیل ابریشمی و فادزہر	ازریک تا دو جبہ	با قوت تر با قیت دافع ضیق النفس و استسقای بارد بلغمی و اوجاع مفاصل و ہیضہ بارد
	پپلیمه		تمر درختی	ب ر	بطی الہضم				تفتیہ الدم و جہ اسہر حارہ و قرحہ مجاری بول و التہاب قلب و معدہ و کبد را نافع
					باب الباء مع الخاء المعجمة				
بخورالاکراد			نباتی است	ح ی ۲	محرر بردو قابض ضعیف	نیلوفر	حبالند	کاشتال	مفتح مدر فضلات سفت حصاۃ و مسقط جنین و منقش قابض و صداع بلغمی و لیشر غس را مفید

لا

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
بخور دعون بخور السود			نباتی ست	ح ی ۱	مورث سیج	صمغ عربی		باکثقال	مسکن مفص مفتح وجهت عرق النسا مفید
بخور مریم			نباتی ست	ح ی ۲	مقصد محرورین	بخیر او آب انار		از عصاره ۱ درم	مفتح محلل جاذب ملطف مدر بول وحیض شیر مستطلقین و یرقان را نافع
									باب الباء مع الالف المهملة
	بداشتقان		گیاهی ست	ح ی			مستسقا بشت	از عصاره ۱ درم	ملطف محلل مدر بول و امراض بارده بلغمیه و رطوبیه را نافع
		پڈھل	درختی ست معروف	ب ر					تقیل و نفاخ و مولد بلغم و دافع صفرا و اکثار خوردن تخم آن محدث حمیات بلغمیه
									باب الباء مع الراء المهملة
		بڑ	درختی معروف	ح ر					آشامیدن لبنش محلل ریاح و رافع اورام و محرک باه و دافع بواسیر و مندمل ریشان ممسک
بردی	پنیر ر	گوندل و پهته	نباتی ست	ب ی ۱	احشا	عسل			جالی و دندان قاطع نزف الدم مطلقا و باسرکه جهت سپرز نافع محلل ملتئم
برسیاوشان	پرسیاوشان	کالی جهاب	نباتی معروف	معتدل	سپرز	مصطکی و کل خشخاش	کاکنج	از جوشانده ۱ درم	ملطف منضج مفتح محلل مجفف مسهل صفرا و سودا و بلغم مدر بول مخرج جنین
	برسیان		نباتی ست	ح ی					مقوی معده و مروح نفاخ و مصدع و محلل ریاح و ملطف و مسهل اخلاط
برطانیقی		سروالی	نباتی رستنی	مرکب القوی ۲	مورث غثیان	عناب	پستدر		محلل اورام عفن آثار بیضه و آن ملتئم و مفتح طبخ آن دافع قروح دهن
برگ			پوست درختی	ح ی ۲					در حمیات مزمنه کهنه مفید و مصدع و امراض نائبه رحم را مفید

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
	برنگ شیرازی		برگی ست	ح ی ا					سکر قوی وزیادہ آن مورث جنون وکشندہ
برنجاست	بوھادران	کندہ مار	نباتی ست	ح ی ۳	گردہ	انیسون	بابونج	تا ۴ مثقال	ملطف بمفتح مدر سفتہ بہ آشامیدن دو درھم گل زرد آن با عسل مخرج کرم معدہ وحب القرع
بزم			شگوفہ درختے خاردار						مفرح مطیب نفس منوم خشک آن حابس وتر آن مسہل
	برنگ کابلی	بابرنگ	دانہ ایست	ح ی ۲	اسعا	کتیرا	تمر ہندی	تا ۳ درھم	مسہل بلغم غلیظ وسودا مجفف رطوبات وقروح ومخرج کرم وحب القرح
برلوف	شاہانگ		درختے قریب بانار	ح ی ۲	اسعا	صمغ عربی	مرزنجوش	تا ۴ مثقال	محلل مجفف وحصارہ وبرگش سرع اطفال وسیلان رطوبات وام الصبیان را نافع
برواق			خبثی ست	ح ی ۲					نافع سیلان خون وخفقان وسپرز شربا وضمادا وانگشتری آن باعث ایمنی از غرق
برولف			نباتی ست بر شاخ	ح ر ا	مشانہ	انیسون	ریباس		مفرح مدر سفت نافع استسقا وبواسیر وبہق ودوار الثعلب
	برہمٹا		نام کنہ ئی بزرگ	ح ی ا					مقوی دل مشہی گداز ندہ اخلاط دافع دردشکم وکرم معدہ وجذام
برمامصرے			بقلہ ایست	ح ی ۲	دماغ	نیلوفر	بسباسہ	تا ۲ مثقال	مقوی معدہ وجگر ومحلل ومفتح سدہ جگر وسپرز مدر بول سبھی
	بزرقطونا		گیاہی ست	ح ر					آب برگ تازہ آن جریان منی را نافع وحصارہ برگ کوبیدہ اش دافع زہر مار
									باب الباء مع الزاء المعجمة
بزرقطونا	اسپغول	اسپغول	معروف	ب ۲ ر ۲	کوبیدہ آن قدر ۱۲ درم کشندہ	آبی بجاء المہملہ	بہدانہ	از ۲ درھم تا ۱۰ درھم	مسکن تشنگی محلل ملین دنہای حارہ وتلیین خون منعض وتحیر وتقرس را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
بزر البطیخ	تخم خیارزه	تخم کاکنج	معروف	ب ر ۲	تزلہ	سکنجبین	تخم بادرنگ	۹ ماشه	مفرح جالی منقی عروق مسکن غلیان دم و صفرا و دافع عطش
بزر القثاء	تخم خیارباد رنگ	تخم کاهیج	معروف	ب ر ۲	سپرزدین	کتیرا	تخم خیارزه	۱۲ تا ۱۵ درهم	محرک سواد ساکنه مدر بول مخرج صفرا سوخته و رافع ورد ریه و قرحه مثانه البول و ورم کبد و طحال و حمیات حاره
بزر القثاء	تخم کدو	تخم کدو کاهیج	معروف	ب ۲ ر ۱			تخم خیارین	تا ۷ مثقال	مفرآن مسکن اخلاط محرکه مسکن رافع خشونت سینه و نفث الدم ریه و سرفه حاره و تشنگی و تپهای حاره
بزر البطیخ	تخم خربزه	تخم خربزه کاهیج	معروف	ح ا ر ۲	مغده و سپرز	تخم خیارین و بنفشه	چاقوزه	از ۱۰ تا ۱۵ درهم	مبرد مسکن خشک آن مفتت مفتح سدد کبد مدر بول منقی گرده و مثانه و امعا طین بطبیخ
بزر البطیخ هندی	تخم تربزه	تخم تربزه کاهیج	معروف	ب ر ۲				تا ۵ درهم	مسکن هوا و متحرکه در جمیع افعال مانند تخم کدو
بزر الورد	تخم گل	گلاب کاذیره	معروف	ب ی ۲	جگر	کتیرا	بزر البنج	۲ درهم	قابض و مصلح خلط خون و حمرا و منقوی رحم و مفرح و مشروش آب رافع نفث الدم و اسهال
بزر السفرجل	تخم سفرجل	تخم کاهیج	معروف	ح ی ۲	مصدع	کتیرا با عسل	تخم سفرجل	تا ۵ درهم	اکل و مشروش بعد جماع دافع استسقاء مقاوم سموم قاطع بلغم و مسهل آن و رافع فواق و مسقط جنین
بزر الکرفس	تخم کرفس	اسفوده کاهیج	معروف	ح ی ۲	ریه	حمامه تخم کاسنی	تا ۲ درهم	یک درهم	مفتح مدر ادرار صفرا جزاء ناضم جاذب فضول از معده و رحم و مفید استسقاء و مسکن اوجاع
بزر لقطونا	تخم کلم	کلم کاهیج	معروف	ح ی ۲	تخم سوسنه			۲ مثقال	مبرد و باقرس قاتل کرم معده و حمیش بعد جماع مفسد منی و رافع کلف و نمش
بزر الکزبره	تخم کشنیز	دهنیان	معروف	ب ۲ ی ۳	مورد تیلان	تخم خرفه و تخم بیدمشک و سکنجبین سفید	تخم کاهو و بیدمشک	۱۲ درهم تا یک اوقیه	مفرح مقوی دماغ و دل مانع صعود ابخره بدماغ رافع خفقان و وسواس حار
بزر الکشوث	تخم برس	اسرازه کاهیج	تخم کوچک آن تخم	ح ای ۲	ریه	کاسنی	بادروج	۲ درهم	بود اده آن مقوی معده و قابض حسیس و نزف الدم اخص باطفال و سیلان رحم آلوا زغیر بود اده آن مساوی آن دافع
بزر الکراث	تخم گندنا	گندنا کاهیج	تخم مانند کنجد و لب سیار سیاه	ح ی ۲	ریه و گرده و مثانه	عسل	بحر جیر	تا ۲ درهم	مفتح محلل تا ۱ مثقال آن و ۲ مثقال تخم مبرد دافع امراض باروده و قاطع نفث الدم و نزف الدم و مفتح سدد بلغمی جگر و سینه

ع	ف	ق	م	ط	مر	مف	مص	ب	ق	افعال و خواص
بزرالملفت	تخم شنبلیله	اسطوخودوس	ح ۲ ر ا	معروف	محلل و مصلح و مصلح محرور	سکنجبین	تخم خربز	۳ درم		
بزرالمرو	تخم مروشنگ	کدو	ح ۲ ر ا	معروف	خشش	گلنار	کاسنی و قطونا	۳ درم		
بزرالبلیح	تخم بنگ	اجوان خراسانی	ب ای ۳	تخی ست	مورث سدد و دوار دماغ	عسل و انیسون	افیون	۲ ماشه		
بزرالکتان	تخم غیر و بزرگ	السی و تیسی	ح ی ا	معروف	مظلم البصر	کشنیز	حلبه	۱۴ ماشه		
باب الباء مع السین المهملة										
بسباسه	بزبار	جاوتری	ح ی ۲	بوستی ست	جگر و مصدع	مغز عربی و کلاب	جوزبوا	تا ۳ درهم		مفرح مقوی معده و کبد و باه و منفظ هاضم مفتح مجفف محلل و دردسر را نافع
	بستان افروز	کوکنی و جنادبادستر	ب ی	نباتی ست	جرش تقیل	سکنجبین	حاجم	تا ۱۰ اوقیه	از آب آن	قابض را دع را فع حرارت معده و جگر و سده سپرز و سمیت خانق النمر
بستیاج	خلال کبه		ح ی ۲	نباتی ست	ریه	کشنیز	شیح ارمنی	تا دو مثقال		غلاش مقوی دندان و محلل ادرام و مدر بول و مفتح و استسقا و فالج را نافع
بسد			ب ای ۲	سنگی ست	گرده و مثانه	کتیرا		تا یک مثقال		مفرح قابض مجفف دافع وسواس و جنون حابس خون و قاطع نزف الدم
بسفر			ح ای ۲	خورده خرما	نفاخ و مورث قشعریره	انار شیرین و سکنجبین		از شربت ۱۰ اوقیه	خرنوب	قابض مقوی معده و امساک بطن و نفث الدم و بواسیر و تقویت دندان را نافع
بسفایج	کنکاره		ح ی ۱	معروف	سینه	پرسیاوشان	افتیمون	از یک تا سه درهم		مسهل مره سودا و بلغم غلیظ محلل نفخ دافع سودا و جذام و علل سوداوی
باب الباء مع الشین المعجمة										

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
بُشام			درختی ست حجازی	ح ۲ ی ۱					دمعان دافع بیاض عین و تنقیه زخمها و قطع نزف الدم و عرق را نافع
بَشنین			گیاهی است	ب ۲ ر ۳	مشانه	عسل	نیلوفر	۱۸۶ مثقال	جمیع افعالش مانند نیلوفر مقوی معده و باه و زحیر و سرفه و جنون را نافع
					باب الباء مع الصاد المهملة				
بُصاق	تف	تخوک	م	ح					جالی آثار چون بهق و کلف و قوباء و سیاهی طلاء و قاتل کرم گوش قطوراً
بصل	پیاز	پیاز	معروف	ح ی ۳	محرورین	شستن آن با آب و نمک			مفتح مقوی مشهوی دافع مضرت هوای وبائی و طاعون و اختلاف آبها
بصل القط			پیاز لیست سیاه ریزه	بسیار گرم					آبش جوشانده خوردن صحیح قی داولی ترک آن ست که منجر بحتاق میشود
بصل الأرنب	پیاز تلخ		مانند پیاز ست	ح ی ۳	بطی الهضم	کاسنی			صحیح باه جالی جاذب خون بظاهر جلد مسمن مخرج بیکان و خنازیر
بصل الفحل	پیاز دشتی	کاکنده و کندر	بیخی چون پیاز	ح ۳ ی ۲	مقرح	مرداسنگ	اسقوردیون	۷ ماشه	نافع لبرص و مالیخولیا و صرع و سبات و دوار و سدر و فالج و لقوه و صداع و درد چشم
					باب الباء مع الطاء المهملة				
بط	اُردک	بتخ	طایر یست	ح ۲ ی ۱	مصلح	سرکه و زنجبیل			کثیر الغذا و یهضم بازوهای آن مسمن مبهی خاکستر پرو بالش مطلق خنازیر
بطاریخ			ماده خربزه ماسه	تخم کسوه آن ح ی ۲	محرورین و سریع التعفن	زنجبیل			قاطع بلغم و جالی قصبه و گرده و سیر زدرباح را نافع
بطم	درخت سقز		درخت حبة الخضرا	ح ۲ ی ۱					مطلق قابض برگ خشک کوبیده آن با آب سرشته ضماد عسیت نیکو و با سرکه و روغن بنفشه و سعلیل سو

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
زبطیخ	خربزه	خربوزا	معروف	ح رد گویند ب ر	برنا شستا سورث تیهما	سرکه	درجلاب باغلاوه بزرقطونا		جالی مقطع ملطف سریع النفوذ مرطب دماغ وبدن مسمن مفتح و مدر
بطیخ هندی	خربوزه هندی	تربوز	معروف	ب ر ۲.	سیبرزو مبرودین	عسل وگلقند			مسکن حدت صفراوخون وتشنگی مدر بول مرطب بدن تیهای حاره وعنب خالص رانافع
									باب الباء مع الغین المعجمة
	بغرا		ازجزاغذیه	ح مع	بطی العضم	دارچینی			مشهی مسکن قی صفراوی مقوی بدن مفتح مصلح حال گرده مولد ریاح
بغل	استر[ک]	خچر	معروف	ح ی ۳					پیه آن مسکن تقرس وعرق النساء ولقش بازیون عقیم کننده دماغ حل وبخور شمش مخرج سشیمه
									باب الباء مع القاف
بق	پشه	مچهر	معروف	ح ی ۲	گزیدش خارش آرد	مالیدن روغن آب لیمو			ملح نمودنش زنده باحضار دافع عسر البول ۷ عدد درحوف باقلا نهاده وبلع نمودن تب ربع راهجرب
بقشور فرشن			نباتی است	ح ی				نا مشقال	محلل ملطف مقطع ضماد برگش مخرج خار وپیکان تخمش محلم خوابهای روی
بقر	گاو ماده[ک]	گاے	معروف	ح ی					گوشت آن بطی الهضم غلیظ محدث امراض سوداوی مثل سرطان وجذام ورم سیرزود از الفیل
بقر الوحش	نیل گاو	روجه	جانوریست						هرکه شاخش همراه دارد درنده گریزنده اگر درخانه بخور کنند مار ناگریزنده ازدود موبیش موش
بقس	شنشاد		درخت عظیم	ح ی ۲				از تخمش تا یکاوقیه	برگش سم حیوانات خصوصا شتر وضماد نشتر وضماد آن باحنا مقوی اعصاب دافع صداع تخمش قابض مجفف
بقلة الحمقا	خرفه	خلفه ولونیا	نرم است	ب ر ۳ ۲	سورث تاریکی ششم	گرفتن مصطکی ونشاع		ابراهیش ۷. قوه	جالی مسکن صفراوقامع آن ومسکن خون وحرارت جگر ومعده وعطش ومدر وسقط حابس حیض

ح	ف	ه	م	ظ	مض	مص	ب	ق	اعمال و خواص
بقلهٔ یمانیه	سقیدمرز		تره ایست	ب ر ۲	فاطع باه و بطی الهضم	جوارشات حاره			طین طبیخ مرطب بدن مطفی غریزه مسکن تشنگی و صداع و حکه و جرب را نافع
بقلهٔ حامضه	ترهٔ خراسانی	ساگ چوکه	قسمی از حماض	ب می ۳	عصب	عسل			مشی دشکم بندد و مرهٔ صفرا را سود مند بود و نافع محرور و مضر مبرود
بقلة الحبر ای			نباتی است از کاسنی که برگ	ب مع ر					مصلح امزجهٔ خفقان دا سکام لثه تقویت گوشت بین دندان را نافع دافع صفرا
بقلة الرجاع			نباتی است	ح می ۲					جهت درد شکم هر شخصی در هر زمانی مفید
بقلة الاعصار	کرنب کلم		نباتی است	ح می ۲					منفع طین مخلوط طبیخ آن مانع صعود ابخره بدماغ و مسکن صداع و رافع تاریکی چشم و مستی و خمار آن آسیدم
بقم	بکم	پتنگ	بیخ سرخ و صبغ طعام کار برند	ح می ۲	هر درم آن کشنده	قی و حقنه و قصد	قوه	از آغاز ۱۱ ماهه	قاطع نزف الدم مجفف قروح غسل با آبش مصفی خسارهٔ دوشنده گویند علاج پذیر نیست
بقلهٔ اترجیه	کرزوان		نباتی خوشبو	ح می	محرورین	سکنجبین			مفرح مطیب نفس مقوی دل و فم معده رافع هموم و خفقان بارد و سموم بارده و سخن
									باب الباء مع الکاف
بگاز			در خشیت و بکه	ح می ۲					منفع دمامیل صلبه و اورام و سوداش مقوی لثه و دمعه آن دافع وجع اسنان
		بانگ و پنجی بکی	تخمی ریحانی	ح می					طین تفاح مشی مفسوخ و برص و بهق و جرب جذام را ضرباً و نضحاً نافع
		بگان و بگم	گیاهی بیخدار مفرح و قوی	ح می					آشامیدن آب برگش را فع حمیات بلغمیه و منفع دمامیل و حبس البول را نافع
	بگموک		از جملهٔ ستوحات	ح می					مفتح اگر زن در سالی یکعدد تخم بنا آبش تناول نماید در آن سال آبستن نگردد و اگر حامله شود

ع	ف	ه	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال وخواص
		بکھر بیڈہ	بوئی از خروع						یقوع ساقہ برگ آن ملطف و ملحم جراحات تازہ وقت طلع نزف الدم
									باب الباء مع اللام
بلادر	بلادر	بھلاوہ	ثمر یست ہندے	ح سوی ا	محرورین	کنجد مقشر	ربع آن از وغن بلسان	۱۰ ماشہ	مسخن محلل ملطف مقوی جلد باہ و فالج و لقوہ و نسیان و اختلاج و تقویت حفظ را نافع
		بیل	خیار ہندے	ح سوی ۲	مصدع محرورین	کشنیز		با یکمثقال	مقوی احشا و محلل صلابات عصب و فالج و لقوہ و امراض بلغمی و قوت باہ را مجرب
		بلاس یا پلاس	درختی ست	برگ آن ح ر					شستہ بہ محلل ماسیل و شور و ریاح شکم و درجیر کسر عظام قائم مقام مومیائی
		بلاسر یا پاڑ	ثمر درختی ہندے	ح ر					نوشیدنش با عسل و پیاز و حب القرع را نافع و قطورش مع طح اندرانی و پوست طبیلہ با گلاب را فع بیاض چشم
		پلاسٹور	درختی ست درخت پلاس الصاقیہ	ح ی ۲					مفتح مرقق منقع محلل مجفف مقاوم سموم و صرع و نسیان و بحر را نافع
بلح	خورہ خرما	بکی کھجور	ثمر درخت خرما	ب ی ۲	مسکن صفرا و دسدد	عسل و بنفشہ		۷ ماشہ	مقوی الشہ و معدہ و جگر قاطع قی صفراوی و اسہال مزمن و ادرار بول
بلطمہ			گیاہی ست	ح ا					محلل ملطف منقع خرغرہ بعصارہ و ملیخ آن سخریج زلو در حلق پیچیدہ و نباید خورد
بلسان			درختی ست عظیم	ح ی ۲		صندل	ربع آن و زنجبیل	۱۰ ماشہ	محلل ملطف قطور مطبوخ آن در گوش مسکن وجع آن و تکمید بدان مسکن سدداع رملوب
بلسکے			نباتی ست	مرکب لقوی					ملطف جالی و آشنا میدہد نیم اوقیہ از عصارہ آن با شراب ابیض دانع رتیلا
بلغار		بودار	جزوی ست	ب ی					مثل افعال آن جلد ہاست کہ ازان سازند آب در دوانی آن منعفت باہ
بلکور		بور							تعلیق آن بجہت ارقاش افعال و ازجواب جستن ایشان بسوختہ دافع بیاض عین

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص آن
بلوط	بالوط		ثمر درختی است	ب ا ی ۲	مصدع	سکنجبین و قند	خرنوب بطی	۵ تولہ	سقاط بطی الهضم کثیر الغذا و خفقان و غشیان و سجع را سفید و مجفف نارفارسے
بلوط الارض			نباتی است	ح ۲ ی ۱	-			۱۰ ماشہ	مفتح قاطع فضول مدر بول و حیض مقوی قروح مزمنہ
بلوطے		کچی کھجور	نباتی است	ح ی					محلل دافع گزیدگی سگ دیوانہ و بواسیر و مقوی قروح
		پکوّل	ثمر گیاہے	ح ا ر ۲					مقوی دل سبھی مشہی دافع سرفہ و فساد خون و بلغم و صفرا و سودا و تپ
بلیلج	بلیلہ	بہیڑہ	ثمر درختی	ب ا ی ۲	سفل	عسل و شکر	آملہ مقشر	۱۰ ماشہ	ملطف قابض مقوی معدہ مسہل سودا بالخاصیۃ و صفرا بالطبع قاطع رطوبات بخار
						باب الباء مع النون			
بنات وردان	موسک	نیل گاؤ و سوگندا	حیوانی است	ح ی ۲					محلل مجفف و عسر النفس و احتباس بول و حرقہ آن و اسقاط جنین را نافع
		بندال	گیاہیست پھنلے	ح ی ۲					نبخ آن مخرج جنین مردہ و بانمک مقوی و یرقان و استسقا و تپ ربو و سر درد را نافع
		ریٹھہ	ثمر درختی	ح ی ۲				۳۰ ماشہ	مقوی معدہ و ہاضمہ و ہیضہ قیراط آن با سکنجبین رافع تخونج و دافع زہر مار و عقرب
بندق	فندق		ثمر درختی	مع ح ر	اکثار آن	در سرود	حب الصنوبر	۲۰ درہم	مبہی مقوی اسہال مزمن جوہر دماغ با انیسون مفید خفقان و حرقۃ البول و باہ و سموم
بنج	بنگ	اجوائن خراسانی	نباتی است	سیاہ آن ب ی ۳	مورث سکر و جنون	عسل و انیسون	افیون تفاح	۲ ماشہ	نافع نزلات سکن اوجاع گوش مخدر و سموم را دماغ مجفف و عرق النسا و نقرس را نافع
بنفشا فتن			نباتی است	ی ۳ مع ح	معدہ	سکنجبین	زمرد	۱ تولہ	محلل و چون بیاشامند برائے حمی ربع چہار برگ زیرشاہ و برائے حمی غب برگ زرشک و برائے حمی ثالثہ دو برگ برائے حمی یوم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
بنفشه			دانه ایست	مع ب ی	اگنارش مولد سودا	روغن			نافع قئ واسهال وذرور آن قروح ساعیه را نافع ودر سایر خواص مثل بنفسج
	بنگ		بنگ الاس	ح ی ۱			آس	یکتوله	مقوی معده وجگر ودماغ ومقوی باه مدر بول قاطع اسهال صفراوی وغشیان حادث از برودت
	بن		ثمر درختی ایست	سه ح ی ۲	مقدع وسبزت	(بجهت اخلاط) (در عفران)			مفتح مسکن اوجاع وتوران خون مصفی اخلاط مدر بول مجفف دیر قان وسرفه را نافع
	پنبسطکے		نباتیست علیحده	ح ی					برگ وتخم سائیده گرم کرده بر شکم مستسقی ضماد کردن آن برگ بیه انجیر گرم کرده با پاز چه بستن وتمام شب نگذاشتن مفید
	پنیالہ		ثمر ایست پنبه						مسکن سعف اوصحیح بلغم بلغمی مزاج را مسهر وصفراوی را نافع ومورث حمی
			باب الباء مع الواو						
برق (بورق)	بورہ	پاپڑی لون	نمکی ست	ح ی ۳	معده ومقی	مصطگی وسعد (بجهت)	نمک	۷ ماشه	محلل اجابی جاذب خون بظاهر جلد مسکن مخصوص نافع قولنج ومقاوم سموم وسبهی نافع است
بول	کمیز وشاش	موت وپیشاب	معروف	ح ی					جالی ملطف مقطع وبول انسان اعدل است بعد بول شتر وگاو دافع ثالیل وسپرز
بول الابل			اقرا صیست آوازمین آرند	ح ی ۲	مقرح	روغن گل			مندمل جراحات قاطع نزف الدم وحمولش قاطع حمل وبواسیر ومحلل اورام ومقرح
بول البقر	شاش گاؤ وتور	گای بیل کا موت	معروف	ح ی					جالی مکلف باسکه مفید دردندان شوئیدن خصوصا مخدرازان باخردل جوشانده رافع صدر آن
بول الانسان	شاش آدمی	آدمی کا پیشاب	معروف	ح ی					رافع قروح عتیقه رطبه وساعیه وجرب وحکه وخراز وسعفه وآبله ونافع زیادتی قروح خبیثه ودوار الثعلب وبرص
بولا (بورا)			نباتی ست	ح ی ۲	معده	عناب	بادزهر	سه ماشه	ملطف مجفف جالی مفتح مدر بول وطمث مخرج مشیمه دافع گرزیدگی هوام ونفث

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ت	استعمال و خواص
بومم	چند	الو	طائر معروف						لطوخ دلش در حال قبح گرما گرم بر دے صاحب لقوہ نافع جگر تش بدیو گرفتہ دود کند بگریزد چنگال او اگر دود کنند گستان بگریزند
پونیون			نباتی است	ح ی ۲	مصدع مغشی	حلق و شیر تازہ دوشیدہ	کندر	۳ ماشہ	جالی مفتح محلل ریاح و منفض مرسقط جنینہ و کرم شکم و گردہ و سپرز و خناز یر را نافع
		پوئی	گیاہی است						سوم سبی مزید منی طین آلات سوت سکن حدت تپ طلای آب پرگش سکن سوزش عضو با آتش سوختہ
					باب الباء مع الطاء المهملة				
		پھالسہ	میوہ ایست	ب	قابض	قند و نمک			نافع حمیات صفراوی و قوع و سکن عطش و غلبہ صفرا و خون و باد و سورش اعضا
	بہمن		معروف	ح ی ۲	سفل	انیسون کثیرا عناب	زرنباد	۳ ماشہ	مبہی سمن بدن مزید مادہ منی مفتح محلل مفت موافق ببرد دراقع خفقان
	بہی		نباتی است	ب ی ۲				تا ۳ ماشہ	مداومت شربش حابس اسہال مزمن و نزف الدم و سلسل بول
		بیکھ مروں	بیخی است	ح ی ۲					مشہی مبہی امراض ریاحی و بلغمی و حمیات مرکبہ و ضیق النفس و درد پہلو را نافع
		بھنگرہ	معروف گیاہی است	ح ی ۳					مقوی بصر و باہ و امراض دماغی و درد دندان مسدع و بہق و جذام را نافع
		بھوئی آنکولہ	گیاہ آملہ رز یعنے	ب					قطور آب نبات تازہ آن بتمامہ کہ مطلقا آب از خارج داخل نتایند نافع ماسور و قروح خبیثہ
					باب الباء مع الیاء المثناة التحتانیة				
		پیارا انگا	بیخی است	ح ی ۳					مسکن درد سرو ام الصبیان و درد چشم و ہیضہ و شبکوری گزیدگی مار را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		بھنڈی	ترکاری معروف	ب ر ۲				بقدر ضرورت	مقوی اعضا وباہ بود ومدر وافع صفرا ومسکن سوزش بول وسیلان منی ومفتح انسداد
بیر بہوٹی			گرمی است سرخ چون مخمل	ح ر ۲			خراطین		باپیہا پیش دہد کردہ یکمند بار برگ بادام خوردن نافع قاطع لتہوع صرع ست ضماد وی باعث اساکن وقوت باہ وتقویت قضیب
		بیج بند	تخمی مشک بیان	ب ی	نفاخ ودیر مضم	شکر	اشنگن	بہ ماشہ	مقوی پشت وکمر ومدر منی وحافظ آن وممسک
		پیپل	درختی است کلان	ح ی					ضماد پوست محلل اورام ونافع زخم ناسور وعذر برگش خشک سوختہ گرم بآب ماندہ نوشیدن نافع تپ
	مبخ زرین گیاہ		بیخی ست	ح ی				از یکدانگ تا نیم درہم	مفرح مقوی قوی باہ چون قدرے باگلاب سائیدہ بیاشامند
			نرگس ست شبیہ بہ بہ	ب ی ۲	اکثار آن مسکر البول ومسدد	روغن بادام	بلوطہ و عفص	از دانگ تا درہم	محلل تقوی قوی باہ مانع سیلان قاطع خون ونافع خفقان وتبخ آن فاد زہر سموم
		بیش	بیخی ست سمی	ح ی ۲	قتال	بدزدارو بادزہر دمشک	زراوند		قتال اصلاح نمودہ آن نافع جذام وبرص وامراض سودا ویہ وبلغمیہ مزمن چون سر فہ وغیرہ
		بیش بوش بیشا	چوبی است شبیہ بموش						گوشت آن تریاق بیش ومانع سموم حیوانی وجذام وبہق وبرص ونافع
بیض	تخم مرغ خایہ ماکیان	مرغی کالاغر	معروف	ب ر ۲	اکثار آن بجر ہضم مورث قولنج	اودیہ حارہ وآب کامہ		از عدد تا ۱۵ عدد	زرد ہ تخم شست مبہی تقوی دل ودماغ وبدن بصابر الکیموس کثیر الغذا قلیل الفضول
		ہیل	تمری معروف	ح ا ی ۲	اکثار آن مولد لبواسیر ومسدد	شکر تیبوزن			مقوی دماغ وقلب وکبد قابض مجلس لمسہال قاطع از دجات وحیض واکثار آن مولد لبواسیر ومسدد
			مقالہ سوم در ادویہ کہ حرف اول آنہای مشناۃ فوقانیہ است						
			باب التاء مع الالف						

۷۶

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		تارُت	درختی معروف	دانه ترخام ب ر	اکثار آن مورث دوار				تاڑی آن نفاخ مقوی باه منشط مسمن مقوی ارواح منشط مدر رافع تشنگی وحرقت بول رانافع
		تمال کھاٹا	تخمی معروف	ح ی					تخم آن مفرح مسمن مبہی ممسک مزید منی دافع فساد خون وسوداو استسقاء ودرد مفاصل رامفید
									باب التاء مع الباء الموحدة
تبن	کاہ	گھاس	معروف	ب ای ۳					جلوس در طبیخ کاہ گندم وتعرق به بخار آن محلل اورام ورافع امراضی که از برودت هوا در وقت شود
									باب التاء مع الخاء المعجمة
		تخم کھنچ	دواے ہندی معروف	ح ب ای ۵			تخم اشکن	۲ ۱۰ ماشہ	مقوی باه ومکمر منفط منی نافع سرفه وبواسیر
									باب التاء مع الدال المهملة
تدرّج	تدرو	لوہ	طائر نیست	ح ۲ ی ۱	مصدع صفرا مره صفرا ۲	سکنجبین			گوشت آن لطیف سریع الهضم مولد خون صالح مقوی دماغ وفهم ورافع نسیان ووسواس
									باب التاء مع الراء المهملة
تراب	خاک	مٹی	معروف	کا ح ب					مجفف رادع وخاک خرفیکه دران نمک گذارند بسیار مجفف ومحلل وضماد آن مجفف رطوبات رطبه
تراب اربعات	خاک چہار راہ		معروف	ح					مجفف منقی جراحات چرک دار ومستحکم اعضای مسترخیه واستسقا رانافع وللگا وضمادا
تراب الصیدا			خاک مغاره جبل صیدا						جبر وکسر را شربا وضمادا نافع وصداع رامفید

۱۱۲

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
تراب السنادہ			خاک جرے ازجزایر روم						اگر مقدار نیم مثقال در آب حل کردہ در بینی حیوانی کہ در حلقش زلو چسپیدہ بود چکاند بیرون شود
تربد[۵۱]		منسوب و نارکدیتر	بیخی است معروف	ح ای ۳ و گویند ۲	اسہاد و منشی و مرب محرور	خراسنین پوست سیاہ آن	خارقیون و توست بشدت	یکتولہ تا ۲ ماشہ	مسہل بلغم و صفرا قلیل و باز نجبیل قاطع بلغم لزج و غلیظ و منقی دماغ مفتح و مالیخولیا و جنون را نافع
ترمس	باقلای مصری	جمالہ	کوچک تر	ح ای ۲	اقشار ا یابست زردی ترسیاہ	نمک و مصطکی	باقلا	یکتولہ ۵ ماشہ	مفتح سہل جالی در مسقط جنین مزیل کلف و برص و بہق مخرج دیدان و حب القرع قاطع نافرفارسی
ترنجبین			معروف[۵۲]	ح را	سپرز و محرور بدن و مادہ السعیر	شیر خشت		۲ تولہ ۵ ماشہ	ملین طبیع مسہل صفرا محرک اخلاط جالی تر از شکر و لطیف تر از شیر خشت نافع سرفہ و درد سینہ و تپ چار
					باب التاء مع الشین المعجمة				
تشمیرج	چشمک و چشوم	چاکسو	دانہ ایست قدر نہ بہ دانہ	ح ی ۲ و گویند ۳					جالی محلل منقوی باصرہ و معدہ و غشاوہ و اخراج عذی را نافع و جراحت قضیب را مفید
					باب التاء مع الفاء				
تفاح	سیب		معروف	ح ار ۲[۵۳]	سپندہ و مورث وات الریہ	گلقند و عسل و دارچینی	سفرجل	۷ مثقال	مفرح مقوی دل و دماغ و جگر اخلاً و شماً و خفقان و عسر النفس را مفید
					باب التاء مع المیم				
تمر[۵۴]	خرما	چہارلو نخور	معروف	ح ۲ ی ۱	بطی الہضم و تقل	آب انار و گلقند	تشمش		کثیر الغذا مولد خون متین و فالج و لقوہ و اعیا و تسمین بدن و باہ را نافع
تمرہندی	خرما ہندی و انبلہ	انبلی	معروف	ب ۳ ی ۲ و گویند ۲	مورث سوج و سعال	کثیر الاستحاش مفتہ غبانیہ	تو تیا سیاہ	تا ۱ تولہ ۳ ماشہ	لطیف تمر از اجاص مقوی قلب مسکن عطشان و قوی صفرا دی مسہل صفرا نافع قلاع
تمساح	نہنگ	مگرمچہ	حیوانی آبی	ح ۲ ی ۳					تخور جگر آن رافع جنون الکتحال سرگین آن رافع بیاض عین پیہ آن مسکن وجع گزیدگی آن

ع	ف	ک	م	ط	ص	ض	ب	ق	افعال وخواص
									باب التاء مع النون
	تنبول	پان	معروف	ح ی ۱	ناشستا	قوی کاہ	قوی نفل		مقوی معدہ وجگر ودماغ ودل حافظہ وقمع مفتح رافع رطوبات دہن مقوی دندان
ثن			نامی است بزرگ فربہ	ح ی ۱					خوردن تمک سود آن سم باریشا خدار وضماد آن گزیدگی سگ دیوانہ را نافع
تنباک	تنباکو	تنباکو	معروف	ح ی ۳	دل ودماغ	مقوی تازہ			مسطش تجفیف دہد آب مسخ ہوا ی رطوبا ی منتی رطوبات وضیق النفس بلغمی را نافع
تفرد خطائے			ترکی است	مرکب	مشش	کلیر ۱			رافع محلق انبض اورام حارہ وبارد وگزیدن ہوام ودرد سر را نافع
	تنکار	سہاگہ	معروف	ح ی ۴					از سموم ست ملطف محلل جالی مسقط لبوا سیر مستاکل دندان وگدازندہ طلا
تیتر	اژدہا	اجگر	حیوانی معروف	ح ی ۴					سم قتال ضماد ناکستر سوختہ آن باعسل قاطع بوا سیر وبہق وبرص
تن			درختی است معروف کہ از گلش رنگ سازند	ب					قابض شکم رافع رکت پت وشور وجذام
									باب التاء مع الواو
	توبال	سرگیزہ چون دیگچہ چون	ریزہ آہن بقصہ آہن	ح ی ۳					ملطف جالی کفن اخلاط جرب وحکہ رانافع وآب مغسول آن نہایت لطیف
توت	توت	توت	معروف	ح ۱ ر ۲	مصلح وملطف معدہ	شیرین آن ۴۵	محلل منضجین	اجاص	مولد خون جہاز مرطب ودماغ مفتح مصلح جگر وفساد سپرز مسمن بدن ومسہی
	توتیا		معروف	ب ای ۲	مسدد	عسل	شاورج	۲ ماشہ	مقوی روح باصرہ وحافظ صحت چشم مقرح ونوتیای سبز قاتل دمقی قوے

ف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
	تودرے		تخم نباتی	ح ۲ ر ۱			بهن سرخ	یکتولہ تا ماشہ	مشہی مبہی منفط سمن بدن محمر رنگ رخسار مصفی بشرہ وصوت بسعال وسوی را مفید
	تورئی		تربت مثل خیار معروف	ب ر					تمر آن سرد وخشک وملین طبیع دافع فساد اخلاط ثلثہ وقرحہ مجاری ابول را نافع
									باب التاء مع الهاء
	تہکار		وبخی است نابیک قامت	ح ی ۲					خوردن دو سہ درم از برگ آن با دوغ کہ سائیدہ حب بستہ رافع تب بلغمی واوجاع اعضا
									باب التاء مع الیاء
تین	انجیر	انجیر	معروف	ح ۱ ر ۲	جگر وسرد وخشک	گرد گان مسہل	مغز پانزدہ دانہ		ملطف محلل مدر مفرح وجالب را نافع کثیر الغذا از سایر میوہ مسکن حرارت سمن مسہل
ریتواج		انجیر کاچھال وکالاکورہ	بوست درخت انسان الصفیر	ب ی ۲	سفل ومطلق ومحرور بین	تیز رفتگی مزاج		بہ ماشہ	در دسر ودندان وتقویت لثہ ونزلہ رطوبی ورعاف وبواسیر را سفید
									مقالہ چہارم در ادویہ کہ حرف اول آنہا تای مثلثہ است
									باب الثاء مع الالف
ثانیا			حلق ومعدہ						
			صمغ نباتی سفید	ح ی ۳	مفرح حلق ومعدہ	کثیرا	در ابنا شعر صرف بابلی	۵ قیراط	محلل منضج مقوی مسہل ملتہم غلیظ ودر دیابطہ وبطلان اشتہا وتحلیل را نافع
ثانیا	صمغ سابہ کہ			ح		لعابات	کثیرا	یکدانگ	محرق مفتح
									باب الثاء مع الجیم

ع	ف	ک	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
تخم	کنجاره	کهلی و پیین	تقل چیزهای افشرده	ی	قابض				ضماد آن ورم حار وورم پستان وورم صلب وورم کبد را نافع وتقوی معده
					باب الثاء مع العین المهملة				
ثعلب	روباه	توتیای ولوکهرے	حیوانی معروف	ح ی					گوشت آن مبرد ومحرک باه واستسقا ودرد مفاصل وفالج را مفید
					باب الثاء مع اللام				
ثلج	برف	پالا	معروف	ب۲ ی۲	مبرد مبین	قرقفل و عسل			مخدر معطش مسکن درد دندان حار ومخرج زلوی در حلق چسپیده قاطع رعاف
ثلج چینی	برف چینی		رطوبتی سیت	ب ی					مجلی بیاض عین وظلمت بصر وضمادش بر بدن تپ دق را نافع
					باب الثاء مع المیم				
ثمام			نباتی شبیه بگندم	ح ۲ ی ۱	گرده	کثیرا	قودری	۱۰ پشه	محلل ریاح مفتح وضماد تازه آن اورام چشم وتقویت اشعار آن را نافع
ثمرة الاثل وگز ماز ج	بارگز وگز ناز	چهوٹی ٹامرین	بار توتع گز ست	ب ۲ ی ۳	سر	دو قو	مازو یا تخم انار	۹ ماشه	قابض قاطع نزف الدم ونفث الدم گزیدن رتیلا ورفع جرب رطب را نافع
ثمرة الطرفا وشاه	گز ناز	بڑی ٹامرین	ثمر درخت گز ست	ح ی ۱	راس	دو قو یا تخم گدو	جوز السرو	دو درم	افعال وخواص آن مثل ثمرة الاثل ست وخالی از جلاء وتقطیع نیست
					باب الثاء المثلثة مع الواو				
ثوم	سیر	لهسن	معروف	ح ی ۳	محرق خون	نرشی در دغن	تودم بری	۳ دانه	محلل حابس مفتح مجفف رطوبات مسدد مدر مفرح دافع مضرت آب وهوای مختلف

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
لوشون	تخم زرداب		تخمی چون حبه	ح ی ۳		گیرد بوکشنیز		نیم درم	مقی مسهل اخلاط غلیظ بارد وکرم معده ومخرج جنین ومدر محلل بادرام
									باب التاء المثلثة مع الیاء
ثیل	بیدگیاه		گیاهی است که گلهای زرد دارد	ب ی ۱		بنفشه	لعیق	یکمثقال	مفتت رافع سموم مار وسگ دیوانه ومنقص وقروح مشانه وعسر البول مدر نافع
									مقالهٔ پنجم در بیان ادویه که حرف اول آنها جیم ست
									باب الجیم مع الالف
جارالنهر			نباتی شبیه به نیلوفر	ب ی ۲	عصب	شکر	بطباط	تا ۳ مثقال	حبس اسهال خون وقطع عطش ر اشر یا نافع ومحلل وملتحم قروح تازه وخشک
	جام پهل		ثمر درختی	ح ر	مبرودین				مفرح مقوی قلب ومعده وملین طبیع ومدر بول حابس اسهال
	جام گهاک		گیاهی است که در بیابانها روید	ح ی					حابس قی که در معده بند نشود واگر مقدار نخود از تخم آن در جوف کیله پخته کرده بلیسند تکلیل الحال نماید
جاموس	گاومیش	بهینس	معروف	ح ی	روغن حاصل و عرق النفسا	آب کاسنی وروارچینی			گوشت آن بسیار غلیظ ومرطبین را نافع ودودسوی وشاخ آن باعشطر دافاعی
	جامون	پهلیندا	معروف	ب ۲ ی ۲	تاسه خوردن ومعده	نمک			حابس اسهال صفراوی مقوی معده وکبد وچار مین مضمضه آن خناق وقلاع را نافع
جاورس	گاورس	ماجیراو کنگنی	جنسی ست معروف	ب ای ۲	مسهل و مولد خون سودا و	روغن بادام یا کنجد یا شیر	ورا نشره شونیز		قابض مجفف ردی الکیموس قلیل الغذا مقوی بدن ونان آن حابس اسهال ودویر مضم
جاوشیر	گواشیر		صمغی ست بدبو	ح ی ۳	اشیان	مرماحوز	تنذیا شیر انجیر	۰۴ پاشه	محلل مفتح مقوی اعصاب ضعیفه ومنضج سحیحه آن جالی لزوجات وادویه ساخ

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
		چاول سنگری	غرد رحنی بیت	ح ی ۳	محرور یبوست				مفتح حابی مصلح خون فاسد جذام و جرب و قوبا را نافع
	حای حطی		معروف	ح ی ۱/۲	۵۲				مقوی قوی دماغ و معدہ و باہ بیرودین و منشط و منفظ ملطف مقطع مفتح مدر مسہل
									باب الجیم مع الباء الموحدۃ
جبرہ			گیاہی بیخی ہر سال روید	ح ر ۲	مصلح محرور بین	مغز بادام تلخ	زعفران	تا ۴ درم	مقوی دل و فکر و حواس مفرح مصفی خون اگر بیخ آن با گوشت پارہ پارہ کردہ طبخ نمایند آنرا ملصق نماید
جبین	سنگ گچ		سنگی ست رخو	ب ی ۳	آہنہا مرد شکستہ	اشیای ملطفہ			قابض مغری محلل و چون با روغن زیتون بپزند و شب بمانی سالید بر خوشہ مالند آنرا ملصق گوید
جبن	پنیر		معروف	تازہ ب ر ۲	جمیع مبردین و مطفی الہاضم	حل الفناع و مغر			مقوی معدہ و رودہ و گردہ طین مسمن دافع مضرت مردار سنگ مزید شیر
جبلیج	جبلاہنگ		تخم خاری نرد		یکدرم کشتہ	ادویہ و غذہا	خربق	تا ۳ درم	مسہل مقی تا یکدرم قالج را مجرب یکدرم آن کشندہ
									باب الجیم مع التاء المثلثۃ
جتجات			گیاہی شبیہ بدرمنہ	ح ی ۲	مصلح	ہلیلہ کابلی	بزنجبوسف	تا ۳ درم	مفتح محلل ریاح قاطع عرق بدحیض مزیل مغص مکسر ریاح مسقط جنین مسخن احشا
									باب الجیم مع الدال المہملۃ
جندوار	زردار	نرسی	بیخ شبیہ بسعد	ح ی ۳	مصلح و محرور بین	سکنجبین سادہ و شیر تازہ	زرنباد	از نیم تا یک تا ۲ درم	مفرح مقوی قوی اعضای رئیسہ خاصہ زہر جمیع مفتح ملطف محلل منضج مسکن مبہی مسمن منشط
									باب الجیم مع الراء المہملۃ
		چرچرہ وچرچر	نباتی از تخم اکثر بہار بر میدہ جد الشود	ح ی	مفید استہا				تخم مقشر او کوفتہ قدر ۷ گندم در یک فنجان شیر آب آمیختہ بخورد تقویت باہ نماید و بر گزش محلل اورام ضماد

۱۷۷

ع	ف	ء	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
جراد البر	ملخ	مذکر	معروف	ح ی ۲	سورث جرب وحکه				مسهی جالی خوردن ۱۲ عدد سرو پا دور کرده آن با یکدرم مورد خشک سائیده استسقا را مجرب
جراد البحر	ملخ دریائی		حیوانی است سرآن مربع	ح ر					خوردنش هر روز ۳ عدد مشوی مانع زیادتی جذام ومفت ومخرج سنگ گرده
جرجیر	ترہ تیزک	چنا کم سر	معروف	ح ۲ ی ۱	مصدع ومظلم بصر منور سوداء سدر	کلسنی کافور سرکه حرفه	تودری خرزل تخم زدگی	بکتوله ماشه	مفتح جالی مدر مفت مولد منی محرک جماع محلل ناضم طعام ناشتا آن دافع بوی بغل
جرمیلک			بیخی است						سنونش رافع تعفن دندان ومعفت لحم بن دندان ورافع زخمهای باطنی
	چرونجی		متغیر ثمر درخت	ح ۲ ر ۱					جالی منفط مسمن کثیر الغذا مصفی بشره دافع مضرت صفرا وغلیان دم
رجری	ماراهی	کچیا بچلی	ماهی است عظیم الجثه	کلسوداوی ح ی	لطی انهضم وسورث برس	سرکه			جالی کثیر الغذا مولد خون منقی مصفی قصبه ریه وصوت طین بطن
									باب الجیم مع الزاء المعجمة
جزر	گزر	گاجر	معروف	ح ر ۲	محرور سین و لطی اکدم	ادویه حاره وآب کاسه		ارحرم تا بتوکه	ملطف مهی منفط مفتح مقوی معده وقلب ودماغ ومزید منی مدر ذات الجنب وسرفه نافع ومسمن
جزع			سنگی است	ح ی ۳					جالی پیچیدنش بموی زن مسهل ولادت ونگاهداشتنش سورث هموم وغموم وخصومت مردمان
									باب الجیم مع الصاد المهملة
جص	گچ	گچ	معروف	ب ی	قابض	شوریابی جرب	طین تحمیل لیا		مجفف قابض مسدد
									باب الجیم مع العین المهملة

ع	ف	ء	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
چغدہ	عنبر سیدہ		نباتے	ح مخا ۲ و گو بند ۳	مسقط و مصرع	حمام کا زیرہ	پودینہ کوکنی	از جزو تا ۳ درہم	مسہل مسہتے لطیف مدر مدرکی ذہن و پیش ہوام و عقرب سانافع
						باب الجیم مع الالف			
جفت آفریدہ			گیاہی بقدر شیر	ح ۲ ی ۱	گردہ	کثیرا	شونیز	۲ درہم	مقوی باہ محلل سکن مضر مشقال تخم آن با گوشت بریاں کباب خوردہ یکسار جوشاندہ نوشیدہ تا یکہفتہ نافع استسقا بطبے
						باب الجیم مع الکاف			
	چگی	کتھل	معروف	ثقیل بطی الہضم	نمک و سورہ آب گرم نوشیدن				مسہل مقطع مسہل بلغم بلغم مشدد خون و مولد خون غلیظ سودا دے
		چکوترہ	نوعی از لیمو	ب ر ۲					افعال و خواص آن قریب بہ انبج ست
		چکوندڑ (گوبندوش)	گیاہی ست	ح ی ۲					محلل جاذب رافع اذیت و باکہ برگ پختہ آخر اسلق کردہ بخورند
						باب الجیم مع اللام			
جلاب			از جملہ اشربہ					از ۲ تا ۳ درہم	مقوی قلب رافع خفقان و مالیخولیا و توحش
		جلاپا	نبع گیاہی ست	ح ی ۲			مجوقان	۲ ماشہ	مسہل مسداع و مبرد و نوازل حدیہ و سرفہ و حمیات نازمنہ و قولنج و استسقار انافع
جلد	پوست	چمڑہ و کھال	معروف	مع	دیر ہضم	مہرا بچمن بازیر			استشمام پوست از روی سگواں طیور خصوصا خروس خشک کردہ سائیدہ بالطلاء با العسل وجع مفصل را نافع
جلنار	گلنار			ب ی ۲	مصلح مسدد	کثیرا	اخراج ریاح بالغث بلوط	۲ ماشہ	قابض حابس سیلان طبع مجفف مقوی اعضا و مستحکم دندان و لثہ مضادش دافع بوی بغل

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
جلنجبین	کلنکبین		گل بابل سرشتہ	ح ی ۲	کبد و معطش	خشخاش		از جہ ۳ ماشہ	مقوی دماغ و مفرح و مفتح دماغ صعود بخار سوداوی دافع مفت غشی سبر و یبوست و سکری مجربین را نافع
جوز	بادام کوہی			ح ی ۱	دیر ہضم و بطی الانحدار	سکنجبین	چلغوزہ		مسہی غریزہ منی و درد پشت و عصب و عرق النسا و گزیدگی عقرب و زنبور را نافع
جلید	تگرگ	اولا	معروف	ب ۳ ی ۲					چون برباچہ کہ بآب پختہ نمایند و بر گردن صاحب سلعہ ای گیگھہ بندند تحلیل نماید لیکن وجع آرد
		جل نیم							۶ ماشہ نہایت کیتولہ آن با آب سائیدہ خورند مسہل قوی دافع جرب و آشک و قوبا و خارش
					باب الجیم مع المیم				
جمار	پیر نخل		چغر بست سفید سیر تن	ب ی ۱	ریہ و مدر بلغم	سکنجبین	حامض		مقوی معدہ و احشا قاطع اسہال خون و سرفہ و نفث الدم و نکوئی آواز و گزیدن زنبور را نافع
جمز	تخ	پالا	معروف	ب ۳ ی ۲	اہرام بالطف	قرنفل			قایم مقام تلبست و ہیضہ و تپہای صفراوی و محرقہ را نافع و ضماد ش بر پیشانی مانع رعاف
جمجم			بیخ شبیہ بزرد ک	ح ی ۳	سپرز	صمغ عربی	سکنجبین	لہ ۱ ماشہ	محرک باہ و خلق مربو و سرفہ و نزف الدم و ذات الریہ و ذات الجنب را نافع
جشت			سنگی است	ح ی ۳				لہ ۱ ماشہ	آشامیدنش محلل و دافع خفقان و غشی و سنگ و انگشتری آن نقرس و قضای حاجات و حجر و حلاوت را نافع
جمل	شتر	اونٹ	معروف	ح ۳ ی ۲	خون مدور بہ	بالنگ و خبث الحدید			گوشت آن مسہی و ملطف قوی تپ ربع و عرق السادیر قان و سعد و حرقۃ البول و قوبا را نافع
جمہور			شرابی است	ح ی					منضج محلل مشہی بہی معین بر جماع مولد خون صالح غلیظ و سخن اشتاد سریع الانحدار
جغر	انجیر ادم	گولر	معروف	ح ی ۲	معدہ و نفاخ و کورث و حمیات	سکنجبین			وسواس و مرہ سودا و نفث الدم و سرفہ مسہی سبز و ربو و غشی و انفض نافع و خاکستر چوبش قروح و ساعی آشک را بجہ

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الجیم مع النون
		چنپا	درخت است	ح ی					بوئیدنش قوی قلب بارد وخورد نش دافع بلغم ورياح وقاطع اشتہای طعام
جندبیدستر	آتش بجگان		خصیہ چوہے بسے	ح ۳ ی ۲	محرورین	شربت بنفشہ	مثل آن بوج	تا یکماشگ	منفع محلل تریاق ادویہ بارده وقتال مبیج حرارت غریزی وعشہ وقالع ولیشر غش ونسیان ہر انافع
جنطیانا	گوشاد	بکھان بید	بیخ سرخ رنگ	ح ی ۳	محرورین سلیمہ	اسقولوقندریون	اصارون	۴ ماشہ	ملطف جالی محلل منقی منفتح مسکن مدر مخرج جنین وگزیدن سگ وعقرب را نافع
									باب الجیم مع الواو
		چوب چینی	بیخ سرخ رنگ شیرین	ح ار ۲	محرورین واطفال	قرص گل	خاصنفراس		ملطف منفتح محلل معرق مرقی مصفی خون وارواح منوم مقوی اعضای رئیسہ مبہی مدر مجفف
	چوب چیوہ		چوب درخت مبہے	ح ی ۲					برای ہیضہ کہ قی واسہال بند نشود نافع وسموم مشروبہ ومنہوشہ را نافع ومحلل ومسکن
جوز	چہارمغز کردگان و	اخروٹ	ثمر درختے	ح ۲ ی ۱	محرور	سکنجبین	حبۃ الخضرا	تا ۳ تولہ ۱۱ ماشہ	لطیف ملین مبہی محلل بادمانع تخمہ مقوی دماغ وحواس باطنہ ومعاون جگر آن مسکن مغص
جوزابہ			طعامیکہ کذارند گرم سبز بہاسا	ح ر	صاحبان سلطح				ملین موافق سینہ وسشش نضاج قلیل الغذا
جوزارقم			بیخ گیاہے مسہل	ح ی ۲	تا ۲ درم قاتل	ریختن آب سرد بر او		۱۲ قیراط	جہت مسکر مفت مخرج کرم مسہل محلل اورام بلغمی
جوزبوا	جوزہندیا	جامن پھل	ثمر درختے	ح ۱ ی ۳	محرورین وعصبی	کشنیز	بسباسہ	۲ تا ۳ ماشہ	مفرح ملطف مسکر حافظ حرارت غریزی ہاضم طعام مبہی مبرد مین محلل معطر دہان
جوزجندم	گل گندم		مخرج خلط بلغمی مفت گردگان	ح ی ۳	منقی ومسہل	ریباس انار		تا ۷ ماشہ	مبہی منفط مسمن مفت رافع عسر البول نزف الدم وقوباء وبعضہ را نافع

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
جوزالمقس			تمر درختی ہندے	ح ی ۲				تا ۷ ماشہ	مسہل بلغم و اخلاط سودا و یرقہ محلل منفتح
جوزالتیخ			تمر درختی بقدر اتفاق	مع					سائیدہ بقدر یکدانگ آن با آب گرم نوشیدن قولنج ریحی را نافع و مقوی معدہ
جوزالسرو	بارسرو		تمر درخت سرو	ب ی ۲	مسہل و مقوی معدہ و خسار	عسل و روغن بادام	بیخ انار	۱۰ ماشہ	منشف قاطع نزف الدم معطر بوی دہن منفتح و درد تشنجیہ را نافع
جوزالسرک			درخت عظیم	ح ی ۳	ریہ و مصلح	کثیرا	تفلفل	تا ۱۴ ماشہ	محلل منغص شدید منفتح مسکن وجع دورک و عرق النسا و مہیج باہ مدر مسقط جنین
جوزالعبہر			دانہ شبیہ بآملہ	ب ی					قاطع اسہال بایوسین و بارد سورد اورام باطنی را نافع
جوزالعطاۃ			دانہ ایست	ح ی					آسنا میدن برگش با شراب تقطیر البول و ہجرب مثانہ را نافع و قولنج ریحی و خلطی را نیز
جوزالقیٔ		جین پھل	تمر درختی معروف	ح ی ۲			درہ و خرنوب	۱۴ ماشہ	مقی بلغم و مسہل فالج و لقوہ و سرفہ و ضیق النفس و جذام و دمامیل و گلیل اورام را نافع
جوزالکوتل			تمر گیاہی ہندے	ح ی ۳	مرخی ہمہا	فواکہ رطوبت		یکدانگ	نہایت مقی و مسہل و منقی بدن و منفت حصاۃ و رافع سدد و صلابات و اوجاع بارد
جوزالماثل		دھتورا	درختی معروف	ب ی ۴	مورث جنون	زائل بالفعل	دو برابر آن	یکدانگ	مخدر قوی مسکر ہمہ اجزای آن و مسکر صداع صفراوی و دوسوے مسموم رافع محلل نافع قشعریرہ
جوشیصا			بزرد رختے بقدر نخود	ح ی ۲	محرور بن	انارین		۱۰ ماشہ	مشہی رفع آزندہ مسہل مسکن درد معدہ و کمر و تہیگاہ و ہاضم طعام در ہمہ حال
	چونلائی		نباتی معروف	حی					سریع الہضم رافع صفرا اگر بیخ آنرا ہمہ شب حاضر ہندے در انار قیصر سیاہ دہند و بکمتر بایک آب آشامند

باب الجیم مع الیاء المثناۃ التحتانیۃ

ع	ف	ة	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		جینکت	درختی معروف	ح ی ۳					آبیکه برگش مسهل غم و قاتل دیدان و مطهل بسکن برگ در سرکه گرم کرده محلل حول آب جائیکه باشد
	جیدار		نباتی شجریست	نبات آن ب ی ۳				۱۲ بهشه	ممسک ریلن دافع ذحیر ملتئم جراحات مقوی اعضای مستر خیه و سکن و مجتف
جیسنگ			نوعی از کشنیز	ب ر					مقوی دل و مفرح سفرا و مسرطب بدن امزجه سودا و یه و خفقان و سعال یبسی را نافع
			مقالهٔ ششم در بیان ادویه که حرف اول آنها حای حطی است						
			باب الحاء مع الالف						
حاقطی			شجریست	ح ی ۲	ریه	عسل		۳ بهشه	مفتح نزیل استسقا حمولتش نافع اوجاع رحم و امراض مقعد و فواسیر و مضغه آن مسقط کرم و دمالان
حاج	خارشتر	جواسا	گیاهیست که تخمش	ح ی					راوع مفتح جالی تریاق سموم رافع بواسیر و صداع فرمن
حاشا			نوعی از پودینه کوهی	ب ی ۲	ریه	نفاع	افتیمون	۵ بهشه بکتوله	سعوط مدر محرج جنین و شیر مفتح منقی سینه و شش مقوی معده و کبد و محال محلل خون منجمد
حاشیش	حسن یوسف	تخم کرملی	دانه ایست سفید و تلخ	ح ی ۴	مرکب شده آن	دفع گاو یا قرص کافور			قوی تر از اقربیون و منقی ضماد ش جالی و محمر رنگ رخسار و از مقدار نیم درهم آن قی کردن و جع شدید دفع کند
حاشوثی			نباتی بزمین افتاده	ح ی ۱					برای گزیدن عقرب شربا و ضمادا نافع و فرزجهٔ آن برای اصلاح رحم نافع
			باب الحاء مع الباء الموحدة						
حباب			حیوانکه بدرخت پیدا شود	مرا گر گرد		خوردن کافور دجیره			اگر کسی را بگزد فورا نهایت تا سه روز بلاک شود

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حباحب	کرم شب تاب	بهک جگنی	کرمی معروف	ح ی					سه عدد آن قتال و نوشیدن یکعدد مقطوع الراس خشک شده آن با مثقال طبشیر در مخرج سنگ گرده و مثانه
حبارا	هوبره	چرز	مرغی بزرگ	ح ی ۲	محرورین	سرکه و داروهای صفرا			موافق محرورین پرده و سنگدان آن نافع خفقان و امراض سینه تعلیق سنگ سنگدان آن قاطع عاف
حبجبو			ثمر درختی	ب ۲ ی ۳	سینه و صوت مویشاسهال	کتیرا	سماق	۳ ماشه	قاطع اسهال و نزف الدم و تشنگی و التهاب صفرا و فی الحال آن یکعدد رافع صداع حاد
حبجرج			مرغی معروف	ح ی	مولد سودا	بی روغن خوردن			مولد خون سودا وی و غلیظ مصلح آن مهرا پختن و با مصطگی دوا رچینی و سرکه خوردن
حب‌اللبان		بکاین	دانه ایست	ح ی ۲	جگر و معده	رازیانه	سلیخه	۷ ماشه	منفع مسهل بلغم متقی مستحکم لثه محلل دافع مواد سوداوی و بلغمی و کلف را نافع
حب‌بلسان			تخم درخت بلسان	ح ی ۲	مثانه	کتیرا	سلیخه	۷ ماشه	مقوی معده مجفف رافع سرع و سدر و درد سر و محلل نفخ گزیدن هوام را نافع
حب‌البشروکرسنه	شنگ کاوی و شنگ	سترو کراو و بکلاو	دانه ایست مدور معروف	ح ی ۲	اکثار آن مولد خفقان فاسد	گلاب	دو وزن آن لوبیا	۱۰ ماشه	مفتح سدد و مقطع دجانی متقی سینه و شش طبیخ آن با عسل مفید سرفه طویل و عسر النفس و متقی سینه
حبة‌الخضرا	بن		ثمر درخت بطیم	ح ی ۳ خشک آن	محرورین	گلاب	مغز بادام تلخ	۵ ماشه بکتوله	مفرح مقوی حواس و جگر مهی سمن مسکن نفخ متقی بدان مفت
حب‌الراسن			دانه ایست	ح ی ۲	...		راسن	۷ ماشه	مهی مقوی معوی نافع بختن آن و امراض بارده را نافع
حب‌الریباس	تخم ریباس		دانه ایست	ب ی			تخم خاکشیر		قابض قرحه صفراوی و جرب و حکه را نافع شربا و ضمادا
حب‌الزلم			تخمی ست	ح ر ۲	حلق و مولد سدده	سکنجبین	حبة‌الخضرا	۲ تولچه بکتوله	محرک باه و سمن بن و گرده و مقوی جگر و امراض سوداوی محرق البول را نافع شربا و مفرل کثف
حب‌السمنه	نقل خواجه	چرد و نجی	دانه بقدر فلفل مستدیر	ح ی	تقیل و بطی النزول	سکنجبین و عسل	پسته و کنجد	از مغز تخم آن ۲ تولچه ۱۱ ماشه	مسهل بلغم و صفرا کثیر قرآن با روغن شکر و روغن بادام شیرین با روغن کنجد تازه مسمن جهر و لین مهر و دین

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
حب السلاطین	تخم سپند و انجیر خشک	جمال گوته	ثمر درختے	صفر آن ح ی ۴	محرورین	مدر کردش		یکعدد	جالی سہل بلغم سودا و اخلاط غلیظہ جذب رطوبات مفتح و یاقوت سمیت تریہ سفید محروث اہلیلہ سیاہ و معین فعال قوی
حب الآس	تخم مورد		م	ب ی ۲	صداع حار و بارد و زکام و سہر	گل بنفشہ	برگ توت و افاقیا	تا ۱۰ ماشہ	حابس اسہال و نزلات مفتح مدر محلل قابض قاطع نزف الدم و خون حیض مقوی معدہ
حبۃ السوداء	سیاہ دانہ و سونیز	کلونجی و شکریلا	م	ح ی ۳	گردہ	کثیرا	با انیسون و تخم کنبث	۱۰ ماشہ	مقطع بلغم محلل ریاح غلیظہ قاتل دیدان لوسید ہوسے آن در پارچہ بستہ رافع زکام مدر مسقط جنین نافع وجع
حب القطن	پنبہ دانہ و تخم	بنولا	معروف	ح ر ۲	گردہ	خیر بنفشہ	تخم کنگر و بادام خشخاش	۵ مثقال	مفید امراض صدر مقشر آن بلیس سینہ و شکم رافع سرفہ گرم مبہی سر و دین بادار چینی و شکر و محرورین با سکنجبین مدر شیر
حب الدود	کرم دانہ		جیست	ح ی		از تخم دوش خارش شود	علاج تربہ خوردن		مسہل مادہ صفر مخرج کرم معدہ و سخن قبل و مصفی آن از فضلات
حب العزیز			جی مانند حب الآس	ح ار ۲	حلق و ثقل و مسدد	سکنجبین	حبۃ الخضرا	۴ ماشہ	سمن بدن کردہ لاغر و مولد خون صالح و تقویت باہ و کبد و حرقۃ البول و خشونت سینہ و سرفہ را نافع
حب القلقل	ماش ہندی	گل کشتی و سبز کرس	معروف	ح ۳ ی ۲	ریہ	عسل		۳ ماشہ	مفتت مشہی رافع فواق و امراض چشم و مدر بلیس طبیع مخف مدی مفتح ضماد ش مصفی رنگ رخسار
حب الکلی		کوچ	تخمی ست	ح ۲ ی ۱	۲ درم کشندہ	روغن بادام و مصطکی		۳ ماشہ	مخدر مسکر جالی آثار مقی بلغم تعلیق آن مخرج مشیمہ و عسر ولادت را مجرب
حب الطلب	پیوند مریم	کھیونی	حب درختے	ح ی ۲	دماغ و اعضاء حار	کلاب با روغن بنفشہ	مغز گردگان با بادام تخم	۱۰ تا ۱۵ ماشہ	مفرح مقوی حواس مخرج رطوبات غلیظہ از جیسینہ و شش مسکن وجع کبد و طحال گردہ و ظہر مدر و منفتح
حب المنسم			دانہ ایست خشبو بعقد عقل	ح ی ۲	مصدع	شیر	کباب	۴ ماشہ	مفرح مفتح سخن مہبی معقوی معدہ سرخیہ مجفف ناشف رطوبات غریبہ معدہ مفتت مدر رادع بخار
حب النیل	تخم نیلوفر و پیچ	مرجانی و بھاڑ مرچ	دانہ گیاہے	ح ی ۳	بلغم مسہم کشندہ	با لیہ بیر سانون و روغن بادام	تخم خطمی	۲ ماشہ	جالی مبرق و برس و مفتح و مسہل قوی بلغم خصوصا با تربد و مسقی بدن مخرج حب القرع و دیدان
حب الکتم	تخم وسمہ		تخم نبات کتم	ح ی					اکتحالش مانع نزول آب و محلل آب نازل در چشم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الحاء مع الجيم
حجر الابيض			کنایہ از جوہر پاکیزہ	مع					عسر البول را نافع و در سائر افعال مانند فاذزہر حیوانی و مراد اکسیر یان از ان زجاج آئینہ
حجر الاحمر			نوعی از لعل است بر رنگ بیج مرجان						یکدانگ آن سم قاتل ست
حجر الارمنی			سنگی لاجوردے	ح ی ۱	غیر مسهل آن مقدم و مغشی	کثیرا	لاجورد مغسول	۲ ماشه	مفرح قلب بالخاصیة و مسهل سودا جالی گردہ و جذام را بالخاصیة مفید و مستعمل مغسول آنست
حجر الاسکفه			سنگی ست	ب ی			آن را مکرر و پاک		ذرور آن جهت ورم لهات و جراحات و قطع نزف الدم نافع و کفشگران آن را استعمال کنند
حجر الاسفیذج		بکاف فارسی	سنگے کہ در اسفیذج یافت شود	ح ای ۲					مجفف قاطع نزف الدم ذرورش ملتئم جراحات محلل مغتت و یرقان را نافع
حجر الاعرابی		شکر سنگ و سنگ رحم	سنگی ست						جالی قاطع نزف الدم و سنون محرق آن مجلی دندان و مستحکم لثه
حجر الافرنجی			سنگی ست						مجفف قابض آشامیدن یکدانگ حکوک آن فهر ارفع سم گزیدن عقرب نماید
حجر الاقاقیا			سنگی ست						باسوم روغن برای سوختگی آتش و امراض چشم سفید و استعمال محرق غیر مغسول آن جائز نیست
حجر الاناطلس			سنگی ست						قطور آن با شیر زنان در چشم ورم و دمعه و طرفه را سفید آید
حجر الایل			سنگی ست	ح ی ۳					موافق جمیع امراض حاره و دافع اکثر سموم حاره و بارده حیوانیه و نباتیه و معدنیه
حجر البارقی			سنگی ست						اگر حوالی ناف را مذکر خراشیده بران بمالند جذب بطوبات استسقا کند

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
حجر البحری			جسمی ست سفید						اشامیدن و یک دانگ آن مفتت حصاة یا تنکه باشد
حجر البحیر			سنگی رقیق						با محللات محلل و با مجففات مجفف و تحلیل ریاح و رکین و التیام جراحات را نافع
حجر البرم			سنگی ست						برای تقویت لثه دندان و نزف الدم نافع
حجر البسر			سنگی سفید						در مقی قلب مفتت بالخاصیة تعلیق آن بالای مشانه مدر بول
حجر البشم	بشم	سنگ بشم	سنگی ست	ب ی ۲				یک دانگ	مقوی قلب و معدهٔ و خفقان را مفید و نزف الدم و قروح باطنی و زحیر و حرقة البول را نافع
حجر البقر		گاوی رومی	مهره ایست	ح ی ۲	محرورین و مصدع	کثیرا		۳ قیراط	محلل سمن در مفت یرقان و ذبحه که بملوی چیه بطلان میشود نافع و رافع بیاض چشم
حجر البلور			سنگی معروف						نگاه داشتن آن با خود نافع رسیدن و سواد چشم بر بستان زن لیست خیره شدن شیر آن اگر بالای شیخ امتداد خون بر کنند
حجر البیس			سنگی ست	ح ی					محلل مقوی اگر مدروغن زیتون چشانند و بر بدن مالند ماندگی را زود دفع نماید
حجر الجشی			سنگی ست	ح ی					مسقی حالی منزل آثار قریبة العهد و بیاض و خنزره تازه غیر صلبه را نافع
حجر الحام			جنسی ست	ح ی					دافع سرطان غیر مزمن ضماداً
حجر الحیه	مهره مار		جسمیکه در قلب سر مار یافته شود					تا ۳ قیراط	برای سم مار قوی الاثر و مفت حصاة و سنگ مثانه دافع زهر گزدم و هوام دیگر
حجر الخزعی			سنگی ست						بخوران گریزانند هوام و با خود داشتن آن صرع و عسر زنان و اذیت حیوانات موذی را نافع

ع	ف	ة	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
حجر المناطیس			سنگی ست	ح ی ۲					بریان وخفقان وتقیت حصاة وتفتیح سدد دافع وتعلیق بر آن دافع غم ودر حریر داشتن باعث جاه
حجر الخرقی			سنگی ست	ح ی					ستر عدد موی قاطع خون حیض بمثقال آن بهمرور بعد طهر قاطع حمل ایماد وضماد آن نافع افتشار پستان
حجر الخمار			سنگی سنگین						یک درم بمثقال سائیده آن نوشیدن خمار را رفع کند وعرق نماید وسردی وسرور آرد
حجر الدم	شاذنه	شاذنج	سنگی مدوری شکل	مسهل آن ب ای ۲	مشانه	کثیرا	حجر مغناطیس	نا نیم مثقال	مجفف رادع قابض قاتم مدمل مقوی عصب باعث حابس سیلان خون مفید عسر البول
حجر الدیک			سنگی سفید	ح ۲ ی ۱					دافع حزن وسواس مفت شربا وتعلیقا آشامیدن آب شست آن دافع تشنگی مغرط
حجر الرحی			سنگی ست	ح ی ۳					محلل نابض خون حیض بطلاقش استسقا وحبوش بوا سیر وقطع حیض نطولش اعیار نافع
حجر الرخام			سنگی ست	ب ی ۲					راوع قاطع نزف الدم محلل رافع استسقا وزرد روش رافع وا سیر ورافع وضمادی دموسے
حجر الزیره			سنگی ست						ورود آن دافع اندمال جراحات
حجر السلوان			سنگی سفید						آشامیدن آب محلول آن بمثقال فی نزف الدم وحرارت معده ورفع مرض عشق را نافع
حجر السطرلطه		سنگ مرمر	معروف						سفون بحرق آن مقوی باه وضماد آن با سوم دافع درد دندان معده وزرد رخام آن رافع ورد سوختگی نار
حجر السمک		سنگ سرپهی	سنگی سرپهی	ح ا ی ۲					آشامیدن سائیده آن مفت حصاة گرده
حجر العسلی			سنگی سفید	مائل بحرارت					سفوف قروح ودر افعال ضعیف قرار حجر لبنی ست

قلوب اسماء دافع خفقان ۱۲ باطنی عمل کند و خاتم ۱۰ بوقت نظاره بر خاتم معشوق و دوستی دائم میان ایشان بهم رساند

ع	ف	ة	م	ط	نقش	ض	ب	ق	اعمال و خواص
حجر الغاغا			سنگی سنگین	ح ی ۲	ریه	زعفران		۱۰ شه	محلل بلغم آشامیدن آن قاطع حل و حیض و مفت بخورش کریز اندهٔ هوام
حجر الفتیله			سنگی ست						برای بالتیام جراحات حیوانات بیعدیل گفته اند
حجر الفضل			سنگریزه هند	۱۰					در اطلیه کحل و امثال آن مستعمل میکنند
حجر القمر		چندر کانت	سنگی سفید	با ی ۱	گرده	کبریا			آشامیدن بقدر یکدرم صرع را نافع و وسواس و جنون و خفقان و نزف الدم را نافع
حجر القیشور			سنگی ست	ح ای ۲					محلل حابس نزف الدم و طلای آن ستر نده موی اگر بر نوشته طلا کنند حک شود و شبکور را نافع
حجر الکرک			سنگی ست	ب ی ۲					رافع جالی و خفقان و غثیان و حبش را نافع
حجر الکلب			سنگی ست						عداوت و تفرقه را بسیار موثر اگر در آب اندازند و آنرا بنوشند
حجر الکلی			سنگی ست	ح ی					مفت سنگ مثانه و سنگ گرده و اکتحال آن را فع بیاض عین
حجر اللبنی			سنگی اغبر	ب ی ۱	مورث یرقان	عسل	ستاد نج	۱۰ شه	قاطع نزف الدم مفت دافع نزله رافع مواد و خشونت اجفان را مفید
حجر اللبوقو عراکس			سنگی ست	مجفف					قاطع سیلان مواد و اسهال و درد مثانه و نفث الدم مجفف جراحات
حجر المثانه			سنگی ست	ح ح					آشامیدن آن مفت سنگ مثانه و اکتحال آن رافع بیاض چشم
حجر المحک		کسوٹے	سنگی سیاه	ب ی ۲				پاک دانگ	عسر النفس و درد گرده را نافع و رافع بیاض چشم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مهم	ب	ق	افعال و خواص
حجر المس	فسان		سنگی ست	ح ی	گرده	کتیرا			سلاق و بیاض چشم و حکه و جرب را نافع و مانع دراز گی پستان کحلاً
حجر المشقق			سنگی ست						تلطور آن با شیر دختران و تمروح عمیقه چشم و التیام طبقه قرنیه و برآمدگی حدقه را نافع
حجر المغناطیس	سنگ آهن ربا	چمک متحر	سنگ ناجوره	ح ای ۲				تا ۱ قیراط	فالج و ادجاع مفاصل و عرق النسا و نقرس و تقویت جگر و سپرز و عسر ولادت را مفید
حجر المنفی			سنگریزه ها						طلای سائیده آن موجب بیحسی عضو بحدیکه اگر قطع کنند درد می معلوم نشود
حجر النار	سنگ چخماق		معروف	ب ای ۳					ذرور سائیده آن خنازیر و التیام افواه آن و تمروح عسر الاندمال را نافع
حجر النمر			سنگی ابلق						طلای آن للتیام جراحات را مفید و تعلیق آن مانع آبستن
حجر الهندی			سنگی ست						ذرور آن قاطع خون بواسیر و جراحات و آشامیدن آن یکدانگ قاطع سم عقرب
حجر الیهود	سنگ یهودان		سنگی ست	ح ای ۲	جگر	صمغ			مدر مفت حصاة و مانع تولید آن مذیب خون سنجد در مثانه و باخون خناق غنبت شعر
					باب الحاء مع الدال المهملة				
حداة	علیواز	چیل	معروف	ح ی ۲	گوشت آن مورث جنون				خاکستر سوخته آن بصبر سرمه آن با مواد لگد تقرص و نمذ بلغمی سلعه اسعد یل اگر چشم آن بر بالین کسی گذارند مانع خواب شود اگر بالا
حدیه	آهن	لوه	معروف	ح ۲ ی ۳	محرق دین بر اطفال مولد سنگ	شیر تازه			آب آهن تافته مسقی بیاده و قابض و برادوه آن بستن خایسیدگی دندان خواب را نافع آید
حاقی	بادنجان دشتی	بعضا شبیه بورنگی	معروف	ح ۲ ی ۳	مورث کرب	سکنجبین			بالی قایم تمام صفرا و آشامیدن زیرگل آن بسر فرمن را نافع نوع کوچک آن برای گزیدن هوام نافع

۸۵

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الحاء مع الراء المهملة
حربث			گیاہی است	ح ی ۳	مصدع	کشنیز	بہ مجاست	۱۰ ماشہ	منفع رافع بوی بد دہن بسوئی ہضم و قولنج گرگو سفند آزاخورد شیر و گوشت او خوشبو گردد
حربا	آفتاب پرست	گرگٹ	معروف	ح ی ۳	گوشت آن سم قاتل	قی و مالیخولیا رد عین			چون مژگان کشد و خویش بمالند باز زہ ویرد اکتحال زہر آن عشاوۃ البصر را ببرد
حرذون		باھمنی	حیوانی است	ح ی ۳					تعلیق دل آن بر کہ بستہ تب ربع را نافع و پوست محرق آن با عسل مخدر اعضا و سرگین آن نافع بیاض عین
حرشف	کنگو		نباتی است	ح ۲ ی ۱	دماغ و مولد سودا	ادویہ حار رد و قی بسرکہ	ملیون	از نصف او ۳ ماشہ	مسہل مرار بطبع مسخن گردہ و مشانہ محرک جلاج محلل ہاضم ضماد آن با ثعلب را نافع
حرف	تخم سپیدان	حالم	تزہ است	ح ی ۲	معدہ و مشانہ	کاسنی و سرکہ			ملطف کشندہ کرم معدہ وجع القرع محلل قاطع بلغم ضماد گونکول آن بانع ریختن موے
حرف ابیض	اسفندان سفید	سرسون	معروف	ح ی ۲					منشف رطوبات و آروغ آرندہ مفتح ملطف مقطع مسہل بلغم و مرہ صفرا
حرف البلی			گیاہی است	ح ر				۳ ماشہ	مقی قوی و مسہل خون حیض مفسد جنین و مخرج آن و امراض بارده و عرق النسا را نافع
حرف السقر			گیاہی است					بکدانگ	منفجر و بیلات اندرونی و مدر طمث و مفسد جنین و قوہ و عرق النسا و اخراج بلغم را نافع
حرف الماء			نباتی است	تازہ آن ح ی ۲					مسخن مدر و علتہای بارده باطنی و ضماد آن مفرح و شبوہ و کلف را نافع شب الندیج شوند
حرف الشوک			نباتی است						در صدت قایم مقام فلفل مطبوخ گیاہ آن با گیاہ جرباری نزلات بارده و تحلیل بیاض نافع
حرعل	اسپند سوختہ	اسپند	نوعی از سداب	ح ۳ ی ۲	محرورین	کنجد بیرون پوست	قرد مانہ	۲ ماشہ	ملطف جلای سینہ و شش از رطوبات تحلل مبہی سمن مدر مسہل سودا و بلغم وجع القرع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خرفه			نباتی است	ح					اگر بنبه را باشیر آن تر کرده گذارند تا بدو شود و انسان بساید چرب و آفتاب استاده جرب را نافع و داء الثعلب را شفا
باب الخاء مع الزاء المعجمة									
خزاء	دنبار روبه	گیندو	جنانی معروف	ح ی ۲	مصدع و قاطع سنه	کاسنی و سویق و آب سرد			مسخن قابض محلل منضج هاضم مدر کاسر ریاح دافع حشای ماض و برای سم عقرب و سائر هوام بارد نافع
خرادیر			از جمله سداب بری	ح ی ۳	سر و مجفف سنه	باد رنجبویه	سداب	تا دو باشه	مقوی هاضمه دافع ریاح و ادویه قتاله بارده و مدر و مجفف سنی
خرزا الصخر	گل سنگ		چیزی که بر سنگ سنگ پیدا شود	ب ی					جالی و مقوی و خراز و قطع نزف الدم و تسکین حرارت اعضا و یرقان را با عسل ضماد نافع
خرنبل			نوعی از بهمن سفید	ح ۳ ی ۲	ریه	انیسون		تا دو باشه	مفتح محلل ملطف سنی مقوی احشا آشا سیدنش برای سموم مطلقا و تقویت بارسبار نافع
باب الخاء مع السين المهملة									
خسک	خارخسک	گوکهرو	معروف	ح ی ۱	سر	روغن بادام و روغن بنفشه	تخم عصی الراعی	یک تولچه تا پنج باشه	جالی مدر کبد و شانه مزید منی مفتت منضج مرادع و حصر البول و قولنج و قلاع را نافع و مغطی و مقوی
خسل			گیاهی است	ح ی ۲				یک تولچه تا پنج باشه	بخته آن مقوی معده و هاضم و مصلح طعام فاسد و معطر دهن و آروغ و با شراب برای گزیدن ریتیلا نافع
باب الخاء مع الشين المعجمة									
خشیشة الدراهم			گیاهی است	ح ی ۲					محلل ملطف هضم او آن سفوف و قروح شهدیه و واخس را نافع
خشیشة الرماح	گیاه آبگینه		گیاهی است	ب ی ۲	سر	نبات و خشخاش	اسفیدالحل	تا دو باشه	محلل رافع فتح جالی قاطع ضرر یرقان چرکین و مالیدن برگ آن تجربا و غرغره آن ورم لوزتین را نافع

ح	ف	ة	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال و خواص
حشیشة التعلق			نباتی است						زلوی در حلق پیچیده را بالخاصیت اخراج نماید
حشیشة السعدان			نباتی است						جالی و مورث صحت و طراوت جلد و داخل ضمادات ملوکی میکنند
باب الحاء مع الصاد المهملة									
حصاة	سنگریزه	کنکرش	معروف	ب ی					رافع مخصوص در حصاة یکه آن مانند غبار تفتت الدم جراحات و ضرر آنرا نافع
حضرم	غوره	کچی انگور	انگور خام	ب ی ۲	سداب سرد با	عصارهٔ انیسون	حاصل الترنج	۱۲ اوقیه	مطفی حرارت خون مصفی اقاطع صفرا و ملطف متقوی جگر و بدن و ملین آشنگی حابس نزلهٔ بطن
حسی لبان الحاد	حسن لبه	لبان	صمغی معروف	ح ۲ ی ۱	مصدع محرورین	روغن بنفشه و خشخاش	لاون و بیضه	۱۰ ماشه	متقوی دل مورث سرور شراب یخور را رافع قلوع مضمضا قطور آن رافع درد گوش حابس نزلهٔ طلاء
باب الحاء مع الضاد المعجمة									
حضض	بلل	رسوت	عصارهٔ نباتی	ح ح ب ۵	پسرز	افسنتین و حماما	حضض هندی	۱۳ ماشه	قابض ملوع محلل مبرد قاطع سیلان رطوبات مزحیض الکتان آن منعه و رمد و ضعف بصر را نافع
حضض هندی		رسوت	عصارهٔ دار الهلد	ب ی					امراض حشیم و تحلیل اورام عصاره و شجور و تسکین حدت خون و صفرا را نافع و حابس خون بواسیر
باب الحاء مع اللام									
حلاب			گیاهی است	ب ی ۳					ضماد آب آن با روغن گندم تحکم عضو کسور و کوفتگی و بدبر نفخ و ریاح نافع برای خارش مقعدت اطفال
حلب	شلغیر	میتهی	معروف	ح ح ا ۲	انتیان	سکنجبین عاصفر	بزرکتان	۷ ماشه	برگ آن منضج ملین حسل ریوی و حبیض و تخم آن محلل سپهی متقوی ریه و طلای آن مصفی رنگ خسار

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
حلیب			نباتی است	ح ی ۲	سبز	کثیرالاوکاسے		تا ۱۰ ماشه	آشامیدن آن نفرس و درد مفاصل را نافع و تقویت بدن و اخراج بلغم خام و دیدان را نافع
حلبوب			گیاهی است	ح ی ۲					محلل طین بمثقال آب مطبوخ آن مسهل رطوبات مائیه حمول بر کبد و آن بعد طبخ و خوردن نیم صلابت آن بعبث حاد تر
حلیت	انگزدو انگوزه	هینگ	معروف	ح ی ۲	دماغ و جگر	انارسیتی وانیسون	جاوشیر	از یک عدسه تا ۲ ماشه	فالیج و رعشه صرع و خدر و ام الصبیان را نافع شربا عرق و آن بسر که مخرج زلو و حلق را بچیده
حلزون	سفید حور	کورے سنکھ	معروف	جلد حجر ب ی ۲					چکانیدن آب گوشه گاه ظهور جدری در چشم مانع بروز آن و یا محلل آن بعد بروز
حلفا			نوعی از برد	ح ی ۱					خوردن دو درم آن با عسل و سرکه کشنده دیدان سمدو و اسعاط مفتح و دواغ و شاخ آتش افروخته آن نیز سانپ را نافع
حلق			عصاره نباتی	ب ی				یک تا ۱۰ ماشه	آشامیدن ۵ درم محلول آن در ۲۰ درهم آب برای قرع مرطب صفرا و تسکین حرارت معده نافع
				باب الحاء مع المیم					
حماحم		کلغه	نباتی است	ب ی ۱	مشانه	کمندر	بستان افروز	تا ۲ ماشه	محلل ادرار ضماد برگ آن سوختگی آتش را نافع مسکن حرارت معده و تخم آن مقوی دل
حمار بلی	خرد الباغ	گدها	معروف	ح ۲ ی ۳					بخور سم آن مسهل و لادت و طلای سرگین آن با سرکه بر پیشانی برای منع رعاف مجرب
حمار الوحش	گورخر		معروف	ح ی ۳					تعلیق پوست پیشانی آن بر سر و بازو رافع صرع و خصیه تصیب آن بغایت مقوی باه
حماض	ترشه	چوکا	نباتی است	ب ای ۲	باه	مفرحات	حماض تخم	۵ تولہ	منضج حمارة آن مسکن حرقان و خوردن آن رافع خمار و قی و غثیان صفراوی
حمام	کبوتر	کبوتر	معروف	ح ۲ ی ۱	محرورین	باسم مرد و کشنیز			گوشت آن فالج و لقوه و رعشه و خدر و استسقا و قسمین بدن و باه و تولید خون را مجرب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
حماما			نباتی است	ح ی ۳	سعده	تخم کرفس	قرنفل بافرنج وزیره	۷ ماشه	بمنفتح محلل سکر سموم سرور مسقی معده مقوی جگر مفرس وگزیده بعقرب را نافع
رحمص	نخود	چنا و بوت	معروف	تا ۲ ثانی آخر شنگ و ح راح ی ۲	قرحه شانه	خشخاش	لوبیا و باقلا		مبهی مسقی منفتح جالی جرب ملین طبیع مقوی حرارت غریزی سوداخون صالح کثیر الغذا مسمن بدر
					باب الحاء مع النون				
رحنا	حنا	منهدی	معروف	ب ی ۲	علق دریه	کتیرا و لعاب بزر قطونا	آمس	تا ۱۰ ماشه	مدر و قلاع وصداع و شقیقه و قروح را مفید و ملتئم قروح و تقوی آن با مثقال شکر رافع جذام
حناء الغوله	هرجویه	رتن جوت	گیاهی است	ح ی ۲	مصدع	روغن بنفشه و کدو		۷ ماشه	قابض اسهال محلل اخلاط مرای مدر حیض مجفف معده مفتت یرقان و تب کهنه را مفید
رحنذقوسی	اذروه قوقو	گوه پرنده بسکه پژه	نباتی است	ح ۲ ی ۱	مورث درد گلو	کاهو و کاسنی	رطبه	تا ۱۰ ماشه	ملین مشهی و استسقا و یرقان و قولنج و مغص و رفع سموم قتاله و اصلاح اخلاط ثخنه را مفید
رحنطه	گندم	گیهون	معروف	ح ا ر ۲	مسدد	سرکه کهنه			کثیر الغذا کسن ان و ضماد گندم سوخته با موم و روغن مجلی رخسار خلل دافع گزیدگی سگ و روگرا
رحنظل	خربزه تلخ	اندرائن	تمر گیاهی است	ح ۲ ی ۲	محرورین	صمغ عربی و کتیرا	حب الخروج	از شحم آن تا ۲ ماشه	محلل مقطع مسهل قسام ملتئم و صداع و فالج و لقوه و صرع و نسیان و مالیخولیا و جذام را نافع
					باب الحاء مع الواو				
رحواصل		لگن بطیر	از جلد طیور آبی	ح ا ر ۲	دیر هضم	مهرا یا مخلبین یا دار چینی			گوشت آن در اهضم و غلیظ پوستین آن موافق محرورین جعفر ادی ما تراج را مضر
رحور	نوز		درختی است	ح ۳ ی ۱		مرزنجوش		۲ ماشه	آشامیدن صمغ آن با سرکه خفقان و صرع و تقطیر البول و عرق النساء و قطع حمل را نافع
					باب الحاء مع الیاء				

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
حیّة	مار	سانب	معروف	ح ی ۳					تعلیق سلخ الحیای پوست آن که بسال می اندازد بر ورک زن میبندد ولادت دیجوزان مسقط جنین
حیس	چنگال		غذای ست		دیر هضم و مسدد	سرکه و عسل			کثیر الغذا و مسمن و غلیظ دیر هضم
حی العالم	همیشه بهار	سدا بهار	از جمله ریاحین ست	ب ۲ ی ۱	سبز	با بونه و طین ارمنی	عصارهٔ گاهو	از آب کیتوله ۱ پاشه	رادع منفع مقوی معده مسهل صفرا قاتل دیدان نافع نزف الدم و سجع و مفتح
									مقالهٔ هشتم در ادویه که اول آن خای معجمه است
									باب الخاء مع الالف
خاسوق			نباتی ست	ح ی ۲	سینه	کتیرا		یک قیراط	حاد جالی رافع آثار قرحه چشم و ظلمت بصر و نزول آب مخ روی آن بامان مسقط دانه بجوا سیر
خافق القلب	خال رنگی	کنکی	گیاهی ست	ب ی ۳					کشندهٔ گرگ بالخاصیه اگر کوفته بگوشت خام افشرده بخورد او دهند
خافق الکلب	فلوس ماهی	بکهاری بکلا	معروف	ح ی ۴	بمثقال کشنده	قی و شکر و عطریات		تا ۲ دانگ	کشنده سگ و سایر حیوانات و محلل اورام بارده نافع فالج و امراض عصب و درد کمر و وجع مفاصل و قولنج و جرب
خافق النمر			مادر بیون سیاه	ب ی ۴	نیمدرم کشنده	یک قیطون			از سموم قتاله سباع رادع مسکن درد چشم مسقط دانه بجوا سیر و نیمدرم آن کشنده
									باب الخاء مع الباء الموحدة
خبازی	نان کلاغ		نباتی ست	ب ر ۱	تر جوشانده	ترشی در رطبه	خطمی	۲ پاشه	طین طبیع منفع رادع مفتح مدر مزیه شیر رافع گزیدگی عقرب و بار و غن گل برای سوختگی آتش
خبز	نان	روتی	معروف		با عدد جوشانده سفوف و دوا	مجفف	با ب نشسته		گرم آن سخن مجفف دافع گندی دهان و مسمن بدن و خشک آن دیر هضم و مجفف بسیطش

۱۵

ع	ف	ۂ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
خبز الشعیر			نانی ست		مورث بلغم	شیر را غلیظ کند			سریع الانحدار طین مطبوع مولد خون سودا وی مضعف بدن مورث بواسیر وجرب
خبز السمید	نان میده		نانی ست		مورث صداع	افیون			کثیر الغذا سریع الانحدار مورث سدهٔ جگر وسنگ گرده
خبز الرقاق			نانی ست						قابض سریع الانحدار موافق اسهال بواسیر وبادین را نان ساجی هم گویند
خبز الطابون			نانی ست						کثیر الغذا مولد خون صالح دیر هضم مضر محرورین را
خبث الحدید	خبث آهن	لوسه وگیت	جرب کهنه وقوبا را نافع است بر آن	شش	ح ۲ ی ۳	کثیر او عسل	اطراف کهنه	۴ باشه	مجفف مقوی معده وقابض باغ مانع نزف الدم ومانع حاملهٔ شدن منقی جرکی گوش
خبث الاسب			فعل سلا		حی				قوی از خبث الحدید ونائب مناب اقلیمیا رافع بوسے بغل وکنج ران طلاءً با آب
خبث الرصاص	ریم سلعه		فعل قلعی		ب ی	اسفیدا ج رصاص			مغسول آن ملتئم جراحات چشم ومقوی باصر ومانع ریزش مواد بچشم ومانند رصاص محرق
خبث الفضه			فعل نقره		ب ی				قروح چشم ومضغه وجرب بواسیر وقوا سیر والتیام جراحات بدن را نافع
خبث الحدید			ریم آهن		ح ی ۲	کثیر او صبح عرسته	رو سنجد	درا کهال لقه باشه	ملطف جالی درد وبیه چشم مزخمها نافع خوردن آن سم قاتل
خبه	خاکستی	خوب کلان	نخمی بزرد تیره رنگ		ح ۲ ر ۱	مسهل	کثیر	قوری ۴ باشه	سبخ مشی مقوی باضم مصفی رنگ رخسار محلل سوداء نضاع نافع جدری وحصبه وشری وسمن باشیر
خبیث الریش	خاگینه		معروف						کثیر الغذا دیر هضم مولد خون غلیظ وبادار جهتی او خوکنجد وادویه باهم مقوی باه
ا									باب الخاء مع الثاء المثلثة

حروف	ا	ر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
خشو	سخ	نام درخت						چون بالای جائیکہ استخوان پیشانی آنجا تمام مسمو جگذارند عرق کند مجوز استخوان آن منفعتی عرق و سنگلان آن بخ ایسرا نافع
					باب الخاء مع الراء المهملة			
خرالملین	زغاز	کیفیجہ او چیزہ	کری سخ طویل	روغن بادام		زلو	برای یرقان ۱۰ باشہ	مدر و باب گوشت بسیار بہی جوشانیدہ آن روغن کہ بجہت اخراق و سرفہ کہنہ و بزرگ گذارند شب
خرامقان		گیاہی است	ح ی ۱					محلل خفیف و در ہمہ افعال مثل سنبل الطیب و از ان ضعیف تر
خربق ابیض	سنبل	سخ گیاہی است	ح ی ۲	مصطگی	جوزالقی	۲ باشہ		مسہل بلغم صعب مفتح منقی معدہ و فالج و سرسام و صرع بلغمی و لیشر غش و امراض بارد و دماغیہ را نافع
خربق اسود	کنکی	سخ گیاہی سیاہ	ح ی ۳	گردہ محرور	کثیرا و صبتر	خربق سفید	۱ باشہ	مسہل مرہ سوداء بلغم و صفراء از سفیدی قاتل طبور مخصوصہ آن بارکہ سنہ مسکن صدد ندان ۵
خردل	رائی	معرب	ح ی ۴	محرر بلغم	کاسنی و کاسنی	اصل الاستاد و تخم سکنجبین	۱۰ باشہ	جالی جاذب اضلاط از عمق اعماق منفتح مدر فضلہ فالج و لیشر غش و تریکہ حواس و امراض بارد دماغی را نافع
خرفطان	بندا	گیاہی	ب ی					منفی دماغ منقی معدہ مفتح محلل قاطع نزف الدم را فع سعج و تقویت مساق آن از درخت جبل بر کمر را فع بواسیر
	خرفوم	گیاہی است	ذابل بزرگی					جالی منقی دماغ منوم مزیل قشر بان مفرح حفظ آن در آستین باعث محبوبی در غن آن صدع سر را نافع
خروب شامی		درخت عظیم	اب ی ۲	معدہ و مجفف	نبات و بہ انہ	مقوی	یکتولہ ۱ باشہ	مدر مقوی معدہ مسمن ملین خلط جید نفاخ مشہی و اوجاع سینہ و سرفہ مزمن و ثالیل را نافع
خروب بری		ثمر آن درخت	ب ی ۲					مقوی معدہ قاطع نزف الدم حابس اسہال و یرقان و منفض و بواسیر و دردندان را نافع
خروع	بیدانجیر	ازدرخت بید	معرب کرب و عشیان	مسہل	کثیرا مصطگی و صناع	خشخاش و بند	از عدد تا باعد د	محلل ملین عصب سہل قوی خلط بارد منقی عروق مقوی اعضاء صداع و فالج و لقوہ و عشہ را نافع

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
خرمه وحشی		گوش	نوعی از موش						بخوردن خشک آن دافع بواسیر و آشنیا بطبیخ آن نیز و در افعال از موش تموے
									باب الخاء مع الزاء المعجمة
خزامی	گل خیری		گیاهی است	ح ی ۲	مصدع محرور	مورد	بابونه و بیاز	تا یک مشت از گل	گل آن ملطف سخن مفتح رافع صداع مقوی دماغ و جگر و پسرز منقی رحم مضیق شرع سندیل
خُرّ			نباتی معروف	ح ی ۲					پوشیدن آن برای حفظ حرارت دفع ضرر سردی از پشت و گرده و فالج و نقرس مضعف بادرا نافع
خزف	سفال	ٹھیکری	معروف	بسیار خشک	باصطاب داغ	ارد و غن بنفشه و نیلوفر	قیشور		نسحاو آن تسرو و اسلاح جذر و التیام جراحات و باسوم ارد و غن بر آورم مزمن و خنازیر نافع
									باب الخاء مع السين المهملة
خس	کاهو		معروف	ب ر ۲	باء	نسناع	خشخاش سفید	تا ۷ ماشه	مسقی خون دافع مضرت آبله و جرب و ابای مفتح مانع صعود بخار نافع صرع و تزلد و سرخه و مستسقا
	خس		ریشه گیاهی که خسخانه سازند	ح ی ۲					مفرح مقوی قلب و دماغ بارد
									باب الخاء مع الشين المعجمة
خشخاش احمر	کوکنار	پوست	معروف	ریسه رودین ب ۲ ی ۲	شکر عسل مصطکی		کاهو و بادام	تا ۷ ماشه	مخدر ادوع مسعد اسهال سوی و صفراوی و التهاب معده و حرقت ثانه و درد سر و سعال گرم و تر را نافع
خشخاش سیاه			خشخاش سیاه	ب ۲ ی ۲	دماغ	رازیانه	کاهو بره	از تخم آن سه ماشه	در جمیع افعال از بستانی قوی و حرارت جگر و سیلان رحم و عرق النسا را نافع
خشخاش بری			گیاهی سفید	نهایت گرم	قاتل	معالجان معاصر جبلا بتند		تا یک درم	منقی مسهل بلغم منقی دماغ دافع بلغم و مرح تخم آن زیاده از یک درم قاتل

ع	ف	ه	م	ط	مز	مص	ب	ق	افعال وخواص
خصاص تمرقان			گیاهی سفید	ح ی ۲					جالی مقطع اخلاط منقی جراحات وخشکریشه وکمتعال تخم آن مسهل قوی وحرق العنسار انافع
خشاب			آب [illegible]	از اول اصل الطعم	مولد ریاح	امیسون مصطلی			از آو با لو مسکن عطش ودرد سپرز وازبه مقوی اعضای رئیسه دافع ریاح وازمسیب رافع خفقان
خشکنجبین			[illegible]	ح ی ۲			عسل	تا ۳ ماشه	مجلی مقطع محلل سرخ آن قوی از سفید وسبز آن بسیار گرم وسیاه آن غریب بغسل بلادر فلا یستعمل
خشک نانج	خشک نانه		نانج [illegible]	ح ۲	دیر هضم	سکنجبین			مولد خون جید ومغذی ومسمن ومقوی باه مولد ریاح غلیظ
			باب الخاء مع الصاد المهملة						
خصیة الثعلب			[illegible]	ح ر ۲	[illegible]	شکر	نخم بادرنگ	تا ۲ ماشه	مبهی مقوی عصب ومخالیج ولثه وتقویت موء منع سقوط آنرا نافع ومسقط
خصی الدیک			نبات	ح ی ۲	مرکب	بنفشه	زیره	تا ۲ ماشه	مسهل بلغم لزج محلل عرق النساء ومفاصل را نافع ومصدع ست
	خصیه مرغ		معروف	دیر هضم					مبهی مولد منی وخون صالح
خصیة الکلب			نباتی	ح ی	مسخن یرقه	صمغ وخشخاش			محلل مسخن پیه جزر گران محرک جماع ولوجک آن قاطع آن از اکل قسم بزرگش بپرزاید وازکوچکش دختر
خصی التجاصیل			خصیه گوساله						اگر خشک کرده با شراب آشامند نفوذ بسیار آرد ومقوی باه بود
خصی الایل	خایه بزکوهی		خایه بزکوهی						اگر خشک کرده با شراب آشامند دافع گزیدگی افعی بود
			باب الخاء مع الطاء المهملة						

نظر

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و اغراض
خلاف	برسپوکه	سیمابی	ملایر معروف	ح ی ۳					کباب آن مفتح دافع یرقان و امراض سپرز و خناق و قوت باصره و دماغ و تکفر و را نافع
خطمی	خیرو	گیاهی معروف	گیاهی معروف	ب ر	معده	عصاره زرشک	خبازی	۱۴ تا ۱۸ ماشه	محلل منضج دافع طین مفت سرفه حار و بهق زجیر و قولنج و بواسیر را نافع
						باب الخاء مع الفاء			
خفاش	شب پره	چمگادر	معروف	ح ۳ ی ۲		خفاش			مسهل ضمادش مستسقا و مدرک دفالج و رعشه و تقرس و عرق النساء را نافع طلاء خونش بهر لسان نافع و مداد
						باب الخاء مع اللام			
خل	سرکه	سرکه	معروف	ب ای ۳	سودا و بن	شیر بنیها	اب لیمو	۲ تولچه ۷ ماشه	قابض مجفف سریع النفوذ ملطف قاطع اخلاط غلیظ و برای صداع و تقویت دماغ و ثقل کرم گوش نافع
خلاف	بید ساده		درختی است	ب ۱۱ ای ۲ ب ۲ ر ۲ گرم ۲	تخم گیاه	شکر و گلاب	ریباس	از آب ۵ تولچه ۵	ملطف مقوی دماغ مفتح رافع صداع و رعد و خفقان و تشنگی و تب محرقه
خلاف بلخی	بید مشک		درختی است	ب ر			نیلوفر		ملطف مفتح مقوی دماغ و دل و مسکن صداع طین طبیخ مبهی محرورین و محلل
خلد	موش کور	چچهندر	معروف	بغایت گرم	از سموم قتاله				خون بوضع و نباله آن رافع بیاض عین و برص بهق و کلف و خنازیر و دندان آن مفرق اجتماعات
خلر		صلتر کابلی	دانه ایست	ب ۳ ای ۲	دوا در اعصاب و	شراب عسل		۲ تولچه ۱۱ ماشه	طین محلل عرسمن گاو آشامیدن طبیخ آن با عسل سرفه و درد سینه و تصفیه ریه را نافع
خلنج			درختی	ح ی ۲					شکوفه و برگ آن گزیدن را نافع ضماد او روغن آن رافع اعیاء و تخم آن حافظ دل از سموم
						باب الخاء مع المیم			

ع	ف	ه	هـ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
خس کبیر			درختی است						محلل مجفف ملتئم جراحات مفاد او در بوسنا به شراب ست
خمان صغیر			درختی است	ب ی ۲	ریه	عسل		تا ۷ ماشه	راوع سهل مجفف اشقال او سایه مبلغ آن برای جبر کسر دوقی و سنطه نافع
خماهان			حجری سیاه	ب ک ۲	مسدد	عسل		تا یکدانگ	انگشتری آن مقوی دل دافع وحشت تاریکی گمان و مخل صفرا دی ودرد چشم را نافع
خمر	شراب انگور	دا کهه	معروف	خ ۳ ی ۲	حواس	فواکه ترش	نبیذ	۲۰ تولچه	مفتح مقوی اعضا طین مفتح جالی هاضم ملطف مبهی شهی دافع هموم باعث سرور
						باب الخاء مع النون			
خشتی			گیاهی است	ح ی ۲	گرده	مصطگی	شقاقل	تا ۷ ماشه	مسخن ملطف مجفف محلل جابر کسور مفتت مدرور پهلو و سرغه را نافع ثمر آن طین
خندروس	ذرة مکه	جوار	نباتی است	مع ب			ذره		محلل ملغم و خون منجمد قابض تقبل از جمله اغذیه کثیر الغذا بنسبت برنج و تقذیه بدان رافع سل
خندقیون			شرابی است	ح ی ۲					سوده خون صالح مقوی هاضم مفتح محمر لون مدمن بدان مسمن بدن قاطع حمی ربع
خندریس			نوعی از کاسنی	مجفف	مورث سج	نشاسته		یکدانگ	قاطع اسهال و بواسیر و بهق وصفع آن مفتح مفتت محلل مزیل سبل و طلای آن مزیل شعر منقلب
خنزیر	خوک کراز	سوره براه	حیوانی معروف	ح ۲ ر ۳	مورث الفیل	خمر			مفتح مسمن مولد خلط غلیظ مورث حرص شدید و صداع مزمن و داء الفیل و فساد عقل و سعده و زوال مروت
خنف	جبل وحوک	کهروله	دابه است	ح ی ۲					جالی غشاوه ملطف بصر رافع قروح ساق خصاه اسکن وجع گوش محلل خنازیر و جوانب آن مبرد ورم مفتح فی الحاله بدن بسیار جهت رطوبات
						باب الخاء مع الواو			

ع	ف	ه	م	ط	مض	معن	ب	ق	افعال و خواص
خوخ	شفتالو	آرکو	ثمری معروف	ب ر ۲	مرطوبین	عسل و نبات تجلیل	مشمش	یک کف	ملین ساکن بخارات حاره و تشنگی و غلیان صفرا و دم مبرد و مانع رافع بوی دهن مسهی محرورین
خولنجان		کلچن	بیخی سرخ	ح ای ۲ در آخران	دل و مصدع محرورین	صندل و طباشیر	دانه چینی	۴ ماشه	مقوی معده و احشا کاسر ریاح ماسک بول مصفی صوت دافع بوی دهن و معطر آن و منشط
									باب الخاء مع الیاء المثناة التحتانیة
خیارشنبر	خیار چنبر	الماس	معروف	ج را	سعده و مغشی	مصطگی و انیسون و زوفا	تربد سبزه و تخم خربزه	۷ تولہ	ملین سینه ساکن حدت خون محلل سهل صفرا با تمر هندی و بابزید مسهل بلغم و بلغمی سهل سودا
خیری	گل شبو		گلی ست	ح ای ۲				یکتولہ ۲ ماشه	محلل ملطف جالی مدر ساکن قحاق مخرج جنین و مشیمه دافع یرقان علی الخصوص و مفتح آن
خیزران	خرزان	بیت	نباتی ست	ح ای ۲		غافث	تخم نیلوفر	۷ ماشه	آشامیدن سائیده آن قاطع نزف الدم و رادع و محلل اگر در جامه گذارند از عضه حیوان ضرر نرسانند
									مقاله هشتم در حرف اول آنها دال مهمله است
									باب الدال مع الالف
دادی	جوجادو		دانه ایست	ح ای ۲	شانه	انیسون	بادام ۵۱	۷ ماشه	قابض مسکر ملین مفتح محلل و برای وجع رحم و مقعد و استرخای آن و دافع سموم
دارچینی	دارچینی		پوست درختی	ح ای ۲ و آخران ۲	مصدع و محرورین	اسارون و کبابه	اهل کبابه ۴۰	یکتوله ۵ ماشه	ملطف مفتح مفرح تریاق سموم حیوانی و نباتی و معدنی مجلی ابصار مخلا بخفت مدر مسهی رافع بوی دهن
	دارشیشعان	کاکی پهل	بوستی معروف	ح ای ۲	سپرز و جگر	ذوقی و مصطگی	اسارون برابر آن ۱۲	۷ ماشه	محلل قابض مانع نزلات دافع ورم سر بارد و معده اس سودا و بلغم مجفف مفتح مخرج جنین
دارفلفل	فلفل دراز	پیپل	معروف	ح ای ۲ آخران ۲	سپرز جعده	صمغ عربی	تخم خیارین و خربزه	۴ ماشه	محلل مفتح و ملطم طعام مقوی معده رافع قی معطر دهن و اگر محرک باشد مزید سنبه مدر

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دارهلد	کشنیز خوبه	آنبه هلدی	چوبی زرد	ح ی					محلل رافع زرد ها مضم امراض سرد گوش و دهن را نافع مفتت بدل و برای تب بلغمی مفید
دانج انبروج	دلنگ افرونک		تخم امرود جنگلی	ح ا ۵	مفرسعده	شیر بزی			مبهی مسمن مدر و موافق سینه و حنجره و اعصاب متشنجه و غذائیست بران غالب
	دانگ		تخم بست ۵	ح ر					برای علل بلغمی سرد بسیار نافع فربه آن بعین برحل و مخرج جنین و مسمن بانان گندم خوردن
باب الدال مع الباء الموحدة									
دبیت	خرسس ۵	بهال دریچه	حبه سیاه معروف	ح ر					زهره آن مفتح و مفرح و در دجگر و استسقای لحمی و نزلی و قولنج و داء الخزاز بسیار مفید
دبس	دوشاب		دوشاب گیور	ح ۲ ر ۱ ۵	مسمع	تخم ریحان و خشخاش	۷۰ تولہ		مسمن موافق صالح مفتح و باسداب برای صرع و با افیون برای جنون و بازعفران برای رفع هم مفید
دبق	مویز ک سفید		دانه سفید	ح ۲ ی ۱ ۵	دل	بادرنجبویه	۴ ماشه	۱۲ اپهل نصف آن	ملطف محلل ملین منقی سودا و بلغم مفتح مخرق النفساء و خوانیر و امراض باردہ را نافع
دبة الرمل			گیاهی ہندی	ح ۲ ی ۱ ۵	محرور من	بقول باردہ	۱۰ ماشه		قابض منعش محرق لقوه و فالج و امراض باردہ را نافع و با شیر محرک باه
باب الدال مع الجيم									
دجج	کبک دری		مرغ نر بزرگ از طاؤس	مع ح ۵					بخور آن رافع طاعون و باد نگاهداشتن پر آن با خود باعث یمن و برکت
دجاج	مرغ خانگی مرغابیان	مرغی کوهی ۵	معروف	ح مع ر ۱	مواد متآن با عفص و قشر انار بدهند	ادویه حاره ادویه یونان پاک	دراج		گوشت او سودا خون صالح مزید عقل و منی محلل ملین مخرج سودا مصفی زنگ صوت مسمن بقوی دماغ و قلب
باب الدال مع الخاء									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دخان القوارير			دوده شیشه که وقت گداختن بر سقف کوره آن جمع گردد	ح ی					سعوی باصر جالی دبرای سبوغ ماشه وبرون گوشت زاید زخمها مضیه
دخان الکندر			دوده کندر						برای ورم وقرحه چشم ودریانیدن شره ورفع سوی زاید والتیام قروح اعضا نافع
دُخن	ارزن	کنگنی وچینا	نوعی از جاورس	ب ای ۲ ی در آخر اول ۱۳	مولد سده	شکر وعسل	بسرنج		قلیل الغذا مجفف حابس لطن مرطوبات بطی النزول واعشر آن با شیر وروغن صالح الغذا
									باب الدال مع الراء المهملة
دُرّاج	تماج وتیهو	تیتر	مرغی است	ع	محرور ودموی بمسین				گوشت آن مزید جوهر دماغ وفهم وحفظ ومادهٔ منی ومقوی معده مبرد المزاج
دَرْدَاب	دستنبویه	گرامین وبحری	قسمی از خیار کوچک ودور						بوئیدن آن مقوی دماغ مفتح خام وپخته آن مرطوبات اگرچند دور خورند مولد مولد کننده گوشت
	دردار		درخت پسته	ب ی ۱	مولد سودا	شکر	دخشیر کی	۱۴ ماشه	قابض رافع ظلمت بصر گرگان آن مقوی دندان ولثه وپخته آن لین وملتئم وباسکه رافع جرب وطب
دردِ بکارِ سر			گیاهی بر روی زمین بلوط کهنه مانند	ح ی ۲	یکدرم کشنده	معالج خرق السود کشنده		یکدانگ	قابض معفن گزاز وفالج وخنازیر وستردن موی را مجرب وطلای آن برص ومصفی اوساخ
دردِ پیچان			گیاهی است	ح ی ۳				یکدانگ	مجفف فروبرآن قاطع خون ملتئم وظفر آن مطلق وبروغن بیتون قطور کردن رافع کری گوش وقالع دندان
دردی	لای		ته نشین عصارات	ح ی ۳			ارزنج سرخ		محلل رافع حمره وقروح وقلاع ومانع تزف الدم وضماد آن زیر تالم رافع سیلان حیض
دردی الخل			ته نشین سرکه						در جمیع افعال ضعیفتر از سرکه مگر در سبع اکله که قوی تر است
	دروج معتدلی		بیخی تمری شکل	ح ی ۳	سرد محرور در وقت طبیع	برازیانه	قرنفل وزرنباد	۵ ماشه	محلل ملغم وسودا مقوی حواس دل ومعده مفرح مسکن بلطف ریاح رافع ضرر گزیدگی عقرب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
کسکس دریاس			گیاهی است	ح ق ۲	سینه و مصدع	کشنیز و کبرا			منحر مسکر محلل منضج رافع یرقان و ریاح وزردی رومی و محرر آن بالسمن
دریان			سیوه ایست	ح ر					مقوی مبهی بطی الهضم
					باب الدال مع الفاء				
دفلی	خرزهره	کثیر	نباتی است	ح ق ۲	شش	عسل	ابونه	۱ تا ۳ شه	محلل حرم صلب مجفف جالی مسکن اوجاع ظهر وزانو ورافع آثار جلبه واز خارج استعمال کنند
					باب الدال مع اللام				
دلب	چنار		درختی معروف	ب ر	غبار آن قضیبه ریه	شیر تازه	قشور ریشه		جالی مفصله طبیخ پوست تازه آن در سرکه دردندان را سفید وسوخته آن بغایت مجفف
دلبوث			پیازی شبیه بدو مفتق	ح ق ۲	حلق	در شیر بختن		۱ تا ۲ شه	جاذب جالی سمن مبهی فم رحم بزرگ فوقانی آن محرک باه وکوچک زیرین قاطع باه زنان محرر طلاء
دلخ	خارپشت	سینوه	حیوانی است						ذرور سوخته آن جراحات را نافع ودر سایر افعال مثل قنفذ
دلفین	خوک ماهی	سونس	حیوانی دریائی	ب ر					مقوی اعضا ومولد خلط غلیظ وتعلیق دهان آن را اطفال برای رفع فرع ایشان موثر
دلق	دله		حیوانی است کوچک از سنجاب	ح ر					گوشت آن مبهی جلوس بر یوسمین آن با سیر انافع وتعلیق چشم راست آن یکتان تب ربع را مفید
دلیک			تمرگل صحرائی	ب ی ۲	جرم آن مورث سعال	گلقند	تمرگل بسرکه	۱ تا ۲ درم	قابض رادع مقوی دل وجگر ومعده رافع اسهال صفراوی ودموی مضمضه بآن مقوی لثه
					باب الدال مع المیم				

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دم	خون	لهو	معروف	ح ر					مجموع آن جالی بیاض و محلل و برشته آن قاطع اسهال و دافع سموم
دم الاخوین	خون سیاوشان	ہیرا دوکھی	صمغی ہست	ب ی ۳	گردہ	کثیرا	شادنج	بہ بشہ	قاطع و حابس خون از اعضا بالخصوص طحال قروح و سحج و شقاق معده و صفف بصر و قرحه چشم را نافع
دمادم			نوعے از لوبیا ہندے	ح ی				یکدانگ	مقوی دماغ رطب اطفال قاطع سیلان لعاب از دہن
دماغ	مغز سر حیوان	بھیجا	معروف	ب ر	معده	قطاع سرکه ادویه حاره	مغز ساق		دیر ہضم مقوی دماغ و مولد منی رافع خشکی دماغ و سرسام و شقاق طلاء دلین خصوص دماغ گنجشک بسیار مجرب
دمنة الشجر	صمغ لبلاب		صمغ لبلاب						جالی برای سترون موی مجرب
دواء الخرزة			قصب جیلے	ح ی ۲					مقوی حرارت معده بصلح فساد آن مدبول آزاد غیر مطبوخ آن بلین بشرب محلل رافع آروغ معطر دہن
دوالثعلب	کرم سبز		کیڑا ہے سبز رنگ	ب ی					خوردن آن دافع سموم شرب بہ مثاد آن باد و غن گزیدن جانوران سمی را نافع
دوالحریر	کرم ابریشم		کرمی سرخ رنگ	ح ای ۲					سه درم از خشک آن رافع خفقان و ہمان قدر با مرق گندم سود چند روز خوردن سمن و بہی و صفی رنگ رخسا
دوالخبث الصنوبر	کرم درخت کاج		کرمی سبز	حار جاد	بکثقال نشنده	معالجه ذرایح			ضماد مع قوق آن منفجر دمل و ورام و مزیل و مجروح کنندهٔ اعضا بکثقال آن کشت معالجه آن معالجه ذرایح ست
دوالخل	کرم سرکه		کرمی زرد						سعوط آن دافع کرم دماغ بضماد آن راوع و محلل مقوی اعضا
دوالذئب	کرم سرگین		کرمی زرد	ح ر					تکرار ضماد و طبیخ آن بروغن بیتوں کہنہ ہر اینجہ برای قرحه کہ در عضو سیحے تمام سر و مقعد بکلی ستاند دوالثعلب مجرب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
دوسر			نباتی	ح ای ۲	انتیین	کثیرا	بموزن حب القنبل	تا دو درم	منفع محلل مجفف بلغم وبلغم آن مسهل مخرج کرم معده وضماد آن با گندم جهت غرب غیر منفجر
دوفس			نباتی	ح ی ۳				دو مثقال	مسکن سر فرد مضمض ومنخ مقبول وحیض مستحاضین وباشراب بری تشنج محلل اورام صلبه اوطبیخ آن منقی سینه
دوقو		لاذکا	تخم خربزه	ح ی ۳	باه محرور	کثیرا	دو درم بزن تخم زردک		سرفه کهنه وفضول سینه وتقویت معده وناخنه باه وازدیاد منی وتحلیل نفخ ریاح وتفتیح سدد نافع
باب الدال مع الهاء									
دهن بلسان	روغن بلسان			ح ی ۳			تا دو درم بزن روغن زیت	نیم مثقال	مقوی دماغ وباصره ورحم وامراض باردهٔ دماغیه وعصبانیه مانند فالج ولقوه وغیره وکری گوش وربو را نافع
		دهن الکرجن	روغنی ست	ح ی					محلل اورام
دهنج	دهنه قرنگ		سنگی سبز	ح ی ۴					جالی ملطف نیدرم آن قاری بهر دوم شربت سکنجبین مکوکن آن با سپیدآب رافع صرع ولقوه آن نیز با سرکه سعوط مسهل صفرا
دهن کاوی		کیوره کا تیل	معروف				روغن گل وروغن بان		مقوی حواس ومفرح وسرورآور ومانع عیار افع خفقان مسکن اعضا تا وتمریخا
دهن بزرکتان	روغن تخم کتان	تلسی کا تیل	معروف	ح ز	تدهین آن مضمضه بآبزراه	سکنجبین			حقنهٔ آن با روغن گل مفید وجع جراحت معاء وملاآن رافع وجع قولنج وغرغره با وسکن درد قروح
دهن اللوز الحلو	روغن بادام شیرین	بادام کا تیل	معروف	مع ح ب	ضعیفه احتیاجی	سکنجبین		۲ مثقال	مرطب دماغ موافق تشنج عیسی ومرخی سرسام ذوات الجنب ومسموم شربت با شکر رافع سرفه خشک
دهن اللوز المر	روغن بادام تلخ		معروف	ح ۲ مایل برطوبت				تا ۴ مثقال	مسهل اخلاط سوداویه رافع یرقان ودرد گرده وعسر البول وقولنج
دهن یاسمین		چنبیلی کا تیل	معروف	ح ر				یکتولهٔ تا شاشه	منفتح محلل مرخی عصب نافع تشنج ولقوه ولرزه اعضا مصلح صرع وباعث ارعاف محرور

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		وہماسا ووہاہہ	گیاہی است غیر خشکاہی	بای					دوار و جوشش بہان سر فرو خیق النفس و حیات و تصفیہ خون فاسد صفرا و تسکین عطش و جذام را نافع
									باب الدال مع الیاء المثناۃ التحتانیۃ
دلفر و جس			بہ جنبری است	ح ی					نخوع آن در حال قی قاطع انتہای خناق و قلاع را زدہ را گاو قروح عانہ و دبر را قوی موی غلیظ و خوردن آن مہلک
	دیگ برویگ			ح ی					زرور آن برای اکلہ در بہق ہر عضو و ناسور و قروح ساعیہ و طلای آن با عسل قاطع آثار و دابۃ البواسیر
دیناقوس			نوعی از خار	ح ی ۲	گردہ	صمغ عربی		تا ۳ درم	منفتح جمال محلل سپرز مفتح رافع لرز تب و یرقان آن مدر بول و محللی خناق و مخرج کرم معدہ و محذر
	دیوار		درختی بزرگ	ح ی ۲	ریہ	کتیرا صمغ عربی و روغن بادام		یکدرم	رادع محلل اورام بارد و مسکن و آشامیدن خشب آن فالج و لقوہ و سکتہ و صرع را نافع
									مقالہ نہم در بیان ادویہ کہ اول آنہا ذال معجمہ است
									باب الذال مع الالف
ذافنی للاسکندانی			گیاہی است	ح ی ۲				۲ مثقال	شرب جیشہ بقدر شش درم با طلا نوعی از شراب بد و مخرج شیشہ مدر افع نقطۃ البول عابس آن
ذافنی رومیانس			قسمی ماذریون	ح ی ۳	معطش	نشاستہ کتیرا		۳ قیراط	مفتح محلل مسہل بلغم و صفی و مدر حیض
									باب الذال مع الباء الموحدۃ
ذباب	مگس	مگسی	معروف	ح ر ا					محلل جاذب منبوع صفی مسہل ادات و سر بزرگ آنرا بریدہ باقی را با شیر با بم چند بار مالیدن مزیل آن
ذبل	بگرا	بگرا	پوست منقی است	بای	جگر	سیب		۲ درم	جالی قابض مسقط دانۃ البواسیر شربا و ادرام و سرطان و خنازیر را ضماد او با تفاح مقعد و خروج آنرا نافع

ذبل بگرا بگرا پوست منقی است بای جگر سیب ۲ درم

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الذال مع الراء المهملة
ذرنبح			جیولنے	ح ۳ ی ۲					مقرح متعفن از سموم قتالہ و فتح و سفت بدرد دار الثعلب بہ بہ قرحہ و تحلیل اورام را نافع
ذفرہ		جوار	حبی سفید	ب ی					قوی الغذا و مجفف حابس اسہال و ضماد آن بہ ورد مجفف قروح و غلیظ ترازوخن
									باب الذال مع النون
ذنب الجمل			بنبا تے	ب ی ۲	مولد سودا	مشکر و مغمی باد کم	ابخیار	یکدرم	قابض قاطع نزف الدم و نفث دم زمان و سرفہ مزمن و امراض سینہ و عسر نفس حار و استسقا را نافع
ذنب الروف			گیاہی ست	ح ۲ ی ۲					مسکن منفص محلل ریاح قاطع خون رافع بسیر دافع گزیدگی سگ ضماد آن را نافع ببیاض چشم
ذنب السبع			گیاہے	ح ۱ ی ۲	مصدع	عنب الثعلب		یکمثقال	رافع اورام ملتہم جراحات و مسکن و تبخیر مستحکم کنندہ استخوان شکستہ شربا و تعلیق آن مسکن درد اعضا
ذنب العقرب			ثمر گیاہے	ح ی ۲					دافع سم گزدم و دیگر سموم بارد و حیوانی و غیر آن
ذنب القط			گیاہے						دافع گزیدگی تنین بحری ضماد با سرکہ
									باب الذال مع الهاء
ذہب	زر و طلا	سونا و کنچن	معروف	ح ۲	شادی و آکان بول	مسل و مشک		نادو قیراط	ملطف مفرح مقوی قلب دماغ و حرارت عزیزی و فکر و وہم و بادو امراض سودا وی را نافع
									باب الذال مع الياء المثناة التحتانية

ذرنبح ۱۲ — دیار طوبت و مائل بحرارت — ای مسہل است ۱۲ — ذفرہ — جوار — دیالای کان بحر — ذنب الجمل — ذنب الروف — ذنب السبع — ذنب العقرب — ذنب القط — ذہب — زر و طلا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
دنب الثعلب	گرگ		معروف	ح ی ۳				از گیسوی یک ساله	بدن مراض کبد را نافع و با سکنجبین بهای برقان باب کرفس بهای سیر زرد زهر آن با عسل یرقان را نافع ست ربع کهنه
									مقاله دهم در بیان ادویه که اول آنها رامی حمله است
									باب الراء مع الالف
راتیانج			صمغ مصنوعی	ح ی ۳			عنک البیلم وقشر		سرفه مزمن بود و جراحت حلقه مسکن سایل از کشیدن یا نمند تنباکو روز اول یکبار و روز دوم دو بار
رازیانج	رازیانه	سونف	معروف	ح ی ۱	محرور	سکنجبین لوز	تخم کرفس	تا ۱ مثقال	مفتح مسکن تقوی باصره محلل سوداء تبرید تریاق سموم حیوانی طبیخ تخم آن با گل گاوزبان خفقان را نافع ست
	رازیانه بری	نباتی ست		ح ۳ ی ۲					برای تقویه الاصل و تقویه رحم و تفریح از جرکن و رفع احتباس حیض و تقلیت حصاة نافع
راسن			بیخ نباتی	ح ی ۳	محرورین	سکر	قشط البسیر	تا ۲ درم	مفرح مقوی قلب و فم معده و باه و شانه رافع مالیخولیا و توحش
رامک			دوای مرکب	ب ی ۲	مشانه	عسل	سنگ	تا ۲ مثقال	ملطف و ابش مجفف مقوی معده و کبد و امعا مسکن حرارت حابس اسهال صفراوی
راوند	ریوند چینی		بیخ ریباس	ح ی ۲	سفل	سکنجبین عربی	گل سرخ	تا ۲ درم	مجفف قابض بلغم منضج مقطع بادر بر سموم مبادره مسهل بدرقه مفتح مغلل مسکن
	رای بیل		گل نباتی هندی	ح ر					دافع صفرا مسکن حرارت قی و غثیان و جنون را نافع مفرح و مقوی آن منفعه مانند بابسین
									باب الراء مع الباء الموحدة
ریباس			ماهی کوچک	ح ر	معطش	تخم کاهو			صحیح باه و مصلح حال معده

ح	ف	ک	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
رب السوس	عصاره مهلک		م	ح ی ۲				۳ ماشه	نافع ربو وخشونت سینه ونزف الدم وتشنگی وضیق ونفث الدم وحمیات مزمنه والتهاب معده ولذع ادویه مسهله
باب الراء مع التاء									
ترنجبین			نباتی است	ح ی ۳	معده	سکنجبین		یکمثقال	جاذب بلغم وصفرا آن مقوی مخرج کرم وجنین مرده وقاتل زنده آن ومدر بول
ترتیلا	بابونک	ملکشے	حیوانی مانند سنگپشت						یکعدد خوردن آن قاتل صلوه کوبیده آن بموضع گزیده آن جاذب سم آن بسبتن زنده آن بریاز ورافع تب
باب الواء مع الجیم									
رجل الغراب			گویند نبات اطریلال است	ح ای ۲					مفتح مسکن ریاح محلل رافع قولنج مفص ودرد کمر وپشت ومفاصل واسهال مزمن
رجل الطیر			بابونج مسیح بابای ارنب	ب ی					شربش باشراب عالبس شکم وبا آب نیلوفر طلا صاحب تب محلل اورام حاره ضماد او تعلیقا
باب الواء مع الخاء المعجمة									
رخمدان	لوف		مانند شیر	ح ی ۱					کثیر الغذا سبهی مسهل بطیء الهضم تغییر وبد اشتن شیاف آن مسهل
رخم	مرداسنج		گل سپستان	ب ۲ ح					تخم آن رافع جنون ودوچشت آن [illegible] گوشت خشک طعام آن باخرد اصل الفقاد مرد رافع بزرگ ناهضاد با
باب الراء مع الدال									
									مفوی باشهی مبهی ناضم مسمن وآشامیدن مغوف مبرگ آن تنها نیز نفع دارد

فصل الواو ... الالف مع الباء ... الالف مع التاء ... الالف مع الثاء ... الالف مع الجيم ... الالف مع الحاء ... الالف مع الخاء ... الالف مع الدال ... الالف مع الذال ... الالف مع الراء

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
									باب الراء مع السين
		رسکپور	شجرف سفید					۲ سرخ	برای جدری افریجیه و آکشک و نمکر فارسی و سعفه خیشه و قروح کلیه و شانه و ناسور الفنا نافع
									باب الراء مع الصاد
رصاص	ارزیز	راکا	معروف	ب ۲ و ر					آشامیدن آن کشنده قاطع حمرت عین کحالا طلای سایده آن با آب کشنیز تر با برگ کاسنی تر جالس نزله
رصاص الاسود	سرب	سیسه	معروف	ب ر ۲					قابض رادع و ضماد آن با روغن و آب کشنیز نافع سرطان متقرح و اورام مفاصل
									باب الراء مع الطاء
رطب			خرما تازه	ح ۲ برا ی ورد سپیدان	دندان جشم	صوت	بکاهو سرکه خیار		مداومت آن با مغز بادام مسمن و مبهی و مقوی گرده و کمر و ملین طبع
رطبه		اسپست تازه		ح ر ۱				از ۲ تا ۵ درم	ملین مبهی نفاخ مداومت آن با شکر مسمن و ضماد پخته آن روز دو بار مفید رعشه
									باب الراء مع العين المهملة
رعاد			ماهی گربه	ح ی ۲					بستن زنده آن بر سر رافع صرع و صداع و به گوشت آن اعاده شهوت پیران نماید
رعاف			گیاهی است	ح ای ۲	احشاد اعصاب		قبض و سنبل الطیب	از برگ و تخم ۲ درم	ملطف مفتح محلل مقاوم سموم حیوانی مسکن درد دندان مضمضا سود و سوے طبیخ آن
رعی الحمار			خاریست	ح ی ۳	قوت مسقط		شقاقل	نیم درم	مدر جذاب دانع درم آن برای طحال نافع و عسر نفس و جنون و اماض نافع و مسهل قوے

غ	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
زفی الحمام	گلو مشک		گیاہے	ح ی ۲	گردہ	کثیر ۱	فوق النصج	۲ درم	ملطف مجفف محلل آشنا میدان آن مفید لقوہ ومدر حیض وضماد ورگ آن ملتئم وتسروح
						باب الباء مع القاف			
رقعہ			بیخی زرد وصلیب	ب ی				۲ مثقال آن بازردہ تخم مرغ تبرشت نافع ضربہ وسقطہ وریزہ شدن استخوان سہ روز متواتر	
رقعہ یکسالہ رقاع نیز گویند ۱۲			درختی ست	ح ی ۲	سعدہ	کثیر ۱		از تخم وریشہ ۳ درم	قاطع نزف الدم ونفث الدم وجالی قصبہ ریہ وصوت وشبر آن قوبا وآثار را نافع
						باب الباء مع المیم			
رماد	خاکستر	راکھ	معروف	می	ریہ	کثیر ۱		نیم درم	مفید بیضہ وخوزہ وشقیقہ وتحلیل اورام وگزیدگی جانوران سمی ضماداً با سرکہ
رماد قصب	خاکستر نی			باقوت محرقہ		کثیر وقمند		بکدانگ	مفتح سدد وملتئم تسروح وقالع آثار
رماد بلوط									قابض حابس نزف الدم جمیع اعضا مسکن مانع اکلہ رافع قرحہ قضیب
رماد قرع	خاکستر کدو								قرحہ قضیب ومقعد را نافع
رماد عش خطاطیف	خاکستر آشیانہ پرستو	-	-	ب می	سشش	کنجبین			آشنا میانش در روزہ را بسیار مفید
رماد حلو	انار شیرین	انار	معروف	ب ی ای در آخر آن ح	صاحبان حمی	انار ترش			قلیل الغذا قابض معدہ خلط صالح ونضاج منعظ محرورین جالی صفرا ملین سورش تشنگی منخ طعام در محرور
رمان مز	انار میخوش			مع ب ر					مسکن حدت صفرا وثوران خون رافع تپہای صفراوی تبریدان وجرب وحکہ

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ریحان حشیشی	انار ترش			ب ی ۲	نیم خودبن و باد	انار شیرین			قابض مسکن التهاب سعده وکبد وثوران صفرا وخون مدر نافع صعود بخار بدماغ
ریحان بری									ضماد برگ آن با سرکه طری نگل ارمنی مساوی الوزن ضرب وسقطه را در دو سه بار مجرب
رسث			نباتی است						دخان آن دافع زکام وباعث گریختن هوام وقلی که از سوختن آن بهم رسد بهتر از قلی اشنان
رمل	ریگ	ریت بالو	معروف	ی ۲					گرم کرده آن ناشف رطوبات ومستسقی را دران دفن کردن مفید وآب بدمزه را خوشگوار طعم کند وبالکس
رم رام			قرملم بری						دافع سفرت سم مار وگزدم وانواع هوام
					باب الراء مع الواو				
روس	گلگه		کله مغز حیوانات	ب ر	مضغت				کثیر الغذا بطی الهضم مزید منی وبرای اصحاب یابست نافع
روا صیر	بورانی		عبارت از انجوبار		مبرودین				مسکن صفرا وحدت خون ومبرد او محرور را نافع
روئیدنیان	پای سیک وپای روسیان	جهینگا چهلی	معروف	ح ۲ را مادہ آن ۱۲	بطی الهضم				سبب مولد خون صالح ومنی مخلق گردد ورحم ومعین بر حمل وکثرت اولاد مخرج حب القرع
روغن ارمذا			بیخی شبیه بقسطا	ح ۳					ملطف محلل رافع صداع بارد اگر با ارمذین در آب جوشانیده نطول کنند
بروسقه	روی کوخته		مس سوخته	ح ک ۳					قابض مجفف جذاب منقی بجهت اکال گوشت زائد فاسد بقتال
					باب الراء مع الهاء				

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
ریشی	اردہ		کنجد معتبر	ح ر	مفسد استسقا	عسل و سرکہ			مبہی مسہل غلیظ دیر ہضم مفسد اشتہا و طبع اخرج دیر از معدہ و امعا مسہل مفتح دمامیل
									باب الراء مع الیاء المثناۃ التحتانیہ
ریباس	ریواس و ریواج		نباتی شبیہ بہ سلق	ب ی ۲	سپندہ و باہ	عسل و انیسون	حاض اترج	از آب تولہ ۹ ماشہ	ملطف قابض مفرح مقوی معدہ و احشا و جگر جارہ و محرک اشتہا قاطع طرق و مفرادی و تشنگی
ریہ	خشش	پھپھڑہ	معروف	ح ر و گوسفند	سوختہ غلط بلغمی	کرویہ و سرکہ			قدری ازان لطراف نرم دور کردہ بریان کردہ ناخہیں مرضی امعاء و بلوعت آں مجرب مسہل دماغی بالضم
ریۃ الحجر									ضماد آں نقرس و شقاقیق از سرما بہم رسد نافع
ریحان السلیمان			گیاہی است خشک	ح ی ۴	مصدع	روغن نیلوفر و کافور	مزہ بخوش عنبر و تعلب	از بریکہ تولہ ۱ ماشہ	ملطف مجفف مسہل سودا منقی خون از احتراق و مسکن نفخ محلل ریاح بواسیر را نافع
ریحان الکلثوم	سوسن		گیاہی است	ح ی ۲	محرر بول	سکنجبین			مفتح مدر قاں و قطع سیلان خون را نافع بوئیدن آں محلل لطوبات دماغیہ و قوی دماغ و ذہن را
ریش	پر		پر طیور						ذرور سوختہ اقسام آں ملحم خم اگر از پیخ پر طیور آنچہ سفید مجوف ست اگر بدہند مقوی دماغ و ذہن
ریشہ خطمی			م	ب ر	معدہ و ریہ	ریشک از بانہ	خبازے	۱۰ ماشہ	رافع زحیر و تحلیل و سہال سفراوی و حرقت بول و امعاء و معدہ و قرحہ آنہا و سرفہ حار و نفث الدم
									مقالہ یازدہم در بیان ادویہ کہ اول آنہا زای معجمہ ست
									باب الزاء مع الالف
زاج احمر			قسمے از زاج						تدریج آں بتی سفید از بزدودی سیاہ رنگ میدہد لیکن بمرام قوی بالمزاج اشتمال آں را تند کرد
زاج اخضر	زاج سبز	آبرا سیس	معروف	از ہر اجناس ح	در اصلاح شبہا				محرق باکال و ہیدم سوختہ آں نافع ست مخرش باد با سہل مخرج کرم مقوی قلب و باہ مقوی

ع	ف	ء	م	ط	مض	مص	ن	ق	افعال وخواص
زاج اصفر	زاج زرد	کسیس	سرخ و	ح ی ۳	زیاده و تیکاب	زیاده	زنگار	یکدانگ	قمع کرم معده محلل ادرام غرغره التهاب زاج با سرکه قوی در حلق مانده را نافع
زاج الاساکف	زاج کفشگران	چرکس	زاج کبود	ح ی ۳					قابض جالی دهنده منع حرکت وسیاه کردن موی ثقاب بطبع آن بشور لینه را نافع
									باب الزاء مع الباء الموحدة
زباد		سپید و شبیه	فواسه	معتدل	مصدع	معتدل و			مشف مفرح مقوی حواس رافع خفقان وحشی وحشی مورث مسده
زبد	روغن تازه	کهن	معروف	ح ر ۲	مرخی	مکمل شکر		۸ تولہ	لین منضج مسکن منضج مصلح صوت وخشونت حنجره ریه وحلق وسرفه خشک وزاد ورام
زبد البحر	کف دریا	سمندر بحر	م	ح خ ۲	صوت	لعاب و	سفید	یکدانگ	قوی اعضاء رئیسه را مقوی ماغ اعضا کلف وبثور سیاه را نافع دیوانگی مشروب بستر زنان مع
زبرجد			م س	ب ی ۲	مستطرباه	عسل	زمرد	۲ ماشه	جالی مفرح قاطع نزف الدم رفع عسر البول شکست مقوی قلب نافع جذام عمر الاولاد حمی را نافع تخلیقا
زبرقان				ح ی ۲					محلل صداع کهنه شبیه بوست آن قاتل مار و مضاد سم افعی و عقرب را نافع
زبیب	مویز			محرر بس	مکنبین		کشنش	۱۰ عدد	مطفی عطش مسکن بلغم مسکن صفرا مسهل خلط سوداوی جالی معین ادرار مسهل
زبیب الجبل	مویز کوهی		سیفالیت	ح خ ۳	سپرز	کثیرا	عاقر قرحان	۲ ماشه	جالی مفرح منضج مسقط جنین غرغره آبله جالب خلط سوداوی ومنقی بلغم
									باب الزاء مع الجیم
زجاج	شیشه		معروف	ج ای ۲	اسهال صفرا	کثیرا	زرجیه	۲ ماشه	مفرح محلل جالی اورام عفونی آبله جالی دندان دشنه وسلاح آن جالی خوره وبهاد آن باحامض ادرار

ع	ف	ء	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
باب الزاء مع الراء المهملة									
	زرانبوتاوش		بیخی است	ح ۳ ی ۳	جگر و سپرز	عسل	زراوند مدحرج	تا ۷ ماشه	تریاق سموم نباتی و حیوانی جانب محل مقطع بلغم مفتح مفرح است مرزنجوش دوش کشند کرم معده و حب القرع
	زراوند مدحرج	زراوند گرد	بیخی مدور زرد	ح ی ۲	سپرز ضعیف اعضا	عسل و روغن کنجد و بنفشه	زراوند طویل و مدحرج آن بود بهتر است	۷ ماشه	محلل ملطف تنزل طویل فاوذ هر سموم منقی معده و دماغ و دردسر و شقیقه بارد و صرع و جنون و وسواس ملغس یرقان
	زرنب	بیدمی	نباتی است	ح ۱ ی ۲ ح ۲ ی ۲	محرور ضعیف	بنفشه و شیرخشت	دو وزن دارچینی و کبابه سلیخه	۷ ماشه	ملطف مفرح معده و جگر و سخن آن معاصیر مصفی خون و خبیث ملغس و فواق را نافع
	زرنباد	مزکور	نباتی است معروف	ح ۱ ی ۲ ح ۲ ی ۲		بنفشه	بوزیدان		مفتح مفرح معده و دماغ و معده و فواق و هیضه مسهل سودا
	زرافه	اشترگاو و پلنگ	جانوری	ح ۱ ی ۲	محرر ضعیف	مهرا بخشتاب خربزه			مولد سودا خوردن آن بارد و غول و افاذیه هاضم و زهره آن برای نزول آب مفید
	زردرد	ساد		ح ی					مسهل مشی بصفرا صحاق تازه صید کرده آنرا بپزند خورند بر احد تا آن بل پرورده خورند
	زرنیخ	هرتال	معروف	ح ی ۲	مقوی اعضا	زردان ح ی ۲	پوست بیلیله زرد	نصف مثقال	لزاع قرحه کرم گوشت زائد جانی آثار خون مرده کشند کرم معده حالق موی باهک و خاکستر
	زریر		گیاهی زرد گل و خار دار	ب ی	مجرع	سکنجبین		در مضبوطات بتقویه ۱۰ ماشه	جالی محل رافع آثار سکته مفتح منطل از آب مطبوخ آن با سویق جو متوالی مفید سپرز و یرقان و استسقا شربا
	زرنیق		طلای سفید آب	ح ی	بطی الهضم	آب چیقندر پختن			محرک باسرگیجه آن بی کف و نمش و زهره آن سم و مجلی سیاهی چشم و طلای آن برد کرا فع استرخای آن
	زرین گیاه		درختی است	ح ی	مشانه	بلوط و حب الآس	زعفران و تخم ریوند		مصدع آن با پسته مفید عرق النساء و اخراج خون منجمد در مثانه و احتباس بول و عسر آن
باب الزاء مع العين المهملة									

ع	ف	و	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
زعرور	کبل		میوہ بست	ب ۲ د ۱	گروہ مرکب	لیسون وعود وگشنیز	سیب ترش	آنا آب آن ۷ توله	مسکن قابض مسکن صفرا و خون و مقوی معده و کبد و جگر را
زعفران	زکیاس	کمیسر	معروف	ح ۳ ی ۱	گروہ	لیسون و سکنجبین	بوزن آن اله قسط	۱ باشه	مفرح قوی سکوعاس مقرح مسخ محلل مصلح مغوث خط
زعفران البحریه		۰	زنگ آہن علیه	ح ی					قابض از جمله سموم و تقرس لیسر و خشونت پلک
						باب الزاء مع الفاء			
زفت بحری			جیری شبیه بقطران	ح ی	ریه	کیترا	قطران جاوشیر	۱۰ باشه	محلل مقوی مفاصل و مفید فالج و عرق النسا و تقرس و ریاح بارده و ادجاع زانو و جذام و مسهل
زفت الرطب			عظوبت صنوبر بی پد علیه	ح ۳ ی ۱	سیرو ریه	کیترا و بنفشه	قطران یا روغن آن	۱۰ باشه	منضج ملین صلابات مفید در عضل مقوم و مرد و دم عضل باطنی و وجع مفاصل و ربو و سعیت ادویه قتاله
زفت یابس			زفت خشک علیه	ح ۳ ی ۲				۱۰ باشه	ملتئم قروح فاسده نخیره بسطه و قوه را مفید منضج محلل منضج اورام قاطع خون حیض از رده تخم
						باب الزاء مع القاف			
زقال			ثمرے	ب ی	سینه	شکر			مسکن عطش التهاب معده و کبد و غیان خو صفرا و مانع صعود ابخره بدماغ خاکستر برگش رافع اکثار
زقوم		سیاه شبیه بسیاه	شجر خاردار	ت ی				یکتوده ۱۰ باشه	محلل ریاح جالی رافع آثار و وجع تخم آن مفتح سده و غایله مقرس سبزه و سیاه کشنده سو
						باب الزاء مع اللام			
زلابیه	حلوائی کبی	جلیبی	از جنس حلوا	مسدد حار	سکنجبین	دانار			سوء خلط صالبه و سریع هضم و مغوی گرده و مفید رطوبت ریه و سرفه

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الزاء مع الميم
زمج	چرغ		شکاری طائرے	ح ی					مفید ضعف دل طبیعی وخفقان ہا رضی زہر وآن دافع غشاوہ وظلمت بصر وشبکوری انتہا
زمرد		پنّا	بجمرلیست	ب ۲ ی ۲			زبرجد	یکدانگ	مفرح مقوی حرارت غریزی دل ودماغ رافع صرع وغم وخفقان وسموم قتالہ واستسقا
	زمور		زفت یابس است						برای احتباس حیض محرب وبکشتقال آن بازدہ تخم مرغ بہ بشت مانع نزف الدم ہر عضو
									باب الزاء مع النون
	زنبا		گیاہے	ح	دماغ	در سرکہ بخت شیر تازہ			سخن بن وبرگ در سرکہ بیارد وحدت بصر وپراکندہ کردن رياح شربا ونطولا نافع
زنجار	زنگار		معروف	ح ی ۴	حلق		اقلیمیا		فتال الکال لذاع معفن مقرح قالع بیاض وناخنہ ودمعہ ومسبل وسلاق
زنجبیل		سونٹھ	بحری معروف	ح ۳ ی ۲	حلق	عسل وروغن بادام	دار فلفل	تا ۵ ماشہ	مقوی حافظہ ہاضمہ ومعدہ وکبد مفتح سہی محلل قاطع بلغم ملین طبیع فالج وکرم معدہ ویرقان سیلی نافع
زنجبیل الکلاب			گیاہی است	ح ۳ ی ۱					ضماد تازہ آن رافع کلف وآثار وضماد برگ آن محلل اورام صلبہ وخوردنش جائز نیست
زنجفر	شنگرف	ابیگر	معروف	ح ی ۲	کشندہ	قی بروغن کاو	شادنج		قابض جاذب قاطع نزف الدم وزرورا مدمل جراحات واز سموم قتالہ ومشقال آن کشندہ
زنبق	سوسن بیاہ		ح ۲ م ی						ملطف مقوی دماغ وروغن آن ملین ومقوی اعضاء ودرمان آن بسہل خلط عرقی وصفر
زنجبر	کفیر	بھڑ	معروف	ح ی					طلای آن بعسل بمک رافع برص وبرام خوہ بارد وہ گزیدنش صاحبان خواص بارد وہ را نافع

ع	ق	ک	م	ط	مض	مص ب	ق	افعال و خواص
								باب الزاء مع الواو
			ابیض بالکلیہ					
زوان			شیلم	ح ی ۳	مسکر			سم جاذب مخرج بیکان بسہولت مسہل ادرار بول و حیض و مقوی اعضا و دافع صداع کما مر
زوفا خار بسیار			گیاہی ست	ح ی ۲	جگر	صفع غرب	صفتر	ملطف بسہولت ملین مخرج ریاح و کرم سدہ و خون جامد محلل ورام و فالج و سرفہ و ربو و درد سینہ و مفید
زوفا خاری الذنب		سنگل سبتی	چرس کے	ح ۲ ر ۱	محرور و مکرب	سکنجبین و سرکہ	ناون و غرغرہ ساق گاؤ	منفج طین محلل مفید استسقا و منفض و سلابت جگر و سپرز و برودت امعا و گردہ و شرا
								باب الزاء مع الهاء
			ابیض بہ					
زہرہ الملح			چینی یا مغز شکستہ	ح ی	سدہ	عود ہندی		مجفف محلل دافع غشا و عین و قروح خبیثہ و آثار قروح و مانع روئیدن مو و دافع اعیا و صرع
زہرہ الحنظل			چینی یا مغز شکستہ	ح ی ۴				اکحال الذاع قابض جالی بسہولت محلل غشا و بصر اکتحالا با مصلحی کہ عدت آن کم کند و مجفف دابیہ بواسیر
								باب الزاء مع الیاء المثناۃ التحتانیۃ
زیبق	سیماب	پارہ	معروف	ب ۲ ر ۳	دماغ		رصاص محلول	قابض اگر بر آتشک بمالند دفع نماید و دافع قمل و آثار و اکلہ و سعفہ و قروح ساعیہ
زیتون			درختی ست	ح ی ۱	سوداوی بیجوشانند	مغز بادام		مرخی معدہ و منعشی و سریع الاستحالہ بسودا و صفرا تعلیق بیخ آن با نخاسیہ نافع گزندگی عقرب
زیت		-	روغن زیتون	ح ۲ دوی				مسہل صفیہ در داعضا و عرق النسا و قولنج و منفض و اخراج کرم سدہ و تفتیت حصاۃ
زیتار			ثفل روغن زیتون	ح				باشربہ ماء العسل نافع درد دندان لطوخا و بالتضمخ ترمس برای جرب مواشی

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
زیت الاخوان			روغن تمر	ح ۲ ر ۱					سوده خول صالح و ملطف اخلاط و مدر فضلات و مفتح مفید جنون و فالج و خدر
زیر باج	زیرباے		م	مع	افزجه بارد				ملطف موافق امزجه احمار و صفراوی و مسکن هره صفراوی حدت اخلاط و مفرح و مفتح
									مقالهٔ دوازدهم در بیان ادویه که اول آنها سین مهمله است
									باب السین مع الالف
سأج	وساگین		درختی بهندوستان	ب آن ۲	جگر	عناب		تولهٔ ابشاشه	محلل اورام حاره و دموی و ضماد او با آب سیر و بنشاره آن مسکن عطش و التهاب بعد و پوست آن قابض
سداب بری			صمغ بت	ب ق ۲		شکر	دو وزن صمغ	سه بشه	ادرار و اورام حاره قاطع نزف الدم با آب بارتنگ حابس اسهال مزمن و ملین و مسهل مو
ساذج		خمیر مایه و بیشتر	بزرک درخت	ب ۳ ی ۲	ریشه	مصطگی	سلیخه ۲	اوزن مطبوخ ۲	رافع ادواج و اعلال و مفرح مسکن مجلل مصلح حال مدر بول حیض و شیر و زنی معوی هوا
	ساگبودانه			ح ۲ ر ۱				۱۰ توله	مقوی باه حافظ حمل با مثل خود مدر شیر بر بیخ طبخ کرده بعضی با بنات شیر می دهند و خورند
سادابستدا			جوهاے	ح ی				-	اسم عرقل و حسن معین صحح رنگ و بخور آن او را مرا یخته چه بدستر زه مو و مفرح
سالان			نوعی از برنج	ب ی					مفرح اگر بران نشینند و رافع بواسیر و سوختن آن حابس نزف الدم
سام البرص	چیپکلی		معروف	ح ی ۳	خون زبان آن				ضماد کوبیدهٔ آن جاذب بیکان و خار و رافع نوالیل و چون بشکافند و بر موضع عقرب گزیده بندند تسکین درد
									باب السین مع الباء الموحدة

ع	ف	ة	م	ط	مض	مصارب		ق	افعال و خواص
سبج	شبه		سنگی سیاه	ب ۲ ی ۲	سپرز	آب انجیر			دافع خفقان سرد و مفتح و مفت معوی با سرکه و دل با خود داشتن آن را دافع چشم بد دافع درد سر تعلیقا
	سپستان	لسوڈا	ثمر درختی معروف	ی ۲	بیخ کشنیز خشک و خطمی			تا ۳۰ عدد از ۱۰ عدد	ملین سینه و حلق و اورام مسکن حدت صفرا و عطش و حرقة البول مخرج کرم سفوف مفتح
						باب السين مع التاء			
	سعتار		بیخ درختی است	ب ۲					۳۰ تا ۴۰ ماشه مصرف دارد انواع اقسام سرد و خشک و تا دانیم آثار شیر را دافع سوزاک و سوزش بول و حرارت مثانه و باشکر و شیر گوگرد
						باب السين مع الحاء المهملة			
سحار			گیاهی است	ح ی ۳	محرورین	رطوبت ترش	یکمثقال آن آخر	۴ تا ۵ ماشه	مفید مرغ و سکته و فالج و تقطیع بلغم لزج و رياح و تقویت معده و انهضام طعام و تفتیح سدد جگر
						باب السين مع الدال المهملة			
سداب بحری	سداب	شبیه بسداب و ساتری	گیاهی است	ح ی ۳	مصدع خصوص با صفراوی	سکنجبین	صفیر و فوفل و فلفل	۱۰ تا ۱۵ ماشه	مزید قطع مقاطع محلل ملطف مدر مغشی مفرح مفتح مشهی مجفف منی مسقط جنین قاطع باه
سرطان بحری				ح ی ۲					چهار درم آن کشنده چون بر آهن مالند زنگ نگیرد اگر بکان مرغ دگو سفند انداز ندازموزی نجات یابد
سدر	کنار	بیر	معروف	ثمر آن ط ب ۱ ی ۲	مبردین	سکنجبین			نارس آن قابض و لزج و لفاح و پخته آن مخلل الغذا دیر هضم صالح الکیموس مسهل و ملطف حرارت
						باب السين مع الراء المهملة			
سرچ القطرب			گیاهی است	ح ی ۱		کنیرا		۱۰ تا ۱۵ ماشه	قابض و مخدر دافع سموم و گزیدن ریتلا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	سرخس	بیل دانه و بسورده	بیخ سیاه	ح ۲ ی ۱	ریه	شیخ ارمنی	قبیل	۳ قوله و ۹ ماشه	بدل مفتح محلل نفخ و مجفف بسلفج مفرح دافع قمل و بخار سوداوی و مسهل کرم شکم
	سرخس		درختی معروف	به ی					خوردن گل بیخه و شستن عصاره بر گلان دافع شکوی مطبوخ بیخ درخت آن سوزاک منضجه و مفیده جذام و خدر
سرطان بحری	خرچنگ	کیکڑا	معروف	به ر ۲	مثانه	کل مختوم و گل خیبری	سرطان بحری	از ارزن آن یکتوله و پاشه	کثیر الغذا و بهی محلل مفتت مدر و ضماد کوبیده تازه جاذب سموم و مخرج بیکان و خار
سرطان بحری	خرچنگ یا		مانند نهرے	به ی					محلل ملطف مقوی عضلات عین مفرزه بصر آن مفید جرب و نفخه و سلاق دوسعه و جالی دندان
	سرنجے		نباتی ہندے	ح ر					دافع جمیع ظهر و مفاصل و بیخ آن با دار فلفل دافع حمیات مرکبه ملتهم و واحش را مفید
	سرو	سرو	معروف	ح ای ۳	ریه	کثیرا	از روت سرخ		برگ آن قابض محلل قاطع نزف الدم و بهق و دافع بول الفراش و حصر البول و مخدر
		سرپھیکی	نباتی ہست	ی او مع ح					مفتح سدد خیشوم و دافع فضول دماغی و رافع ثقل سر و صداع و جذام مفید کسر استخوان
		سرپھونکه	معروف	ح ر					مفتح مدر و دافع سرفه و تنگی نفس و حمیات سوداویه و امراض جگر و سپرز
									باب السین مع الطاء المهملة
سطاخیس		۰	نباتی ہست	ح ۳ ی ۱				۳ ماشه	منزل توحش و خوف و سواس مالیخولیا و خفقان بارد و بیخوابی و مدر و مخرج شیمه
سفاریون			نباتی ہست	مرکب القوی					رادع ابرام حاره و باردہ و ضماد کوبیده برگ و گل آن بر گزیدگی عقرب و تیلا و زنبور نافع
سطراطیوطس		جل کنبھی	نباتی ہست	ب ر					رادع و مفید حرقة البول ادرار و حبس خون کرده و التهاب اعضا و دافع جراحات ضماد با سرکه

ع	ف	ه	م	ظ	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سطوخودوس			نباتی	ح ی ۳					اسهال محلل مسهل مطبوخات باردہ باعسل مفید امراض جگر و طحال سدے و مدر حیض و نفث
									باب السین مع العین المهملة
سعد	مشک زمین مشک گندنا گویند	موثه	معروف	ح ی ۲ ای در آخر رطوبت	حلق و صوت	شکر	سنبل طیب	۱ تا ۲ ماشه	مجفف مدر بول و حیض و مفتح مزید فهم و عقل و مصفی رنگ رخسار و مقوی معده و هاضمه
									باب السین مع الفاء
سفاد یکیس			نباتی ست	ح ی ۲	جگر	کثیرا			مقوی معده و مسکن درد گرده و مثانه مفتح مدر تریاق سموم و مثقال آب آن با شکر و نیچد رم پلیله زرد
سفرجل حلو	به دانه		معروف	ص ح ب				از آب تا ۸ تولہ ۹ ماشه	مفرح مقوی دل و دماغ و معده مدر مسرت افزای روح حیوانی و نفسانی طلاے آب گرم آن رافع تهیج اطراف
سفرجل حامض	به ترش		معروف	با ی ۲	صورت مرزنجوش و قوابض	مسهل و خیسوان			مقوی معده حار مسهل رافع ربو و نفث الدم دق و خمار و تشنگی محدر بول و مفید نزف الدم
سفیدنیوان			نباتی	ح ی ۲	گرده	کثیرا		۹ ماشه	مفتح مسهل بلغم مفید صرع بلغمی و عسر نفس ربو و درد جگر و یرقان سدے و قولنج و دوا سیر
									باب السین مع القاف
سقمونیا	محموده		معروف	ح ۳ ی ۲	یکدرم آن کشنده	قے و خوردن دوغ		۱ تا ۲ دانگ	مسهل صفرا بلغم محلل مفتح مقوی عقل مسهل فضلات قاتل جنین و مخرج کرم معده
									باب السین مع الکاف
سُمّاق			مستخرج از عصاره آمده رطب	ب ۲ ح ۱			رامک	۹ ماشه	مفتح محلل قاطع نفث الدم و نزف الدم حابس قے و بطن حادث از رطوبات دافع بوی بد دهان

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	پ	ق	افعال وخواص
سکاالمسک			همان مسک است	بدل تحریرات					محلل غلیظ مبهی مفرح رافع درد دل و مفاصل و اسهال و نزف حیض
	سکباج		نوعی از سرکه مرکب از سکنجبین	سبر و مرطب	نحیف البدن	حلویات پالوده			ملطف مفتح قاطع بلغم و صفرا و مسکن غلیان خون
سکبینج	سکبینه	کندل	صمغ نباتی	ح ی ۳	مشانه و گرده	کثیرا	سوم ربع	۳ پاشه	مسخن ملطف جالی محلل مفید قولنج و ادرار صالبه و طحال و مسهل ملایم صفرا و بلغم مصلح ادویه مسهله
سکر	شکر		معروف و مشهور	ح ۲ می ۱	صفرا وی سل	مشیر تازه	ترنجبین	۸ تولچه ۹ ماشه	ملین طبع جالی مقوی ارواح و کبد محلل و مبهی مواد خون صالح مانع پیری دافع تجفف اصوات مسکن قولنج
سکر بلعشر	خرکل	آک	شبه نمی است	ح ی ۱	محرور صدع	روغن بادام	شکر نیشکال	یک اوقیه	مفتح مقوی جگر و ریه جالی ملین طبع و آلات نفس مفید سرفه بارد و قرحه شش و سینه و ریه و مجلی بصر
سکرجه			نباتی است	ح ی					مسهل سودا مفید صلابت سپرز

باب السین مع اللام

		سداب جبلی	نوع سداب	ح ی					ترياق و دافع فساد اخلاط و ضيق النفس و دق شيخوخت و ديو اسپرباد و خوانق جربان مني و خفقان و مفت
سلاجه			قیل بزرگوش	ح ی ۲					مسهل اخلاط سوخته كبد و م آن با سكنجبين تا چهار درم شربا دافع جذام رافع آثار جلد طلاء و مستحجر اورام
سلت	جو دهنه	آب جو	نوعی از جو	ح ی	معده	رادیابه و شیر بزها			مسمن با شیر و مولد پسنده گرده و نان گرم آن ملين طبع بصر و مولد خلط صالح محلل صفا و آرافع طحال و کلف
سلاخ المجیه	پوست خانه		معروف	ح ی ۲	مجوف مثل مطرب بصر	کشنیز		۳ پاشه	خوردن آن بنا بجه بچه دافع بواسیر بود سرکه جوشانده مضمضه کردن رافع دندان و لثه بخور آن گرز انه بیوم
سلحفاة	سنگ پشت	چغوا	معروف	ح ۲ ابرا ی بحرو بری	اعضا	غسل		از سوخته ۳ پاشه	مقوی باه مکرم اب آن با جبن و لبنه بسیار محلل و مسعوط سپرز و آن رافع صرع و با شوزن زنانرا نافع و مرم

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سلسلة البول			دختی است	حی ۲					برگ وتخم آن مقوی قصبه ریه وصوت وقطع شهوت آن شربا وافع سموم حیوانی وطول عمر گوید آن محلل
سلق بیله	چقندر		نباتے	مرکب الحی ۲	معده ومنشی	بمحلل آن باعدس	شلغم		جالی محلل مفتح مقطع ملین ومبرد وسطے وجرم آن مانند طبیخ وقلیل الغذا وانتفاخ وطین محرک باه واکلا
سلوی		الوا	طائری آبی	ح ی	اکل آن مرکب	خبیخ باهونات			سریع الانحدار تحریک باه مورث تشنگی ومحرک حکه وبثور
سلیخه		تخم	پوست درخت	ح ی ۲	گرده	کثیرا	تاے ماشه		لطف سخن مفرح منضج محلل مقطع اخلاط غلیظ عتیق اعضا ومسدد وکبد ومدر مخرج جنین مقوی بصر معطر رحم
سلیمانی	دار اشقه	ورد اسفیدنه	چوبی مصنوع از بیخ درخت	ح ی ۴	مهلک	کثیرا			سم قاتل دافع گوشت اند در غیر مرهم داخل نکنند خورند آزاد وران اعضا غشیان عارض شود
					باب السین مع اللام				
سماق		دختر انگور	ثمر درختے	ب ی ۲	معده وجلا بارد	مصطکی وانیسون	لسکره واقاقیا	یکتوله ماشه	قابض رادع مقوی مدر مفید وسینطاریا دافع اسهال مزمن
سمانی	بیٹر		طائری معروف	ح ی ۲	اکثار آن مورث کزاز	روغنها			کثیر الغذا سمن بهی صحیح باه زن مدر مفتت مورث رقت قلب خاصیه تبخیر آن رافع تپ با
سمسم	کنجد	تل	معروف	ح ۲	بطی الهضم	بریان تمون	تخم کتان	یکتوله ماشه	مفری مفتح مسالح الکیموس قلیل الغذا سمن ملین صوت وخشونت حلق واعا ومقعد محلل سهی مولد سپید گرده
سم الفار	دگر موش	سنبل الطیب	درختے معتدل سفید	ح ی ۴	نیم درم شسته	مصالیر بنیق			سمیه قاتل محلل سقف طلع قروح بارده شدیده مزیل طوبات چشم اکتحال اندک روز کشنده موش
سمغ بلن			گیاهی است	ح				یکتوله ماشه	محلل مفرح جالیع مصلب اعضا قابض منقی ریه مسکن عطش مفید فسخ عضل وعصب وقروح امعا
سمک بیله	ماهے	مچهلے	معروف	ب ۱ ر ح ۲ مطلقا ۱۲	دیر هضم ودیر دین	روغن گاو یا بادام یا بنفشه			مرطب سمن بهی مولد منی وشیر پیه گردو مزیل الهضم مصنع قصبه ریه وقرحه آن مسل ودق وسعال یابس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سکنکة الصیاد			ماهی ست	ح ی ۲					یکجه از کف آن بازرده تخم مرغ غیر شت نهایت هیج باو که قریب بهلاکت رساند
حسن	روغن	گلی	معروف	ب ح ی ۱				در تدا اوے تا ۱۲ اوقیه	محلل فتح مقاوم سموم دافع سم افعی طلی جامه منقی بشره و سینه مسکن و با شکر دافع عسر بول و سعوط آن دافع خناق
		سمندر سوخته	تخم بقدر حمل	ب ر ا	نشاخ	شیر	تخم سرو اے	۲ ماشه	نافع سوداک و سوزش بول و رقت منی قابض مقوی بدن و دماغ و ممسک و معولد منی
		سمندر سوخته	م	ح ے				نصف عدد	نافع برسیدو جوان منی با شکر و با تخم او رافع رماح و درد شکم و با بول گاو نافع طحال اطفال اکه لیش آب بگه گیرد
سمندر			حیوانے						یکدانگ زیره آن با آب بخود مطبوخ با شیر تازه دافع سموم مشروبه و اکتحال دماغ آن با سرکه دافع نزول آب حافظ بصر
سمور			حیوانے در خراسان بسیار	ح ی					پوستین آن گرم تر از سنجاب مسخن سینه و گرده و مثانه و طحال و مقوی اعضا و زود رسوک آن مجفف قروح و پینه آن سخن گرده
سمیر ا			قسمے از ماهی	ح					در ضماد های امراض باره استعمال کنند
سمن		بحری و غیر بحری	معروف	ح ر					مربع المضم طین طبع سریع الاستحاله العبفر او مصلح ادویه سمیه مانند روغن تازه
									باب السین مع النون
سنا مکی		حمار	برگ معروف	ح ۲ ی ۱					مسهل اخلاط ثلثه منقی دماغ جالی جلد مفید صرع و شقیقه و جنون و صداع کهنه و درد پهلو و قولنج و ضیق النفس
سنباده		کرنه	سنگی ست	ب ی ۲					مسکوتش جلی بدان محلل مسکل الهیاج بهنید تخم مرغ برای سوختگی آتش و با موم برائے بواسیر از داخل عسر مستعمل
سنبل طیب		بال چیز مرغ	گیاهی معروف	ح ی ۲	گرده	طباشیر یا کشیرا		۲ ماشه	محلل فتح سدد و دماغ و بعد کبد مصفی خساید بول حیض مجفف بطوبات مفرحات طحال صرع معطر دهن دافع ضیق النفس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سنبل رومی			سیانی گلدار خوشبو	ح					محلل رافع درد گرده ومثانه مدر تریاق مفید امراض بارده معده وجگر وگرده وبرقان وعسر البول
سنبل جبلی	ریشه ۱۱		نباتی است	ح ی					مقوی اعضا محلل ریاح ونفخ رافع استسقا وقی ملغمی وعسر البول محلل کبد ومقوی قوت ماسکه
سنبویه	سنبوسه	سنبوسه	م ۱۱	ح ر	مسدد	سکنجبین			کثیر الغذا مقوی اعصاب ممسن مهیج اشتها ومسهل ومسدد ومولد ریاح
سنجاب			حیوانی است	ح ۱ ر ۲	مولد قولنج	روغن بادام			گوشت آن ممسک حرارت ومفید درد سینه وشر وقرحه پوست آن معدل مزاج ورافع اوجاع عصب
سندروس	چندروس		چیزی مانند کهربا	ح ۲ ی ۳	گرده	صمغ عربی	کهربا شاذج هند	ا هاشه	مجفف جالبس نزف الدم ونفث الدم جمیع اعضا قاتل کرم سعد وحب القرع مدر بول وحیض دافع خفقان
سندروس			گیاهی است	ب ۲ ی ۳					قاطع نزف الدم وقابض ملتئم قروح رافع اورام خبیثه حقنه وشراب آن برای قرحه امعاء واسهال نافع
سنگسبویه		چکوندر کا بیج	دانه است	ح ی ۳					ضماد آن با سرکه مفید اورام خبیثه وکلف وبهق وجذام وجرب وحکه وبرص وقوباء ومغید امراض سوداوی وصفراوی
		سنگهاڑا	معروف	تازه آن ب ر	مبرد ومبین				مقوی با محرور مبرد با سرفه وقی صفراوی دموی ودق واسهال الدم سنگ گرده ومثانه وسوزش بول
سنوبر	گربه	بلاودبلی	معروف	ح ۲					طلای سرگین آن با روغن گل سرخ بروز تب غب نافع آن با بخور آن مسقط جنین سعوط آن با سرکه سم سیاه آن با روغن
		سنگهاپولے	گیاهی مفرد است	ح ر گوید م					طبیخ ماشه آن با ماشه حب الغد محلل ریاح ومسکن سیلان منی ومقوی باه
		سُنه مکی	دانه مثلث	ح ی ۲					۳ مثقال تخم نرم کوبیده آن با آب سرد مسهل ملغم خام وغلیظ محترق ومرار سوداوی ومفید نوا سیر
				باب السین مع الواو					

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
سودائی	دارلپور دارلپور		طایرپست	ح ی					بسیار مضر برای دماغ وصاحبان ہزال
سورنجان		بربری	بیخی ست	ح ۳ ی ۲	معدہ ۱	کثیرا	حنا ۱	۳ ماشہ	مسہل اقسام بلغم ومفتح جاذب اخلاط ازمعدہ رافع یرقان وسپرزو باصبر مفید عرق النساء ونقرس
سوس	مہک		نباتے	ح ۲ ی ۱	گردہ	کثیرا	کثیرا	پکتولہ ۱ ماشہ	منضج اخلاط غلیظہ مسکن تشنگی والتہاب معدہ مسہل رطوبات مفوا لخصاب محلل مدر مفید ربو
سوسن			نباتے	ح ا ی ر					مفید امراض سینہ وطحال وکبد ورحم وبواسیر مختار یرقان ومدر حیض ومسہل قمر وح دافع سموم ملذوعہ
سولان			بیخی سرخ مشکل	ح ی ۴					محرق جلد سعوط یک جبہ آن با آب چقندر رافع لقوہ طلایش محلل ریاح وادرام بارد
			باب السین مع الہاء						
		سہدیوے	نباتی معروف	ب ر					مقوی بدن دافع غلبہ بصفراوتپ گرم وبواسیر وشیر آن بقدر یک فنجال تا ہفت روز رافع سنگ مثانہ
		سجنہ	درختی معروف	ح ی					محلل اورام مقوی باصرہ مشہی مدر بول عصارہ بیخش تازہ با شیر گاو رافع حبس البول وسفت طحال
			باب السین مع الیاء						
سیہو			گیاہی خوشبو	ح ی ۳					سفت سنگ گردہ ومثانہ مدر شہر با محلل اورام وصلابات
سیسارون			بیخ نباتے	ح ی ۲					محلل مقوی معدہ مشہی طعام مدر بول نافع ضعف معدہ واعضای باطنہ
سیسیالن			درختی ست	ح ر ۲	مصلح محرور	کشنیز	باد آورد	۲ ماشہ	مقوی ومدبغ معدہ حابس اسہال ونفث الدم رافع سپرزو باشیر تریاق سموم

۱۲۷

آن نیز نفع دہد

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سیسیا			ماہی ست	ح ی ۲					بطی الهضم سلین بطن خلاء آن مفید دواء الشعب و برق بنشش و جرب خاکسترا بستخوان آن جالی
		سیسول	درختی معروف	ح ر					مصلح زہر ہی مفرا راض جذام و برص و درد شانہ و فساد خون قاتل کرم شکم و مستعمل قاز و چوب اندرون او ست
		سیسنبل	درختی معروف	ح رو گویند ب ی					پرادہ موسلہ درخت یکدو سالہ آن یا برابر آن نبات تا ماشہ تا ۲ روز خوردن نہایت مقوی باہ و کرم و ہسک
سیلان			عصارہ خرما	ح ی ۲	محرور بن	سیوہ ترش			منفج محلل مرقق طبیعت سالی معدہ امعا مقوی کبد باہ و باہ و منقط صالح الغذا محرق خون و مسدد
سیسالیوس	کاشم رومی		نباتی ست	ح ی ۲	محرور بن	کثیرا	انجدان	۲ ماشہ	محلل ملطف بمسکن منفتح مقوی معدہ مدر مفید صرع و عسر نفس و مقوی باہ مخرج جنین
سیسیز	سیسنبل	برنان	نباتی ست	ح ی ۳	ریہ	کثیرا	بادرنگبوہ مرزنجوش	از خشک آن ۲ ماشہ	مفرح منفتح مقوی احشا و روح دماغی مدر بول و حیض مخرج کرم معدہ جنین مرد و محلل اورام درد
	سیم		ترکاری معروف	ب					مقوی معدہ گران انفاخ قابض و باد انگیز و چونکہ اندکی عفوصت دارد مقوی معدہ گفتہ اند
									مقالہ سیزدہم در بیان ادویہ کہ اول آنہا حرف شین معجمہ است
									باب الشین مع الالف
شاطرا	ریشتک	ساتھل	دوای ہندی	ح ی ۳	مصدع	فوکہ بارد		۲ ماشہ	مسہل قوی مفید فالج و لقوہ و عشہ صرع و امراض بارد دماغی و از جملہ اجزای معجون شاہترج
شارف		بدہارا	شبیہ مانند تربد	ح ی ۱					مسہل بلغم مالی مفید امراض بارد ہ مزمن طبیع مقوی باہ مفید امراض اعضاء و امراض بارد ہ
شاہترج	شاہترہ	پتہ پاپڑہ	معروف	مرکب القوی ح ح	ریہ	کاسنی	نصف آن	از جرم آن یکتولہ تا ۲ ماشہ	منفتح مسکن کبد و طحال مقوی کبد و معدہ مسہل اخلاط ثلاثہ مصفی خون بلوی بلسہ اشتہا مفید تپہای مزمن

ع	ف	ه	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال و خواص
شاہسفرم	شاہسپرم	تلسی	بنائی معروف	ح ای ۲					مفتح علل ادرام جمیع اعضا خصارا آن باشکر رافع وسینہ و ربو و شہر خائیدن آن بعید قلاع پوسیدگی دندان
شاہ چینی			عصارہ جلد سیاہ	ب ی ۳					مجفف قابض طلای آن دافع صداع حار و باگلاب بای اورام و ابتدای قروح و سہر شربا
	شاہ پسند		بتفسیح الکلاب	ح ی ۲					سفید جرع آب بختن از دہن مخصوصا اطفال محلل ریاح شکم ایشان و رخصہا و قاتم مقام مرز نجوش
شاخل	وشاخل سبز	ازہر و تور	غلاء معروف	ح ی ۲	ثقیل	تر شیہا			فتح طحی اہضم قلیل الغذا قابض مخدر برای اسہال صفراوی و قی و قرب و فساد بلغم خون و دفع زہر نافع سقوط معدہ نافع امراض بلغمی قی بارد چون برش آب جوشاندہ مضمضہ کنند از الم و رد دندان نماید و مضاع آن
									باب الثاء المعجمۃ
شب یمانی	زمرد زال	پھٹکری	معروف	ح ی ۲	یکدرہ آن مخ سرو شہ	شکر و عناب	نیم سادر	یک قیراط	مجفف قاطع نزف الدم رخصہا اطعم قروح مصنع آب قابض رخاوت لثہ خشف ناخنہا بارد و بگلسر چوب سرکہ
شبت	شوت و شود	سوا	معروف	ح ی ۲	محرورین	آب لیمو	آن با	۲ تولہ	محلل منضج مفتح ہاضم مسکن مفرح مدر بول و حیض مفید برص و فواق اسکلی و ضعف معدہ
شیرم			نباتی	ح ی ۲	محرورین	در شیر خلیسا نہ زن	مازریون	یک دانگ	قتال مسہل سبعم و سوا مفتح دہن گرداندہ و مدر اسقاط مفید استسقا ازقی و قولنج و وجع مفاصل
شیہ	ریوی توتیا	کہربا	جسد معدنی	ح ی ۲	طحال	عسل		یک دانگ	مقوی دل و معدہ رافع خفقان محلل اطلا بر باکا سنی با اکتحال سوختہ آن رافع بیاض چشم و سلاق
									باب الشین معالثاء المثلثۃ
شت		گیاہے		ب ی ۲	شاۃ	عناب	سماق	سہ ماشہ	آب آن حابس قی و سقوی معدہ و قاطع نزف الدم سفید ام اضع چشم را نند ماہیتا
									باب الشین معالجیم

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شجرة ابی مالک			نباتی است	ح ۲ مع ی	مشانه	سکنجبین	حجامتی	تا ۱۰ ماشه	مقطع بلغم جالی مسهل سودا دافع امراض سوداویه و جذام و قرحه ردیه و نزف الدم مفتاح
شجرة الراهب			درختی است	ح ی				تا ۴۰ دانه	دانه شاخ بالای آن مقی و دانه شاخ زیرین آن مسهل و دانه شاخ وسط آن مقی و مسهل
شجرة المریم		۰	نبات بخور مریم	ح س مع ی	ریه	کثیرا		تا ۱۰ ماشه	مفتح رافع بلغم محرر نشره و جالی مفید زکام بارد و نزول آب در چشم و رافع عسر البول
						باب الشین مع الحاء المهملة			
شحرور			طائری	ح ر ۲	معده	روغن			سریع الهضم صالح الغذا مفید کرز و مانیخولیا و فالج خونش با روغن بادام مورث حسن صوت
شحم	پیه	چربی	معروف	ح ر	مغثی و مرخ معده	سکنجبین روغن زیتون			شحم خرس مفید دا الثعلب و پیه خوک منضج و ملین اورام حاره و مسکن اوجاع
						باب الشین مع الواء المهملة			
شربین			قسمی از سرو	ح ی ۳	مصلح	کشنیز			تعوق آن دافع دا الفیل مانع ریختن مو نطولا و رافع قمل و محلل طبیخ برگش دافع درد دندان
شریفه			معروف	ح ر ۲	بطی الهضم				مسخن مخرب معده محرک مواد و ساکنه ملین طبیعی اکثار آن مولد خون بلغمی محدث حمیات
						باب الشین مع الشین المعجمة			
ششترینه			بیخ نباتی	ح ی					مجرب برای استسقای زقی مخرج آب زرد
						باب الشین مع الطاء المهملة			

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
شطیبہ			نباتی	ح ی					مفید تپہای حارہ خاصہ تدر مفت محلل ریاح معدہ مفید علت شوکر ضماد
									باب الشین مع العین المهملة
شعر	موے	بال	معروف	ب ی					سوختہ آن سخن مجفف قروح محلل و قالع ثالیل با سرکہ رد کنندہ متعدیرون آمدہ ورا
شعر الجیاد			نباتے	ح ی					بخورش مفید تب ربع و تعلیق آن مانع ماندگی پیادہ روندگان
شعر الغول			گیاہی ست	معرح ی					مانند پر سیاوشان و منقی سینہ بخورش دافع تب و تعلیق آن بر بازو مانع ماندگی
شعیر	جو	سیح	معروف	ب ی ای در آخر اول	مشابہ و موزت لاغری	برعنبا و انیسون			جالی قابض مجفف رادع مسکن غلیان صفرا و خون و خشونت و حدت حمیات جاورسل و دق مناسب
									باب الشین مع الفاء
شفنین البری	بوتیمار	بگلا	مرغی ست	ح ی ۲	محرور	بہرکہ کشنیز			مسمن مجبوع آن مستحیل بخون صالح و مقوی قوت ماسک سوافی مغلوبین و محرک باہ و مزید حفظ
شفنین البحری		ساکوچ	حیوانی دریائی						خار آن بر جا خواب نہاد مورث بیخوابی و دفن آن در سفانہ مفرق اہل خانہ پاشیدہ مسحوق آن بر کبد عرش
									باب الشین مع القاف
شقاقل	گزر دشتی	ستالے	بیخی پر گرہ	ح ۱ ر ۲	آشتہا بہ صدر غر	عسل	حب الصنوبر و بوید ان	بکتولہ ماشہ	سہی مفتح قاطع بلغم مسخن معدہ و کبد و گردہ و مقوی پشت و ساد اعضا
شقاقل الغلان	گل لالہ		نباتی ست	ح ی ۲			شیح	از گل ۱۰ ماشہ	جاذب ملطف مفتح جالی مجفف آشامیدن گل خشک آن

ع	ف	ع	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
شقراق	کاسکینه	لثوره	مرغی ست سبز	ح ی ۱	مصدع	اسکنجبین عسلی او سکنجبین			محلل ریاح غلیظه و مواد بلغمیه و مرار مضم و مسهل صفرا محرور بن طلای سرگین آن دافع کلف
									باب الشین مع الکاف
شکاعی			نباتی ست	ح ی ۲	ریه	صمغ عربی	باد آورد	۷ ماشه	مجفف قابض ملطف بلغم مفتح قاطع نزول الدم ملیح آن مفید امراض معده و کبد و حمیات مرکبه و کهنه
شکرتیغال	تیهال		غلاف میوه	ح ی ۲	مفشی	شکر و زنجبین	نبات	یک تولچه ماشه	ملین صدر و خشونت آن مسکن حدت اخلاط و سوزش مجاری مفید قرحه و مصفی صوت و خشکی گلو و معده
شکرقند	زعین قند	شکرقند	معروف	ح ر	تفاح مسدد				مولد منی و مقوی باه و مغلظ منی و باعث تقویت دماغ
									باب الشین مع اللام
شلی			ثمر درختی	ح ۲ ی ۱	ریه	عسل		۱۰ ماشه	محلل قوی ملطف مسهل دافع ریاح مفید صلابت عصب و فالج و عرق النسا و قولنج
									باب الشین مع المیم
شمع	موم	موم	معروف	ح ۲ مع ر	دافع شهوه و مسکن	نان	آرد باقلا	۱ ماشه	محلل منضج ملین اعضا جانع تروح مصلح و حافظ مزاج دبر و غن کنجد حل کرده خوردن مفید قروح باطنی و سرفه
									باب الشین مع النون
شنبد		ست	خوشبوئی ست	ح ۲ ی ۱	مخدر و مرخی و مسکن سعفه	روغن کنجد		۴ قیراط	مقوی دل مفرح دافع اخلاط ازجه سینه مدر انضطلات مفرح بار عفران مفید خفقان و سرفه
									باب الشین مع الواو

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
شهداد	کباب و بریانے	کباب	گوشت بریان	ح ی	اکثار آن نفاخ و ثقیل				بدشیدن آن وقت بریان خود دن مقوی تلیس با مرض و بلغم و سریع الهضم جید الکیموس مسهل مقوی اعضای رئیسه
شوالصدر			گیاہی ست	ح ی ۲					مفرح مقوی ارواح و قوی مدر حیض مفید جهر النفس با شراب و دو حقنه برای او جماع مغاصل داخل شود
شوحطا			نوعی از بادنجان خبیث	ح ی					قابض مفید برای اسهال و جلوس در سایه آن ممنوع
شوکران	بیخ فقت		بیخ بناتی	ب ۴ ی ۳	نزدیک بحرم	قی اسهال	بزر البنج	نیمدانگ	مخدر مسکر سوم مانع کسر بستان ضماد او مانع شیرآن بر جهت صبیه مانع احتلام بر عاشر مانع صعود آمدن و بر شکم
شوخزه			نوعی از لفت	ب ۱ ر ۲	سهر و دین	سهر کردن و خمر دل			رافع ریاح و عفونت و مسخن جاذب دم از عروق ظاهر جلد و مسهل

باب الشین مع الیاء المثناة التحتانیة

شبیه			گیاہے	ح ۳ ی ۲				۱۰ ماشه	مفتح محلل مرخص منقی فضلات و مواد نزلی شربا ضماد ش رافع اورام ریحی و بلغمی و جاذب چنین شربا
شبث	درمنه		نباتے	ح ی ۳	معدد عقب و مصدع	مصطکی و مرمکی	افسنتین	۱۰ ماشه	مفتح قاطع بقسم محلل ریاح مسهل انحلاط فاسده مدر فضلات مخرج کرم معدد افع زهر عقرب ریسنا
شیخ البحری			حیوانے بحری						دلش نافع داء الثعلب و بهق و تعلیق پوست آن مانع تولد نقرس و دافع آن و رافع تپهائے بلغمی بخورد
شیرخشت	شیرخشک		شبیهی بخشت	ح امع بر ۵	مولد ریاح و مسرع الازالة	روغن بادام	تریاکیین	۱۰ ماشه	جالی ملین طبیع مسهل صفرا مقوی جگر مبعد مسکن حرارت معدد قلب و جگر رافع تپهائے حاره و صفرا و خشونت سینه
شیطرج		چیته	گیاہی ست	ح ی ۲	ریه	صبر عربی و مصطکی	مرجان ۳	۳ ماشه	جالی محرق منقط مفرح جلد مفتح مسهل مصفی آواز دافع ریاح و سموم و سبعی و مسقط جنین ضماد آن بر کزاز مفید
شیلم	گندم دیوانه		دانه ایست	ح ی ۲	مسکر و مخدر	قی و روغن و شبر	حندقوقی		مخدر مفسد صوت سموم موجب سدر جاذب خارش و پیکان محلل و با برگ کتان و سرگین کبوتر مسرع کشنده قروح

حاشیه اسهال

۱۱۴

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									مقالهٔ چهاردهم در بیان ادویه که اول آنها حرف صاد مهمله است
									باب الصاد مع الالف
صابون			معروف	ح ی ۳	کشنده ۳ درم	قی یا پسر گرم و روغن بنفشه		تا و باشه	مقطع معفن اکال منضج ملین اورام حالی مانع حمل اگلا مخرج جنین دفع حمولا مدر حیض دافع مدوز انو
صاصفراس			پوست درختی	ح ی ۳					ملطف مرقق رطوبات لزجه مفتح منضج مقوی اعضاء ریسه مدر محلل مزیل عسر البول رافع هوای بادی
صاصلی			نباتی است	ح ر					مفید در دفواد و ابرده و ریاح فم معده و اکثار ریح آن مبهی تخم آن دافع اسقال مانند شونیز
صامر یوبا			نباتی است	ح ی ۲	سپرز	عسل		تا و باشه	محلل حالی مسهل بلغم و مره سودا مدر حیض مخرج جنین تریاق زهر کژدم و ریتلا با شراب شربا
									باب الصاد مع الباء الموحدة
صبر سقوطری	ایلوا	ایلیا	صمغی ست	ح ی ۲	۴ مثقال	کثیرا	حنظل یکی	سه باشه	مفتح محلل مسهل اخلاط مجتمع در معده و سرد و مفاصل مزیل یرقانی مقوی معده و بصر و حواس دافع تخمه
									باب الصاد مع الحاء المهملة
صحناة	ماهیانه			ح ی		محرور و صفراوی سودا وی و بلغمی بنجبیل و کابه			مجفف رطوبات معده قاطع بلغم و حالی آن دافع بوی دهن مفید فالج ذوالمرار بلغمی و سودا وی مقوی بصر و
									باب الصاد مع الدال المهملة
صدف		سیپ	معروف	ب ی					ملطف حالی حابس اسهال و نفث الدم و نزف الدم و مقوی نشه و مجلی ندان سفوفا مزیل خوالیل

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الصاد مع الراء المهملة
صریرۃ الباب			نباتی	ح ی ۲	گردہ	عناب		۱۰ باشہ	مفتح مدر بول ملین مخرج ریگ مقی رحم دافع عسر نفس وسعال وشموم کل آن مقوی دماغ تنمو دمحرک باہ
صُرصُر	چرواشک	جھینگر	معروف	ح ی ۲					بریان آن مفید شانہ اکلا وسائیدہ خشک آن با غلفل مفید قولنج مرفوع العلاج
									باب الصاد مع العین المهملة
صعتر	ایشن	ساتر	برگ گیاہے	ح ی ۲	ریہ	سرکہ		تا یکتولہ ۱۰ باشہ	مفتح مقطع مجفف محلل ریاح وبلغم وملطف اغذیہ غلیظہ مہی مشہی مقی ریہ معدہ وجگر واسعا
									باب الصاد مع الفاء
صَفْرَاءُ غُول	سنگاز بچہ	کھنجن	مرغی ست	ح ی ۲					گوشت آن تلخ وباقوت تریاقیت دخام ومحرق آن با ماء العسل سفت سنگ گردہ ومثانہ مدر دمفید دشسر البول
									باب الصاد مع المیم
صمغ	آرد و کوچ	گوند	معروف	می مسہل	سفل	کتیرا وگلاب وصندل	صمغ بادام وحب الاس		مغری ملین صدر قابض ومقوی معدہ وحافظ استخوان رافع حدت وحکایت ادویہ حادہ واسہال صفراوی
صمغ البلاط			انگبار وعرق انجدہ						ذرور آن برای التصاق موی نمودہ چشم القیام جراحات تازہ ومانع آنہا از تقیح قوی
صمغ الدامیتا			صمغ تلخ	ح ی				۱۰ باشہ	ملطف مسخن محلل وقائم مقام حلتیت الا کریہ الرائحہ نیست
									باب الصاد مع النون

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
صندل		چندن	معروف	ب ای ۳	قاطع باه وصوت	عسل نبات	کاکوره اشنه	۲ ماشه	سفید آن مفرح قوی دل و معده و رافع قابض محلل اورام باره جالب مواد و مسدد و مفید محققان حار و یبوسی صفراوی و سرخ آن در اعمال مذکوره ضعیف شربت او قوی بطلاء و معجون در سه چهار
صمغ العربی			اقراصی ست	ح ی ۳	مقرح	روغن گل			قاطع اسهال و منضج و ملین و مفتح و رافع خشونت حلق و قاطع سیلان صفرا و محلل و قاطع حمل
صعتر			درختی ست	ح ی ۳					برگ او پوست آن را در گلو چرک یرقانی بلوقاطع عاقیها بس بضم صفه طبخ آن دافع درد دندان
					باب الصاد مع الواو				
صوف	پشم		معروف	ح ی ۲					سرخ آن برای بواسیر و جاهای پشمین مسخن و مجفف بدان و مورث خارش و سخت کننده جلد
صوف الحمار			چیزی شبیه به پشم						قاطع اسهال و ضماد آن مفید تنزف الدم جمیع اعضا
					مقابله با ثرد و سم در بیان ادویه که اول آنها حرف ضاد مجمه است				
					باب الضاد مع الالف				
ضان	گوسپند	بهیڈی	معروف	ح ر ۲					سریع الهضم و الدخون متین کثیر الغذا اسمن مقوی موافق دل جگر و گرده و مقوی هر سه و معده
					باب الضاد مع الباء الموحدة				
عنب	سوسمار	کوه	جانوری ست	ح ی ۳	محرور بلغمی	باسر کبد بلغم			مقوی باه و اکتحال سرگین آن رافع بیاض عین و نیز دل آب و طلای آن دافع کلف و بهق و نمش

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ضبع عرجا	کفتار	بچه و دختر کره	حیوانی بزرگ	ح ۲ ی ۲	ریه	عسل			جلوس بشحیم آن مفید وجماع سفاصل و تمدد و کرز از استعمال او عرق النساء و تقرس و ریاح غلیظ و زهره آن مسهل
					باب الضاد مع الجیم				
ضجاج			صنع درختی	ح ی ۲					ضماد آن برای بریدن گوشت از قروح و ملتئم آنها و عسل با آن برای ورم بارد و سستی اعضا و صفی آنها
					باب الضاد مع الراء المهملة				
ضرو	درخشک		درختی است	ح ے			بول وعن آن وعن الیه بشم		جاذب مفید سر فرشه باسپیلان بطبوبتا زهن و حم شریا و حابسین بطن و مفید در دندان و گوش و قلاع
ضریع			برگ نباتی	ح ے					مفید رد منفاصل لطولا رافع جرب و حکه و مفید کام بخور او ملتئم جراحات و خوردن آن هرگز فربه نگردد
ضرع	پستان	چوچی و تهن	معروف	ب ای	بیرودین	مصطکی و خولنجان			صالح الغذا اگر خوب هضم شود والا مولد خلط خام بلغمی و مدر بول آن و مزید شیر و دافع خمار
					باب الضاد مع العین المهملة				
ضغیوس	سنجه		غنای کوچک						برگش قاطع باه و بیخ زیر زمین آن محرک باه و کاسر حدت صفرا و ملذ طعام است و کشک
					باب الضاد مع الفاء				
ضفدع	وزغ	بنه ک	معروف	ب ۳ ی ۱	سم قتال	قی آب و نمک			بری سم قتال اگر نش بر سیمان بسته الماس خرد و طلع نماید و بکشد الماس چسبیده در آید
					باب الضاد مع المیم				

۱۳۶

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
عنظران			نباتی	ح ی ۲					مفید امراض بارده و در کام مفید قراح ضماد او سوختگی آتش اثیر منقوع و ماغ محرور گلاب پاشیده
									مقاله شانزدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف طای حطی است
									باب الطاء مع الالف
طالیسفر				ح ی ۲	ریه	عسل	کمون	۴۰ ماشه	مفید لقوه و فالج و نفث الدم و نزف الدم حابس اسهال مع اثیر قروح امعا و مفید دردندان و قلاع
طالیقون	مس		مسی زرد	ح ی ۳			و مانع تعفن آن ۱۲		سم و چون متقاشی از آن بسلخه موی از آن کشند بر نیاید نظر آئینه آن بجا تاریک مفید صاحب لقوه
طاوس[۵۱]		سور	معروف	ح ی ۲ ای در آخر ۱۲	گوشت آن بسیار گرم	ابازیر			بطی الهضم و در خلط غلیظ و سوداوی و صرع آن دافع درد معده و قولنج و مفاصل
									باب الطاء مع الباء الموحدة
طباشیر		مسلوجین و تبا کبیر	معروف	ب ۲ ی ۲	مداومت آن با	عسل و تصبیکه	تخم خربق[۵۲]	تا ۷ ماشه	قابض مفرح مقوی دل حار و بارد و معده و جگر حار و سکن عطش قاطع قی صفراوی و اسهال دموی
طباق			نباتی است	ح ی ۲				۷ ماشه	گل صغیر آن مقوی کبد و مفتح و مفتت دافع سموم و مسهل و مخرج جنین و برگ آن رافع صداع
									باب الطاء مع الحاء المهملة
طحال	سپرز	تلی	معروف	ب ی			پاک کرده از متعروق		بطی الهضم ردی الکیموس بد خون سودا و زرد خون خشک آبا مصق و قاطع نزف الدم جراحات
طحلب		کاه آبی	سبزی است	ب ر ۲					حابس دم ضماد اً محلل مفید بهای جاره و نقرس[۵۳] و فتق اطفال و قابض مخرج زلوی حلق

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الطاء مع الخاء المعجمة
طخشیقون		ر	دوایی مسمی						ضماد آن مفید قوباو گویند حلیت بادزهر آن است وضماد کردن بموضع جراحت آن
									باب الطاء مع الراء المهملة
طراثیث			نباتی ست	ب ی ۳	ریه	شکر	عفص ۵	تا ۷ ماشه	قابض قاطع حابس اسهال وسیلان خون وعرق وتقوی کبد ومعده ومحلل مقوی مفاصل
طراشنه			نباتی ست دو قسم	ح ی					اکتحال عصاره صنف اول رافع بیاض چشم وعصیر آن دافع نفخ وضعف کبد وطحال ودوم نیز کذلک
طراغنون			نباتی ست						اکتحال آن مانع کثرت دموع ومعطر بوی دهان مضغ
طراغین			نباتی ست مغروس	ح ی					ده دانه آن با شراب برای اسهال وسیلان وطوبات کهنه نافع
طراغیون			نباتی ست	ح ی ۳					سفت با شراب مدر حیض مخرج جنین شربا جاذب خمار وبیکان ضماد اکوچک آن قابض وحابس اسهال
	طرخون		نباتی ست	ح ی ۳	محرور رین و قاطع باد	بقول اباردہ			محلل ریاح واخلاط منفتح مقوی معده مشهی مجفف ناشف معطر دهن ومعذر آن مفید قلاع
طرفا	کز	جهاؤ	درختی ست	ب ای ۲			اتل		قابض مجفف رادع محلل مفید جذام وبرقان ومفتح ومقوی لثه ودندان وحابس اسهال
طریخ	حلوا ماهی	ماهی ست		ح ی ۱	محرور رین	بروغن گنجد بریان کرده			مشهی بسبی جالی مقطع بلغم صفرا ملطف سودا بغلیظ مفید حمیات حاد طین
طرنجبین			نباتی ست	ح ی ۳	گرده	کثیرا		۷ ماشه	مفتح مقوی معده جگر مدر بول وحیض مزیل صرع وشوصه واستسقا وعسر البول وسموم هوام

طرخون نباتی ست گرم وخشک در سیم ۳ ۱۲

طرنجبین نوشته شود ۵۴

طرفا درختی ست گرم وخشک در دوم ۲ ۱۲

طریخ ماهی ست گرم وخشک در اول ۱ ۱۲

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
طرفیقولیون			نباتی ست	ح ی ۳	سفل	کثیرا		تا ۷ ماشه	مقوی معده وجگر قاطع اخلاط بارده مفید خفقان دافع سموم ودود ومریح آن برای آسهال بطن
						باب الطاء مع الفاء			
طفشل	عدسی		عدس سفید شتر		شیر بینا				قلیل الغذا مقوی معده حار مسکن حدت خون وصفرا مفید یرقان مرکبه بلغمیه صفراویه قاطع حمیات
						باب الطاء مع اللام			
طلع	بهار خرما		شکوفه درخت خرما	ب ای ۲	شیر بینا	اکثار آن سولد قولنج			مقوی معده قابض طبیع مسکن حدت خون ومیراید قوه جنسی آن دافع عطش شرب آن واسهال
طلق	ابرک	ابهرک	معروف	ب ای ۳	کثیراو تخم کرفس	سپرز وگرده		تا ۷ ماشه	بادویه ستا سبزی آسهال سوداوی کبدی تنزف الدم همه اعضا نافع شرب آن مفتت سنگ گرده وبثانه
						باب الطاء مع الیاء المثناة التحتانیة			
طیرانه			نباتی ست	ح ی ۴					از سموم قتاله تا آنکه اگر بوینده ولمس کنند
طین	خاک	مٹی	معروف	ب ی	صحاح حصاة ودیدان				قابض مجفف جالی مسدد حابس اسهال مسکن التهاب گرمی مقعد ومقوی اعضا
طین الاسیض			خاکی سفید	ب ی					جالی محرک قوی هر غشاء مفید قرح مزمنه ودمامیل ومحلل اورام حاره ومسکن آنها
طین الاخضر			خاکی سبز	ب ی					برمان نموده آن دافع حرارت قلب اگاه وغسل سرمان مسکن حرارت دافع چرک وسپش
طین الارمنی	گل ارمنی		گلی سرخ	ب ای ۲	طحال	مصطکی وگلاب وحجازی	طین مغره	تا ۷ ماشه	قابض مقوی معده وقلب حابس نزف الدم ونفث الدم مفید ربو وسل وسرفه وضیق النفس

افعال وخواص ق ب مص مض ط م ه ف ع

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
طین الاصفر			خاکی زرد	ب ی					قابض حابس مفیہ نفث الدم وذرور قدیم استطلاق باطنی وقیام المرۃ شربا
طین الاخضر			خاکی است	ح ی					جالی مفید قروح چشم وتعلیق آن حافظ جنین میشود وشاشان کہ ابی ثبات بگل آنرا مستعمل آرند
طین الاسود			خاکی سیاہ کثیف						محلل اورام صماد او طلاء
طین الجلود			خاکی سرخ	ح ی					محلل قابض وآب بار تنگ برای استعمال مضید وغرغرہ آن جائز نہ
طین الخراسانی			گلی سفید	ب ی	اکثار آن مفسد مزاج وتخم قرس	اسہال وتخم قرس		یکتولہ ا شاشہ	مسطر دہن ومقوی معدہ ومسکن عطشیان وقی مانع سیلاب لعاب دہن وقت خواب رافع ہیضہ
طین المغنسانی			خاکی ست	ب ی	مسدد ومفسد لون	شستن وبیاض کردن			مفرح رافع خفقان وغشی وسمیت اخلاط وتپ بائی حادث از اخلاط فاسدہ
طین المرتوتی			خاکے	ب ی	مسدد	شستن			قابض مجفف حابس اسہال باشستہ وطلوبات سعد وعزیل او ساخ بدن وہوی مفسد رنگ
طین المروی			خاکی سرخ	ب ی					قابض مجفف محلل ومانع اورام اجفان بآب کاسنی طلاء ودافع خون آمدن از عین
طین شاہ پوش			خاکی سفید	ب ی ۲					قاطع عرق حیض وجریان عرق بقدر یکمثقال با گلنار شربا ودورم آن با آب وسرکہ مفید قرحہ اسعا
طین ہمو دی جمید			خاکی سفید						تریاق سمیت بہ ام طلاء وشربا وبا خود داشتن آن موثر ودر افعال مانند طین قبر سے
طین الغار سے			گلی سفید	ب ی	ریہ و مثانہ	آب سرخ		۹ ماشہ	برای درد وشش مفید
طین القیمولیا		آبری مٹی	خاکی	ب ی			طین مصری		مجفف محلل قابض ناشف بقوی معدہ وامعاء وحابس اسہال صفراوی ومسکن سوزش مقعد

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
طین قبرسی			گلی سرخ	ب ی			طین مختوم	یکماشه تا ۲	قابض مفید نفث الدم وقرحه امعاء وسحج آن وسحج کبد دافع حرارت باطنی وسمیت ادویه
طین الکرتی			خاکی	ب ی					جالی محلل وبرای اکتحال برای دیدن اشعار ودر ادویه دافع کلف وحکه مفید نزف الدم باطنی
طین المختوم			خاکی سرخ	ب ی ۲	قریه وسیرز	کتیرا و عسل	گل ارمنی	۷ ماشه	مفرح مقوی قلب معده وسعر مجفف مقاوم سموم قابض افواه عروق مفید قرح ورمیه حلق
طین البصر			خاکی	ح ای ۲					جالی مجفف قابض مقوی دافع اسهال الدم واستسقا وطحال وادرام کهنه رخوه دبوا سیر قدیم
			خاکی	ح ی ۲					جالی مفتح جاذب خون بظاهر جلد وصفی رنگ خسار مفید بوغشی بالتش کم متقرح شده باشد
				ب ی					در افعال مانند طین تربت مرقد منور حضرت سید الشهدا است که برای استسقا قدری از آن با دعا وشرایط خورند
				ح ی					جالی محلل ادرام طلاءً
طبوج	طبو		مرغ	ح					افعال وخواص آن مانند کبک وبرای تقویت ضعیف الاحشا نهایت مفید ۵۳

مقاله هفدهم در بیان ادویه که اول آنها حرف ظای معجمه است

باب الظاء مع الفاء

ظفره	علف کم داغ		گیاهی است	ح ی ۴					اکال لذاع سم قاتل اضعاد آن جوشنده تا فیل ونواصیر واکلره وکلی وقایم مقام وریک بر دیک
ظفر النقط			نباتی است	ب ی ۲	سفل	صمغ عربی	اقاقیا	۴ ماشه	قابض عصاره تازه آن قاطع رعاف ونفث الدم صدر واسهال ونزف الدم رحم وبواسیر شربا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
عنفر قطورا			گیاهی است	ب ی ۳					معجون کوبیده وخشک آن با عسل دافع قرحه امعاء وبیج آن قاطع نزف الدم عضا وذرور آن علیه خصوصا
									باب الظاء مع اللام
ظلف	سنجد کشنگ وسم	کهور		ب ی ح					سوخته آن مسهل بلغم صفرا وضماد آن با شراب دافع گزیدگی هوام وبا عسل دافع لقوس ومفاصل
									باب الظاء مع الیاء المثناة التحتانیة
ظیان	یاسمین بری	جوهی	نباتی است	بیخ آن ح ی ۴	بکمثقال آن شسته	۴ عدد بادام شیرین		۱۰ ماشه	محلل ملطف گل آن بصداع شقیقه دماغ خلیفه دافع تشوش دماغ وبیخ آن فالج ولقوه وسر وضیق النفس دافع
									مقاله پنجم در بیان ادویه که اول آنها حرف عین مهمله است
									باب العین مع الالف
عاقرقرحا		اکرکره	نباتی است	ح ی ۴	ریه	کثیرا وبویزج	دار فلفل وعسل	۳ ماشه	مفتح منقی مضغول دماغ جالی بلغم مفیه للقوه وفالج وعرشه وکزاز ولکنت زبان ودرد سینه ودندان
عاج	نیل دندان	ماتهی دانت	معروف	ب ی					دودرم بیراده آن با ماء العسل با آب مقوی حافظه وفهم ودافع درد مفاصل پهلو وبمثقال آن با شکر مسیز
عاقول			نباتی معروف	ح ی ۳	گرده	کثیرا	خندقوقا		مفتح تریاقی سموم مفید بود اسیر شیر با طلاء خاکستر آن مفید قروح سعفه اگر جمره زنند ورم زیاده نگردد
									باب العین مع الباء الموحدة
عبیثران			نباتی است	ح ی ۲				۷ ماشه	مفتح محلل مقوی دماغ ضعیف وبارد وقلب ومعده ورحم ومحرک جماع در سرود معین برحل ومسکن البخره شموما

قبض قرمی مالیدن ۱۲ ازرق زدن بخاریدن دبیرجه فرو کردن آن وفا دادن ۱۲ وعاقر قرحا اکلیل کوهن دبیخار آن دبیخ قوقوهن دبیخیان دبیخ شاه تره ۵۱

ع	ف	ه	م	ط	ض	ص	ب	ق	افعال وخواص
									باب العين مع التاء المثلثة
عشق			نباتی ست	ح ی ۳					محلل محرق مصلح خشک آن مسترخه سوی صفراوی محرر ۴
									باب العين مع الجيم
عجين	حمير	ماوا	آرد گندم	ح ی ۲	سينه عليل	کثيرا			ملطف جالی محلل مفتح منضج ومايل مسکن دردندان سبحی وصماد آن با حناور وغن ورنک محلل صلابات بالايوشه ۱۸ درم
									باب العين مع الدال المهملة
عدس	مرجومک و نشاسته	سمور	معروف	ب ی ۲	سودا وے ۵۱	پرخون گاو	ماش		جالی نفاخ بطی الهضم مولد خون سوداوی قابض مسکن غليان خون ومغلظ آن مجلم خوابهاے پريشان ومظلم بصر
									باب العين مع الراء المهملة
عرعر	سروکوهی		درختی ست	ح ی ۳	مخشن سينه	کثيرا			سخن مفتح قابض مقاوم سموم عدر بول حيض مغيث مسفر ودرد سينه وسعال وضعف معده ومقوے
عرق	خوی	پسينه	معروف	ح ـ					محلل جالوے عرق دابه رد رنگ سبزی آن وخناق ايد اکند اکلا علاج آن تنقيه بماء العسل پس روغن گل
عرق السوس	موسيائی		چيريست شبيه بقير	ح ۳ ی ۲					مقوے ارواح ودل مفرح محلل مواد بارده بعين ۵۲ مفتح جالی ملتهم قروح مغيد عشق ناگ لقوه جذام وداء الفيل
عرن				ب ی					نيم درم آن با سرکه مفيد صرع مرطوبی وآب برگ آن سموم وبخور آن برای اختناق رحم وحمی ربع مفيد
عروق الصفر	زردچوبه	هلدی	معروف	ح ی ۳	قلب	آب لبوا ترج	قوت الضبع ۵۳		جالی تبصر مفتح مسکن دردندان مشوے کرده مفيد جرب وبياض ومقوی چشم ومجفف قرح دوا فع درد آن ۷ ماشه

۱۴۴

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب العين مع السين المهملة
عسل النحل	انگبین و شہد	مدہ	معروف	ح ی ۲ ابتدائے خیر تازہ و آن ۱۲	مصلح محرور	سرکہ و کشنیز	دوشاب انگور	۵ مثقال	جالی فتح مقطع دمنقی بلغم مزمن را مسترخا و استسقا و یرقان و سپرز و عسر البول و سموم بارد موت و مسکن عطش
					باب العين مع الشين المعجمة				
عشبہ بحریہ		رس نزدیک بطعمے ۱۲	شناخ نباتے	ح ی ۳	محرور	روغن بادام سیر آن	چوب حبنی	۹ ماشہ	محلل مرقق ملطف معرق مرض صفرا مراض بارد دماغ وصدر و معدہ و کبد گردہ و مثانہ و رحم وغیرہ
عشر		آکل مدار ۵	درختی است	شجر آن ح ی ۴	محرر مسہل قتال	سقے		از لبن بکاشہ	اکال مقرح جلد قاطع بلغم مسہل حالق سوداء و طلای آن نافع کچلی و سعفہ و قوبا و دانہ بواسیر
عشرق		۱۲ ۱۲ ۴	سنای بیل	ح ی					طبخ آن حقنی رحم و تخم آن مہر بول و شیر و جرب تریاخشک آن مفید بواسیر و مسہل سودا کلاً
					باب العين مع الصاد المهملة				
عصفور	گنجشک	چڑیا و گوریا	معروف	ح ی ۲	محرور	مجفف بصفر			مسخن مسہل مولد منی مولد بین محرک باہ ۱۳ فربہی منع مفید صاحبان غالب و لقوہ و خدر و استسقا
عصی الراعی	کستہ	لال ساگ	معروف	ب ۳ ی ۱	بارد	مجفف و قبض نفثہ و بلغم		اوراق مقابل	قابض اوراق حابس نفث الدم و زحیر الدم و قی صفراوی و اسہال مزمن مرارے قاتل کرم گوش
عصب	پٹھ		معروف	ب ی					دیر ہضم سودی الغذا و سریشم مصنوع ازان بڑی التصاق شیر منقلبہ نافع
					باب العين مع الضاد المعجمة				
عضل			معروف	ح ر	محدث قی	ایمان ابارید			جید التقد اصلا الکیموس و لذیذ و خفیف بقدر کہ آن عضل اعلای بدن اعل از اسفل ست

۱۴۵

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب العين مع الطاء المهملة
عظاية			دابة بست						دود اگر آن را فرو برد بمیرد گزیدن آن نافع جرب خبیث سرزنده مورز زهر و سرگین آن قاتل
عظم	استخوان	ہڈی	معروف	ب ای ۲				۱۲ ماشه	قابض است تعظیف تعلیق دندان شعله شیخ تعلیق دندان طفل تقدم کند اول العقد و بهمین سعد نافع استسقی
									باب العين مع الفاء
عُفْص	مازو	مازو پھل	معروف	ب ای ۲	سینه و حلق	کثیرا	بسته	۱۲ ماشه	قابض است بسوزانیدن نافع سیلان رطوبات قاطع رعاف نفوخاوه مصه و سلاق وجرب اکتحالا
									باب العين مع القاف
عُقاب	الرواله	گیده	طائر ہے	ح ی ۲					زهری الکیموس زهر آن بر آب ابتدای نزول آن بمفید را فع غشاوه و قروح عین سرگین آن جالے
عَقْرَب	کژدم	بچھو	معروف	ب ی ۳	ریه	گل ارمنی		۱۱ ماشه	ارز ماده آن روغن آن برای فالج و لقوه و استرخا و ابیاض مفاصل نافع طلاء و سبهے
عقرب بحری		سینگی مچھلے	ماہی ست						زهر و آن دافع نزول آب و غشاوه و بیاض و قروح چشم اکتحالا و دافع وا را لثعلب طلاء
عَقْعَق	کاگ	ہوکرا وہوکا	طائر ی	ح ی					خورد آن عسر تجویز زهر و آن جالی غشاوه و قروح عین و مورث مجنون و بنظر خلائق و بخور زبل آن مفید ربو دخاش
عقیق			سنگی معروف	ب ی ۲	گرده	کثیرا	بسته	۱۱ ماشه	مقوی دل نافع خفقان حابس قی حیض مفتت مقوی البصر و دندان محرک دلشه
									باب العين مع الكاف

ع	ف	ة	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
عکبر	برسوم		چیزی مانند سوسن	ح ی ۲				۳۰ پاشه	خوردنش منع جاذب خار و پیکان نماید و حمول آن قاتل جنین و بخور آن برای سرفه باد نافع
عکر			دردو دیان	عکر زیت ح ی ۲					قالع دندان کرم خورده مفید نزول آب در چشم محلل ریاح طحال مفید غرق النسا و نقرس
عکب			نوعی از حشف						مقوی باه و آنرا با قوه مغشوش نمایند
عکنه			نوعی از سوسن	ح ی ۲					سهیه و محمر خسار بسیار حتی سرا نیز و مستعمل زنان بست دروسمه
				باب العین مع اللام					
علس	گندم کوه		جی است	ب ر					قابض چون طبخ نمودهٔ صاحب اسهال را نشاند مسکن وجع آن گردد و حرقت آنرا زائل کند
علق	زلو و دیو خیو	جونک	معروف	ب می					عوق مشک آن محلل خناق و نفث و مخفف اورام بواسیر و جانی یخته آن بروغن زیتون معطر فکر اگر ۱۵ عدد بزرگ آنرا با ۴ مثقال خراطین شسته خشک کرده بدیم آثار روغن گنجد جوشانده صاف نموده شیشه
علک البطم	سقز		صمغ درخت مقطم	ح ی ۲	محرور	مسخنین		۱۰ پاشه	محلل ملطف مقوی باعضه مدر بول منقی اورام جاذب رطوبات بلاغم از دماغ
علیق	درد		نباتی	مرکب القوی	گرده	شکر		۱۰ پاشه	مجفف مبرد اورام حابس نفث الدم و رعاف الدم پسیلان رحم مقوی احشا مفید امراض عین
علیق الثعلب	درخت گل		نباتی	گل آن ب ی		شربت مصری			طبیخ پوست ثمر آن قابض طبیخ و صابون گل آن قابض مخفف مفید اسهال موی سفید و ضعف معده
				باب العین مع النون					
عناب	جبلان و سیلان	ولایتی پیر	ثمر درختی	معدو بارد	شکر و سویز	سپستان یا سویز		۱۵ عدد در مطبوخ	منضج اخلاط غلیظه لزجه صدر مسهل اخلاط دقیقه رافع خشونت سینه و حلق و قصبه و شر در بحقن

محل مهر

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
عنب	انگور	دا کھہ	مُرَبیست	ح ر ا	معدہ و مدر بلغم طبیعی	زبیب	زبیب		جالی منضج مبرد الاخدار کثیر الغذا مولد خون صالح معدل امزجہ غلیظ مصدع مخرج مسمن مزید باہ گردہ
عنب الثعلب	انگوی	انگوی	معروف	ب ی ۲	مشانہ	تخم یا عسل	کلکنڈ یا شکر		ملطف مسکن حرارت نافع قوابض محلل اورام مہارہ برش ای اصداع ضماد امتیدہ امراض گرم و عین
عنب الدب			درختی	ب ی ا					تمر آن مضیف نفث الدم و سویق خشک آن حابس اسہال و یبوسش آن مجفف جاذب محلل
عنبر			معروف مشہور	ح ۲ ی ا	نوشتہ ترقی در محرور	کافور	مشک و زعفران	یک انگ	حافظ ارواح مفرح مقوی حواس محرک شہوت مین مفتح مقوی دماغ محلل معرق مین دافع امراض ساوداوی
عندلیب	ہزار داستان	بلبل	معروف	ح ی ۳					محرکا باہ گرگین آن جانی قوابض مصفی رنگ خسار ضماد آن مزیل کلف و محو لش مسقط جنین مضاد کژدم آن ملتہم
عنقود			خوشۂ نباتی	ب ی				۱۰ یا شہ	مقوی اعضا مانع ریختن مواد باعضا و رافع اورام حارہ ضماد او مسکن حدت خون و صفرا
عنکبوت	کارتنا و دبوا	مکڑی	معروف	ب ی					بستن تار آن حابس خون جراحات و نسج سفید غلیظ آن در پوستی ببازو بستن رافع تب غب
عنم		سکردارے	نباتی ست	ب ی					برگش مقوی دندان مضمضا و آشامیدن آن مقوی معدہ و حابس اسہال و حیض و نزف الدم و مجفف
					باب العین مع الواو				
عود	اگر	چوب درختے	ح ۲ ی ۳	محرور	کافور و سنجبین	قرنفل و دار صینی		۴ ماشہ	مفرح ملطف مفتح مقوی اعضا و حواس دماغ و قلب کبد معدہ و خشاوگردہ و منتشر ریاح
عود البلسان	چوب بلسان	شاخ درخت بلسان	شاخ درخت بلسان	ح ی ۳	امعا	کتیرا	حب آن	۲ ماشہ	مفتح مقوی قوی منبقی دماغ مفید دوار صرع و رطوبو ضیق النفس و سموم مجفف رحم مزیل عقم
عود الحیہ			نباتے	ح ی ۳				۲ ماشہ	مقوی حواس محلل ریاح نیمدرم آن دافع سموم و دست داشتن آن مانع گزیدن ہوام

					ح ی ۲ ای تازه ان	بیخی ست				معطس جای محلل رافع نمش و کلف و برص و خون مرده زیر جلد و تعلل بطلا آن بجراحت دواب
					ح ی ۳	بیخی ست				ملطف جلای مفتح قاطع بلغم محلل تریاق سموم منقی دماغ مفید قابض و لقوه
				سپیز و نخود		درختی	ب ای ۲			رافع بیاض عین و ورد و قلاع و جمره و جذام و جرب و امراض سوداوی
										باب العین مع الیاء المثناة التحتانیة
عینون										
عین الدیک	چشم خروس	گهنگچی								
عین	چشم	آنگهه								
										مقالهٔ نوزدهم در بیان ادویه که اول آنها غین معجمه است
										باب الغین مع الالف
غار										
غاریقون										
	غاز									

ح	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
فاغاس			نباتی	ح ای ۲					دافع ورم گوش بخاراو سرفه کهنه مضیق النفس ریو وسینه ومفتح مفتت مرتحلل سفید عاش صفراوی
غافث			گیاهی بخاردار	ح ای ۲	طحال	افسنتین	اسارون ۳	۲ درم مطبوخ ۱۲	ملطف مقطع جاذب جالی مفتح منقی مجاری مفید تهماری مرکب واسهال بخاراو سوخته ومدر
غالیون			نباتی	ح ای ۲					مابس نزف الدم گل آن مفید سوختگی آتش وقاطع خون قمر وح وبارزن گل رافع اعیاء بیخ آن
غالیه			دوائی مرکب	ح ی					منحی قلب ومفرح وساکن غیظ وقوی دماغ وحواس ومفرح مسکن صداع بارد وقاطع ولقوه تمرهندی محلل ومدر
									باب الغين مع الباء الموحدة
غبار الرحی		گرد سیما	معروف						مجفف سعوط آن قاطع رعاف بخاراو آن برص وبهق وآبله رنجش مع لوبیا چشم وتقویت اعصاب
غبیرا		سنجد	تمر درخت	ب ای ۲	معدی	غانیذ	بندق	۵۰ عدد	مفرح مقوی معده صداع وقشر حار ومسکن قی قاطع صفرا مانع صعود ابخره حابس اسهال وتقطیر البول
									باب الغين مع الذال المعجمة
غذاف			نوعی از کلاغ	ح ی					گوشت آن محلل سوداء خلط غاسد مطبوخ آن ثابت برای ریاح تهیگاه وبرد زانو نافع سرگین آن جای
									باب الغين مع الراء المهملة
غراب	کلاغ	کوا	معروف	ح ی ۱					مفید بمرود بن مرطوبین ومشائخ وزیادتی منی وهر بسه آن محرک باه وکرد آب جوشانده وصلابت کرده
غراب الشق			زاغی الملق	ح ی ۲					زیر هفتم وروی قاطع باه تعلیق چشم آن مورث بیخوابی

ع	ف	ک	م	ط	معن	مص	ب	ق	افعال وخواص
غرب			درختی	ب ی ۲	گردہ	صمغ عربی	نیم آن وقتیا		مجفف بمسکن وجع گوش ودافع جرکات آن ومجلی بصر ودافع بیاض وورم مخرج زلوی ورحلق مازہ
غری الجلود	سریشم	سریس		ح ی ۲		للبیخ الاصول		ابہشہ	مغری مجفف مفید سعفہ وقروح مطلا ملتم مفید حرق النار وجہر کسر استخوان وفتق تازہ وجرب وقوبا
غری السمک	سریشم ماہی		رطوبتی	ح ی ۱					مداومت بمتقال آن مفید سل وضماد آن بتقاق مخساره برص رانافع وبمتقال آن حابس نزف الدم
									باب الغین مع الزاء المعجمة
غزال	آہو بچہ	مرگ	سیوا نے	ح ی ۲	کمر بقس	سنجبین عوالم			موافق مزاج انسان ودیر ہضم ومطوبین مجفف مفید مفلوج وصناع قران ومنقاد ومطول وسنگین آب
									باب الغین مع الضاد المعجمة
غضارا (غضاریہ)	کاغذ (یعنی)		معروف						مجفف مجلی اندان سیلونا قاطع خونہای تازہ واگر سائیدہ برنگی کہ خواہند باصمغ آنچنانچہ بنویسند استوار بمانند
									باب الغین مع اللام
غلغل			بیخ بقدر نیم						لین آن مسہل قوی مطلای آن رافع ثالیل
									باب الغین مع النون
غنی			م	ب	معدہ	بابونج گفتہ			موافق محرور المزاج ودیر ہضم
									باب الغین مع الواو

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
غوا یهنا			خمارہ دست	ح ی ۲		شکر با گلقند		بیدانہ و انگبہ آنی از کہنہ آن ۳	مسہل تخم اخلاط غلیظہ فاسدہ مفید امراض بارد و رطبہ دماغیہ و عصبانیہ و معدیہ و صدریہ و کبدیہ و عینیہ
	شوشنک شوشنک	،	قطع نوعی از کمأة یا	ب ای					سفوف دم کاسر حدت آن از کشار پرہیز ند اگر بسیار خورند بران شراب جید نوشند
									مقالہ بستم در بیان ادویہ کہ اول آنہا حرف فاست
									باب الفاء مع الالف
	فاختہ کوکو	پندک	طائر یست	ح ی ۲	دیدہ مضموم و سورش بخوابانی	سرکہ و شکر و شکنبیز			گوشت آن مفید عشہ و فالج و صدر و امراض عصبانی با دو دریاح غلیظہ و مفتح تعلیق زبال آن رافع قرع حلق
ذا	موشش	چوما	سعروت	ح ی ۳	مورث نسیان			۱۰ بشہ	جلوس بطبیخ آن رافع عسر البول و گرفتن آن محلل اخلاط غلیظہ شربا و باسر کہ مخرج سنگ گردہ و مثانہ
فاسی			تخمی سرخ	ح ر ۱				۷ ماشہ	ملطف قابض مفتح مفید در مفاصل و عسر النفس مسہر زرہ و فرزبہ آن با عسل مانع حمل
فاشرا	هزار افشان		نباتی است	بزرگ و خرد آن ح ۳ ی ۲	سیر و سورش اختلاط دہد	قی یا با لیر خوردن	درد نج		جالی ملطف مجفف بسخن بعد و تعوی آن بکشتال آن رافع صرع و سدر و فالج و استرخا و نسیان
فاشرستین			نباتی است	مع ح ی			کزبرہ البیضا		صرع و فالج بسیار مفید منقی سینہ و اعضا تفش ضماد برگ آن برائی زخم حیوانات نافع
فاط			دوائی است	ح ی					برای سم شوکران و جوز ماثل و لسع ہوام با آب سرد نوشیدن نافع
فاغرہ	فاخرہ		بزرگ از کب آب	ح ی ۳		مصدع محرور	کافور نیلوفر گلاب	۷ ماشہ	محلل قابض مفید امراض بارد و دماغیہ و ریاح غلیظہ و جنون و لخہ آن معقوی دماغ و قلب و معدہ
فالیرنس			نباتی	ح ی					آشامیدن تخم و برگ و عصارہ آن با آب یا شراب مفید اوجاع مثانہ

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
فانجشتن			نباتی						برای گزیدن حیوانات سمی مفید برگ وگل وتخم آن با شراب برای لسع عقرب دستیلا نافع
فانوفرج	بالوده		معروف	ح ی					کثیر الغذا مفید لامراض صدر وریه واسهال اگر بران تخم ریحان یا تخم شبرتی یا شنبلید تقوی معدبود
فانیذ	قند		م	ح را					غلیظ از شکر وگرم تر از انیسون مفید سرفه وضیق النفس در سینه وطین بطن دافع برودت رحم وامعا
فاوانیا			عود صلیب	ح ی ۲		کثیرا	غاریقون	نیم مثقال	۲۵ حب آن بماء العسل مفید کابوس مفید لنوع معد منقی رحم ودماغ گرده ومثانه ویرقان حابس بطن مطبوخ
					باب الفاء مع التاء				
فمانالیریه			نباتی است	ح ی ۲					ترکام وشرور بلغمی نفس وتقویت باه واوجاع مفاصل ونقرس وعرق النسا وتحلیل صلابات لبانا نافع ومطبوخ هاضم
فقیست			نان گندم خشک خرد کرده	مع ح ی	مولد امراض بارده	شکر			قلیل الغذا مجفف مطوبات مولد ریاح سوداوی دیر هضم مولد امراض بارده ریحیه مانند فوانیخ
					باب الفاء مع الجیم				
فجل	ترب	مولی	معروف	تخم آن ح ۳ ی ۲	سرد ندان بلغم معده	نمک وعسل		از تخم ۳ ماشه	ملطف محلل محرک اریاح محرک آروغ هاضم مدر بول برگش منتشر ریاح مقوی آن مدر بول بیخ آن قاطع طعم
فجل باغشیقی			فجل شامی	مرکب القوی	مغثی	نمک			از فجل وشلغم رومی تر مدر بول ومحلل رطوبات
					باب الفاء مع الراء المهملة				
فراخ	چوجه		بچه مرغ						مداومت کباب بچه کبوتر بادویه صاره وسیر مولد جذام ومطبوخ آن با بیه مبخی خروس بچه مفتح طحال حصاة

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
فراسیون	افسنتین		نباتی است	ح ۲ ی ۲	گرده و میانه	کنیر او عسل	پرسیاوشان	تا ۱۰ ماشه	محلل جالی مقطع مفتح تریاق مجلی مصر دافع زردی بر قال محکم دندان و مفید بوه سر فحت بلغمی
فرس	اسپ	گهوڑا	معروف	گوشت ح ۲ ی ۲	کباب آن محرور	دوغ و آبدان		تا دو مثقال	مورث شجاعت و قساوت قلب و سرگین آن ملین سرگین حمار مسهل و دندانی آسیای آن بر ساق مانع تادگی
فوفیر بتضعیف	بفشه		گیاهی است	ب ا ر ۲	بوشیدن آن باعث زکام	خیسیدن و مزبجوش	نیلوفر و برگ خیارشنبر	از چهار تا ۵ مثقال	مسهل صفرا مسکن خلط ش و حدت خون مفید تپه ماخار و خفقان و غشی و صرع اطفال و زکام و غزله و سرفه
فرمیوس				ح ی					تمر هندی باندک حنظل
فرنجمشک	بلنگشک		نوعی از ریحان	ح ی ۲	سوداء محرور	سکنجبین و بنفشه	قرنفل و بادرنجبویه	۱۰ ماشه	مفتح سدد دماغی و مخرج مفید و سر بار معطر مفرح مستحکم قرس و اشه معوی دافع خفقان محلل مسکن مغص
									باب الفاء مع السین المهملة
فساقس	جکنه مسلم	کهٹل	معروف	ح ی ۳					بوی سایده آن مرض آبوه را نافع گذاشتن سوده آن در حلیل را فع اعتساء سیل بلغ یکعدد آن دافع زهر مار و مفید دار النعلب و در یار به مالیده بجوراً ن بصر ح نافع
فستق	پسته		معروف	مغز آن ح ر ۲	سفل	زرد آلو	مغز بادام و جبه الخضرا	از پوست بیرون میدرم	معوی ذهن حافظ دماغ و قلب دافع و خفقان و مغص مفتح سدد کبد سمن مسهل معوی معده باشکر مصلح بواسیر
									باب الفاء مع الشین المعجمة
فشاخ	سرم		نباتی است پیچیده بر مجاور خود	ح ی ۳				۴ ماشه	برگ و تمر آن مفرح مقوی جراحات مفتح دافع ضرر ادویه سمیه مغلل بیاض خواندن طفل المعوق بر گش با عسل
									باب الفاء مع الضاد المعجمة
فضه	سیم	روپا	معروف	ب ی ۱	اسعا	اکثیر او بقل	فیروزه	۱ ماشه	مفرح دافع مالیخولیا و جنون و وسواس انتحال مبلس محلل بصر مفتح معوی معده کبد خون طمام دران مفرح

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الفاء مع الطاء المهملة
فطر	سماروغ	چھپنی جنس	نباتی ست	ب ر ۳	مولد صفیہ	مری وخزول			مورث خدر دفالج وسکتہ وعسر البول قاطع نسل کتحال نازہ آن مجلی بصر وخوردن آن جائز نیست
فطر اسپیون			گرفس کوہی	ح ی ۳			تحمر وس بستانے دام شستہ کہ زیر بیخ او بود		قاطع لزوجات محلل نفیخ منفتح مفید در دپہلو ومعض وعسر بول حابس مخرج جنین مبہی مقاوم سموم
									باب الفاء مع القاف
فقع	تشنج		دوائی ست	ب ر ۲	مولد قوی لبخ	مصلح مظر کشند			نفاخ بطی الهضم وغلیظ
فقاع	بجوزہ وملکنی		ہم نوع جعد	موافق آن ازان سازند	نفاخ	عسل وافلونیہ	ب		ردی الغذا نفاخ مولد اغلاظ واغلیظہ صادحتی گدازندہ عاج ومتخذ از شعیر مدر بول ومطبل مغیر
فقاح الکرم	دل		شگوفہ انگور	ح ی ۱					منفتح دال مسعد مسکن خواق وقی وعرقی ہا مقطر آن در اعضا قوی تر از اصل آن
									باب الفاء مع اللام
فلفل	پھل		ثمری ست بقدر بسته	ح ی ۳					منفتح منقی دماغ مفرح صداع صفاوی مفید تنقیہ معدہ واستسقا وریاح چاپیدہ بآب مفید طریق
فلفل گرد	پلپل گرد	ترنج وکنول مرنج	معروف	سیاہ آن ح ی ۳	ح محرور	ادہان عاد وبرد وعسل سفوف	وتخمیل دار فلفل	مہ باشہ	محلل جذب جالی سخن منقی بلغم تریاق مقوی حافظہ مفتح سدد متخذ مرکب آن نافع غلیظ وحدت وامراض مزمن بلغمی ومرطبہ
فلفل السودان			دانہ انیست	ح ی ۲	حلق	عناب		نا باشہ	محلل ریاح غلیظہ وبلغم منفتح وباعسل محرک باہ مفید درد دندان قولنج وایلاوس
فلفل المار			فلفلیکہ در آب	ح ی ۲				نا ورم	سخن بعد وجگر وباضم برگ وثمر آن محلل اورام بلغمیہ دافع آثار سکتہ الدم تحت عین رافع کلف
فلفل مویہ	پپلامول		استاہ ورویہ	ح ی ۲	محرور مقلل بصرو سنے	صمغ عربی	دوشاب سوبچل	مہ باشہ	سقوط آن رافع صرع وسکتہ ومقطع آن جاذب بلغم از دماغ ومشہی طعام وہاضم وحرارت معدہ را افروزد

دافع نفخ ... مفرح ... مقوی ... مسکن ... مقوی ... مفتح ... مقوی ... مفرح ... مقوی ... مفرح ... مقوی ... مفر

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الفاء مع النون
فنجیون			نباتی است	ح ی ۳					محلل بلغم بارد گشودن دهن و اشتها مفید سرفه و ضیق النفس و نفس انتصاب و بلغم و قرحه سینه و ملتهم مخرج جنین
فنک	ولد		پوست حیوانی	ح ی ۳					پوشیدنش مسخن بدن و ملطف و محلل اخلاط باردهٔ مفید قولنج و لقوه و رعشهٔ خدر و نفض حمیات
									باب الفاء مع الواو
فو	بیخ سنبل	چال گری	نباتی	ح ی ۲	گرده	مسل در آب	کبابه	از یک مثقال تا سه مثقال	مفتح محلل طبیخ آن مفید امراض باردهٔ سینه و درد پهلو و نفض و سپرز و احتراز بول و حیض و عرق النسا
فونج	بوده		م	ح ی ۳	امعا	کثیرا	بوده نهر در نصف آن	تا ۷ ماشه	ملطف مفید گزاز و منقی فضول سینه و معده و فواق و محلل ریاح و مخرج مشیمه و مدر و مسهل سودا
فونج نهری	بوده بسیاری		معروف	ح ی ۳	باه و گرده	کثیرا	یا قرص مانه نفاع	۳ ماشه	تریاق مفید کری گوش و نفس انتصاب و اخلاط و تب بلغمی و سودا و دیدلوم و مدر رافع قی صفراوی
فونج	بوده		مائهٔ مری						ضماد آن با سرکه و روغن گل مفید جرب و خارش و نضج و ماسیل و محلل اورام
فوفل	پوپل	سپاری	معروف	ب ی ۲	مخشن سینه	کثیرا	مسنل سرخ	یک مثقال	قابض رطوبات معده و سرخه بدماغ مستحکم اعضا رافع رطوبت دهن مفید قلاع و لثه و دندان رافع درد پهلو
فوه	روناس	مجیثه	بیخ سرخ	ح ی ۲	سر	انیسون	کبابه	۴ ماشه	مفتح مفید فالج و لقوه و برقان و تقویت معده و ادرار بول و حیض و شیر و عرق النساء و سپرز
									باب الفاء مع الهاء
فهه		چیته	حیوانی است	ح ی					بولش اگر بسوراخ موش ریزند موشان گریزند و اگر قدری کسی را بخورانند یا بمالند زندگی سپرز و شیر ببرد

ع	ف	ه	م	ط	مض مص اب	ق	افعال وخواص
							باب الفاء مع الیاء المثناة التحتانیة
فیروزج	پیروزه		سنگے معروف	ب ای ۳	گرده	کثیرا	سفرح تریاق نافع لطوبات جشم ودمعه بیاض مفوی روح وبصر نافع مشکور وگحل طبقه قرنیه ومدیم سبزی
فیل[1]	پیل	ہاتھی	معروف	ب ی			زہر آن جالی آثار چشم نوشانیدن پلس محرکه بول مدر باعث حمل آن جمول گیسوش نافع آبستنی واگر بر دست بندند
فیلم زہرج	پیل زہر		نباتی	ب ح			برای درد پہلو زیرقان نافع شیر با طبیخ برگ وشاخش مدر حیض ومضمضه مقدار برابر اسہال وقی وقوی مے
							مقالہ بست ویکم در بیان ادویه که اول آن حروف قاف است
							باب القاف مع الالف
قاتل الکلب			قاتل الکلب	ح ی			آشامیدنش محدث نفس الدم ورعاف وکشنده سگ وحیوانات وانسان نیز
قاز			پنیری سیاه	ح ی ۲	مدبوت ان بوجه قروح شاه	ادویان جل گرده خوردن	منضج اخلاط ازیه مضمضه جالب لطوبات رقیقه ازدماغ ودوافع لکنت عسر تنفس وتحسی دندان مصفے رخسار
قاطی نیشکے			نباتے				آشامیدنش شرط آنکه عین آن نباشد بالقصد محبوب وبادرش آشامند باعث تشوق جماع وتطیقش مانع تعشق
قاقلیا			نباتی	ح ر			ناشتا رافع خشونت قصبه ریه ومری سفرجب کوبیده با قیروطی منمرخه آن صورت مالیدن مانع لذع من تشنج آن
قاقله کبار			معروف	ح ای ۲	اسہا	کثیرا	قاقله صغار	سفرح مقوی معده ناضم محرک جشا حابس لطمث خصوص بریان اصل آن وآن مستحب لثه ونافع قلاع
قاقله صغار[2]			معروف	ح ی ۲	صدر وی	کثیرا	قاقله کبار	تریاق قابض سفرح ملطف جالب محلل معطر وبن نافع صداع بخی صرع لغو اسکن درد گوش وزمورا

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال مخواص
قاقلی	کاکل وشورہ		نباتے	ح ی ۲		کثوث	ایرسا	از جزء ۴ تا ۶ درم	سعطر جشاء انعم قلیل الغذا مسہل ماء صفر را رفع ضعف معدہ و درد کمر و نقرس و درک مدر سبعے
قاقم			پوست حیوانے						پوستین آن اگر چہ کم از سمور و موافق ابدان معتدلہ و فراوان گرم از خز و سنجاب
قالقصہ	سنگدان	پتھری	معروف	ح ر	مولد خون صالح رافع خفقان و سنگدان مرغ مفید ضعیفان معدہ	سرکہ نرمک ابازیر			کثیر الغذا مولد خون صالح رافع خفقان و سنگدان مرغ مفید ضعیفان معدہ
قاوند			پیہ حیوانے	ح ی ۲				۱۰ تا ۲۰	محلل ریاح غلیظہ محرک باہ مفید سعال بارد شریا العابہا و سائر اوجاع و ضعف اعصاب
					باب القاف مع الباء الموحدة				
قبج	کبک	چکور	طائر لیست	ح ی ۲	محرور	سکنجبین ورشیہا			کثیر الغذا سریع الہضم مولد خون صالح مفید فالج و لقوہ و امراض باردہ دماغیہ مزید منی و مسمن
					باب القاف مع التاء المثناة				
قتاد	کہم		درختی است	ح ی ۲					آب آن رافع صفر و ضیق النفس و تقرحہ ریہ و باسر کہ طلاء را رافع بہق و آثار جلد
					باب القاف مع الثاء المثلثة				
قثاء	خیارزہ	کاکڑی	معروف	ب ر ۲	فتاخ	نمکسب و ناشتہ آہ	بادرنگ		جالی مسکن عطش و حرارت و صفراوی و مفید معدہ حار و اوجاع مذاکیر و مثانہ و ملین بطن
قثاء الحمار	خیارزہ سپند			ح ی ۳	محرور و مبقی و اوجاع مثانہ	لعابہا ماء الشعیر	ماہو دانہ	از عصارہ تا ۳ قیراط	ملطف جالی مخلل منقی دماغ مسہل صفراوی بلغم خام مفید فالج و لقوہ و صرع و کراز
قشد	بادرنگ	کھیرا	معروف	ب ر ۲	سہ رو دین	زیت و ناشتہ و غسل			مفید صداع حار اکلا و ضمادا و استشماما و رافع بخوالی و حمیات حارہ مسکن حرارت صفراوی و تشنگی

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب القاف مع الدال المهملة
قدید	گوشت خشک	سکاهبین کلکی	گوشت قاق وخشک شده	ح ی	صورت قولنج	گشنیز خشک			مفید تریاق استسقا ومفرض بارده وبلغمی مزاج مولد خلط غلیظ سودا وی مسهل گرم باعث حکه وجرب
									باب القاف مع الراء المهملة
قراد	کنه	کنلنے	حیوانی است	ح ی ۳					طلاء خون کنه سگ مانع انبات شعر زائد وشعر منقلب بعد کندن واگر بیخ قطع شعر بالک چشم مانند اثمد سازد
قراصیا	آلوبالو		تمر درختے	شیرین ح ر ۲	مصلح سعد وباعث تخم	جوارشات صفراوی وغلیظ جلوبین	اجتماص	۴ ماشه	شیرین اگر بلاس سریع الانحدار از معده مفید خشونت حلق وریه آلوبالو قاطع عطش وساکن حد صفراوی
قراطا خوزین			بنائی گرده دار برگش مانند سماق	ح ی					اگر نوجوشوهه چهل روز بمقدار نیم درم با پانزده مثقال آب تازه شتاخور مدیس مباشرت کند حامله شود
قرة العین	کنکر آبی		نباتی در آب استاده روید	ح ی ۲	سفل	عناب وکاکنج	کرفس	در مطبوخ ۵ درم	مسخن محلل معلل نزف الدم مدر مفتت سنگ گرده مفتح انضم محرک حساس دافع یرقان وطحال وتب لرزه
قردمانا		بندر	معروف	ح ی					خوش مانع رویدن موی طلاء وگرما گرم آن باعث گنگی زبان فجر اغلبه از غرباالبوست آن بیخته زرعت
قرمانا	گچم آزاد گچم نوکمزه		نباتی مانند گیاه بانی	ح ی ۳	سپرز	انیسون	اذخر یا حرمل شنبلیله انیسون	۴ ماشه	مسخن محرک رطوبات اعضای باطنی مفید فالج وصرع وعرق النسا ووجع مرک طبعی شربا وربوسرفه
قرصعنه			نباتی خاردار مفروش	ح ی ۱					محلل الاضم سریع الانحدار مولد خلط صالح منعظ مبهی ترياق نافع درد پهلو وسینه مدر مطلقا مفتت
قرطاس	کاغذ		معروف	ب ی ۲	کتیرا	بزوری سوخته		۴ ماشه	نفوخ محرق آن حابس رعاف وسنونش حابس سیلان خون لثه ومستحکم آن وبخور آن نافع زکام مجفف قروح ودرد
قرط	شنبلیله		نباتی مانند طرفه	ح ر					تازه آن مسهل خشک آن حابس وآب تازه باطبیخ خشک آن با سکبر وبا انجیر وعسل نافع سرفه وخشونت سینه

ع	ف	ه	م	ظ	ض	ص	ب	ق	افعال وخواص
قرطم	تخم کاشنه		دانه	سد			آده دم	نیم مثقال	فعیل الغد اسهال وقی خوب بغرغره وشیره بنجدرم آن با شکر حابس صحل ریاح
قرطم بری			تخمی است	ح ی ۲					بمثقال برگ وتخم آن با دم شقاقل مقشا با شراب برای لسع عقرب سنجد اگر برگ یا تخم آن با روغن بادام بسرشند
قرطمان			درختی مانند بهار						خشک آن وشقاقل را نافع اسهال
قرط	کرنه بزرگ	کیکر	ثمر نوعی از سنبلان	ب ی					سوا کش بیخ آن وسفوف آن با عسل وسکنجبین وسفوف خسا بطبیخ برگ وخار آن حابس اسهال
قرع	کدو	کدو	معروف	ب ی	سرد ورطب	پخته مقشا با نبات وزنجبیل بغرغره	تر بز	از آب نیم رطل	مبرد مرطب مفتح مدر بول ملین حریف یرقان وحمیات حاده ریخته آن مناسب محرور
قرع المر	کدوی تخ	تونبڑی	بلند شیرین وبزرگ	ح ی					تخم آن با انیسون وضیق النفس مزمن ورطب وقشر رطب کنه وقطور آب گل وبنفشه آن را نافع یرقان
تمخ الدار	چوب وحشی	تخ	بوستان درخت زنگار دار	ح ی ۲			سلیخه	۷ باشه	سفوف بعضای با طنج مفید قابض والقوه صرع وامراض عصب وامراض سفلی مقوی معوی مقوی کبد
قیر			پیزری نیفتاد	ح ی					حابس نفث الدم وا سهال مزمن مدر بول وشیر دوشنس مقوی لثه وسفوف دندان وبا سرکه نرم کنند جلد
قرقوسفا			نقاد من رعفر ان	ح ی ۲					منضج سخن مقوی اعضا محلل مدر بول جالب آثار اکتحالا وظلمت بصر تنویر وسعوط روح باصره مستعمل محرق آن
قرن			معروف	ب ی ۲		سداب	حامز	نیم درم	منجف قابض کتمانش مانع نزول سوا زسوی عین مفید یرقان ذو وسنطاریا ونفث الدم هر عضو با سیر
قرن الجبر مصب حار الروم	کهربا	کپسر	صمغ درخت جوز	ح ی ۲	سرد مصلح	بنفشه	سندروس	نیم مثقال	سفوف سعوطی قلب وخالص نزف الدم وقاطع نزف الدم اعضا حابس سعال ومنزلات ازادویه عین
قرن الصخر	شاخ تودگاو	کسینگ	معروف	ب ۲ ی ۳					چون شاخ سرآنرا خشک کرده براده بمثقال آن با آب سرد بس سعال مفرح شاخ خشک وسوخته آن بخوان عنی آن

الف لفظ کبیر ... ب بسیار نفع میدهد ...

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قرنفل	میخک	لونگ	معروف	ح ی ۳	گردہ حار و یابس	بالقوۃ فی الاصل	دارچینے وخولنجان	یکمثقال	محلل ریاح وترياق مفرح مقوی ارواح واعضا میفزاید دماغ وذہن وحافظہ را وقلب را وقوت باہ را وطبع را وقی صداع بارد وفالج
قرنفل شامی			نباتی خشن	ح ی ۲	محرور بین	بنفشہ		۳ ماشہ	مفید صرع شربا وضمادا وورم حمی وطوبی وابتدائے اعراب وورم پستان ومحلل انجماد شیر دران وگل آس مفید زکام
قربص			عنا ئیلہ از لحوم وسرکہ وترشی سازند	مع ب ر	مبرد ومسہل سودا وے				مسکن صفرا وخون قاطع بلغم مفید محرور المزاج
قراح			نباتی تبریزیانہ	ح ی ۲					محلل ریاح محرک جشا مسکن اوجاع باردہ مدر بول وحیض ملذذ الطعمہ
قس			بلاب بے خار ریزہ برگ	ح ی		شاہ بلوط			عصارہ آں رافع عفونت خیشوم سعوطاً ومدر حیض وقرزحہ آں مخرج جنین آب بیخ آں باسرکہ رافع زہر تیلا
قسب	خطمی سنگ شکن		خرمای خشک نیم رس	ح ی	دندان دلثہ	در محرور بخیسانیدن حامض			مقوی معدہ ناشف وطوبات حابس طبیعت نفاخ منضج محلل اخلاط سینہ قاطع اسہال بلغمی
قسط ۱۱	کوشنہ	گٹ	بیخی است	ح ی ۳	مشابہ ریوند	گلنگبین عسلون	عاقرقرحا با روغن ترکے	۴ ماشہ	متقوی اعضائے رئیسہ وباہ مفتح مدر مفرح مسخن جاذب خون ظاہر جلب محلل ریاح رافع صداع بارد ولیشر عنس
قسطرون			سیمابی است	ح ی ۲					ترياق برگ آں رافع صرع وخون بتر یاکیدرم آں با عسل وسکبہ مفید کبد وطحال مفتت مدر طمث با ضمہ
قشار کندہ			برنجہای کہ بدرخت	ح ی ۲					قابض مجفف مفید نفث الدم وقرحہ امعاء واسہال منبت لحم قروح شاف ناطوبات ملحم وبریان آں رافع حکہ

باب القاف مع الزاء المعجمة

باب القاف مع السين المهملة

باب القاف مع الشين المعجمة

ح	ف	ع	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
قشر	دوست	چھلکا و چھال	پوست اسم جنس	ح ی					بطی بالمضم تر و نفاخ تر
قشر الترنج	پوست ترنج	بجزوہ کا چھلکا	معروف	ح ی ۲	الکتان مقر	عسل			مقوی معدہ و قلب و دماغ ہاضم محلل ریاح مسہل صفرا و بلغم ہر یک را بمقدار ۳ درم ۲ درم ۱ درم و بقدر قلیل نافع است
قشر الاترج	پوست ترنج	انار کی چھال	معروف	اب ی					مسہل مخرج کرم سفید و امعاء و بطن را قاطع خونی که سرسام کند و دندان را مضعف مفید رم سرج اعضا کما
قشر اصل الکرنب			پوست بیخ کرنب	ح ی ۲					ملطف بمفتح مدر بول مفید امراض کبد و طحال
قشر الخیار شنبر			پوست خیار شنبر						مسکن آسوده برائب سر و پاشیدہ وقت وضع حمل خوشبودن باعث آسانی وضع حمل
قشر المشق			پوست بیخ مشق	ب ی ۲					قابض مجفف دابغ مقوی معدہ
قشر نارنج		پوست نارنگ	معروف	ب ی ۲					مفرح اورام خشک آن با آب قابض مقوی معدہ مخرج کرم شکم و بسرکہ رافع صداع بارد و حار و رافع
قشر البیض		پوست بیخ مرغ	پوست بیضہ مرغ بریان	ب ی ۲					جالی مجفف قرحہ و غلظ رحم مفید ہیضہ و قطور سوختہ مانند آبک کردہ آن با عسل قاطع بیاض عین

باب القاف مع الصاد المهملة

قصب	نے	پاس و پل	اسم جنس	ب ی	ریہ	گیتر و مدق			زیخ آن جالی قی سوزش معدہ و جگر و امعاء و مثانہ و بول الدم و بواسیر و سوزاک و سرفہ و ربو با مجمعہ بسیر گ آن نافع یاض عین
قصب الزریرہ	نی خودرو	چرایتہ	نباتی معروف	ح ی ۲	کرگاہ	انیسون و صمغ البطم	اطفار طیب	اماشہ	ملطف محلل قابض مقوی معدہ و جگر و رحم و مسہل البلغم و القطع آن در تب و فساد صفرا
قصب الکبر	نیشکر	اوکھ پونڈا	معروف	ح ار ۲	ریہ سیران بلغمی	انیسون خوردن بعد آن			ملطف خون حابس مفتح را نشوت سینہ را بخرد و خوابا و سینہ و ریہ و مثانہ طین لطین بسہی مفرح

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب القاف مع الصاد المعجمة
صناعه	سنگ آبی	اردبلاو	حیوانی دریائی						الکحال وضماد دماغ آن رافع تاریکی چشم
									باب القاف مع الطاء المهملة
قطا	سنگ خرا	لوا	مرعی است	ح ۲ ی ۳	دیر هضم سودا	سرکه ودروغن			گوشتش سفوف سعوط دودل کبد طرین مفید فالج وبرقه وصداع مستاد قولنج بلغمی ومحلل ریاح بهی
قطاف	سفیوسه	بورسے	غذائی معروف		دیر هضم مولد سدد	ادویه باطیه در محرور سکنجبین در بارد عسل			کثیر الغذا ملطف مقوی مسمن مدر بول انجار بادام وشکر سازند مفید محرور وازشیر تجوزه وفندق مفید مشروه وازشیر بزنیاسا
قطائف	رشته خطائے		غذائی است	ح ر ۲		سکنجبین			مصلح اطعم کثیر الغذا مسمن خلط صالح موافق با قهوه بادام مسموق وشکر آنرا بشیر بقبیل لعوق جمع
قطف وسیق	سرکه	بنهوا	نباتی است	ب ر ۳	مولد ریاح	ادویه حاره			بزرگش مرخی خلط صالح موافق با قهوه بادام مسموق وشکر آنرا بشیر بقبیل لعوق جمع
تقلب			درختی شبیه بیده	ب ی ۲	معده				ثمر آن ملین مسکن مفتح آب آن با شیر خشخاش رافع سیلان صفراوی مخلط
قطن	پنبه	بادنی کپاس		ح ی ۲					ضماد پنبه سوخته رافع حکه ومانع آبله وسوختگی آب تخم در عرق آن قطع جراحات
									باب القاف مع العين المهملة
قعیل			نخلی است شیر	ح ی ۲					مضاره بیخ آن بارد کرسنه شتر اقراص ساخته بقدر دودرم با عسل کرد آب بادنجان وسماق طحال را
									باب القاف مع الفاء

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قمر الیهود			موسیائے پالودہ	ح ی ۳	محرورین	سکنجبین	زفت رطب وغیرہ ۱۲	تا یکدرم	قائم مقام زفت و قیر و قطران عنبر در جبر و کسر ورض لحم و مقطر بجائے موسیائی مستعمل و خاصیت آں ابراء
						باب القاف مع اللام			
قائش			نباتی است						عصارہ آں مفید نفث الدم سینہ و مفید نزف الدم حولا
قلب	دل		عضوے معروف	ح ی	دیر ہضم ردی الغذا	سکنجبین			مقوی دل و رافع خفقان و برہضم و رو الغذا اقطور آبیکہ وقت کباب کردن میکنند رافع شبکوری و مفید مرا
قلب	سنگ سبویہ	-	حب نباتے	ح ی ۳	مضعف باہ مجفف منی	سکنجبین		نا ۱۰ ماشہ	مفید سرفہ بارد و ربو و ضیق النفس و فواق مطبوخ و اسہالی و ہوار بول و مفید جوا سیر صفاوا
قلقوديون			نباتی صغیر	ح ی ۳					طبیخ آں مفید نہش ہوام و شدخ مضل و تقطیر البول و ادرار طمث و اخراج جنین و قطع ثوامیل
قلقاس		ارجوے دیکھو	معروف	ح ا ر ۲	دیر ہضم مولد سودا و مسدد	عسل و سکنجبین		۷ ماشہ ۱۲ ماشہ	مسمن مہیج مفید سر و منشوت سینہ و حنجرہ مسکن الضم رافع سنج امعاء سہالی و پوست آں حابس اسہال
قلقطار	زاک شتر و غدا		نوعی از زاج	ح ی ۲		شوربا جرب	زاج اران		محرق گاوی سنج
قلقل	انار دانہ دستے	گوارچکنہ	نباتی است	ح ر ۲	مصدع	سکنجبین	ہموزن ۱۲ نورہ ری مفید	تا یک ادقیہ	نہایت مہیج و منعظ و مسمن خصوصا با کنجد و بات و فانید و عسل و مصلح حال گردہ و مثانہ
قلوس			نباتی است	ح ی ۳	گردہ	کثیرا	انا خورس	۷ ماشہ	محلل جالی قابض مدر بول بمثقال از بیخ مفید سیلان و مانع سیلان تا تلیخ آں مفید شربا رہ و مسیل نفس
قلوبائن			نباتی است	ب ی					حابس عاف و نفث الدم سینہ و نزف الدم مقوی رحم ضمادا بر گ آں ملتئم جراحات

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قلی	قلیا	سجی وسناے	چیزی سخت از استخوان سوخته	خ ی ۴	کشنده گاه	آب وتر ب ادویان	زرنیخ		سم جالی محرق اکال رافع سیاه چشم حیوان مزیل الیل طلاء وتوتیا سیر برص وبهق وجرب طب وسعفه

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
قندس		اودبیاد	جنسی شبیه بسگ که خایه‌های او	ح ی					پوشیدن آن مزیل برودت و رطوبت و نشستن بر آن مفید نقرس
قنفذ	خارپشت	سابهی	حیوانیست	ح ی ۲	سفند سعده	سرکه و کاسنی		از گوشت ۵ درم	گوشت آن بجهت محلل مانع انصباب اود بباشد و مجرب آن جالی محلل گوشت آن مفید فالج و ورم اعضا
									باب القاف مع الواو
قوباغیا			صمغ زرد رنگ مائل بحمرت	ح ا				۳ حبه	مخرج حصاة مثانه بسهولت با سهال و انچه در مثانه ضماد کند باید بقی برآرد و بهترین مصری اصلا
قوطولیدون			نباتیست	مرکب القوی					قابض و رادع جالی محلل هر گز مسکن التهاب مثانه مبخش نفت سنگ مثانه و مقرح مثانه و مقرح محلل ورم ملتهب اعضا
قوقی			حیوانی بحری	ح ی					گوشت آن مفید جرب و حکه و جذام و چون با نفحه حیوانات دیگر آب بخیند بعد از آن آب بر اشخاص بریزند آنرا بگذارد
									باب القاف مع الیاء المثناة التحتانیة
قیدوم			قسمی از سفن بحری	ریه	کثیرا جنسها	اندک		۷ باشه	انگشن محلل اورام صلبه و ورم طحال مفید صداع بارد و مطبوخش مفید حصی مثانه و نفس قاتل کرم مقعد مدر بول و حیض
قیطهر	نعل سعبر	رال و دهونه	صمغ درختیست	ح خ ۳				۷ سرخ	محلل جالی مدر مبقی دماغ بالمآل العسل مفید صرع مزمن و استسقا و اورام طحال انگشن مقوی معده و رافع آثار سموم
قیشور			نوعی از لعاب دریا	ح ی				در جلاب و طبیخ بقی جالی منقی	
									مقالهٔ بست و دوم در بیان ادویه که اول آنها حرف کاف است
									باب الکاف مع الالف

ع	ف	ک	ه	ط	معن	مص	ب	ق	افعال وخواص
کاوی		کھول کر دیکھنے کا		ح ی م			گھسنا مرچ وجوب بقدر		مفرح مقوی ماغ ودل وحواس اصفار الوجع خفقان واعیاد ماشر ۳ جدر وشنیہ وزہر وسکن دماغ آن
کاشم			مانند	ح ی م	محرور		زیرہ سفید	یکدرم	مفرح مقوی دل ماغ نضج خلط خام مفید صرف بارد رطب ورطوبت عسر النفس تقویت معدہ ماضم غذا امحال نفخ وجد ۱۲ خوان
کافور			صفتی معروف	ب ی م	سرد ویبس	عنبر و مشک	طباشیر مشک	یکدانگ	مفرح مقوی دماغ وقلب مسکن حواس مسہل صفرا وبلغم وقی وسہل وغیرہ وسہال حارہ وحمیا حار دافع عطش
		کالڑا سینگی	دوا نیست	ح ای م					مفید سرد وخشک النفس بارد ورطب خصوصا اطفال مفید قوا وقی واسہال الدم ومستسقے
کاکنج	کاکنج وعربی	راجپوتنی	الشباب	ب ی م	محمود	گلقند	عنب الثعلب	از دو مثقال تا ده درم	قطور عصارہ بستانی مفید قروح گوش ومفید بواسیر نفس ومحرم صفرا وادرام عضو وسد القرع مدر مصلح حال جگر
		کالا کوٹ	بھتی ہی	ح ای م					دراغال وخواص مانند سنکھیا است کہ نوعی از سمیت ست ذکر یافت
		کالی زیرہ	دانہ ایست	ح ی م					شراب آن رافع مواد بلغمیہ محرج کرم مقوی وسد القرع مسکن اوجاع بارد وحلل اورام بارد وازغال استسقا
کاکنج	کامہ		نان خورشی	ح ی	طعام				مشہے ہمدر غذا ہے رو ہے الکیموس عطش منفعہ معدہ والکبار آن باعث تب عفن واورام مزمنہ
		کانجی	ہر کہ ہست	ب	سرد ویبس	گلقند افشانیدہ			جالی سوداسکن وحدت خون صفرا وعطش وغیرہ شربت وافع صداع وجوشاندہ مفرح قلب وقوی
		کانکنھا	دوائی ہندی	ب					رافع کرم شکم واستلاء بلغم وزہر بخار ورکت پت سودہ آن زرد رنگ سیاہ نوشیدن آن رافع ضرر کشتہ پارہ
		کاسر پھیرا		ح					تقیل است دافع تپ ورکت پت وصاف خوانی ومقوی باہ وحواس ومدر بول
		کانا پکھو	از اقسام سمار						مقوی وتقیل مفید امراض چشم نیز است

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		کاچه لوان	کف آبگینه						مزید خون و صفرا دافع بلغم و قولنج بکشاید و سپرز را نافع آید دافع سپید چشم و خارش و حرب مجفف رطوبات
									باب الکاف مع الباء الموحدة
کباب	نواهه و سبه و بباسجه	کباب	گوشت بریان	ح ی	محرور مصدع	سکنجبین و الطریفل			مولد خون متین مقوی اعضا سخن ان گروه بشی سوداوی محدر مطوب مقصود و نوشیدن آب بران بسیار مضر
کبابه		کباب چینی	ثمر درختی	ح ی ۳	مثانه	مصطگی	فاقله و دارچینی	۴ ماشه	ملطف مفتح رافع صداع معطر دهن معوی کشنده و معدد دافع قلاع و خفقان مصفی آواز رافع اسهال اعلال ریاح
کباث			ارا رکی سیده	ح ی ۲			برنگ کابلی دو مثقال آنجیل ۲		۵ درم سفوف آن با عوزن شکر خورده بر آن آب پوشیدن مسهل و مقوی معده و مطبوخ آن مدر و مقی مثانه
کبد	جگر	کلیجا	معروف	ح ر		خون متولد از ان سریع التعفن	و مصر و سرکه و نمکسنبر		غلیظ و دیر هضم و جگر بزرگ محرک صرع مصروع بالذات صفرا و جگر گبک کبیر مولد صرع نافع و جگر معز مفید صرع و تطور آن وقت
کبر			ثمر نباتی خاردار	ح ی ۲	معده محرور	سکنجبین	بهر یکسوم از اجزای آن	از بیخ آن تا ۳ درم	مفتح جالی محلل ملطف مقطع بلغم سودا مفید امراض بارده مانعه مسکن درد دندان مصفا ره آن کشنده کرم گوش و مدر
کبر بیت	گوگرد	گندهک	معروف	ح ی ۳	معده		گیزا و شیر تازه	زرنیخ ۴ ماشه	محلل سخن ملطف مجفف جالی جاذب دافع جذام و امراض سرد و فساد بلغم و فساد مقام سوم و رافع قولنج و حیض
کبسون			برگ نبات و خیبی است	ح ی ۳					نرم کوبیدن با عسل تنکر ستر با شیر نوشانیدن مسهل و مخرج دیدان و جب القرع و برنگ کابلی مقوی فعل آمنست
کبیکج		جلبیل و شنوبری	نباتی است	ح ی ۲		مداوے مثقال استعمال کنند			حابس مقرح جالی مقشر جلد لذاع محلل مسهل بیخ تشنگ آن معطش و علای آن از خارج بر آخر بان اسنان مفید
		کپاس	درخت بنیه	گل آن ح ر				از آب ۷ ماشه	شراب گل آن با قند ۲ درم شربت مفید ابتدائے جنون و وسواس و خفقان حار و احتناق رحم و مفرح ضماد ش محلل اورام
									باب الکاف مع التاء المثناة الفوقانية

ع	ف	ی	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
کتان		اسی و سه	نباتی معروف	ب ی					لباس آن رافع حرارت و مقلل عرق و ناشف آن و مفید جرب و حکه و ورم صلب تخم و نبات آن مفتح سدد و مانع وذکام
کتم	وسمه		برگ نیل	ح ی ۲	مضعف دماغ	مقرح اللثه			جالی قابض محلل خضابش بآب و نمک مفید صداع تخم ملین مضعف و خورده دافع زکام طلاء او قوی مو و طبیخ آن مقوی
کتبه			نباتی است	ح ی ۱				۷ باشه	مخرج ملغم خام شربا و مفید اوجاع ورک و مفاصل بارد ضماد مطبوخش رافع قوباء حمولش قاطع حل
گتیرا			نباتی است	ح ی ۳					اگر در خم شراب قبل از جوش آن اندازند مانع فساد آن بود و این شراب مفید امراض بارده است
	کهیر کتهه و		صمغی معروف	ب ی ۲	الکتیرا ان مضعف باه	مشک و عنبر			قابض جهت مضعف باه لبس را دع سقوط دندان و لثه و عسور دافع قلاع و کرم شکم و پیسوتیه و برص و رکت بیت
	کتائی		نباتی است	ح ی					دافع کرم سدد و باد و تپ و درد پهلو و عسر البول و بطلان حس مثانه ملین منشی هاضم دافع سر و ضیق النفس
									باب الکاف مع التاء المثلثة
کثیرا	کون و زول	کتیرا	صمغی معروف	ص ح ب	سقط الغیسون	ضعف مزاج بارد	از یکدرم تا ۵ درم		مغری محفف شکننده حداد و بیمار مغاط خون و مواد و قیئه ملین صلابات باه مسکن لذع و حدت اخلاط و شیار قاطع
									باب الکاف مع الجیم
		کهنار	درختی معروف	ب ی ۲					قابض مجفف [illegible] لبس لبن دافع اسهال و دیدان و صلب القرح و ضماد حمض و صفار و جذام
		کیلون	نمک شیشه	ح					مشعق لعاب او [illegible] فساد خون و بحر
									باب الکاف مع الدال المهملة

[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال خواص
	کدرم	کودو	غلیظ	ب ی					مقوی و مغلظ معده مقلل منی
									باب الکاف مع الراء المهملة
کراث	گندنا	گندنا	نباتی معروف	ح ۳ ی ۲	بهم فتحتین و تشدید فاء و نقاخ و مغر محرور	کشنیز و تاسنی تازه	اصل		مفتح ملطف منخر طلایش با سرکه بریان سرحابس رعاف خورد نیش منقی قصبه پریه مقوی باضمه و کم ملین طبیخ
کراث بری			نباتی است	ح ۳ ی ۱	مورث اسهال الدم				مفتح مقطع جامد بول حیض حمولش جاذب جنین عصاره آن مسهل دافع سموم هوام رافع برص و تالیل
کراث			درختی کوهی						شیر آن در اطعمه داخل کرده خوردن مفید جذام است
کراع	پاچه	پایه	پایه گوسفند وغیره	ح ر					مولد کیموس لزج غیر غلیظ قلیل الفضول مفید خشونت سینه و حلق و شعار سریع الهضم ملین بطن
کردناج	کردناک		کبابی است	ح ی	ضعف معده	مسیتفتح			مقوی بدن مرتاضین و ابدان متخلخل و معده حار و کثیر الغذا
کرش	شکنبه	اوجهڑی	معروف	ح رو گوشتی ب ی	مورث بلادت	سرکه و اودیه حاره			کثیر الغذا دیر هضم سول خلط غلیظ مورث سکته و صرع و تاریکی چشم
کرفس	کرفس	اجمودا	نباتی	ح ی ۲	صرع محرک	انیسون	رازیانه	از عصاره ۵ ادرم	آشامیدن آن بوجع خنیق النفس و درد پهلو و فواق و قی و سجع و تحلیل ریاح را نافع
کرفس جبلی	کرفس کوهی		نباتی	ح ی ۲					نیخ آن مدر بول و حیض و داخل ادویه حاره و مرکبه کرده میشود
کرفس صخری			نباتی	ح ی ۲					مفتح محلل نفخ معده و معاء قولون دافع درد پهلو و منفض و وجع گرده و شانه و مدر بول و حیض
	کرگدن	گینڈا	حیوانی	ح ی					بخور شاخ و سم آن مفید بواسیر و عسر ولادت گریزانیدن هوام و بدستور پوشیدن انگشتری طلا ساخته از آن مورث

۱۰۷

ع	ف	ہ	ھ	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
	گرکند		سنگے است سبز رنگ دگویند لعل است						مفرح مقوی دل رافع خفقان و وحش شربا
گرگرہسن			بیخی است	ح ی					جہت فالج و امراض عصبی نافع ست
گرگے	کلنک	کونج	طائرے بزرگ	ح ی ۲	دیر ہضم مولد خلط غلیظ	سرکہ نمک			مفتح سدد بعوبدن محلل قولنج مینو انیش عالبس اسہال و خشک سایہ آن با آب مطبوخ مفید درد گرد و مثانہ
کرم	تاکل و رز	داکھد کا جھاڑ	نباتی بیچدہ بجادر	ب ی ۲	سرغہ	عسل			جالی خفیف قابض ضماد برگ چوبن باز جوسید در سرکہ و مسکن سوزش مقعد و اورام و عصارۂ برگ آن مقوی معدہ کارو مانع قی
	کروندا		تمری معروف	بارد گویند	زیادت تجدید				قابض و خاص آن مسہل بلغم و تقیل و مفتح و مصلح بطن و بخشد آن سکن صفرا و تشنگی و مشہی و بحال اسہال و قوع خشک آن
	کرنا		درختی است مانند لیمو	عرق بہار آلنج خ					مفرح قلب مقوی اشتہا دباہ و ماع مفید در سینہ و قولنج مریح خفقان و غشی و ہر روز دو اوقیہ آن با ربع درم مشک با ہفت روز
گرویا			تخم نباتی	ح ی ۳	الکہ آن داخل مخاوی مضعف بصر	مسہل	قرو ماکولات و زیرہ	۷ ماشہ	ملطف محلل ریاح و مفرح قابض طبع مصلح اغذیہ نفاخ مقیی مانع صعود ابخرہ مدر بول جالب حیض مقوی اعضا مفید غشی نفسانی خفقان بارد مانع تخمہ
	کریلا		مانند خربزہ بے	ح ی ۳	محرورین	مبردات سکنجبین	با میوہ و انار	۲ دانق	مقوی معدہ و قابض محلل ریاح قاطع بلغم مقوی احشا و باہ مولد صفرا و دافع جرہان آن بشکنند با دبوسیر مفید درد مفاصل
	کریل و کریر		درختے	ح					طین دافع فساد بلغم با دو مسہل و شور آماس و بوسیر گلش دافع بلغم و صفرا اجارا و مفید مفلوج و صاحب استرخا
	کرمل		میوہ ایست						آنرا با نمک و فلفل بخورند بسیار لذیذ مشہی و مقوی باہ و مغلظ منی و قابض شکم و دافع ورد آن
	کرطا		نباتی ست	ب ی					مشہی دافع فساد صفرا و خون و بلغم مفتح دافع جذام و حابس اسہال سبجی و بوسیر گلش باہ افزا

باب الکاف مع الزاء المعجمة

ع	ف	ج	م	ط	عض	مض	ب	ق	افعال وخواص
کزیره	کشنیز	دهنیان	معروف	ب ی ۲			برگ خشک و سکاره	از آب یک دانگ	مسقط شقاقل آب آن سدم ورماغ صعوه ابخر دماغ خصوصا باسکر قطور آن بچشم مانع بروز آبکاه قابض شکم و بول
کزیره الثعلب			نباتی با خطوط مفروش	ح ی		آب نقوع مسلول و مخشوش حلق و سینه			عصاره آن با شکر مجلی البصر خوردن بمگس تمس آن بران برگ خشک آن با سوده باشند مفید شبکوری
کزانگبین		•	مثلثی است	ح ی و ح ا				تا ۲۰ درم	جالی مسهل منقی دماغ ورباح غلیظه ولین سینه وصوت ورافع خشونت آن مفید ضیق النفس سرفه
			باب الکاف مع السین المهملة						
کسب والنج	کنجاره	کسبنج	ابخر بمرتبه اول گفل ست	ی					بسیار تقیل ومولد نفخ ورياح وسدد وضعف نور چشم واز خوردن کسب خروج بیضه عارض شود
کسموقا			خشیشی است	ح ی					اگر در آب حل کرده بعقرب گزیده خورانند فور ارفع زهر آن کند
کسول			ثرلیست	ب ی					قابض نوشیدن یکدرم آن قاطع خون واسهال دموی
		کسونج و کسونجی	نباتی بسیار	ح ی					دافع سموم شبر ومعدل افساد الخلط وتعید سعال وخوردن آن بچهار بایان رافع ضرر آنها که کنار نامند
		کسیرو	بیخ نباتی	ب ر ۲					برز یا قیست وقوت قابضه بقوی قلب رافع خفقان وبیضه شدید بعد آنکه قی واسهال بسیار شده باشد دافع اسهال
		کسبلی و کسبلیک	چوب نباتی	ح ۲ ی ا	ریه	کیشرا		تا ۵ درم	سفوف آن بسکن درد دندان ورافع تحرک آن وبقوی معده واحشا ومفتح سدد رحم گرده ومدر بول وحیض وجالی گرده
		کستور بارک	خیسه ایست بشکل انجیر	ح					گوشت آن بسک ونفاخ وسهی وگوشت تازه آن سرد ورافع تپ سرفه وفساد خون
			باب الکاف مع الشین المعجمة						

ع	ف	ه	م	ط	معن	مص	ب	ق	افعال وخواص
	کشت بہ	پہیلے	گیاہے	ح ای ۱	قاطع باہ وشیر	حب الصنوبر	صبر گاؤ زبان	یکدرم	محلل ملطف بسہل بلغم غلیظ ضماد آن مفید اورام بارده وقوباء وجرب
	کشمش		معروف	ح ۲ ی ۱	محرق خون	تخم انجرہ	وہ دانہ	دہ درم	چون کوبند با شیر بر سر مانند دفع کند یخ بہ سہل مسطفی سر مصفر مقوی دل وجگر کثیر الغذا ملین بطن مسمن منبہ شہوت بلغمی
کشوث	برش	اکاس بیل وام لبسہ	گیاہی زرد مانند ریسمان	ح ای ۲	مغثی	کثیرا و بطوط	دو دانگ کاسنی	از جرم آن در بطبیخ دو درم	ملطف مفتح مخرج فضول لطیفہ از عرق وشتی آنہا از اخلاط فاسدہ ملین طبیع مبقی بدن
						باب الکاف مع العین المهملة			
کعب	عاب فتا لنگ	ایندی	استخوانی معروف	ب ی		رب السوس	استخوان ساق	تا ۳ مثقال	کعب بقر محرق مفید پیچیدہ وشتوبا ده عسل مفرح دل وشتو جگر وبا کتحال آن بقوت بصر وسفون آن بقوت دندان ضماد آن
کعک	کاک		نانی ست	ح ی	صاحبان قولنج				حاکمین بطن مجفف رطوبات آن داخل بعضی اقراص می سازند
						باب الکاف مع الفاء			
کف آدم			نباتی بقدر ذرع	ح ی ۱				ہمیشہ	رافع خفقان محلل ریاح مقوی جگر در جمیع افعال دایم مقام بہمن سرخ
کف الضبع			نباتی ریشہ	ح ی ۲					ملطف مقطع جاذب محلل رافع بیاض اکتحالا وسعوطا رافع ثالیل ذرورا اکال گوشت زائد منبت لحم صحیح مبقی
کف الریم		منہا جوده	نباتی ست	مفرح وی ۲					محلل تریاق ادویہ قتالہ ودر افعال قریب بنطافلن ست کہ ذکر کردم
کف الہر			نباتی بقدر شبر	ح ی ۲					قریب آن بعین برجل مفید قروح خبیثہ ذرورا وضماد آن با عسل قالع ثالیل
کفری	غنچہ حنا		اغلاف ثمر مخل	ح ی ۲					مفرح مقوی قوی مجاری ارواح قلبی ودماغی وکبدی معونش مقوی الشہ رافع اکلہ وقروح خبیثہ طبیخ آن

ع	ف	ه	م	ط	مض	ب	ص	ق	افعال وخواص
									باب الکاف مع الکاف
		گگرول	ثمر نباتی ہندے	ح ور	بفتح اول وضم ثالث				مفید سرفہ ودرد پشت وبدن وتبہای کہ منہ ضماد بیخ آن باآب بیخ مغوث بستن سریار یہ قوی ومطول آن با عسل اطلاق آن
		گگروندا	نباتی معروف	ح ی ۲					مفتح محلل عسار ہ بخش معدہ کہ بدہی بیشود وشربا سعوطا وآب گرش رافع رمد در سہ روز شرب سہ جب بخش کہ بقدر فلفل بود با عسل اسہال مزمن را مفید بعد دست آمدن بسیار وضعف بدن
		گگوڑا	نباتی ہندے						رافع جوشیدگی شیاب کہ ہما نست گویند رافع کف وسپرز آرزوی طعام وبیخ باتخم گگوڑا از زہر ہا نافع
		گگن ہول	اسم کہنبی						باصالح ونمک آمیختہ بروغن برشتہ میخورند واگر این را آب سایند در گوش اندازند ریم آمدن گوش منع کند
		گگیرن	درختی ست						شکم براند وہنگام بختگی ثقیل ست باد خون وتکہ دفع نماید
									باب الکاف مع اللام
کلب	سگ ۱۲	کتا کتے	معروف	ح ی ۲					طلا زہر آن با نمک روئیدگی مومی اندر چشم قطور شیر یکباز اول مرتبہ آب آشامد رافع بیاض عین وآشوب آن
کلب الماء	سگ آبی		معروف	ح ی ۳	زہر آن اقتال	شراب روغن گاؤ			دماغ آن رافع ظلمت چشم ست زہر آن قدر یک عدس زہر قاتل ست وجوز بوست آن رافع نقرس
کلخ			نباتی ہر گ آن مانند برگ کفاح	ب ی					قابض دافع نفث الدم واسہال موی وگزیدگی افعی سعوط آن رافع رعاف تخم آن مدر عرق
	گل داؤدی		گلی معروف	ح ی ۱				از مغوث بمقابل	عرقش مقوی مفرح دل شربت گلش با شراب محلل خون منجمد در معدہ ومخرج سنگ گردہ ومثانہ
	گل مہندی		گلی ست معروف	ح ر					مطبوخ آن در قطرہ غیر یرقان باہ وآب کوبیدہ جمیع اجزای آن رافع سوزش اعضا با آتش وآب گرم

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
کلز			جبی ہندے	ح ر					برای شکستگی استخوان بجاشدن عضو وبدرفتن آن شربا وضماد او در سائر افعال مثل سعناث
کلس	آہک	چونہ	معروف	آب ندیدہ آن ح ای ۲					ستردہ موخصوصا بازرنیخ ومالیدن تقل عصفر وبرگ شقتالو رافع بوی آن وضماد روغن گل و
گلس مغسول			م	ع	شرب آن قاتل	ادہان وامراق		ا	قاطع نزف الدم وفتیلہ السعید تخم مرغ آلودہ باہک آغشتہ در بینی داشتن مانع رعاف ومانع ادرار عرق
		گلوی گوسپند	نباتی بسیدہ بر مجاور	ح ی ع					مفید صرع وفالج وغشی وتقطیع بلغم ومفید امراض صفراویہ وبلغمیہ وسینی ومثانی ومولد منی وبا روغن دافع ریاح سودا
		گلہار	گل نباتی	ب ر					مفید حمیات صفراویہ ویرقان ومسکن عطش مضطرب عرق بنفشہ مانند عرق بنفشہ وماء گلش مسکن حدت صفرا وقابض شکم
	گلچکان	مہوا	درختی ست مانند انبہ	ح ر					دافع بلغم وباد مندمل جراحات مبہی مولد منی وشیر فربد بلغم دافع فساد صفرا وخون ودق وباد
	گلیان کاتہ		نباتی ست	ح ی					نیم مثقال پوست بیخ آن با نیم مثقال بیوند جنی بر رافع وجع طحال فورا طرق رد بے برگش بر جراحت بسیتن زخم را چاق نماید
کلیہ	گردہ	گردہ	معروف	ب ی	نطی العضم ردی الغذا	با بیہ آن با روغن کنجد بچکتن			مقوی گردہ ومثانہ بیہ آن ملین ادرار مصلبہ
									باب الکاف مع المیم
کماۃ	سماروغ	کھنبی	اسم جنس فطر	ب ر ۲	ردی الکیموس مولد سکتہ وسوداء	با سکبین وشنک وصعتر بچکتن			آب آن شفاست بیماری چشم آنرا کہ وقت بریان کردن بریزد جالے بیاض عین را وسر سائیدہ باب آن مزید نور بصر
کماذریوس			نباتی ست	ح ی ۲	اسعا	کثیر الاسہال	بیخ آن سکبنجہ	۱۰ ماشہ	مفتح مقطع اخلاط غلیظہ ملطف مسخن مطبوخ آن مفید قشر آن مسہل بلغم سودا وی مدر بول وحیض ومحلل صلابات طحال
	کماشیر		صمغی ست	ح ی ۲	ریئہ	کثیرا		تا ۱۰ ماشہ	مسہل زرد آب دافع استسقای لحمی ورقی مدر بول وحیض مسقط جنین محلل صلابات

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
کمافیطوس	باش وارد		نباتی ست	ح ۲ ی ۳	زیره	انیسون	سیاه چون	باشه	منفتح سدد منتج جالی اشتها باه قوی مسهل بلغم وادار اعظم او بطحال مفید استسقا بدیرقان ابتدا محلل ریاح نافع عسر البول
کمثری	امرود	نارسیده	ثمری معروف	ثمر امرود ۲ مع ۵	سپرزدین	زنجبیل	مقرحل	باشه	مفرح قلب وباه مقابض صفرا مسکن عطش دافع غثیان وتشنگی معدل مزاج
کمثری حامض			ثمری ست	ب ای ۲	مشایخ وبیمار	اصل			مقوی معده مسکن عطش دافع صفرا مطفی حرارت اخلاط صالح دافع تشنگی قی واسهال ۵
کمثری برے			درخت وثمرش کوچک میشود	ب ۲ ی ۳	عصیر وتخم	عسل			قابض مسدد سفوف حابس اسهال ادویه خفیف خاکستر جوش قاذر هر سه یکا از خوردن قطر وغیر خناق دارد
کمثری جبلے			مانند برست	ب ی ۳					از بری بعض آن زیاده ودر باقی افعال مانند آن
	کمرزهره		نباتی ست	ح ی					سم بعضی حیوان نبات آن تریاق نهش هوام وعقارب
		کمرک	ثمری هندے	ب ی ۲	مبرودین	جوارشات			قابض مسکن دافع حدت صفرا وعطش ودق اسهال صفراوی وطبع بلغم را نیکو کند دافع فساد باد وبلغم
کم کوت			صمغی ست						اگر آنرا بعد برآوردن حب بقدر نخود بسته از سه حب تا هفت بخورند اسهال قوی آرد
کمون	زیره	زیره	تخم سیاه وسبز	ح ی ۳	زیره انیسون	کثیرا	کروپا	باشه	مسخن ملطف مقطع محلل مجفف قابض مسعط نافع صرع خیسانیده آن بسر کریه بخورند بینی آن حابس رعاف
کمون برے			مشبه بزیره	ح ی ۳					منع آن جالی بصر ناقع شتر منقب اگر بعد تنقیه بمالند ومزیل ح بچشم مفید تنقیه البول واخراج سنگ گرده
						باب الکاف مع النون			
کندر			صمغی ست	ح ی ۱	آنکه بآن خرش دهم	برج خدرسے	قشاران	لمه باشه	مجفف قابض منضج جالی حابس خون مبل هضم رقیق دماغ ومعده وحرارت غریزی نافع خفقان بادی مقوی روح حیوانی

ع	ف	ه	هر	ط	مف	مص ب		ق	افعال وخواص
گندرے			نباتی است	ح ی ۳					مدر محلل منضج دوا کثه نائب سناب کنند
کندمش	بیخ گاوزبان		بیخ نباتی	ح ق ۳	گریه و عشقه و سورنجان	شیر کشتراه تازه	بوزن آن جوارش لعقه	بلند تگ	سعطش قوی محرق بلغم وخون مخرج مره سوداء بقدر عدس منضج سدد سوداء محلل سباح رافع خدر و فالج
	کنگرنگو		صنع حرشف	ح ۲ ی ۱			جوارش لعقه	تاب بهت	مقی بلغم بخراب کردن مجلل ورام صداع ودرغرقی دار شیشه دان قائم مقام آنست
		انگلی	درختیست معروف	ح ی ۲					سفید امراض سینه بواسیر ورام وتب غیر نوبه دفع مواد سوداویه ادرار بول وقروح مجانی نفیده
کنوطیری			اسم نوع کبیر مخروط	ب ۲ ی ۱					مسعل مجاری مسکن حدت صفراء خون وی مقوی معده کبد حار رافع تقطیر البول
کنهان	کرمان		درختیست	ح ی ۳	تفل وصحرق ضیط			باد دست	نوشیدن آب بیخ وماغ وتر باسنجن بن وی معده وکبد بادو معین هضم گرداننده عقرب
		گنهار	نباتی است						باد انگیز دفع فساد صفراء خون تسهیل شکم وتب دق نفع وتمرآن گران معوی وماغ مولد بی مدر بول
	کند		گل رامی هیل بریسے	ب گوسفند					دفع فساد بلغم وصفراء صداع وزهر وخون آن معوی دل وماغ بارد چون اورا با آب لیمو وسرکه حل کرده
	کنکول		دانه مشابه فلفل گلان	ح					مسهی دافع امراض دل وفساد باده بلغم
	کندورسے		مری ابلوطے						دفع فساد صفراء خون مسوزش اعضا ومقی مصلح قرحهی مفرط وقابض شکم دفتاح ومباد انگیز ومسک
	گن گیران		از جمله رسایین	سهار					دافع رکت یبوست فساد صفراء معوی بوسهی تمرش سرد وقابض شکم ودافع قبض ولاغرسے
	گنیار		اسم گل بیضه						معوی ومنع مضر دافع غثیان بهتر ودمامیل فساد خون وآماس اعضا وحلی اوساخ قرحه

بقیه ناتمام

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		گندر دولے	نوعی از گیاہ	ب					قابض شکم و دافع گرمی و سوزش اعضا و تشنگی و فساد بلغم و خون و صفرا و تب و جذام و نرم کنندۂ آہن
		گندہ بل	گیاہی ست						دافع امراض گلو و بیمار دل و فساد صفرا و خون بلغم و ضیق النفس و تب و سرفہ
		گنگیرک	درختے						تمرش رسیدہ ملین و گران و دافع فساد باد و خون و خام اوزاینده صفرا
									باب الکاف مع الواو
گوسنبل			نباتی ست	ح ی ۲	اکثر آن گشنده و موت حیوانات			از زخ آن تا نیم درم	مسکر مورث خوابی او بیہوشی دافع سلسل البول الفراش و اوجاع مفاصل و امراض بارده
		گونگه	ثمر درختے	ب ر ۲					مفرح قلب دافع خفقان مسکن حدت خون صفرا و تشنگی و سوزش معده و کبد مدر بول پوست آن مقوے
گومه			نوعی از جو						قریب بمری که بهار سے آبکاسه گویند اکثر آن مورث تپهای عفنی و اورام مزمنه
		گویط	ثمر درختے	ب ی ۲					مفرح قابض مقوی قلب جاره معده و کبد غرغره آن مقید جوش دهن و درد گلو و نافع بروز آبله
		گوجا	گل کوزه	ب					سبب دافع فساد اخلاط اربعه و مقوی دل قابض شکم مصفے رنگ خسار عرق آن رافع خفقان
		گود	درختے	ح					دافع برص و ناصور فساد و زهر کرم معده جذام و فساد بلغم تمرش مزید بلغم صمغ آن هم رافع فساد باد
		گوگلا	طائری						گوشت آن قابض شکم و مقوی چشم و دافع فساد بلغم و باد
		گومان	نباتی معروف	ح ی					دافع فساد صفرا و بلغم و یرقان و ورم اعضا و کرم معده مزیل حمی بلغمیه مزمنه

ع	ف	ہ	م	ط	مفی	مص	ب	ق	افعال و خواص
		گوبی	معروف	ب ی					قابض شکم و مقوی آن فساد بلغم و صفرا و خون جہ پر میوہ سرفہ و دمامیل و بثور و تپ را دفع سازد
		گوندنے	میوہ ہندے		اکثار ران معنے				ملین منفج مخرج کرم مفید سرفہ و مصفی صوت خصوصاً زیر زمین آن و سوزاک
									باب الکاف مع الہاء الھوز
		کھرنی	ثمر درختے	ح ا ر ۲	الکاتارہ آن مولد مخرج	دوغ			مفرح مقوی اعصاب رافع نقص سر و بیہوشی و تشنگی و مسکن ہیجان اخلاط اربعہ و قی مفید و قرحہ مجاری بول
		کھرہنٹے و کھرہنٹہ	درختے بقدر یک گز	ب ر					قابض شکم دافع سرخ باد و فساد صفرا نافع امراض سحم بر افروزندہ رنگ بدن و روے
		کھیلا	درخت کوہی						ازادویہ مقویہ گردہ و کمر و مانع رفتن آب از فرج زنان
		کھیپ	رستنی ست						برگش کوفتہ با شیر بز بچہ مخرج خارفور ۲ تولہ آن با ۱ مرچ سیاہ با آب سودہ رافع وجع مفاصل بیک چلہ شرتا
									باب الکاف مع الیاء المثناۃ التحتانیۃ
		گیا کو		ح ۲ ی ۳					ملطف محلل جالی مصلح اخلاط محترقہ مجفف قوی مفید امراض بلغمیہ سودا و میویہ فالج و جذام آتشک و غیرہ
		گیک	گیاہی ست						چون آنرا فرش سازند کیک گریزد و اگر تخم آنرا سائیدہ بپاشند نیز بگریزد
		گیتی	نباتی ست						سعوط برگ خشک سودہ آن رافع زہر مار گزیدہ
		گیو نہری	درختے	ح و گو یند ب					دافع برص طلاء گاو اکلاً

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		کینہہ	نثری ہندے	ب ی ۲					خام آن قابض شکم رافع فساد باد و صفرا و بلغم بچہ آن رافع تشنگی و قولنج سنے گاہ و سوہان ضم متوی معدہ
		کیت پتر ے	درختے	ح ر					رافع سم و غلبہ بگ و سیمان سنے
		کیوانچہ	درختی	ح					مسہی محلد سنے تحلش دافع فساد باد و بسنے
		کیسو اور کاپٹہ دیہلوار کاپٹہ	درخت صبر	ح ی ۲					برگش مسہل دافع اعراض سپرز و کبد و سادہ بلغم و خون و تب آبلہ بدن و دستی پوست چون ست بود مالند از آتش نسوزد
			مقالہ لبست وسوم در ادویہ کہ اول آنہا حرف لام ست						
			باب اللام مع الف						
لاذن			رطوبتی غلیظ چسپیدہ						
لازورد	لاجورد	راوٹ	سنگے است	ح ای ۲	معرب سنگل لاجورد	مسہل رودے		۳ ماشہ	ملطف محن مفتح افیون و مقوی قلب و مفرح خصوصا با ذہب آمیختہ جالی اخلاط مسہل بود و اوخلط غلیظ محتبس بخرج
لاغیر			نوعے از بیوعات	ح ی ۳	امعا	کثیرا	فراسیون	یکدانگ	قوی جدا کنندہ اخلاط بہم پیوستہ از معدہ و امعا بسہولت و مخرج صفرا و اخلاط محترقہ و منقی سفرج
لالا			گیاہی است	ح ی	انگشت آن شناسا	تخم مورد			قابض خون جالیس سیخان خون شیر بخورش مفید بود اسہر درد معدہ
	لاسرگون		نباتے						اگر پیاز آنرا با نبیذ بلسان صفہ کہ فتہ با آب جوشانند تا آب رود و غرغر بآن مفید عرق النسا
	لاذنعاسے		نباتی	ح ر				۳ ماشہ	سنج مسکہ منوم و نشاند آن بیغالہ و مشی ہاضم و مبہی و محمر رخسار

ح	ف	ی	ھر	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		لاسے	صنف درختی ہندی	ح ی ۲	مصدع محروق	کشنیز		۱۰ ماشہ	مسخن ملطف مفتح گدازندہ بلغم رافع امراض بارد بلغمیہ مفید ضعف عصب و شکستگی و اعیاء بارد موثر در مقوی
		لال مرچ	معروف	ح ی ۳	محرق خون	ادویان و لعابہا	۲ درنیش فلفل دراز		حاد محرق خون بمولد صفرا طلای رقیق با آب حل کردہ آن رافع درد بلغمی
		لانکے	درختی کچک	ح					حار رافع فساد باہ و بلغم و پیشہا معدہ و امعاء و مسہل و مسقط جنین
					باب اللام مع الباء الموحدۃ				
لبا	قبر کشت	پیوسی	دو شیدہ شیر گاؤ	ب ر	تو لیجر	عسل شیر			مسخن محرکہ باہ محرور بطی الہضم موار خلط غلیظ مسدد قوی و نفاخ موثر فواق و حصاۃ و باعث جشاے دخانی
لبخ			درختی عظیم	ح ی ۲	مصدع				مصنع آن بسکن و جع دندان شربت آن قاطع نزف الدم و حلی دروشش حابس نزف الدم خانہ گزیدہ سود مند و طلاء آن گزیدہ
لبلاب صغیر	عشق پیچہ		بنائی پیچیدہ بجاور	مرکب القوی	عصب	قشنا یا مرہ ہے	آب برگ نطی یا از آب آن تا ۳ درم		محلل قابض مسہل بزہ صفرا رافع قشر کہ با بوست طبع بود و قولنج حار و باخیار شنبر محلل و رم احشا
لبلاب کبیر		چاندنی بیل	معروف	مرکب القوی	مشاندہ و عصب	نبات	از آب تا ۲ درم		مفتح محلل ملین مسہل مقوی عصارہ با ابر سا و نطرون و عسل رافع درد سر کہ مذہ رافع درد گوش بار و غن بنفشہ مقطر آ
لبن الثعلب	شیر	دودھ	معروف	مرکب القوی	آثار آن سورشتہ بہ	عسل	نیم طل		مجموع شیر جانور مقوی مسمن موافق اعصاب مسہل مفید رمد مقطر آو سعانق و رم مقعد و جع آن و قرحہ و شانہ داء و اورام عا
لبن الثعلب	شیر لومڑی و شیر الثعلب و شیر الحمر	گائے کا دودھ	معروف	ر ۲ ب ۳	مبرود	کنگبین	شیر زنان یا بز یا شتر	نا نیم طل	بسیار مبرد مطب مفرح جالے مفتح مقوی اعصاب و طی الاستحالی خلط سوداوی آنرا موافق ابریشم یا قطعات آہو و بینہ گوش مرطب
لبن الاسد	شیر شیر	بکائن کا دودھ	معروف	مرکب القوی و حدت					نہایت جالی و ناقد و مدر
لبن البقر	شیر گاؤ	گائے کا دودھ	معروف	ح ب ۲ ح رب	آثار آن دوغ سکنجبین	شکر و عسل	شیر بز	یک طل	مفتح جالی سریع الہضم کثیر الغذا شربت گرم با گرم بشیر آن موجب ہزل دماغ و مرطب آب حافظ طوبات اصلیین نافع یبس

۱۸۱

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
لبن الحامض	ماست	دہی	معروف	ب ر ۲	سہ ودین	معاجین بارد			مرطب مسکن تشنگی مقوی باہ محرر مشہی مقوی اعضا قابض شکم مزید بلغم وصفرا وخون وآب از بینی براند
لبن جاموش	شیر گاومیش	بھینس کا دودھ	معروف		نقیل بطی الہضم				سریع الاستحالہ بخلاط غلیظ اگر آنرا بچوب درخت کنگر بمدت یک ماہ مخضوض داوہ منجمد نمودہ نبات داخل کردہ نوشند مفید بود اسہال خونی
لبن الغزال	شیر بز	بکری کا دودھ	معروف	ب ار ۲	سہ ودین واحشا	کثیر	شیر گاو		ملطف جالی حابس نوازل غرغرہ مفید ورام اہتاب حلق وکام زبان ومرطب دماغ قطور ا رافع درد گوش حار
لبن الضأن	شیر میش وگوسفند	بھیڑ کا دودھ	معروف	ح ر	تحدث تولیخ اکثر وملحم				مقوی دماغ ونخاع ومعد مفید مرہ ریاح وامعاء ونفث الدم مصفی خسار دافع مضار ادویہ سمیہ وجالینوس
لبن الفیل	شیر فیل	ہاتھی کا دودھ	معروف						گران است ومقوی اعضا
لبن اللقاح	شیر شتر	اونٹنی کا دودھ	معروف	ح ما بارد یبوست	معطش وحی الاخدار				جالی منضج محلل مقوی چشم وباہ مکثر رافع ضیق النفس ربو ویبوست جگر ومستسقا قی وطبلی ومحلل طحال ویرقان مفید
لبن الماعز	شیر بز	بکری کا دودھ	معروف	ب ار ۲	سہ ودین واحشا	کثیر	شیر گاو		ملطف جالی حابس نوازل غرغرہ مفید ورام اہتاب حلق وکام زبان ومرطب دماغ قطور ا رافع درد گوش حار
لبن النساء	شیر زنان	عورت کا دودھ	معروف	ب ار ۲		شیر الاغ	ماشیم رطل واوقیہ		مرطب مقوی دماغ رافع پیچوانی ومدر وقروح سینہ وحمی دق وادرار بول ویبوست سینہ وشریان ونفث الدم ونزف الدم
لبن الضان				ح ی ۴	قتال	علاج فریجون			از سموم قتالہ بویژہ نش باحث سعال وعطسہ ومہلک ومحلل اورام صلبہ در دو سہ ساعت
لبن الحیوانات			شیر نباتات						از سموم ومہل قوی الجنف وشیر بعضے نباتات در ذیل آن ذکر کردہ ام

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		لبیڑا		ح					دافع فساد زہر دمہیل وجذام ومقوی مو ومہیج دافع فساد باد وبلغم وصفرا وخون وورق
		لیلے	درخت						دافع غلبۂ باد وتخمہ وخون ہوا شیر بار خام آنجو بست وپختہ آن منضر نجلاف بار ہائے دیگر درخت
					باب اللام مع التاء المثناة				
		لٹکو	ثمر درخت	ب ی					مسکن حدت صفرا وخون مفید بعض امراض صفراویہ ودمویہ وشربت آن نیز مفید امراض مذکورہ
		لٹورے	درختی ست						عرق وش مفید قرحہ بامحلل باد اگر بجائے سن بہر فصاد سازند آبدہ ختہ آلائیش دفع کند پس مرہم سفید نمودہ مندمل
					باب اللام مع الجیم				
		لجالو	گیاہی است	ب ی ہ					محلل باد منضج مفتح رافع امراض دمویہ وصفراویہ وفساد بلغم ورکت پت ودرد فرج زنان
					باب اللام مع الحاء				
اسم	گوشت	مانس وسکوں	معروف	ح را و گ ب ی					گوشت پستان مسینہ لذیذ وگوشت بیان لذیذ ومسرا لہضم گوشت چرند بہ بطی الہضم بلغمی قلیل الغذا وگوشت
نجبۃ الطیس				مع ح ر ی ہ	گردہ	خاب			قابض قاطع نزف الدم واسہال مزمن دموی وقرحہ یہ وحصاۃ آن مقوی معدہ ودافع القیا مواد بدن
					باب اللام مع الخاء المعجمة				
خنیس				ح ر م					

ع	ف	ه	م	ط	مغن	مصل	ب	ق	افعال وخواص
									باب اللام مع السين المهملة
لسان	زبان	جیبہ	معروف	ح ر	سریع التعفن	سرکہ تیز مشک نور مرد مبرد			خفیف سریع الاثر مرطب بدن با ادویہ حارہ خوشبو مزید منی
لسانة			نباتی است	ب ر ۲					مفید عضل لسان حیوان مانند قلاع وامراض حارہ دہان وخفقان حرارت معدہ
لسان الثور			نباتی است	ب ی ۲ و گویند حی آبا	گردہ	صمغ عربی		از جرم آن تا ۳ درم	مفتح جالی طبیخ برگ و شاخ و مضغ آن رافع لکنت واورار بول وحیض واخراج جنین
لسان الثور	گاؤزبان	کانٹے دار پتے ہوتے ہیں	معروف	ح ر ا	سپرز	صمغ عربی حلیلہ مرتی	ابریشم خام	تا ۵ درم	مفرح مقوی ارواح وحرارت غریزی واعضائی رئیسہ وحواس ملین مسہل مرہ صفرا وسودا
لسان الحمل	بارتنگ		م	ب ی ۲	ریہ	سماق یا عسل	حامض سیبی	از تخم آن یک مثقال	مبرد قابض حابس نفث الدم ونزف الدم رافع قلاع ودرد گوش ودرد دندان ورمہا حار ومہل
لسان السبع			نباتی است	ح ی ۳					طبیخ آن سفوف سنگ گردہ وپشانہ وفرجہ بیخ آن برائے ادرار حیض واخراج جنین نافع
لسان الصغیر	زبان گنجشک	اندرجو	شیر درختے	ح ی ۲ و گویند را	مصدع محرور	کشنیز و کدو مغزی	بخور نسترن سرباد جوز بوا	در بادہ بقدر ۳ درم	مبرد مسکن ریاح تمر آن مسکن درد پہلو وتہیگاہ ورافع خفقان وشر وضیق النفس وقمع وسعال مزمن
لسان الثعلب			نباتی است	ح ای ۲					یک رطل آن با عسل رافع صلابت طحال شربا وضمادش ملزق جراحات وملتہم رخمہای تازہ
									باب اللام مع الصاد المهملة
لصیقے			نباتی خاردار	ح ی ا					محلل جالی طبیخ آن با عسل رافع شربا ودرد نشوت سینہ وضمادش با روغن گل رافع ضربان ورم مقعد
									باب اللام مع العين المهملة

لسان الحمل بارتنگ ... لسان الصغیر زبان گنجشک ... لسان الثعلب ...

ح	ث	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
[illegible]	آب دهان	تهوک	معروف						جالی خصوصا لعاب دهن صایم رافع اذیت کرم گوش و محلل خون مرده و جای بهق و کلف و قوبا و اگر بدهن اندازد ضرر دارد
[illegible]			مانند سورنجان	ح ی ۲	صورت امراض حاره	کشنیز	همورزن بغز گردکان	۷ ماشه	محلل ریاح قاطع بلغم مقوی حرارت غریزی قاطع بواسیر و اوجاع صدر و سم افعی و محمر
[illegible]		لال	حجری معروف	مع بی ۲				تا یکدانگ	مفرح مقوی قلب و اعصاب و قوت باصره قوی تر از یاقوت حابس نزف الدم و بواسیر
باب اللام مع الفاء									
[illegible] نفاح	شنابیز رک و مغله		ثمر بیروج برے	ب ی ۳	دو درم کشنیز	فی بروغن	جوز ماتل یا بزر البنج	تا نه ماشه	مخدر مجفف بمسکن قصر باه و اوجاع و غلیان خون و صفرا و قابض و مسکر سموم مسهل رافع درد سر حار و مزمن و صداع
[illegible] نفت و شلجم	شلغم و برسته و شلیم	شلغم	معروف	ح ۲ ز ۱	برگش با طی الارض و نفاح	فلفل و زیره			کثیر الغذا رافع سعال طین سینه و بطن سعوطی بصر مشی بی مزید منی مفتت حصاة مدر بول برگ نا رکش مدر قوی
نفش			درختی عظیم						طلای برگ خشک مسحوق آن رافع برص و بهق و عصاره تازه آن رافع قوبا
باب اللام مع القاف									
[illegible] لق لق	لک لک		طائر می معروف	ح ی ۳	محرورین	روغن کنجد و سرکه و کشنیز			گوشت آن جهت فالج و لقوه و خدر و ریاح غلیظه و برودت مستحکم و ضعف باه و سموم مسهوسه مفید
باب اللام مع الکاف									
لکث	لاکھ	لاکھہ	صمغ نباتی	ح ۲ ی ۳	سپرز	مصطکی	در نفتح و ثلث ریوند	۴ ماشه	جالی محلل منقی اخلاط حابس شر یانیه فالج و نفث الدم شربت و ضماد بوخفقان و مقوی و مفرح و اشتها
باب اللام مع النون									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
لیخیطس			نباتی است	ح ی				از جرم آن پیمانه	بخش شدر شربا وخشک صحرائی آن بسرکه مفید سپرز با قدر دو درم وضماد آن مانع زیادتی جراحات
									باب اللام مع الواو
لوبیا	لوبیا		غله ایست مشهور	ح ار ۲	سرخ	نفاخ بطی الهضم			جالی محلل ملین سینه وریه مدر بول ومنتی نفاس مخرج جنین رافع وجع گرده
لوز الحلو	بادام شیرین	بادام	معروف	ح را وگویند مع	احشا	مصطکی وشکر		۱۰ درم	مبهی مفتح حافظ قوی جوهر دماغ جالی مقوی بصر ملین مسافی سینه شربت آن رافع سرفه وخشونت سینه وحنجره
لوز المر	بادام تلخ		معروف	ح ۳ ی ۱ وگویند ی ۲	اعسا	بادام شیرین وشکر			محلل جالی مزیل اخلاط غلیظ رافع صداع ضمادا با سرکه مقوی بصر اکتحالا رافع رمد وشرد ورم سینه وریه
لوز البربر				ح ی					بسیار قابض است وروغن آن از زیت السودان گویند
لوسیمخوس			نعناع ارسراج القطرب	ب ی ۲	ریه	عناب		از آب ساشه	قاطع رعاف ومنزف الدم فرزهره برگ آن قاطع سیلان حیض وضماد آن باخاسطوخودس
لوغ بیطوس			گیاهی است						شربت برگ خشک وضماد پوست آن بسرکه رافع جرب وملتئم زخمهاست جمیع اجزای آن
لوف الحیه	فیل گوش		نباتی است	ح ی ۲		جگر وولد خلط غلیظ			ملطف مخرج ومقطع ملغم ومفتح قوی سار وآن رافع بیاض عین مفید عسر نفس ونفس الانتصاب وربو وسل
لوف الکبیر			مانند لوف صغیر	ح ی				۳۰ ساشه	مفید امراض سینه ضماد وش با سرکه گلنار مفید نفرس بخور بخش سفید بسیار اگر بخش بریاچه نمود ویکشبانه روز
لوف الصغیر			مثل لوف کبیر	ح ی ۴					محرک ادرار بخش غیر شرد ربو عسر النفس نفس الانتصاب نزله ومخرج رطوبات سینه ومفتح
لولو	مروارید	صوتی	معروف	ب ی ۲	مشانه	مسعل یا معجون گل		۲ ساشه	مخرج ملطف تقوی اعضا وقوی ارواح سائر آن رافع خفقان جنون بهق دیوانگی ونفث الدم

ع	ف	غ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
		لودہ سیب		ب ر					مقوی اعصاب قابض شکم دافع فساد صفرا مدر بول باد و بلغم افزا
		لوده	م						طین مقوی عین دافع فساد اخلاط حابس خون حیض و اسہال گلش مغلظ منی مہیج و مفید امراض عین
		لونیا	م	ب ی	نفاخ				طین افزایند بلغم و باد و صفرا و قسم دیگر گدرست ہر دو بطعم شور و ہنگام ہضم شیرین
		لونگ سنگ	گیاہ است	ح					مقوی دل و دماغ است و آن گل سفید و خوشبو است
					باب اللام مع الهاء الهوز				
فهلوتمر			شجر مصر ے	ب ی					مجفف بی لذع قابض دماغ مانع سیلان مجاد مفید نفث الدم و نزف الدم و اسہال خون و مثانہ
					باب اللام مع الياء المثناة التحتانية				
لیسانوس			نباتی است	ح ی					محلل طین جلائی با عسل جلائی بصر مفید قتال و با سکر مفید مغص و ادرار بول و حیض و بہق
لیف			خشاوه نخل	ح ای ۲					جلائی مکسر محرق آن جلائی بیاض رقیق عین سفوفش مستحکم لثہ و دندان و مصفی آن فرش آن مفید مستسقے
لیف البحر			ینجی است	ح ی ۲					جلائی محرقش بہترین ادویہ چشم و دہن اکتحال مغسول آن مفید ناخنہ و بیاض عین
لیفیہ			گیاہی سرخ		از ربع زائد مکسنده			ربع درم	قسمی آن مسہل دافع حمیات و قسمی قتال
لیمون	لیمو	لیمہ	م	ب ۲ ی ۱	مورث مغص	عسل و شکر	اترج		عطش بجائی قاطع اخلاط غلیظ رافع صداع حار و وار و اورام حارہ حلق و خفقان سودا دے

۱۸۷

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	اضافات و خواص

مقالهٔ بست و چهارم در بیان ادویه که حرف اول آنها میم است

باب المیم مع الالف

ماء	آب		باقی جل	معروف	ب ر		اکثار آن مبرد دین		مرطب مکن عطش و سوزش معده مقوی قلب دافع فساد صفرا و دوران سر و اعیاء بیهوشی و غثیان
ماء الاجاص				آب ثمر			مورث استسقا		مرجب امراض ردیه مثل ضعف معده و کبد و سوء هضم و قلت اشتها و ضعف اختلاط و مسدد
ماء البیدانجشت	آب جامه کارنه		کوئین کا پانی	م			تقیل بطی الانحدار		مزید صفرا و شهوت مقطع بلغم و بهترین چاهها چاه واسع و عمیق بسیار آب که مجرای آن بش از شمال یا مغرب بود
ماء الخیار	آب بسیار گرم			م			اکثار آن مفسد مقوی مفسد هضم		محلل ریاح و نفخ مفید بالنجولیا و صداع بارد و بثور حلق و قروح مجاری و ریه و نواح صدر
ماء البحر	آب دریای شور			م	ح ی		مولد حکه و جرب	شور بای مزمن و ضعف عزبی	جای محل جلوب غلیظ سهل بلغم و صفرا ناشف رطوبات مفسد خون و شوئیدن سر عقره بدان مفید
ماء الحمامات			آبهاگرم زرد فیے و ذوالسبے		ح ی		اکثر آن بسیار مضر	طینات	محل قابض مانع تولید قمل حابس قے و ماء الشبی مفید نفث الدم و سیلان بواسیر و فضول طمثے
ماء الحمد			آبی خلیج سیاہ کنارہ مہند آرمند		ح ی ۳				ربع دهم آن جابکشر اضماد مفید است برای گسیختن جروق و رض عصب و جوشش لثه نافع آثار و قروح و حکه
ماء الشعیر			آب معتدل در سردی گے						بواسیر مثانه و امعاء و معده ضعیفه و احشاء و مسکن خارش و آبیکه در جوش ربع آن سوزد دافع فساد باد کند
ماء الرماد			آب سیکه در ان خاکستر جوشند		ح ی		محسن بطن	روغن بادام	جای خفت جروق بخش قالع او ساخ بقدر نیم مثقال محسن بواطن جای قصبه ریه و معده و حابس قے
ماء الکرنب			آب استاده				محدث حمی		ردی و ثقیل و مرجب امراض ردیه اگر صاف و شیرین و عمیق و مکشوف و از باد شمال متحرک و خالی از اشجار بود

ع	ف	ه	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ماء الکدر			آب کدر		مولد سده و سنگ گرده و مثانه				مولد سده و سنگ گرده و مثانه و مفسد غذا و در حکم مادر الکد
ماء المطر	آب باران		معروف		سینه و آواز				سبک و مروح و مفرح دل مقوی باه و اعضا دافع تشنگی مفرط و بیهوشی و سوزش اعضا و عیا مزید عقل
ماء العیون			آبهای چشمه‌ها و چاه‌ها						اگر شیرین و صاف و خالص الترتیب بود و آب آن از بالای کوه آید بسیار مفید ست و الا مضر
ماء مروق و مقطر									در افعال و خواص قریب بآب باران ست
ماء الزبیب و التمر			آبیکه در رفت و قیر بگیرد	ح ی	مورث قرحه امعا	اغذیه رطبه صنعت عزی			مفتح مسخن محمر رنگ رخسار و مورث امراض حاره
ماء الکبریتی			آبیکه از زمین گوگرد بهم رسد	ح ی	بصر و معده و امعا	اعراق و سمه			مسخن مجفف مفید امراض سوداویه چون جرب و قوبا و بهق و اوجاع مفاصل باردة و سعفه
ماء المر			آب تلخ	ح ی	مبرد دین	اشیای دسمه			مطفی اخلاط غلیظه مقطع بلغم مفتح و مفسد خون
ماء الملح			آب شور	ح ی	معده	جمر بهها			جالی محلل جاذب بلغم مسهل بلغم و صفرا ناشف رطوبات مفسد خون
ماء المعدن			آبیکه از فلزات آید	مانند آن تفرات	مورث سرسام				مفید جوشش دماغ و مقوی اعضای ضعیفه مقوی باه و دل و دماغ وغیره
ماء النحاس	آب مس		آبیکه از معدن مس برآید یا مس در آن یافته	ح ق	باطن	ماء الرفت			مفید فساد مزاج و جوشش دماغ و دم اماده و درد گوش و تقویت اعضای ضعیفه مفید قروح دماغ و گوش
ماء الحدید	آب آهن		آبیکه آهن در آن						برای استسقا و طحال و تقویت اشتها و باه و امراض بارده و مفید و مانع مس اسهال و مقوی معده مفید نفث الدم
ماء الرصاص	آب ارزیز		آبیکه سرب یا قلعی در آن		مولد قولنج				رده و محتبس بول و در دارت آب سرب زیاده از آب قلعی ست

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ماء الجبن و الشب	آب سیستم زرد		آب سیستم زرد بقته						مقوی دل و دماغ و معده و کبد و باه و ملین لیاً خفقان منعظ و حمسک بطن و دافع امراض سوداویه
ماء الهون			آبکه از سنگ مرمر خارج شود	ح ی					رافع قرحه دهن مخرج اخلاط غلیظه و عرق النساء و قروح امعا مجفف جراحات مصلح مزاج آب عطش
ماء الشب	آب زاک								مفید نفث الدم و مانع قی و برای منع اسقاط و ادرار حیض مفید
ماء القداح			عرق بجار	ح ی	کبد				ملطف محلل مفید صداع بارده و کاز و نزلات خفقان بارد مفتح و رافع امراض بارده
ماء الشعیر	آب جو کشک		م	ب ر	احشاء مفرده	گلقند		معدد رم	افضل اغذیه است برای امراض حار منضج اخلاط مقرغ اخلاط محرقه مبقی معده مسکن تشنگی و هضم اخلاط مره
ماء اللحم	آب گوشت		م	ح ر					انفع اشیا است برای ضعف دل
ماء الجبن	آب پنیر		م						مفید کلف و جرب و یرقان مسهل صفرا مسکن حرارت جگر و افتیمون مسهل سودای سوخته
ماء الکافور	آب کافور		م	ح ی ۳	مصلح محرور	روغن بنفشه			مختار آنکه بروغن بلسان بماند بارد المزاج و یران را بر مستان موافق و در شهرهای سرد نیز
ماء العسل	آب شهد		م	ح ر				با بوره مقال	مشهی و مرخی مفید علل بارده مسهل بشرط استعداد خلط چون بشربش قدر اقتر نرد ناف زن شود آبستن
ماء الورد	گلاب	گلاب	معروف	مع	مخشن سینه	جلاب نباتات			مقوی دماغ مسکن صداع گرم مقوی دل و معده و چشم شمه او شربا مسکن درد چشم دافع غشی و نفث الدم و خفقان گرم
	مارگیاه		نباتی ست	حی ۲					هر گاه حیوانی گوزیده شود با پنج مثقال بخورند بطن آنکه از گزیدن حیوان باشد بعد و تا هفته غیر نان نخورند
	مارگیوا		نباتی ست	حی ۲					محلل ریاح رافع بواسیر ضماد پوست خشک آن مخمر خمیر رافع اورام بارده طلاء کمشترش رافع

۱۹۰

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ماهیاسپیج	مارماهی	بام پچھلے	ماہی است	ح ی					منعوی ہوا زیل ریاح و سرزنی بدن بیران رافع وجع ظہر قاطع سیلان خون
ماذریون		برگ درختے	ح ی ۴	محرور اطفال		قی بشیر گاو دود سرکہ خیسانیدہ	ایرسا	۳ پشہ	جالی منقی مقشر حریف سیاہ آن مسکن وجع دندان مسہل ماء صفر و حیات و جذب القرع رافع استسقا و یرقان
ماس	الماس	ہیرا	حجری معروف	ب ی ۴	قاتل	ٹی بشیر تازہ			مقوی دل العلیقار رافع خوف و فزع یسر و لاوت باعث غلبہ بر خصم مسدس تسکل آن مانع صرع جالی اعضا
ماش	بنوماش	مونگ	حبی ماکول	ب ا	مبرد و دو پیران	زیرہ و فلفل	باقلا مقشر		کثیر الغذا مولد خلط صالح الطبع الا نخاز خصوصا مقشر مسکن حرارت و حدت و التہاب صفرا و خون
		ہاسفودون	نباتے	ح ی					با فعال و خواص مانند سنبل و گیتس و اخلاط دہان برای خوشبوی می کنند
ماعز	بزومیش	بکری بکرا	معروف	ح ر	سودا وی مزاج	بادام			مولد خون لطیف و گوشت بزخالہ مافوق ششاد و مسکن غلیان خون لطیف
مالک الحزین	بوتیمار و ماہی گیر	بگلا	طائری آبی	ح ی ۲	مولد ریاح	ادویہ حارہ			گوشت غلیظ مولد ریاح مقوی گردہ مبہی طلای پیہ آن قاطع خون بوسیر ضماد خوانش بحمام نافع نزلات
	مال الکنگنی	تخم نباتی ہندے	ح ۳ ی ۲	محرور					مقوی دماغ و حفظ و ذہن مضیع نفرس و عرق النسا و ورک و علل بارد دماغیہ و اسہر غش و فالج و لقوہ و رعشہ
مالیا		درختی بشام مشہور			سرشار و چوب آن شنذہ				برگش رافع سم افعی طلای پوست محرق آن رافع برص
ماهیناسا		نباتی است	ب ی ۲	سپرز	بادام شیرین	سماق	۳ ماشہ		قابض راوع محلل مقوی اعضا رافع صداع مانع انصباب مواد بچشم و قلاع تخمش رافع خفقان و سہر
ماهیران		نوعی از عروق الصفر	ح ی ۳	گردہ	عسل	زردچوبہ مر	نیم مثقال		جالی محلل منفتح مقرح مشقق ناخن با عسل منقی دماغ سعوط او مجلی بیاض و ناخنہ در و شنائی بصر
		مانڈے	ب ر						مشہی معدل مصلح بلغم و باد و صفرا و نرم سازندہ عروق ضماد او رافع تپ صفراوی و بلغمی و قابض

ع	ف	ک	م	ط	مض	مف	ب	ق	اعمال و خواص
		باچھک	اسم عصارہ نبات	ب ی					مقوی بصر مزید عقل دافع بلغم و سبک ہضم و مصلح مزہبی
		ماٹ	اسم سگ گیاہ						بچون پوست بیخ ماٹ دو رکدہ مغرش بقدر صد تولہ صد تولہ شیر بگاؤ و صد تولہ عسل جوشاندہ مزید شیر بود
	ماہو دانہ		نباتی شیر دار	ح ی ۱	شیر مثل				مسہل محلل قولنج مدر بول رافع درد مفاصل و نقرس و عرق النسا مخرج بلغم غلیظ
ماہیزہرج	ماہی زہرہ		پوست گیاہی	ح ی ۲	اسعا	کثیر الشربہ		۴ ماشہ	مسہل قوی باغم غلیظ محلل ریاح رافع اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النسا کوبیدہ آن مخرج ماہی روی آب
									باب المیم مع التاء
	متہیکرہ		بیضہ ماہے	ر	گران				مبہی مقوی اعضا سخن افزایندہ بیہ و بلغم دافع پرسیو پیدا کنندہ گرانی طبع
									باب المیم مع الثاء المثلثة
مثنان	درخت گز دانہ		نباتی ست	ح ی ۳				۳ ماشہ	بلغم دانہ آن مسہل بلغم مانع صعود بخرہ بدماغ مخرج کرم معدہ طلاے کوبیدہ اش مدر عرق معطر رحم باشف
مثلث		آب انگور کہنہ دو ثلث بطبخ برد		ح	الکتار آن محرور	السیار آب انجختن	خمر		داخل خون صالح مستین موافق ذات الجنب و ذات الصدر مقوی باضمہ و باہ مبرد و مزید منے
									باب المیم مع الجیم
مجنج	گل خوش نظر	کلگا	نوعی از ریاحین	ب ی ۲					تا بلغم رافع سیلان خون و سہال مفید خمہای تازہ عصارہ آن برای کرم گوش و قرحہ و وجع آن مفید
	مجوقان		بیخ نباتی مفید	ح ی ۲				۳ ماشہ	مفید نوازل و مجع مفاصل گزیدہ قولنج مسہل بلغم رافع آشک و جرب و حکہ و حمیات مزمن مفتح

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
باب الميم مع الحاء المهملة									
محروث	بیخ انگوزه		اصل الانجدان	ح ی ۴	شش	عصارهٔ تر یک		۱۰ ماشه	باضم مصفی معده محلل ریاح ونفخ ملطف ودر منفعت مانند حلتیت نیست
باب الميم مع الخاء المعجمة									
مخ	مغز استخوان	گوداء	معروف	ح ر	اکثار آن مفسد معده	نمک صعتر دار چینی			ملین مرخی اعضا کثیر الغذا مسمن محلل صلابات مفید شقاق دست وپا ومفرساق گاو وبزرگ بهتر میشود
مخلصة			نباتی است	ح ی ۳				۴۰ ماشه	خلاصهٔ هندزاسم قمی رافع قولنج محلل اخلاط لزجه مقوی معده وکبد وطحال دافع اوجاع مفاصل
مخیض	دوغ	چھاچھ	ماستی است	ب ر ۲	صاحب عفنه		قے		مسکن غلیان خون مبهی محرور مشهی مسمن مطفی حدت تب دق وسموم حارهٔ حرارت معده وجگر
باب الميم مع الدال المهملة									
مداد	مرکب سیاہی	مسی	م	ح ی ۳		روغن گل	خاکسر خشت خام		قابض مجفف رادع مقوی وضماد مداد هندی برپیشانی حابس رعاف ورافع وجع شقیقه وکف پاجاذب حرارت حمی
باب الميم مع الراء المهملة									
مر		بھول	ضمغی است	ح ی ۲	شانه ومحرور	عسل	صمغ بادام تلخ ۱۰ ماشه		جالی مجفف قابض مفتح منضج مسهل ملین طارق محلل ریاح ملطف رطوبات مانع تعفن منقی دماغ مانع نزلات
مرزنجوش			خاری است	ح ی ۲	مصدع	کثیرا		۱۰ ماشه	مفتح ملطف ضماد بش رافع وجع عین مدر مفید حرب وحکه مطفی حرارت خون ومصفی آن
مرارة	زهرهٔ تلخه	پیتا	م	ح ی ۴					جالی شدید النفوذ منضج نافع تاریکی چشم وابتدای نزول آب انیزو مسهل مدر حیض

۱۹۲

ع	ف	ی	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
مرارة الارنب	زهره شیر	باگهه کا پتا	م	ح ی					قوی ترین مرارات حیوانات ست نافع تاریکی عین از ابتدای نزول آب و بعد از بسیار و با عسل مانع تزاید اورام
مرارة الارنب	زهره خرگوش		م				زهره تیس		اگر آید و جاری گردد و سداب آمیخته با شراب نوشند جواب نیاید و اگر خلاصی خواهند سر که او را بجویانند
مرارة الدجاج			م	ح ی					معالک کلی و بن و زبدی عین بذر اعاض شود و علاج آن بزهر باق فاروق و ماء اللحم و رب به وسیب سازند
مرارة ثور		میل کا پتا	م	ح ی	جگر و زهره	اکثیر او عسل		یکدانگ	با عسل بر آقروح متقدم و ناظر و ن و طلی مجعول یا مفید خازه و لوک و مفتح افواه عروق و بواسیر
مرارة التیس			م	ح ی					نافع دوالی و داء الفیل خناق و قروح و شور گوش و رافع نهش هوام و قالع گوشت زائد
	مرارة بوم	الو کا پتا	م	ح ی					با عنا کستر چوب گز رافع بول در فراش و سلسل البول و رافع شیکوری
مرارة الحطیطا	زهره سگ آبی		م	ح ی					قدر عدس آن کشنده علاج آن بروغن گاو و حنظل یا نای می و دار چینی نمایند
مرارة القنفذ	زهره خار پشت		م	ح ی					شرباً نافع مجزوم و اثر ریشها که در چشم بود زائل کند
مرارة الضفدع	زهره کنجشک		م	ح ی					باعاقر قرحا و قدر سے زنبق بر کنج ران و قضیب و خصیه و ران طلاء منعظ بغایت مرتبه
	مرارة بیض سیاه		م	ح ی					طلای آن بر اعلیل مورث لذت جماع زنان و محبت مفرط ایشان بمردان
مرّان		درختی عرب		ح ی					برگ یا عصاره برگش بقدر یکدرم رافع سم افعی با شراب پوست درخت وی سوخته قاطع خون
مرجان	مرجان	سونگا	م	ب ی ۲					قابض مجفف ملایس تعلیق آن بر جد رافع جمیع امراض آن و رافع خوف اطفال و ام الصبیان

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مرداسنج	مرداسنگ		جسمے حجری معروف	مائل بگرمی ۲	سم قتال	قے	اقلیمیا	واز جرم آن مادہ مشغال	مجفف محلل قابض مقوی معرق مسدد حابس جالے برندہ گوشت فاسد منبت گوشت صالح ملتئم اکمال
مرزنجوش	مرزنگوش	دونامروا	م	ح ۲ ی ۱	گردہ و مثانہ	تخم کاسنی و تخم خرفہ	سوسنبر و اسنتین	مرطوب مصلح	ملطف محلل مفتح جالی جاذب رافع صداع بارد رطب حابس کام مقوی دماغ ومنقی آن مفرح
مرسطس			درختی است	ح ی ۳					طلاء نافع لسع سائر ہوام سوئش مقوی دندان اشد در خشکش ملتئم جروح رافع عسر ولادت تعلیقا
مرغ		دوب	گاہ معروف	ب					شیر برگ وساق نازکش بارابر برنج سفید باقدرے مصری رافع قی وہیضہ وسمیت مارگزیدہ وسوزش اعضا
مرغزی	مرغز		نوعی از پسم بز	ح ر					لبس آن سخن سبر ودوسوافق لعزجہ ومقوی کمر وگردہ ومحرک باہ بدن رانیکو کند
مرمر			نوعی از رخام سفید						چون سخت باشد اندرا سخن مکنہ مقوی دندان پختہ بود ومفید سوختگی آتش وباسوم روغن مسکن وجع معدہ
مرقشیشا		سونامکھی	سنگے است	ح ی ۲ و نیز در سوم	سم قتال	قی کردن	سفیدستا یا اقلیمیا		محلل جالے قابض منفخ مسخن رافع فرع طفل تعلیقا مجلی ومقوی چشم ملتئم جروح ومنقی آن اکال گوشت زائد
مرماحوز	مروخوش		نوعی از مرو	ح ۳ ی ۲	مصدع مسطش	خوردن یا حین	بادرنجبویہ	۷ ماشہ	ملطف محلل مسکن ریاح مفتح مسدد منضج مسکر شربا بشراب رافع خفقان سوداوی ومقوی معدہ واسعار رافع قی
مرمازاد	مروآزاد		نباتی است	ح ی					بارو غن بنفشہ سعوطا مفتح مسدد ماء ومقوی آن ومقوی معدہ وجگر واعضاے باطنی ومحلل ریاح وامراض بارد جگر ورحم
مرماہوس	مروسفید و مرو تلخ		نباتی مانند مرماحوز	ح ی ۲ و گویند ح					مفرح مجفف مسکن ریاح مفتح مسدد بلغمی ملطف محلل رافع خفقان سوداوی مقوی معدہ
مرو	مرو رشک	کنوجہ	اسم جنس انواع نباتی است	ح ی ۲					ملطف محلل ریاح ونفخ وملغم مفتح مسدد مسکن وجع کلیہ ورافع صداع مقوی معدہ ومعاء واستسقا وریاح
مرہ یبس			سنگے است سیاہ مخطط						شرب سہ شیر آن رافع وجع فواد وضماد آن برای نملہ نافع اگر آنرا بسایند بوی خمر آید

195

		مرہے								
مرسین	آبکنار	۰	معروف کہ از آن جوب سازند	ح ی ۳	سیتہ بمرہ و بید و سیر	لعاب با دچرب با	ماہیانہ	۱۰ ماشہ	مسہل و دافع فساد صفرا و بلغم و خون و باد و تشنگی و امراض دل و جذام و جرب و حمی	
مرداسنگ			آب سیاہ رنگ	ح ی ۲					مقوی معدہ و جگر دافع صداع شنیدہ کرم مقعد	مقعد
					باب المیم مع الزاء المعجمة					
مرمار الراعی			نباتی است	ح ی ۲ و گویند ح	طحال	باد آورد	اشتہاں	۹ ماشہ	جالی محلل رافع سموم مفتح مدر حیض قابض شکم مسکن نواق و منعص مفید برای درازی عمر	
					باب المیم مع السین المهملة					
مستجلہ			قیل بوزیدان	ح ر	خلق	عسل	خمیر مایہ	۱۰ ماشہ	باصندل مقوی قوی و باہ و اعضا دافع فساد اخلاط صحیح باہ سرعتا مصلب ذکر مسمن	
مسحوقیا	کف آبگینہ		سنگ مطبوخہ مصنوعہ	ح ی					حادجالی رافع بیاض و ناخنہ و ظلمت بصر و سلاق و شرناق جالی دندان قاطع گوشت زائد	
مسک	مشک	کستوری	م	ح ی ۳	محرورین و محدثہ ع	کلاب و کافور	بلغمیہ و سوداوی	۱۰ ماشہ	ملطف منضج مفتح سدد محلل اخلاط و رافع مفرح مقوی دل و دماغ و حرارت غریزی و حواس مفید صرع و رعشہ	
مسیر			آنچہ گرد مرہے	سیلہ ی آن					ملطف اخلاط منضج مفتح سدد مدر مفرحات مسمن محرک باہ مولد خون صالح مانع صعود ابخرہ بدماغ رافع مالیخولیا و جنون	
مسن			سنگیر کہ بآن کارد تیز کنند	ب ی		بابونہ	طین قبولیا		محلی محلل	
					باب المیم مع الشین المعجمة					

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مشط الثعلب		کنگھی	نباتی است	ح ی ۲					محلل قوی ریاح غلیظہ مفتح سدد سدہ او قیہ آب برگش رافع سم سگ دیوانہ شربا
	مشک دانہ		دانہ ایست	ب ی				۱۳ ماشہ	جالی عین رافع امراض دماغ و بی مزگی زبان و ثقل معدہ و ریاح آن و برص و سوداک
مشکطرا مستیع	رنگ		پودینہ جبلی	ح ی ۳	مقعد	صمغ و سکر	پودینہ و نعناع	۴ ماشہ	مقوی اشتہا مخرج رطوبات از سینہ و رحم مفتح قولنج مفید غشی و کرب و ادرار بول و حیض و نفاس و مغث
مشمش	زرد آلو	خوبانی	ثمری معروف	ب ر ۲	سبر و دبس و تفاح	شکر مصطکی	خوخ	یک کف	مفتح ملین موافق محرورین رافع بدبوی دہن مسہل صفرا مسکن تشنگی و التہاب معدہ و رافع آروغ قامعہ
			باب المیم مع الصاد المهملة						
مصطکی	کندر رومی		صمغ درختے	ح ی ۲	مشانہ	بسکر کہ خصیاتید استعمال نمودن کندر زدکر بکور تشر		۴ ماشہ	ملطف محلل جالی قابض مقوی قوی اعضائے پیشہ معدہ جاذب رطوبات و بلاغم از دماغ رافع صداع بارد
مصطکی			مائیت دوغ	ب ی ۲	دوغ بجہ نفخ	ادویہ مسخنہ و جوارشات			مسکن حدت صفرا و خون و تشنگی و حرارت معدہ و کبد و اسہال مرار و حمیات حارہ
مصوص			عصارہ انار سنج کباب						صالح المعدہ اشہی الہضم مفید صاحبان امراض حارہ بمعدہ کبد حار و غلبہ صفرا و امراض حارہ و حمیات حادہ
			باب المیم مع الضاد المعجمة						
مضغ			رمان برگ						خمادہ بخ آن با مساوی آن بہیر سقوطری و ملین بارمنی جہت وجع ضربہ بسقطہ نافع
			باب المیم مع العین المهملة						
مغاث			مخ بچی است	مشانہ	عسل	عصفر و زنجبیل		۴ ماشہ	محلل قابض مقوی اعضاء اعصاب مسہل رافع صرع و جنون و امراض بلغمی و سودا کمرو سے

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مَغرہ	گل سرخ	گیرو	گلی است سرخ	ب ی ۲	امعاء و معدہ	شیر مینہا	گل ارمنی و کہربا	۷ ماشہ	قابض مجفف حابس رادع مفید اوجاع کبد و حبس بطن و تقل کرم وحب القرع مسکن حرارت اعضا
مَغنیسا	رنگ کاسہ		سنگے است	ب ی ۳	دل	عسل	مرقشیشا	۱ ماشہ	جالی قابض مقوی معدہ منقی رطوبات رافع حصاۃ وعسر البول رافع کلف طعتم جروح
									باب المیم مع القاف
مقل	بوئی جھوداں	گوگل	صمغ درختے	ح ی ۲	ریہ و کبد	کثیر او عقران	مرئی و ثلث	سہ ماشہ	جالی محلل طلین نافع کزاز و درد و گلو و سر فربہ رطوبی و ربو و ضعف جگر و عسر الادت و نقرس و مفتح
مقل ازرق			م	ب ی					قابض مقوی معدہ حابس اسہال و سیلان خون طبخ آن مفید تقطیر البول و نفث الدم
مقسمہ			عه						مفید بالیخولیا و خشونت سینہ و تسکین تشنگی و تلخی دہان و دفع تپہا و اخلاط سودا وی
									باب المیم مع الکاف
	کہار کنکہانا		بیخ نباتے	ح ر					مقوی بدن و باہ مزید منی در سرود بریان کردہ آن باغذائیت و حابس اسہال
									باب المیم مع اللام
ملح طعام	نمک	نون	م	ح ی ۲	سوء مزاج بصر	رطبہ ہای زردہ	نوشادر و بورق		جالی ملطف محلل قابض مجفف مسدد دافع عفونات اخلاط جامدہ مسہل بلغم و سودا
ملح اندرانی	نمک سنگ بلوری	نمک لاہوری	م	ح ی ۳					مقوی فہم و ذہن مسہل بلغم و لزوجات رافع تخمہ و جشا و ازادویہ عین
ملح اسود	نمک سیاہ	کالانون	نمکی سیاہ	ح ی ۲					در اسہال و تلیین و جلای زائد از اندرانی ہا ضم طعام رافع فواق و جشا

۱۹۲

ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ملح سانبهر	نمک سانبهر		نمک مائل بسرخی	ح ی ۲					مقوی فم مسهل بلغم ولزوجات رافع جشا وتخمه
ملح العجین			نمکے کہ در داخل خمیر نان کنند	ح ی ۲					قریب بملح اندرانی وقوت اسهال وحدت مصنوع آن زیاده
ملح طبرزد			نمک جبلی حجری	ح ی ۲					جالی مجفف قاطع بلاغم ولزوجات هاضم طعام
ملح المر	نمک تلخ	پادالون	نمک مائل بزردی وسیاهی	ح ی ۴				۱۰ ماشه	مسدل جراحات بامنع عربی وزیت گویند همین ملح نفطی ست وگویند مصنوع است
ملح نفطی			نمکی سیاه بدبو	ح ی ۳				۳۰ ماشه	مسهل مقی مخرج بلغم وسودا رافع جرب وخشش آن اگر بادوغن گل سرخ طلا نمایند
ملح هندی		سیندهانون	م	ح ی ۳				یک ونیم درم	مسهل ماء اصفر وبلغم وسودا مشهی محلل ریاح ودر سائر افعال مانند دیگر اقسام
ملح فرنگی			نمک شفاف	ح ی					مسهل بلغم وسودا وماء اصفر وحمیات خفیفه اگر بآب گرم حل کرده نوشند خوب اجابت کند
									باب المیم مع النون
		سنسل ملح	م						ملین دافع زهر وبلغم وخون وتنگی نفس وسرفه ومصفی رنگ مسمن دافع آسیب دیو وجن
									باب المیم مع الواو
سوہ	ریشه والا		بیخ نباتے	ح ی ۲	مصلح بسرکه خلیسا کرده			۲ مثقال	قابض مسخن ملطف مفتح منوم مصفی آواز مفید امراض عصب ومفاصل وضعف معده وجگر وطحال
مور وملح		کیلو	معروف	ح مع ز ۲	نفاخ	نمک بالا پیش خوردن			جالی کثیر الغذا بطی الهضم مولد خون غلیظ مسمن مفرح ملین سینه مرطب معده مقوی سپرز نافع یبس وخشونت حلق

۱۹۹

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	اقسال وخواص
		موسلی	بیخ سفید و سیاه	ح ی ۲					مبهی تریدمنی رافع ضیق النفس اجو اسیر محلل ریاح باطریفل رافع پرسیو با نجد مفید حمی ربع و جب
		موسلسے	درختی کلان معروف	ب ی					تمرش ممسک منی حابس بطن بقوع پوست در تخش مفید حرقة البول وقروح مجاری آن آشک
		مونج	پوست درخت توتیای از ای	ب ی					غرغره با آب طبوخ آن برافع جوشش دهن ثاد رام لثه و امانه و شربتش مفید بواسیر خونی و ریحی
		مونسر	نوعی از رمانین	ح					مشمی دافع بواسیر و فساد باد مولد منی شیرین بست و تلخ و گران
		موہک	معروف						دافع فساد باد و بلغم مزید صفرا
		موہن	درختی است	ح					قابض دافع فساد باد و بلغم و کرم مقدور در دمن بعسل و استخوان صمغ آن مبهی مسمن دافع فساد صفرا
		مونکل							قابض تکم گران و مقوی اعضا دافع فساد صفرا باد و مبهی و مشهی
		مونگرا	گلی است	ب					مفرح دافع صفرا و امراض عین و دهان و شیرین
		مورشکا	درختی است						دافع فساد باد و صفرا و بلغم و حرارت تب حابس اسهال
		موہڈی	نباتی ہندے	ح ر ۲					مقوی اعضای رئیسه و قوی ارواح و معده و محلل ملطف مفتح رافع خفقان و یرقان
									باب المیم مع الهاء الهوز
مہا	سنگ طیور		سنگی است	ب ی ۲					جالی محلل قاطع بیاض عین دافع لکنت و ثقل زبان مفتت مدر مزید شیر رافع عشه تعلیقا

سلسلہ تراجم گلشن ہند ص ۱۲۷ سطر ۱۲ کے اضافات از قلم مرزا غالب

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
مهلبیه	ثمر نے		غذائی ومقوی وتخم کار بیخم وشیر وشکر سازند	ح ر					رافع ملیخولیا وخون وبلغم مبسی ومسکن مولد خون صالح ومنی مبهی رافع قی سوداوی
	حهکے	م		ح ر					دافع فساد باد وسوم مولد منی مقوی قوی وحافظ صحت
									باب المیم مع الیاء
	حبیبہ			شراب به					مفرح مسبسه مقوی معده
مکیسن			درختی عظیم	ح ی ۲					ثمرش رافع قی ومقوی معده حابس اسهال منقی طوبات شرش نافع ورم قبیب آن مفید قرحه امعا وسحج ودا والثعلب
مکیسون	کرم ایوب		باریک جسمی بحری	ح ی					شرابه مفید استسقا وبسیر زوفت حساه ودرد گرده واستباس حیض مجفف رطوبات ذرورا
میعه سائله		سلارس	صمغ درختے	ح ی ۲	ریه	مصطکے	جندبیدستر	۱۰ حاشیه	مقوی محال منضج ملین مجفف مفید قرحه ورطوبات مفرط وگرفتگی آواز وبسیر زوا استسقا وسوم
میعه بابسه			نقاص میعه سائله	ح ی ۱ و ۲	مصلح	رازیانه	جاوشیر	۹ حاشیه	قابض مجفف ملطف جالب طوبات دماغی بجوز ادافع لقوه وهوا وبائی نافع خون بواسیر حموا مسقط جنین
میعه مخ	میعه		آبانگور جنانده	ح ی ۱	محرمین	میعه مرورید	شاب انگوری		موافق سینه وریه وآبله محرک باه مفید درد گرده ومثانه
میور سکها		حماسیدا	دوائی است	ب					مزید منی باه وشیر وکف برانگیزد وغلبه تخمه وبادرا ببرد ومقوی حواس خمسه مقوی بدن
									مقاله بست وپنجم در ادویه که اول آن نون است
									باب النون مع الالف

نقوه وغلظا ادویه وتقل آن کند وطلاء زیاده

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
ناریل یا برو هندی	ناریل	ناریل کھوپرہ	م	خ ی ۱	مسہل	شکر	پستہ	۲ مثقال	مسمن مقوی حرارت عزیزی اخلاط صالح مفید جنون و مالیخولیا و غلبۂ سوداوی و عطر دماغ و مسمن مسخن گردہ و مثانہ
ناریل بحری	ناریل دریائی		ثمر درختی ہست	مرکب القوی ۲				۲ قیراط	نافع ہیضہ و قی و تھوع بگلاب سایند نافع است حرارت غریزی مقاوم سموم مبقی تشنگی و حمی
ناردین			سنبل رومی	ح ۲ ی ۳	ریہ	کثیرا و عسل	سنبل ہند	۳ ماشہ	یکدرم آن مفید فالج و لقوہ و مرقان اضطباب مواد بعد مشرب با منبت سوء مزاج گان اکتعالا رافع اوجاع گرد
نارقیہ		انگیسترانی	نباتی ست	ح ی ۲				۴ ماشہ	مفرح مقوی معدہ و مفتح مدر بول و حیض محلل صلابات و رافع اوجاع مفاصل
نارکیوا			خشخاش سفید	ح ی ۲					محلل مخرج بلاغم خاکستر پوست آن رافع کلف و نمش و آثار جدری طلاء و مسقط سودا و عشا در سر آمدنش
	نارشک	ناگیسر	شکوفہ درختی ست	ح ی ۲	شاہ دانہ و زردی و روغن بادام	روغن بادام	مرہم نحیل	۲ مثقال	ملطف مرقق اخلاط نافع صعود ابخرہ بدماغ مفید وسواس و مالیخولیا مقوی دل و جگر مفید و معاجین بارد
ناسنج	نارنگ	کریا	ثمر درختی عظیم	ح ی ۲	خصب	شکر و عسل خرما	انرج	از ۲ تا ۳ مثقال او	ترشی آن موافق بلات سینہ و سر جالینوس آنرا با شکر مسہل صفرا و مسکن حدت آن و خون و رافع خمار و ملطف
ناطف	قبطیہ		م	ح ی	محرورین	اشیای حامضہ			موافق سینہ و سر و ضعف ہضم مسمن نافع اضطباب مواد بعد و مصنوع از خشخاش مفید حرقۃ البول
		ناگیسر	درختی عظیم	ح ی ۳					بقدر یک جبہ عصر آن ہر گ تبول مقوی باہ گلش رافع صفرا و بلغم و بواسیر کرم شکم و حمی و صفی رنگ و
	ناکھوا و زیانہ	اجوائن	تخمی است	ح ی ۳	بذر مصدع محرک	کشنیز عناب	شونیز	۱۰ ماشہ	مجفف طلین محلل ریاح نافع فالج و عرشہ و استرخا و درد سینہ و صلابات کبد طحال و تخمہ و عسر البول و سبعی
		ناگدمنے	چوبی شبیہ بہ مار						مسمن مقوی بدن دافع صفرا و بلغم و سوزاک و آتشک و بثور و زہر و قابض
باب النون مع الباء الموحدة									

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
نبیذ			لقوعات مسکرهٔ حادهٔ	ح ی	صاحب دوم طحال				محرق خون مضعف دماغ مکدر حواس مولد سودا
نبیذ التمر	معین آب		م	ح ی ۲ را	دماغ				مولد دم ملین ممتنح ہاضم مسخن بدن مقوی معدہ منقی سینہ وریہ محلل ریاح مبہی مدر
نبیذ العسل			شراب عسلی	ح ی ۲	محرور				محلل اخلاط غلیظہ مجفف حافظ صحت مبرود و پیر مقوی حواس نافع فالج لقوہ ورعشہ واسترخا
نبیذ السکر			از آب شکر سازند	ح ی	مصدع	انار			لطیف نافع گردہ ومثانہ وحرقۃ البول وعسر آن مسہل موافق ناقہین
نبیذ التمر			از خرما سازند	ح ی	ثقیل				موافق پیران وبلغمی مولد سودا وجذام وخنازیر وسرطان ومضر دماغ ومعدہ وامعا
نبیذ الارز			از برنج سازند	ح ی	مصدع	ماہی تازہ			مسہل بطن مدر بول قلیل السکر ساقط کنندۂ شہوت
					باب النون مع الحاء المہملة				
نحاس	مس	ثانیہ	م	ح ی ۳	محرق	کثیرا	تو تیا و زنجبار	ان باشد	محلل مدر قابض رافع نزلہ وسرفہ اکتحالش باعث حدت بصر شرب حامض ومالح ولحوم بطرف آن بصر
نخام	مرغابی		طائری آبی	ح ر	محرور	سرکہ			مولد خون متین ومنی مقوی جشم وبدن محرک باہ ویرضم نافع ببرد ومشائخ بد بو کنندۂ عرق وبول
نخل	خرمس عسل	خرمس کہنہ	م	ح ی ۳					بچہ پرنا آوردہ اورا بسایہ خشک کردہ یکدرم با پالودۂ آرد گندم نوشیدن بسیار مسمن طلای طوبتش
					باب النون مع الخاء المعجمة				
نخاع	حرام مغز		مغز ستخوانہا بجز	ح ر	بطی الانحدار	نمک			ملین صلابات رافع شقاق لب وخشکی اعضا ضماد آن اکال قمر وح ودر باہ افعال قمر مبدد دماغ

ع	ف	ر	م	طبع	صفی	مصل	ب	ق	افعال وخواص
نخاع	سبوس	بهرسیتے	م	مزاج قبلا		نشاستہ	آردجو		مجلی ملین محلل منقی آنفع کام وخشونت سینہ وشر ورید کہ بکشش محلل اورام بحیہ او جاع باک
									باب النون مع الدال المهملة
ند	کشتہ			حار ی					معوی قلب دماغ وحواس منعش ارواح محرک شہوت ومقوی ول ولبد وادفع ہوا وبائی طاعون
									باب النون مع الراء المهملة
نرتیقس				حار ی					سعوطاً دافع بدبوی ایپی قاطع رعاف ضماد شد عرق بارد غنا وباشراب نافع گزیدگی آخرس
نرجس	نرگس		گلی معروف	حار ی۲	محرور	بنفشہ نیلوفر	نسرین	۴۰ ماشہ	جالی جاذب محلل غاسل رافع صداع بلغمی شہا مفتح سدد دماغ ضماد ادرافع سفعہ وجرب وسبل وناخنہ
	نرگس		بیجی است					یک طسوج	مانع بستنے تعلیقاً وبا کہ یکہ تعلیق نمودہ جماع نمایند حاملہ نگردد ونیز تعلیقاً رافع خنازیر طاعون آمدہ
									باب النون مع السين المهملة
نسترغائر	نرگس	گیرہ	طائر ی معروف	حار ی۳	ردی الغذا	سرکہ			محلل رباح مفتح گوشت آن رافع تشنج خولنش رافع بیاض چشم ونزول آب وظلمت بصر وجرب چشم اکتحالاً
نسترن	گل شکینہ	سیرستے	گلے سفید	حار ی۲	معطش	کافور	نرجس یاسمین	۱۰ ماشہ	ملطف مفتح محلل منقی مقوی دل ودماغ وحواس مسخن دماغ رافع سردی اعصاب
									باب النون مع الشين المعجمة
نشا	نشاستہ		م	ب ی۱	مسدد	شیر بزنیہا	بزرقطونا	۷ ماشہ	رافع قابض مغری مصلح ادویہ عین مجفف قرح دافع جرب مسکن حرقت چشم ودرد عابس بطن

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
نشاره	برادهٔ		برادهٔ خشاب	ح ر					قابض جالی نشارهٔ چوب پوسیدهٔ قابض مجاجی منقی رحمها نافع قروح خبیثه ونملهٔ اساعیه
نشف			سنگ بر سوراخ	ی					قاطع خون طبیعی رخمها ولحم آنها خصوصا با شب ودر سائر افعال مانند مسد
									باب النون مع العين المهملة
نعام	شتر مرغ		مرعی است	ح ی ۴	محرور	سرکه			گوشت آن محلل رياح قاطع بلغم رافع فالج ولقوه وضرر واوجاع مفاصل وعرق النسا
نعنع	نزار پا		نباتی معروف	ح ی ۳	مولد رياح	کرفس	پودینه	باشه	در افعال مانند پودینه مفرح مقوی دل مرقی خون محلل رافع درد سر وخنازیر مقوی معده وحواس قبل از جماع
									باب النون مع الغين المعجمة
نغر	چکاوک	مولد	اسم جنس صنفو	ح ی					قدید نمک سود آن برای آسهال وغیر نمک سود آن برای عسر البول وقطعیت سنگ گرده ومثانه نافع
									باب النون مع الفاء
نفط	نفت		روغنی است	ح ی ۴	محرور بین	قطران ح	لعاب اسپغول	باشه	مفتح محلل صلابات تریاق امراض باردهٔ نافع فالج ولقوه درعشه وکزاز وضرر واسترخا
نفل			نباتی است	ح ی ۲					تخم وگل آن رافع سپرز ودرد بول وگل آن اقوی وطبیخ آن در افعال ضعیف تر است
									باب النون مع الكاف
	بچاپونی		نیوعی است	ح ی ۳					عصارهٔ آن بشربت رافع سموم رطوبات منفوخه وباشیر مسهل اخلاط فاسده

۲۵۹

ح	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب النون مع الميم
ثمر	پلنگ	تیندوا	حیوانی معروف	ح ی	نیز دوآن قاتل	بشیرق			بسیآن نافع قالح وضد زهر وجماع عرق بصل وتقرص واد اراض بارده طلاء بخود موش گریزانند وبولش
نحل	موچه	چیونٹی	م	ح ی ۳	خورد نش مرب	عسل وشیره		۱۰ عدد	۱۰ عدد مورچه مقابر بیکم اوقیه روغن بنفشه ۳ هفته بآفتاب گذاشته طلاء کردن نهایت حرکت ماه مورشل صلابت
نحوس			حیوانی است						طلاء سرگین آن با خرنل الرافع واد الثعلب موی سوخته آن رافع بهق سیاه وجرب وهر اش رافع دمعه
									باب النون مع الواو
نوشادر	نوساور	تیزی یا نمک شوره قلمی	حیوانی است	ح ی ۲	آن کشنده	آن بشیرد آن جرب	شب یا نمک اندرانی		ملطف جاذب مفتح قاطع نزف الدم ملتئم قروح رافع دمعه باردة نزلو در حلق جیبیده غرغره باب آسیدب
									باب النون مع الهاء الطوئی
نهنا			درختی است	ح ی ۲					مقوی عسر شمار افع نزلات زکام وخفقان وعدر ومنقی رحم وباسر کرد رافع سموم
									باب النون مع الیاء المثناة التحتانیة
نیشکر	سنو	خدای معروف	ح مع ی	دیر هضم	سنگ سنگجبین				مولد خلط صالح معدل بلغم رافع صعود بخار بدماغ ومالیخولیا وسرفه خشک ودرد سینه
نیلوفر			از نبوعات	ح					طبیخ آن رافع درد جگر وسهال بواسیر وضماد آن رافع خنازیر وعرق النسا
نیل	نیلہ	نیل	م	ح ی ۲	ریئه	عسل	با میثا آرد جو	۷ ماشه	محلل مجفف رادع قاطع نفث الدم ونزف الدم بقدر ۴ جاروی رافع سرفه اطفال شربا

ع	ف	ه	م	ط	مض	ص	ب	ق	افعال و خواص
		نیم	درختی معروف	بِ ای ۲					محلل منتج مصطح جراحات منفضه آبکرده آن معقوله ادویه آبش رافع فساد خلق نافع جذام و جذام بثور
نیلوفر		نیلوپهل	گلی معروف	بِ گویند ی ۳	مشانه وباه	عسل و شیر مربا	۲ تولید و ۷ ماشه	حب ۱۰ عدد بعقشه و دنبلاف	مقوی دماغ مسکن حرارت مفرح رافع خشکی دماغ و خشونت سینه و جگر مانع احتلام رافع حمی
		نیلاستد بکسر							مزید عقل مقوی قوی و چشم دافع آماس خصا و کرم شکم و جذام و دمامیل و بثور و مشهی
									مقالهٔ بست و ششم در ادویه که اول آنها واو است
									باب الواو مع الالف
۱۱۰ ۱۱		مرغ آبی		خ ۲ ی ۱	محرور	سکنجبین و انواعها منضجه			گوشتش محلل ریاح رافع فالج و درد زانو و کمر زهره آن رافع بیاض چشم و بهق
									باب الواو مع الجیم
ج	انگرتر کے	بیچ	نباتی است	خ ۳ ی ۲	سرو محرور	سکنجبین ۱۰ و در آبها پخته	زیره کرمانی ۳	۳ ماشه	ملطف جالی مفتح قاطع بلغم محلل ریاح تریاق سموم منقی دماغ نافع فالج ۳ و خدر و استسقا و لکنت
									باب الواو مع الدال المهملة
د ع	گوش ماہی	گھونگھا	م	ب ی	ریه	عسل	صدف	۱۰ ماشه	جالی گوشتش جاذب پیکان و خار و ناشف رطوبات مدر بائیت نافع عسر البول و حصاة
									باب الواو مع الراء المهملة
ورد	گلاب	گلاب کا پھول	م	بِ ی ۲ گویند ر	باه سهوشک	عسل و سکر حب الزلم	بنفشه	از خشک آن یکتوله ۲ ماشه	مقوی قوی و اعضای رئیسه ملطف جالی مسهل و مسکن صفرا و بلغم رقیق مقوی دندان ۱۰ ماشه منضجه

۱۱۰ ۱۱

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
ورد الحمائی	گل زرد یا		گلی است زرد	ح ی					محلل قوی و در اطلیه مستعمل نمودنش بهتر است
ورس			ثمر درختی	ح ی ۲	رئیه	مصطکی	زعفران سافرج	۴ باشه	مقوی مفرح رافع بهق وخفقان و برص و نمش و کلف محلل جالی مبهی مفتت
ورشان			از جنس کبوتر صحرائی	ح ی	عسر الهضم	سرکه و نمک			گوشت آن نافع فالج و برودت گرده و مثانه و پشت و محلل ریاح مداومتش مورث سوء خلق
وَرَل	بزمچه	گوزی و گوده	حیوانی است	ح ی ۲					مبهی محلل ریاح ضماد گوشتش مع سرکه و نمک پکان و خارمالیدن بپیش باعث عظم قضیب و رافع کلف
					باب الواو مع السین المهملة				
وَسَخ	چرک	میل	فضلات عین حیوان	ح ی					چرک گوش رافع شقاق لب و گرمیدن انغی و بواسیر و داخس ذرور خشک آن نافع قروح و سخنه
وسخ الکوار			چرک خانه زنبور عسل	ح ی ۲					ملطف جالی جاذب محلل اورام بخور آن رافع سرفه مزمن و طلاء آن رافع قوباء جاذب خار
					باب الواو مع الشین المعجمة				
	وشق		پوستین حیوانی	ح ی ۳	محرورین				محلل ریاح نافع فالج و کزاز و رعشه مزیل بلغم مقوی گرده و باه جلوسا نافع بواسیر و نقرس
وشیج	لیمو دارد		نباتی است	ب ی ۲					رادع مقوی اعضاء تسبیخ خشک سائیده آن با بیضه نیمبرشت نافع شکستگی اعضای صدر
					باب الواو مع العین المهملة				
وعل			اسم بقر جبلی	ح ی ۳	سوداجزاء	سرکه با زیره			جید الغذا مقوی اعضاء صبر و دین و مشایخ بیه آن نافع فالج و کزاز و نقرس

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب الواو مع اللام
وکنب			نوعی از تیموع	ح ی ۲	مورث غشی	غسل	لالہ	لے باشہ	مغثی مقی مسہل مخرج اخلاط منقی بدن اگر از فوق قطع کنند مقی بود بلا اسہال واز عکس عکس
									مقالہ بست وہفتم در ادویہ کہ اول آنہا حرف ہا ہوز است
									باب الہاء مع الالف
ہارسنگار			درختی معروف ہندی	ب ی					بالش برگش پر قوبا نافع برگ نورستہ اش با ندکی ادرک ساید نوشید ن رافع حمی آمنہ سفید گلش مقوی
ہاسیمونا			نباتی است	ح ی ۱					ملطف اخلاط غلیظہ مقوی قلب حافظ صحت اعضا شربتش باعث توالید پسر نافع سرفہ
									باب الہاء مع الدال المہملۃ
ہدبہ			گرمی کوچک کہ بسیار بنا	ب ر ۲					تحنک آن نافع خناق وسقوط لہات قطور رطوبتش با حلیلہ رافع حرقۃ البول
ہدہد	مرغ سلیمانی		مرغی معروف	ح ی ۲					اکتحال بمرارش با عسل رافع بیاض عین ملیع دلش گرم با گرم حین ذبح متصوح حافظ تعلیق پرو زبالش
									باب الہاء مع الراء المہملۃ
ہربے			نبیج نوعی از محمود	سیاہ ان ح ی ۲	سم قتال	علاج بیش خوردہ			بقدر نیم نخود کشند بقی وسوزش اسہال بوتشنج ودواگ سفید شکری رنگ آن کشندہ ودر سموم مستعمل
ہرطمان			جنسی است از رجو وگندم بہر سد	ممانع ومعب	تقیل	سرکہ زیرہ کرمانی			محلل رادع مشہی خش بارہ خن موافق سینہ ونافع سرفہ وغیر قابض وبلا رغن حابس لطن

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
هرنوه			ثمر درخت عجوه	ح ع ی			قاقله	۷ باشه	مفرح محلل نافع زکام و نزله دائم مسخن گرده و مثانه مدر بول شریش رافع اوجاع حلق
		هرفرود	ثمر درختی شبیه بشیش	ب ر					قاطع صفرا مسکن غلیان بلغم سوداء بشیر برگش حلکرده بسبت و بابابد بعد خشک شدن جماع
		هریسه	آنا خذیه مشهوره	ح ر	مسدد	انگور			کثیر الغذا مسمن بدن گردد مقوی عصب و باه و مزید منی و موافق امراض سینه و خشونت سینه
		هرمره	درختی است معروف	ب					مدر بول دافع فساد بلغم و باه و گران آنجور آب برگش دافع درد گوش اکل برگش پخته رافع جذام
باب الهاء مع اللام									
بلیون و خشخاش	هارچوبه	ناکرون	نباتی است	ح ا ح	راس	عسل	حرشف	۱۰ باشه	مسبی محلل مفتح شریش نافع طلت بصر و سینه و پهلو و استسقا و مضغه بان نافع درد دندان
باب الهاء مع النون									
هندبا	کاسنی	کاسنی	معروف	ب ر ا	صاحب قرفه	شکر و سرکه	بنفشه کشنیز شاهتره	از آب باده تولد ۱۰ باشه	مفتح مسکن حدت صفرا و خون و تشنگی بیهوشی و برگش بارد جور رافع خفقان و محلل ورم مقوی قلب
هندبای بری			نباتی است	ی ا					قابض مقوی معده قاطع نفث الدم جوشیر جابی بیاض عین رافع سموم
		هنگوشه	درختی	ح ی	اسعا	نبات			اهل هند تمر آنرا اکثر باد و خشم را
باب الهاء مع الواو									
هواء	باد	باد	معروف	ح ر	صاحب قرفه	بیاروسکر			باد صبا دافع بلغم مفتح مجفف رطوبات نافع نزله ناضم نافع امراض بارده مانند فالج استسقا
هوفاریقون			نباتی است	ح ی ۳	یا البنر				مفتح مجفف محلل ملطف مدر بول و طمث و مسهل امراض صفرا شریش نافع کزاز و تفتیح سدده کبد

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
بوم کرکی			نباتی است		سم قتال				اگر بیکان بابیش آلوده خشک نموده بهر حیوانی که تیرش رسد مرده شود
ثوم المجوس			گیاهی است	ح ی ۲				۴۰ باشه	منفخ مجفف جالی مفتت سنگ گرده ومثانه ذرور گلش حابس خون جراحات
									مقالهٔ بست وهشتم در ادویهٔ که اول آنها یای تحتانیه است
									باب الیاء مع الالف
یاسمین		جنبیلی	گلی معروف	ح ی ۲	مصدع محرور	بنفشه گلشن سرکه	یاسمین زرد	از چهل تا شصت	مدر مفرح منضج مسکن سعوط دماغ مسهل بلغم وسوداوی نافع سدد وفالج ولقوه خدر محرک باه مخرج کرم معده
یاقوت			سنگی است	سح ی ۲				یکدانگ	مفرح مقوی دماغ ۳۰ تا ۴۰ آن شربا نافع صرع ووسواس وخفقان وطاعون مسموم ونزف الدم
									باب الیاء مع الباء الموحدة
یبروح الصنم		لکعبی کلهنی	بیخ تفاح بری شکل انسان	ب ی ۲	مخدر	عسل و دارچینی	بزر البنج	یک باشه	پوست بیخ آن مقوی مجفف مخدر مسبت تعلیقش رافع صرع شرب بخش با سکنجبین رافع خفقان
بنوج			نبات شیردار	ح ی ۴	سم وسقرح	روغن بنفشه	ابر سکنج	تا سه قطره	مقرح جلا مقطع قتال اگر بآب اندازند ماهیان بیرون آیند مفتت شربا مسهل بلغم قاتع بواسیر
									باب الیاء مع الراء المهملة
یربوع	موش دشتی	چوا جنگلی گوش	حیوانی معروف	ح ی ۳	محرق خون	پیسوهای ترش			کثیر النفع الدین نافع فالج لقوه رعشه امراض باردهٔ حصاب واوجاع مفاصل واورام بقول
									باب الیاء مع الهاء

ع	ف	ه	م	ظ	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
		یکم پته	درختی است	ح					قابض دافع فساد باد و بلغم نافع امراض سگ و مثل خنازیر و خناق تمرش هم دافع فساد باد و بلغم
									باب الباء مع المیم
		یمنا جبل	آب آهن در آب						سنگش حرارت غریزی دافع فساد باد و بلغم موافق ناقهین و مرضی و سودا صفرا
									باب الباء مع النون
ینبوب			حربوب بنطے	ب ی ۳		دیر ہضم		مغفص غیر منقوب	جلوس بطبخش رافع مغص و سیلان حیض و اسہال طلایش محلل تالیل و مقوی است
									باب الباء مع الواو
یوز	چیتا		شکاری ہمانورے	ح ی					طلای زہرہ و پیش بر عضو گیرانند سوام و ضماد پیش مابین دو چشم باعث ہیبت در نظرہا

والله سبحانه الکلام الی یرید الحق وهو غایة المقصود واقصی المرام تحلیة ان نختم الکلام بالفاتحة خاتمة در امتحان جودت و ردات تریاق فاروقی و غیر آن باید دانست که امتحان جودت و ردات تریاق چنان کنند که [illegible] و خیر ہا و چوہا و جانوران دیگر که زہر ہا میخورند که نمیرند از تریاق فاروقی رغبت نمایند پس اگر عمل سہل باطل گردد تریاق غیر مغشوش است و امتحان جودت و ردات حجر الطیب چنان کنند که سوزن را با آتش سرخ گردانند و در حجر الطیب فرو برند پس اگر از وی دود سیاہ بر آید مغشوش بود و اگر زرد بر آید غیر مغشوش بود بہتر آنست که چون با شیر بر سنگ بسایند رنگ شیر با آن سرخی گردد و امتحان جودت و ردات حجر الحیه چنان کنند که حجر الحیه را در آب لیمون کهنه در کاسه چینی کرده باشند اندازند پس اگر در حرکت آید و روان شود غیر مغشوش بود و اگر در حرکت نیاید مغشوش و امتحان جودت و ردات دهن باسیان چنان کنند که بر شیر چکانند پس اگر شیر ببندد غیر مغشوش بود و اگر نه ببندد مغشوش و الله اعلم بالصواب

قطعه تاریخ آغاز طبع کتاب از خوش گو نیکه خوشحال عالم بمثال مولوی سید ولی عالم صاحب پهلواروی مسته

بار ثانی طبع چون شد این کتاب — زنده شد زو خاطر مرده دلان — بالبداهه با ولی از فضل رب — مغنی العالم شده تاریخ آن

قطعه تاریخ از خوش طبع بزرخار میر پیر جی صنیع ولیکن دلان ۱۲۸۱ — مولوی محمد عبد اللطیف صاحب رئیس موضع مهدانوان

پرگنه منیر ضلع عظیم آباد — بود عنقا چو این کتاب آنجا — زود باره انطباع شده — فکر تاریخ آن چو کرد لطیف

باسر طب اختراع شده — قطعه تاریخ طبع او شنوی خصائل در هر فنون کامل مولوی سید اصغر حسین صاحب سلمه الله

۱۲۸۱

بر شته دار محکمه نواب جناب مولوی سید وارث علی خان صاحب بهادر ضلع بلی کلکٹر

آنکه مثل خود ندارد در جهان — پایه علم و حیا ناصر علی — واقف هر علوم نکته دان — عیسی دوران حکیم بے بدل

تازه شد زو خاطر پیر و جوان — بهر طبع ثانیش از سال او — بود فکرش در دل اصغر نهان — داد ترتیبی کتاب علم طب

همقران او بهار بحر دان — ابیض مشرب — طبع شد چون نسخه در علم طب — ناگهان از غیب آوازی رسید

در زمستان ۱۲۸۱ — یافته دوباره از طبعش فراغ — دوستان گفتند در دل باغ باغ

محمد اسحاق صاحب — فکر تاریخ طبع این نسخه — من بدل دادم که آخر کار — بعنایات خاص حق کالوحی

سال طبعش رسید از عفار — قطعه تاریخ از منشی اشرف علی اشرف — از دلی هی مطبع علوی طبع کیا یہ کتاب

جو چاہی وہ ہوا اہتمام صحت کا — برای سال در فکر اشرف فتد — عجیب نسخہ حکمت ہے آب زر سے لکھا

۱۲۸۱

خاتمة الطبع از حکیک کلک گوهر سلک عالم عامل مولوی حکیم سید صاحب مصنف مجموعه جناب مولوی حکیم محمد ناصر علی صاحب قبلہ

اللهم اياك نعبد و اياك نستعين و نصلي و نسلم على خاتم النبيين و شفيع المذنبين و سيدنا في الدنيا و الدين و على آله المنتجبين و صحبه المنتخبين اما بعد حقير عباد رب العالمين محمد يسين عفا الله عن شر الدنيا و الدين بخدمت

عمل کہ کتاب ایدہ مدار مجمع البحار ابہر بن عرض خدمت یکہ کتاب بسیار بود العباد حاذقین و کار نامہ علماء ماہرین اعنی ناصر المعالجین

تصنیف ابی و استادی مولوی حکیم محمد ناصر علی ابقاہ الله فی خیر الجزاء و اعطانی عنه احسن ما یعطی الابناء من الآباء

کہ سابق ازین از مسودہ قبل از نیکہ خاتمہ آن بخیر انجام شود و منتظر بودم از الله مستقیم از ہر ابواب و قشر از لباب نمودہ صحت آن الا کلام

کردہ شود کہ کتاب ہذا طبع شد و بباعث شدہ او زمانہ اہل فی فساد و نائرہ اشتعال فتنہ و عناد کہ قیامتی بپا بود و آسمان زمین دیدہ و با الاخیار

تصحیح آن از سر اہل مطبع رفع شد پس در چند روز این نسخہ شہر قرئی امصار و ہر کوچہ و بازار منتشر گردید مقبول طبایع

خاص و عام شد بہ علیل و غلیل از و سیراب و بہرہ ور گردید ہر کہ دید بدل خرید تا آنکہ از کثرت مشتری این نسخہ بیکبارگی نایاب گردید

ہر کس بخریدار پیش جا جتمند شد از ہر جانب صدای کو کو بلند شد و چون این نسخہ بدان والا مصنف رسید آندکی در آن

وقوع تغیرات گردید و جا ہا کار بحو و اثبات رسید با وجود کثرت مشاغل حرف انحصار و ازدحام عوائق از کار در اسرع ایام

بنظر ثانی بتصحیح و تنقیح آن پرداختند و تحشی آن بحواشی عجیبہ و فوائد غریبہ و ایراد منتخبات لطیفہ و نادرات

شریفه ساختند فجاز بحمد الله کما تسر الناظرین فالحمد لله حمد الشاکرین چشم از آب ده دوستان آنکه اگر مبغ دلک اندخ
ازین بحر ذخار منفجر شوند عاقل برخذ ما صفا و دع ما کدر شوند اکنون حق تصنیف این نسخه ناصر المعاجین
جناب والد ماجد عم فضائله و ابقاه بخوشی و رضای خویش بسبلاله دودمان عالی خاندان اسوه خوانین بلند مکان لله الحمد
محبوب الانفس و الآفاق تاجر عالی وقار صاحب مطبع ذی اعتبار هادی فن طبع خوش طبعان مولوی محمد علی بخش خان
صاحب مالک مطبع علوی لکهنوی هبه صحیحه فرمودند و موهوب له موصوف بران قابض و متصرف گشته مطابق نسخه صحیحه
مذکوره در مطبع عالیه خویش بجمال صحت و خوش اسلوبی از زیور طبع آراسته اشاعت آن ساختند لیس جهت ازالة الشکا
و اثبات صحت نسخه صحیحه بذا جناب والد موصوف مزین از مهر خود نمودند
باید که کدامی اهل مطابع بلا اجازت خانصاحب ممدوح عزم طبع آن نسخه
نسازند و بخیال سود نرد خسران با خود نبازند فقط

الحمد والمنه که کتاب کامل الاکتساب موسوم به ناصر المعاجین حسب فرمایش و نظر ثانی مصنف ممدوح
مرتبه دوم بجمال صحت دوباره و جانفشانی و جدوجهد بی شمار تصحیح و تنقیح ماهر علوم شریف واقف فنون لطیف عالم
معقول و منقول حاوی فروع و اصول مولوی سید محمد معشوق علی سلمه الله القوی در شهر لکهنؤ مقام کثره
محمد علیخان در مطبع علوی باهتمام خاکسار بهزاد عوسیان محمد علی بخش خان ابن پیر محمد خان غفرله

الف جلد	بتاریخ بست و چهارم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۸۶ هجری مونق طبع یافت
فی جلد ۱۰	

اشتهار

حق تصنیف اس کتاب ناصر المعاجین کا بموجب ہبہ نامہ مصنف ممدوح بنام عاصی محمد علی بخش خان مالک
مطبع علوی لکھنوی کی ہبہ ہو کر حسب درخواست داخل بہی رجسٹری سرکار ابد قرار بمراد قانون بست و ۲۵ سنہ ۱۸۴۷ء
مندرج کی گئی لہذا التماس ہی کہ بدون اجازت اس عاصی مالک مطبع علوی کی کتاب ہذا مسمی ناصر المعاجین
نہ چھاپی جائی بلکہ عند الضرورت جسقدر احتیاج ہون بذریعہ خط پیڈ بارسال قیمت طلب فرماوین فوراً انشاء اللہ ارسال ہوگی فقط

واسطے سند اس امر کی کہ یہ کتاب مطبع علوی مین چھپی ہے
مہر مطبع ثبت کی گئی فقط

CALL No. { ف ٦١٠٦٣ / ن ١١٥ م } ACC. No. ٩٨٨٢
AUTHOR. ناصر علی
TITLE. ناصر المعاجین

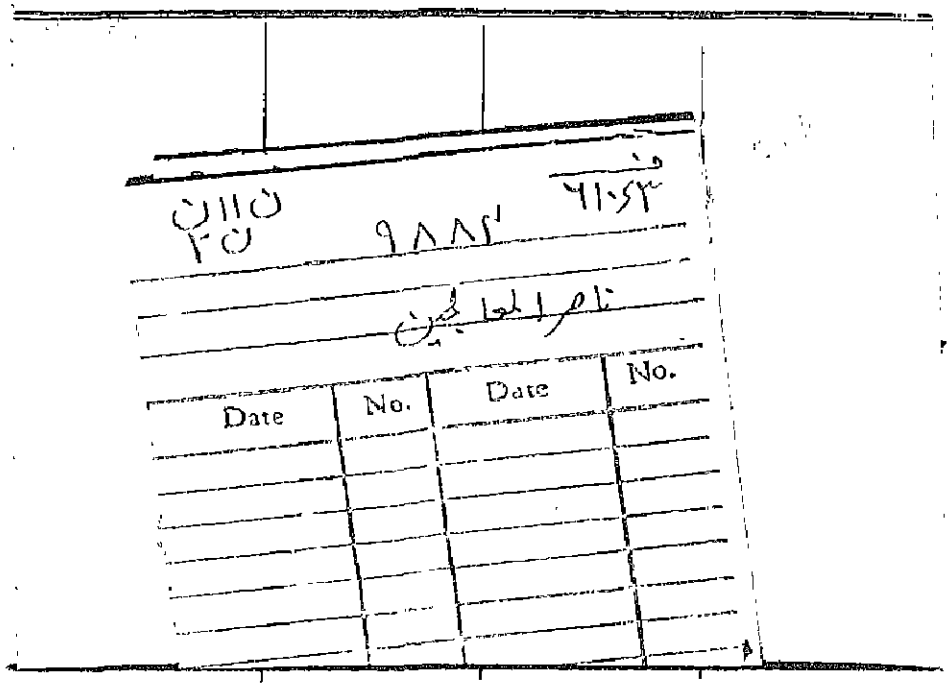

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

-:RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1/- per volume per day shall be charged for textbooks and 10 P. per vol. per day for general books kept overdue.